



BP۱۴۸۳

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

منشورات کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث (۱۶)

آینده پژوهی و مهدویت در گام دوم

زیر نظر: دکتر محمد علی رضایی اصفهانی / به کوشش: غلامرضا بهروزی لک - علیرضا شاهین

چاپ اول: ۱۴۰۰ ش / ۱۴۴۳ ق

ناشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

● چاپ: چاپخانه دیجیتال المصطفی ﷺ ● قیمت: ۴۴۴ ریال ● شمارگان: ۵۰۰

مراکز پخش

◀ ایران، قم، خیابان معلم غربی (حجتیه)، نبش کوچه ۱۸:

تلفن: ۰۲۵ ۳۷۸۳۶۱۳۴ +۹۸ ۲۵ ۳۷۸۳۶۱۳۴ تلفکس: (داخلی ۱۰۵) / ۰۲۵ ۳۷۸۳۹۳۰۵

◀ ایران، قم، بلوار محمد امین، سه راه سالاریه. تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۱۳۳۱۰۶

pub_almustafa

http://buy-pub.miu.ac.ir

miup@pub.miu.ac.ir

با تشکر از دست اندرکارانی که ما را در تولید این اثریاری رساندند.

● ناظر فنی: سید محمد رضا جعفری

● مدیر انتشارات: مصطفی نوبخت

● ناظر گرافیک: مسعود مهدوی

● مدیر تولید: جعفر قاسمی ابهری

● ناظر چاپ: ایوب جمالی



دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی

۱۰۲

این اثر با حمایت «دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی» معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه چاپ شده است.

منشورات کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث (۱۶)

آینده پژوهی و مهدویت در گام دوم

زیر نظر: دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

به کوشش: غلامرضا بهروزی لک - علیرضا شاهین



مرکز بین المللی

ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی، فراوری اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پایبندی به دین و سنت در مدیریت همه‌جانبه کشورها بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید. از این‌رو، مطالعات و پژوهش‌های به‌روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس معیارهای معتبر جهانی و اندیشه‌های ناب و ژرف، بایسته و ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مهم و مورد عنایت بنیان‌گذاران این شجره طیبه، به‌ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام می‌باشد.

جهانی‌شدن و گسترش سلطه فرهنگی غرب در سایه رسانه‌های فرهنگی و ارتباطی، اقتضا دارد که دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان به این مباحث، با اندیشه‌های بلند و ارزش‌های متعالی آشنا شوند و این مهم، با ایجاد رشته‌های تخصصی، تولید متون جدید و غنی، گسترش دامنه آموزش و تربیت سازمان‌یافته دانشجویان به سرانجام خواهد رسید. این فرایند، گاه در پرداختن به مباحث بنیادین و تدوین متون تخصصی تعریف می‌شود و گاه در نگارش بحث‌های علمی، اما نه چندان پیچیده و تخصصی به ظهور می‌رسد.

بالندگی مراکز آموزشی، در گرو نظام آموزشی منسجم، قانونمند و پویاست. بازنگری در متن‌ها و شیوه‌های آموزشی و پژوهشی و به‌روز کردن آنها نیز این انسجام و پویایی و در نتیجه، نشاط علمی مراکز آموزشی و پژوهشی را در پی دارد. «جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم العالمیة» به‌عنوان بخشی از این مجموعه، که رسالت بزرگ تعلیم و تربیت طلاب غیر ایرانی را بر عهده دارد، تألیف متون درسی مناسب را سرلوحه تلاش خود قرار داده و تدوین و نشر متون درسی در موضوعات گوناگون علوم دینی، حاصل این فرایند است.

مرکز بین‌المللی

ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم



کنگره بین المللی گام دوم انقلاب
اسلامی از منظر قرآن و حدیث

امام خامنه‌ای عَلَيْهِ السَّلَام:

انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلّه پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله خودسازی و جامعه پردازی و تمدن‌سازی شده است.

بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

تقدیم به:

روح ملکوتی بنیان گذار تمدن نوین اسلامی حضرت روح الله موسوی خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و شهدای گران قدر راه انقلاب اسلامی که با خون خود نهال انقلاب را آبیاری نموده تا به درخت پربار تمدن نوین اسلامی بدل گشته و مقدمات طلوع خورشید عظمای ولایت فراهم گردد.

فهرست

۹. مقدمه ریاست کنگره
۱۱. مقدمه مدیر علمی
۲۵. مقدمه معاون علمی
۲۹. مقدمه مدیر کمیته
۳۲. ۱. عوامل زمینه ساز ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
۳۲. زینب خسروی نیا (نویسنده مسئول)
۳۲. نعیمه ترزبان
۶۳. ۲. مؤلفه های تمدن مهدوی با تأکید بر آیه ۵۵ سوره نور و بیانیه گام دوم انقلاب
۶۳. رضیه سیف الدینی بنادکوکلی (نویسنده مسئول)
۶۳. رخساره زارع ارنانی
۹۴. ۳. مؤلفه های تمدن مهدوی با تأکید بر آیه ۵۵ سوره نور و بیانیه گام دوم انقلاب
۹۴. فاطمه هوشیاری (نویسنده مسئول)
۹۴. محمد حسن رضوانی تبار
۱۱۸. ۴. مؤلفه های تمدن مهدوی با تأکید بر آیه ۵۵ سوره نور و بیانیه گام دوم انقلاب
۱۱۸. سمیه نوروزپور کشتلی (نویسنده مسئول)
۱۱۸. سید قاسم حسینی
۱۱۸. آسیه اسماعیلی

۵. بازخوانی و تحلیل مؤلفه های تمدن ساز جامعه مهدوی با تأکید بر آیه ۵۵ سوره نور _____ ۱۴۷
- طاهره بتول مظفری کیا (نویسنده مسئول) _____ ۱۴۷
- ریحانه حقانی _____ ۱۴۷
۶. تعامل مهدویت و فرهنگ دفاع مقدس از منظر قرآن و نقش آن در پیشبرد اهداف گام دوم _____ ۱۷۶
- علی عباس نیا _____ ۱۷۶
۷. ایمان به وعده های الهی و مهدویت و تاثیر آن در رهبری انقلاب اسلامی _____ ۲۰۶
- عبدالمحمود جهانگیری (نویسنده مسئول) _____ ۲۰۶
- کلثوم برادران _____ ۲۰۶
۸. تحلیل قرآنی روایی گام های اجتماعی تمدن ساز عصر ظهور از منظر امام خامنه ای (دام ظلّه) _____ ۲۲۵
- معصومه کاشفی زاده (نویسنده: مسئول) _____ ۲۲۵
- خدیجه حسین زاده _____ ۲۲۵
۹. تحلیل قرآنی روایی گام های بین المللی تمدن ساز عصر ظهور از منظر آیت الله خامنه ای (دام ظلّه) _____ ۲۵۰
- معصومه کاشفی زاده (نویسنده مسئول) _____ ۲۵۰
- خدیجه حسین زاده _____ ۲۵۰
۱۰. جامعة المصطفی ﷺ العالمیه و آینده پژوهی راهبردها با تأکید بر بیانیه گام دوم _____ ۲۷۶
- حسن بشارتی راد _____ ۲۷۶

مقدمه ریاست کنگره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قرآن به عنوان کتاب هدایت، تبیان هر چیزی است که سعادت دنیوی و اخروی انسان در گرو آن است. آموزه‌های وحیانی قرآن، به گونه‌ای است که هر کسی در هر سطحی از ادراک و دانش که باشد می‌تواند نیازهای اندیشه‌ای و انگیزشی خود را از آن تأمین کند.

از طرف دیگر هر انسانی نیازمند الگوهای عینی و ملموسی است که به او نشان دهند که آثار و برکات راه چیست و چگونه می‌توان به سلامت به مقصد و مقصود رسید. از این رو خداوند، پیامبر مکرم ﷺ و عترت طاهره آن حضرت را به عنوان «مبین» و اسوه‌های عینی و عملی حسنه برای مردمان شمرده تا ایشان را سرمشق خویش قرار دهند.

بر اساس بیان قرآن نتیجه تمسک به عروة الوثقی الهی و حبل الله المتین که همان قرآن و عترت است، هدایت در صراط مستقیم و رهایی از گمراهی و گمگشتگی در ظلمت‌ها است. امروز که جهان به شدت گرفتار فتنه‌های گوناگون است، نیاز بشر به این مشعل هدایت برای برون رفت از بحران‌ها بیش از هر زمان دیگر است.

انقلاب اسلامی و گفتمان برآمده از آن در چارچوب و با محوریت اسلام ناب محمدی ﷺ به دنبال ارائه نظام جامع تمدن اسلامی در جهان معاصر است. امامان انقلاب اسلامی بر آن بوده و هستند تا تمدن نوین اسلامی را شکل دهند و الگویی عینی از زیست مؤمنانه در جهان معاصر را به بشریت ارائه کنند.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که مقام معظم رهبری علیه السلام ابلاغ فرمودند، در حقیقت منشوری مبتنی بر آموزه‌های وحیانی قرآن کریم است که شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را مدنظر قرار داده و بنا دارد جهت‌گیری‌ها را در راستای تحقق آن سامان دهد.

تحلیل بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و شناسایی و تبیین مبانی و اصول قرآن و حدیثی آن بی‌شک می‌تواند راهگشای تحقق آرمان‌های گفتمان انقلاب اسلامی باشد. جامعه المصطفی‌العالمیه در همین راستا و بر اساس رسالت و مأموریت خویش اقدام به برگزاری همایشی با موضوع تبیین مبانی و اصول قرآنی و حدیثی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نمود. ضمن تقدیر و تشکر از برگزارکنندگان این همایش ارزشمند به‌ویژه همکاران گرامی در مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث و همچنین فضلاء و اساتیدی که با ارائه بیش از ۱۰۸۰ مقاله به دبیرخانه دائمی همایش قرآن و حدیث المصطفی در این رویداد بزرگ علمی مشارکت داشته‌اند برای همگان توفیق خدمت به ساحت قرآن کریم را از خدای بزرگ مسألت دارم.

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

علی عباسی

آذرماه ۱۴۰۰

مقدمه مدیر علمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا﴾؛ (اسراء، آیه ۹).

قرآن کریم نوری در ظلمات جهل و کفر و شرک و خرافات جاهلیت بود جهان را در چهارده قرن پیش روشن ساخت و انقلابی در جهان برپا کرد که گام اول آن در عصر پیامبر اسلام ﷺ برداشته شد و گام دوم آن در عصر امام علی عَلَيْهِ السَّلَام برداشته شد و گام‌های بعدی توسط امامان اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام پیموده شد و گام آخر آن توسط مهدی آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام برداشته خواهد شد.

یکی از جلوه‌های این انوار الهی در انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ شمسی درخشید و گام اول آن توسط امام خمینی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ برداشته شد و تا چهل سال ادامه یافت، و اینک گام دوم آن توسط جانشین علی وار ایشان امام خامنه‌ای عَلَيْهِ السَّلَام برداشته می‌شود و می‌رود تا این انقلاب به دست صاحب اصلی آن حضرت بقیه الله عَلَيْهِمُ السَّلَام داده شود تا گام نهایی آن به دست ایشان رقم بخورد (ان شاء الله) حضرت امام خامنه‌ای عَلَيْهِ السَّلَام برای پیمودن گام دوم انقلاب اسلامی بیانیه‌ای گرانسنگ صادر فرمودند و برنامه‌ای راهبردی و آینده پژوهانه را ترسیم نمودند که چراغ راه ایران و امت اسلامی باشد.

از آنجاکه مفاد این بیانیه مستند به آیات قرآن کریم و احادیث اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام است. دانشوران «مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه» بر خود فرض دیدند که بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام تبیین کنند تا

مبانی، مستندات و لوازم قرآنی حدیثی محتوای عالی این بیانیه روشن گردد و زیر ساخت فرهنگی جهت عملیاتی شدن بیانیه گام دوم فراهم گردد.

بر این یک ماه بعد از صدور بیانیه گام دوم در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ شمسی یعنی در اسفند ۱۳۹۸ شمسی نخستین جلسات کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث برگزار شد و شروع آن اعلام شد.

لیکن مراحل اداری و مقدمات کار در سال ۱۳۹۸ شمسی انجام و جذب مقالات و نشست‌های علمی آن آغاز شد و با استقبال زیاد قرآن پژوهان و مراکز علمی روبه‌رو شد لیکن به خاطر شیوع بیماری کرونا (اسفند ۱۳۹۸ ش) برگزاری اجلاس نهایی کنگره به تاخیر افتاد تا در زمستان ۱۴۰۰ شمسی این شجره طیبه به بار نشست و به همت همکاران کنگره به ویژه قائم مقام مدیر و معاون علمی کنگره حجت‌الاسلام والمسلمین محمد امینی تهرانی و با حمایت خاص ریاست جامعه المصطفی‌العالمیه حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عباسی و دیگر مسئولان؛ کاری عظیم سامان یافت که در زمره بزرگترین کنگره‌های تاریخ ایران گشت، والحمد لله رب العالمین.

گزارش اجمالی کنگره

۱. اهداف کنگره:

همایش گام دوم دارای اهدافی است که در ذیل به آن اشاره می‌گردد:

۱. تبیین مبانی گام دوم از منظر قرآن و حدیث
۲. تبیین راهکارهای اجرایی گام دوم از منظر قرآن و حدیث
۳. تبیین جایگاه قرآن و حدیث در گام دوم انقلاب اسلامی
۴. تقویت و تعمیق گام دوم انقلاب اسلامی در اندیشه دینی
۵. تبیین الگوی قرآنی و حدیثی انقلاب اسلامی برای جهانیان
۶. تبیین نقش نهادهای قرآنی به‌ویژه در جامعه المصطفی‌العالمیه در گام دوم انقلاب اسلامی
۷. تبیین مبانی گام دوم انقلاب اسلامی انقلاب با توجه به آموزه‌های قرآنی و حدیثی.

۲. محورهای کنگره:

گام دوم، عقلانیت و قرآن و حدیث	گام دوم، علوم روز و قرآن و حدیث
گام دوم، تمدن و قرآن و حدیث	گام دوم، سبک زندگی قرآنی و حدیثی
گام دوم و غرب و شرق	گام دوم و آینده‌پژوهی
گام دوم و دانش‌های قرآنی و حدیثی	راهکارهای اجرایی سازی گام دوم از منظر قرآن و حدیث
مبانی و مستندات قرآنی و حدیثی بیانیه گام دوم	رسالت طلاب جامعه المصطفی‌العالمیه در تحقق بیانیه گام دوم
نقش جوانان در تحقق بیانیه بیانیه گام دوم	نقش بانوان و خانواده در گام دوم انقلاب اسلامی

۳. شورای سیاست گذاری کنگره

حضرت آیت الله اعرافی رئیس هیئت امنای جامعه المصطفی العالمیه و ریاست حوزه های علمی	حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسی رئیس جامعه المصطفی العالمیه
حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبادی معاونت پژوهش جامعه المصطفی العالمیه	حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر قنبری معاونت ارتباطات و بین الملل جامعه المصطفی العالمیه
حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر جزایری معاونت آموزش جامعه المصطفی العالمیه	حضرت حجت الاسلام والمسلمین محمدی عراقی مسئول دفتر معظم رهبری در قم
حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر رستم نژاد معاونت آموزش حوزه های علمی	حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر جزایری معاونت آموزش جامعه المصطفی العالمیه
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد فاکرمیبدی رئیس مدرسه عالی قرآن و علوم	حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد علی رضایی اصفهانی رئیس مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد امینی تهرانی رئیس مدیر گروه علمی قرائات	حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر رئیس مدرسه عالی تفسیر
حجت الاسلام والمسلمین محمد حسن پیرولی معاونت آموزش مجتمع قرآن و حدیث	حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی معاونت پژوهش مجتمع قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین حسن رضایی رییس پژوهشگاه المصطفی	حجت الاسلام والمسلمین مسلم احمد لومعاون فرهنگی تربیتی مجتمع قرآن و حدیث

۴. شورای علمی کنگره

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسن زمانی معاون اجتماعی حوزه های علمی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی ریاست محترم مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبد الکریم بهجت پور ریاست حوزه های علمی خواران	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد فاکر میبدی ریاست مدرسه عالی قرآن و علوم
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبد الکریم بی آزار شیرازی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر ریاست مدرسه عالی تفسیر و علوم قرآن
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسن پیرولی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد امینی

معاون آموزش مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث	تهرانی مدیر گروه علوم و فنون قرائات مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین محمدی عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید حیدر طباطبائی مدیر گروه علوم حدیث مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر صاعد رازی نماینده انتشارات انقلاب اسلامی و سایت اینترنتی مقام معظم رهبری	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید یوسف موسوی معاون پژوهش مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد رضا ستوده نیا عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد جواد اسکندرلو مدیر گروه علوم قرآن مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر روشن ضمیر معاون پژوهش دانشگاه علوم اسلامی رضوی	حجت الاسلام والمسلمین حسین شیرافکن عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه
حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید عیسی مسترحمی مدیر گروه قرآن و علوم طبیعی مجتمع عالی قرآن و حدیث	حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی رستم نژاد معاون آموزش حوزه های علمیه سراسر کشور
حجت الاسلام دکتر غلام جابر جعفری از کشور پاکستان و نمایندگی روسیه	دکتر حمیدرضا طوسی عضو هیئت علمی جامعه المصطفی
دکتر فائق ولی زاده از کشور روسیه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد یعقوب بشوی از کشور پاکستان
دکتر سید علی سید اف از کشور تاجیکستان	دکتر رییس اعظم شاهد از کشور هندوستان

۵. ارکان کنگره

مدیر علمی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی (ریاست مجتمع عالی قرآن و حدیث)

معاونت علمی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدامینی تهرانی

معاونت اجرایی: حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی

مسئول دبیرخانه: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین

۶. کمیته اجرایی کنگره

معاون علمی کنگره و قائم مقام مدیر: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدامینی تهرانی
 معاون اجرایی کنگره: حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی
 معاون پیشتیبانی و منابع انسانی: حجت الاسلام والمسلمین خلیل زاد
 معاون ارتباطات و بین الملل: جناب آقای حسین حیدری
 معاون فرهنگی مجتمع عالی قرآن و حدیث: حجت الاسلام والمسلمین احمدلو

دبیرخانه کنگره

مسئول دبیرخانه: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین
 مسئول ارزیابی: حجت الاسلام والمسلمین مهدی جهانی
 مسئول روابط عمومی: حجت الاسلام والمسلمین عقیل یوسفی
 مسئول سایت و نشست های علمی: حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا حقیقت سمنانی

۷. کمیته های علمی کنگره

اول: کمیته گام دوم، علوم عقلی و قرآن و حدیث

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی رستم نژاد	دبیر کمیته: حجت الاسلام دکتر محمد جواد دشتی
--	--

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد باقر قیومی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی عزیزی علویجه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد تقی یوسفی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد غفاری	

دوم: کمیته گام دوم، علوم روز و قرآن و حدیث

مدیر کمیته: حجت الاسلام دکتر سید عیسی مسترحمی	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین مهدی جهانی
--	---

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین صاعد رازی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسعلی واشیان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی آقاصفیری	جناب حجت الاسلام والمسلمین میثم ناظمی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر حامد دادسرشت تهرانی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی همتیان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالمومن حکیمی	حجت الاسلام و المسلمین دکتر عبدالله توکلی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین رفیعی	

سوم: کمیته گام دوم، تمدن و قرآن و حدیث

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا حقیقت
---	--

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین عباس الهی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید حسین شفیعی دارابی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدهادی منصوری	حجت الاسلام والمسلمین سیدرضی زکی مرتضوی

چهارم: کمیته گام دوم، سبک زندگی قرآنی و حدیثی

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی آدریانی	دبیر کمیته: جناب آقای محمد زینلی
---	-------------------------------------

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین حمید الهی دوست	حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم ملکی
حجت الاسلام والمسلمین محسن جلالی	حجت الاسلام والمسلمین محمد قربانی مقدم
جناب آقای دکتر احمدی فراز	جناب آقای محسن برقی کار
سرکار خانم زهرا سهرابی	سرکار خانم زهرا توکلی

پنجم: کمیته گام دوم، انقلاب اسلامی و غرب و شرق از منظر قرآن و حدیث

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسن زمانی	دبیر کمیته: حجت الاسلام دکتر باقر ریاحی مهر
--	--

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد جواد نوروزی	جناب آقای دکتر غلام حسین مقیمی
جناب آقای دکتر حسن رضایی هفتادر	جناب آقای دکتر سید حسین علوی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسعلی براتی یزدی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر باقر ریاحی مهر

ششم: کمیته گام دوم، و دانش های قرآنی و حدیثی

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر فاکر میبدی	دبیر کمیته: حجت الاسلام دکتر عبدالله جبرئیلی
--	---

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد امینی طهرانی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله حاجعلی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر سیدحیدر طباطبائی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدصادق یوسفی مقدم

هفتم: کمیته گام دوم، آینده پژوهی قرآنی و حدیثی

مدیر کمیته: حجت الاسلام دکتر غلامرضا بهروزی لک	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین
---	---

اعضای کمیته:

دکتر اسماعیل شراهی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید جعفر رحمان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد کوهی	دکتر محمد رحیم عیوضی

هشتم: کمیته تخصصی بانوان

مدیر کمیته: سرکار خانم زینب بهجت پور	دبیر کمیته: سرکار خانم دکتر سمیه کامرانی
--------------------------------------	--

اعضای کمیته:

سرکار خانم دکتر زینب طیبی	سرکار خانم دکتر طاهره ماهرو زاده
سرکار خانم دکتر رقیه جاویدی	سرکار خانم دکتر عاطفه صادقی
سرکار خانم دکتر راضیه زارعی	سرکار خانم دکتر معصومه شریفی

نهم: کمیته بین الملل

مدیر کمیته: حجت الاسلام دکتر محمد یعقوب بشوی از پاکستان	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین محمد عسکری از پاکستان
--	--

اعضای کمیته:

جناب آقای دکتر غلام جابر محمدی از پاکستان	جناب آقای دکتر رئیس اعظم شاهد از پاکستان
جناب آقای سید مجتبی رضوی از هندوستان	دکتر ترلان سیف الله اف از آذربایجان
دکتر منظر بیاتی از عراق	جناب آقای استیفان شفر از آلمان
جناب آقای رحمان دهلان از اندونزی	جناب آقای عبدالقادر محمد بلو از نیجریه
جناب آقای عباس خان فاضل اف از تاجیکستان	

۸. آثار کنگره

۱. شناخت نامه کنگره	۲. منبع شناخت بیانیه گام دوم
۳. نشست‌ها، کرسی‌ها و کارگاه‌های کنگره	۴. چکیده مقالات کنگره (فارسی) (جلد اول)
۵. چکیده مقالات کنگره (فارسی) (جلد دوم)	۶. چکیده مقالات کنگره (غیر فارسی)
۷. علم و عقل در گام دوم انقلاب اسلامی	۸. علوم و بیانیه گام دوم (جلد اول) (علوم اجتماعی. اقتصاد. سیاست. مدیریت)
۹. علوم و بیانیه گام دوم (جلد دوم) (علوم تعلیم و تربیت، روانشناسی و پزشکی)	۱۰. دانش‌های قرآنی در گام دوم (جلد اول)
۱۱. دانش‌های قرآنی در گام دوم (جلد دوم)	۱۲. تمدن نوین اسلامی و گام دوم (جلد اول)
۱۳. تمدن نوین اسلامی و گام دوم (جلد دوم)	۱۴. انقلاب اسلامی و غرب
۱۵. رویکرد قرآنی بانوان به گام دوم	۱۶. آینده‌پژوهی و مهدویت در گام دوم
۱۷. سبک زندگی و گام دوم (جلد اول)	۱۸. سبک زندگی و گام دوم (جلد دوم)
۱۹. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد اول) (زبان اردو)	۲۰. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد دوم) (زبان اردو)
۲۱. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد سوم) (عربی، انگلیسی)	۲۲. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد چهارم) (هندی، آذری، بنگالی، برمه‌ای، آلمانی، اندونیزی، تاجکی، فرانسوی، روسی، ترکی، بلتی و...)

تذکره: تمام آثار در سمیم بررسی و مشابهت‌یابی انجام شد و سه مقاله به خاطر مشابهت

بالا حذف شد.

۹. مجلات منتشرکننده مقالات کنگره:

۱. مجله علمی قرآن و علم
۲. مجله علمی مطالعات قرائت قرآن
۳. مجله علمی قرآن پژوهی خاورشناسان
۴. مجله علمی علوم حدیث تطبیقی
۵. مجله تخصصی مطالعات حدیث پژوهی
۶. مجله تخصصی قرآن و علوم
۷. مجله تخصصی مطالعات قرآن پژوهی نور وحی

۱۰. کنگره در آینه آمار

تعداد کل چکیده‌ها: ۱۶۹۶	مقالات پذیرفته شده: ۹۵۸
مقالات چاپ شده در مجلات: ۴۲	مجموع مقالات رسیده به کنگره: ۱۰۸۲
مقالات چاپ شده در مجلدات: ۲۸۲	مجلدات منتشرشده: ۲۲
تعداد ارزیابان: ۷۱	تعداد نشست‌ها: ۱۶۳
تعداد کرسی‌های علمی و ترویجی: ۸	تعداد کارگاه‌ها: ۴۰

تذکر: دو جلد مجموعه مقالات کنگره به صورت جداگانه توسط مرکز خواهران هرمزگان

منتشر می‌شود.

۱۱. نرم افزارهای کنگره:

مجموعه آثار کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث

۱۲. ارزیابان مقالات:

آقایان: محمد علی رضایی اصفهانی، محمدفاکر میبیدی، محمدحسن زمانی، مهدی رستم نژاد، غلامرضا بهروزی لک، حسین علوی مهر، سید عیسی مسترحمی، محمد امینی تهرانی، عباس علی واشیان، عباس الهی، محمد حسین صاعد رازی، علی کریم پور قراملکی، عبدالله جبرئیلی، حسن رضا رضایی، علی آقا صفری، محمدرضا حقیقت سمنانی، مهدی جهانی، علی رضا شاهین، محمداقبر ریاحی مهر، محمد جواد دشتی، محمد یعقوب بشوی، محمد عسکری ممتاز، عقیل یوسفی زارمی، سید مجتبی رحمانی، سید مجتبی رضوی اصیل، سیدرضی زکی مرتضوی، میثم ناظمی، علی فرهنگدیان، محمد حسین رفیعی، سید علی حسینی، سعید حسنی، حسین مرکزی مقدم، مجتبی انصاری مقدم، کامران اویسی، مهدی سازندگی، نجات یحیی، مجید ابوالقاسم زاده، عباس جوانشیر، علی اصغر کوراوند، محمدهادی منصوری، محمد حسین محمدی، علی محمد راهی، مهدی همتیان، ابوذر رجبی، حمید رضا کاظمی.

بانوان: زینب بهجت پور، زینب طیبی، نسترن بهرمان، منیژه کاشانی، محبوبه جوکار، معصومه حاجی مقصودی، مریم رمضانیان، نرگس رشیدی راوندی، سیده نفیسه حسینی واعظ، فاطمه طائبی، سمیه پاپی، حمیده کرمی، عفت رمضانیان، صدیقه بهرامی، فاطمه حسین آبادی، مریم افشارویگنی، حدیثه سلیمانی، فهیمه ربیعی، فاطمه قنبری، طاهره سادات ضیاء حسینی، فاطمه عطارد، مهدیه علوی فر، طیبه توکلی، سیده معصومه فاطمی، طاهره عبداللهی، زهرا فتحی، الناز جهان پور، راضیه شیرینی، پریوش علیزاده، فاطمه درویشی، صدیقه کاویانی.

۱۳. مراکز علمی همکار کنگره

۱. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها	۲. دانشگاه علوم اسلامی رضوی
۳. مرکز ارتباطات و بین الملل حوزه‌های علمیه	۴. مرکز پژوهشی قرآن کریم المهدی <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
۵. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم	۶. مرکز تخصصی قرآن امام علی بن ابیطالب <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
۷. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی <small>رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ</small>	۸. مؤسسه پژوهش‌های قرآنی المهدی <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
۹. پژوهشکده اعجاز قرآن دانشگاه شهید بهشتی	۱۰. مرکز تخصصی کلام ائمه اطهار <small>عَلَيْهِمُ السَّلَام</small>
۱۱. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی	۱۲. مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآن
۱۳. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم	۱۴. دانشگاه میبد
۱۵. دانشگاه معارف	۱۶. انجمن‌ها و قطب‌های علمی حوزه علمیه قم
۱۷. رادیو معارف	۱۸. شبکه قرآن و معارف سیمای جمهوری اسلامی ایران
۱۹. مؤسسه مطالعات اسلامی	۲۰. مرکز تخصصی امام خمینی <small>رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ</small>
۲۱. دانشگاه امام صاق <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>	۲۲. دانشگاه قم
۲۳. مرکز تخصصی تفسیر ائمه اطهار <small>عَلَيْهِمُ السَّلَام</small>	۲۴. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم اصفهان
۲۵. انجمن قرآن پژوهی حوزه	۲۶. دانشگاه علامه طباطبائی <small>رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ</small>
۲۷. جامعه الزهرا <small>عَلَيْهَا السَّلَام</small>	۲۸. مرکز مدیریت حوزه علمیه خاوران
۲۹. پژوهشگاه امام صاق <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>	۳۰. سیلیویکا
۳۱. مؤسسه فتوح اندیشه	۳۲. دانشگاه آزاد اسلامی
۳۳. دانشکده شهید محلاتی	۳۴. دانشگاه فرهنگیان
۳۵. معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه	۳۶. دانشگاه اشرفی اصفهان
۳۷. نمایندگی المصطفی اصفهان	۳۸. پژوهشگاه المصطفی

۱۴. نشانی پایگاه اطلاع رسانی کنگره

<http://hamayesh.miu.ac.ir/hadith/fa>

نشانی کانال کنگره در پیام‌رسان ایتا

<https://eitaa.com/Conferencegam2>

سخن پایانی

در پایان لازم است از همه کارگزاران کنگره به ویژه مدیران محترم کمیته های علمی کنگره، معاونان محترم حجج اسلام دکتر امینی تهرانی و موسوی و اعضای دبیرخانه که با زحمات شبانه روزی و نویسندگان و ارزیابان محترم کتابها و مقالات و نیز همه کسانی که در آماده سازی آثار و برگزاری کنگره زحمت کشیدند به ویژه مسئول محترم انتشارات بین المللی المصطفی حجت الاسلام والمسلمین نویخت و همکاران انتشارات و ریاست امور مشترک مجتمع عالی امام خمینی رحمته الله علیه حجت الاسلام والمسلمین زهادت و به صورت خاص ریاست جامعه المصطفی عليه السلام العالمیه حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسی و معاون پژوهش المصطفی عليه السلام حجت الاسلام والمسلمین عبادی و نیز معاونت پژوهش حوزه های علمیه حجت الاسلام والمسلمین مقیمی که حمایت خاص از این کنگره نموده اند، تشکر کنم. اجرهم علی الله.

والحمد لله رب العالمین

مدیر علمی کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث

محمد علی رضایی اصفهانی

۱۴۰۰/۸/۲۲

مقدمه معاون علمی

بسم الله الرحمن الرحيم

هر روزی که سپری می‌شود و هر لحظه‌ای که به جلو می‌رویم برگه‌ای زرین از مدیریت داهیانه و حکیمانه ناخدای مدبر انقلاب اسلامی ایران مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله امام خامنه‌ای عنه‌السلام هویدا و آشکار می‌گردد.

یکی از این برگه‌های زرین و جلوه‌های درخشان مدیریتی ایشان «بیانیه گام دوم» انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران است. این بیانیه صحبت‌های بی‌پرده و شفاف یک مدیر و پدر دلسوزی برای فرزندان و ملت خود است که پس از طی زمانی ۴۰ ساله با همه سختی‌ها در حال عبور از مرحله‌ای سخت و ورود به مرحله مهم دیگری هستند که قرار است با پیمودن صحیح آن یک «پیچ تاریخی» در جهان معاصر اتفاق افتد.

بیانیه گام دوم آگاهی بخشی به منظور آماده کرده ملتی بزرگ برای مسئولیت‌های پیش روست. این بیانیه نقش راه انقلاب اسلامی ایران برای رسیدن به یک تمدن نوین اسلامی است. این بیانیه نشان از صداقت مدیری و رهبری فرزانه دارد که بدون تعارف همه خطرهای سختی‌های راه را برای روندگان آن، روشن می‌نماید و علاوه بر بیان نعمت‌ها و رویش‌های انقلاب اسلامی، ضعف‌ها و سختی‌ها را نیز بیان می‌نماید.

روشن و واضح است که بیانات و نوشته‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران متاثر از اندیشه‌های ناب ایشان است و این اندیشه‌های ناب در بستر قرآن و احادیث نورانی

اهل بیت علیهم السلام شکل یافته است. اندیشه‌هایی که از دوران کودکی و نوجوانی و جوانی تا میان سالی و بزرگ سالی همگی در اثر انس بسیار ایشان با قرآن و عترت شکل گرفته است. به یقین می‌توان گفت که برای همه عبارات ایشان در «بیانیه گام دوم» می‌توان مستندی از قرآن و حدیث یافت و به نوعی آن را با قرآن و حدیث ارتباط داد. وظیفه همه علاقه مندان به انقلاب اسلامی است تا ارتباط این بیانیه ارزشمند را با قرآن کریم بیش از پیش روشن نمایند و این امر مستلزم تلاشی در خور و شایسته است.

بر همین اساس کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب از منظر قرآن و حدیث در مجتمع عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه و زیر نظر استاد فرزانه حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی که خود مفسری انقلابی و نواندیش است، شکل گرفت تا در این راستا به نوعی بیانیه گام دوم را با قرآن و حدیث بسنجد و مبانی و راهکارهای اجرایی این بیانیه را از قرآن و حدیث استخراج نماید.

در بررسی مقالات رسیده به کنگره مراحل متعددی طی شده است تا این کتب به حالت فعلی تبدیل شود. اگر چه ممکن است در رسیدن به این شرایط فعلی همه مقالات یکسان نباشند اما اهم مراحل که برای هر مقاله طی شده است را می‌توان در مراحل زیر معرفی نمود:

۱. ارسال مقاله توسط نویسنده به سایت کنگره
۲. ارزیابی اولیه چکیده توسط مسئول ارزیابی جهت رفع اشکالات اولیه
۳. ارزیابی اولیه مقاله توسط مسئول ارزیابی جهت رفع اشکالات اولیه
۴. ارزیابی ثانویه توسط ارزیاب تخصصی
۵. برخی از مقالات دو یا سه ارزیاب داشته‌اند به خاطر تخصصی بودن
۶. ارسال فایل اصلاحات به نویسنده
۷. ارسال مقاله اصلاح شده توسط نویسنده به دبیرخانه
۸. رویت مقاله اصلاح شده توسط ارزیاب و تأیید نهایی

۹. ارسال مقاله به کمیته مربوطه
۱۰. ارزیابی مجدد در کمیته جهت بررسی چاپ در کتاب
۱۱. ارسال اصلاحات کمیته به نویسنده
۱۲. ارزیابی توسط معاون علمی و دبیر علمی کمیته
۱۳. رفع اشکالات و ارسال به دبیر کمیته توسط نویسنده
۱۴. تأیید نهایی مقاله توسط کمیته و چاپ در کتاب
۱۵. بررسی مقالات در سمیم جهت مشابهت‌یابی
۱۶. بررسی مجدد چکیده و یکسان‌سازی چکیده‌ها
۱۷. شکل دهی مقالات تأیید نهایی معاون و دبیر علمی
۱۸. ارسال برای انتشارات

امید است تا این فعالیت‌ها گامی در راستای رسیدن به تمدن نوین اسلامی را فراهم سازد و موجبات خشنودی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

قائم مقام و معاون علمی کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی ایران از منظر قرآن و حدیث

محمد امینی تهرانی

۱۴۰۰/۸/۲۲

اعضا کمیته گام دوم و آینده پژوهی

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر غلامرضا بهروزی لک

دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین

اعضاء کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید جعفر رحمانی

حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد کوهی

جناب آقای دکتر اسماعیل شراهی

جناب آقای دکتر محمد رحیم عیوضی

مقدمه مدیر کمیته

آینده محصول نگاه امیدوار انسان به آینده است. چنین نگاهی یا به صورت عادت و یا با اعتماد به خلقت و خالق هستی برای تدام امور در آینده انجام می‌شود. هر چند گاه انسانها دچار یأس و ناامیدی شده و نگاهی بدبینانه به آینده پیدا می‌کنند، اما فطرت الهی انسان وی را به سوی خالق خویش کشانده و امید به رحمت الهی را در دل وی روشن نگاه می‌دارد. شاید امری زیباتر و آرامش بخش تر از طراوت بشارت به بازگشت به خدای متعال را بویژه در هنگام سختی و مصیبت در آیه کریمه «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره، ۱۵۶) نتوان یافت .

بدین جهت آینده برای جامعه ایمانی امری موعود و وعده داده شده و عرصه پیروزی حق بر باطل و تحقق جامعه موعود است. وعده تمام انبیای الهی بر تحقق چنین آینده ای استوار بوده است و خدای متعال در کتب آسمانی خویش بر این امر حکم کرده است. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء، ۱۰۵) چنین نگاهی به آینده حرکت بخش، امیدآفرین، آرامش بخش و تجلی تحقق انسانهای مومن منتظر در طول تاریخ است.

در طول تاریخ برای مطالعه آینده رویکردهای مختلفی شکل گرفته است. گاه فهم آینده از طریق شهود توسط انسانهای پاک و اولیای الهی شکل گرفته است. هر چند برخی سعی کرده اند با توسل به علوم غریبه و ادعاهای غیرمعارف مبتنی بر سحر و پیشگویی چنین راهی را

طی کنند، اما غالباً دچار ادعاهای ناقص و گاه کاذب شده‌اند. در رویکردی دیگر با تحلیل عقلی فلسفه تاریخ و فرجام‌شناسی بشر تلاش نموده است راهی برای درک منطق آینده بیابد. هر چند اتقان فلسفی در این زمینه قابل درک است، اما جزکیلیات نمی‌توان از این رویکرد در باره آینده درک نمود.

رویکرد دیگر اخبار و حیانی ادیان الهی از آینده است. قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم‌السلام حاوی چنین گزارش‌های برجسته‌ای از آینده است. خدای متعال خود عالم الغیب بوده و پیامبران و اولیای خود را نیز بدان آگاه کرده است. «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا» (جن، ۲۷-۲۶) تحقق جامعه موعود الهی محصول چنین نگرشی بوده و بسیاری از آیات و احادیث حاوی تبیین چنین جامعه موعودی است.

هر چند موعود در ادیان با القاب و تعابیر مختلفی یاد شده است، اما وعده خدای واحد در تمامی ادیان حق الهی واحد بوده است. و آن عبارتست از ارسال موعود الهی برای تحقق بخشیدن به حق و ابطال باطل «لِيُحَقِّقَ آلَ حَقِّقٍ وَبُيُطِّلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ» (انفال، ۸)، تحقق بخشیدن و پیروزی دین پسندیده در درگاه الهی «وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ» (نور، ۵۵)، وراثت صالحان «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء، ۱۰۵)، تبدیل خوف به امن «وَلَيَبْدِلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»، وحدت بخشیدن به جامعه مومنان و پرهیز از هرگونه شرک «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (نور، ۵۵) و در یک کلام امامت و حاکمیت مستضعفان «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعْنَا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص، ۵) بر روی زمین است. آموزه مهدویت بدین سان در قرآن و حدیث به صورت مبسوط مطرح شده و معارف الهی در قالب آیات و احادیث به تبیین و شرح جامعه موعود پرداخته‌اند.

اما رویکرد چهارمی که در عصر حاضر برای مطالعه آینده مورد توجه قرار گرفته است رویکرد آینده پژوهی است. در این رویکرد تلاش می‌شود با تمسک به شواهد و قرائن موجود و

با استفاده از خلاقیت‌های بشری شواهدی از آینده کشف شده و برای برنامه ریزی و شکل دادن به آینده مطلوب استفاده شود. هر چند آینده پژوهی در غرب و عمدتاً مبتنی بر مبانی اومانیستی و سکولار آمیخته شده است، اما می‌توان با رویکردی اسلامی و مبتنی بر آیات و احادیث و معارف اسلامی آن را سازگار و در قالب جدید آینده پژوهی اسلامی شکل و جهت داد.

«کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث» فرصتی فراهم نمود تا با بهره‌گیری از نور قرآن و حدیث آینده انقلاب اسلامی مورد توجه و مطالعه قرار گیرد. رهنمود مقام معظم رهبری در تحقق بخشیدن به گام دوم انقلاب اسلامی در دومین چله عمر پربرکت خویش الهام بخش محققان و اساتیدی گردیده است تا آینده انقلاب اسلامی را همانند گذشته گهربار خود، بر اساس معارف قرآنی و احادیث معصومین علیهم‌السلام تبیین نمایند.

جا دارد به عنوان عضو کوچک و نماینده کمیته «مهدویت و آینده پژوهی» کنگره از فاضل ارجمند جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی و همکارانم در این کمیته و نیز پژوهشگرانی که مقالات ارزشمند خود را در عرصه مهدویت و آینده پژوهی ارسال نموده و تعدادی از آنها منتخب گردید، سپاسگزاری خویش را اعلام نمایم. از دبیرخانه کنگره و بویژه همکارگرامی جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر شاهین نیز که ما را در آماده سازی این اثریاری رساندند بسیار سپاسگزارم.

غلام رضا بهروزی لک

دبیر کمیته مهدویت و آینده پژوهی

۱۴۰۰/۹/۴

عوامل زمینه ساز ظهور امام زمان عجل الله فرجه در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

زینب خسروی نیا (نویسنده مسئول)
نعیمه ترزبان^۲

چکیده

یکی از شاخصه های مهم و اساسی، مسئله ظهور امام زمان عجل الله فرجه است. اعتقاد به ظهور منجی نجات بخش و عادل، نزد تمام ادیان و ملل مختلف با آیین ها و فرهنگ های متفاوت، مطرح بوده است. انقلاب اسلامی مقدمه ی انقلاب حضرت مهدی عجل الله فرجه و تکمیل کننده انقلاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به برخی از عوامل زمینه ساز انقلاب حضرت مهدی عجل الله فرجه اشاره شده است. طبق فرمایش مقام معظم رهبری (حفظه الله) برای حراست با انگیزه از انقلاب و رسیدن به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است، (بیانیه گام دوم انقلاب <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) عوامل آن مورد بررسی قرار گیرد. غفلت از این راهبرد موجب به ثمر نرسیدن انقلاب حقیقی شده و آینده نیز

۱. دانش آموخته سطح ۴، موسسه آموزش عالی حوزوی حضرت معصومه قم، yaemamreza@vatanmail.ir

۲. دانش آموخته سطح دو، مدرسه علمیه الزهرا علیها السلام بندرعباس، ایمیل chmail@tarzaban.ir

مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. عوامل زمینه ساز ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در فرایند تحقق اهداف اسلامی در سه گام اصلی و مهم آن؛ اسلامی سازی دولت، اسلامی سازی کشور و تحقق تمدن نوین اسلامی بررسی شده است که از مهم ترین آن ها خودسازی مسئولین، اصلاح نهادهای دولتی، معنویت گرایی، پیشرفت در عرصه های مختلف، عدالت گستری، مردم سالاری، فرهنگ سازی سبک زندگی اسلامی، گفتمان سازی مبانی ظهور، حاکمیت قرآن و اسلام و... است. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای انجام شده است.

کلیدواژه: عوامل زمینه ساز ظهور، مقام معظم رهبری، بیانیه گام دوم انقلاب، قرآن.

مقدمه

اعتقاد به ظهور منجی موعود در تمام ادیان و ملل مختلف مطرح شده است؛ همه در این نکته توافق دارند که نجات بخشی خواهد آمد و آنان را از جور حاکمان و مستکبران زمان رهایی خواهد داد و جامعه‌ای پراز عدل و داد به وجود می‌آورد. از آنجا که انقلاب حضرت مهدی علیه السلام همان انقلاب اسلامی است؛ منتهی در سطح وسیع‌تر و عمیق‌تر و از آنجا که این انقلاب تکمیل‌کننده انقلاب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است پنج عامل مهم در بیانات مقام معظم رهبری (حفظه الله) در زمینه سازی انقلاب حضرت مهدی علیه السلام نقش بسزایی دارند. اعتقاد به مهدی و منجی، موجب آماده بودن مردم برای پذیرش و تبعیت از وی می‌شود. طبق فرمایش مقام معظم رهبری (حفظه الله) باید پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کرد و هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است، نزدیک تر کرد. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره‌ی گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند و از پول و همه‌ی ابزارها برای آن بهره می‌گیرند.

طبق پژوهش‌های صورت گرفته؛ نگاهی به نظریه انتظار در اندیشه آیت الله العظمی خامنه‌ای، نشر انقلاب اسلامی به تبیین انتظار امام پرداخته است، مقاله آقای علی حاج محمدی با عنوان تحول ماموم زمینه ساز ظهور چاپ چاپ فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود تابستان ۱۳۸۸، به بررسی فلسفه وجودی امام و علت جعل امامت از جانب پروردگار متعال و سپس به بیان جهت دهی به جنبش‌های مردم برای برپایی امر خدا و از جمله قسط و عدالت و علاوه بر آن به دیگر شرایط آمادگی مأموم برای ظهور امام، مانند دوری از سازشکاری، دودلی و پیروی از شهوات پرداخته است. مقاله آقای سید محمد

حسین شاهرودی با عنوان انقلاب اسلامی، زمینه ساز ظهور چاپ نشریه پیام به بررسی نقش انقلاب اسلامی در زمینه سازی ظهور منجی و انقلاب های قبل از قیام امام با استناد به دلایل عقلی و نقلی و نیز امکان زمینه سازی جامعه موعود پرداخته است. مقاله آقای سید احمد رهنمایی با عنوان تربیت زمینه ساز ظهور چاپ فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود به بررسی اصول و الزامات تربیتی در زمینه سازی ظهور پرداخته شده است. طبق بررسی های انجام شده برای زمینه سازی ظهور مقاله ها و کتب های بسیاری تالیف شده است ولی پژوهشی که به عوامل زمینه سازی ظهور در گام دوم انقلاب اسلامی با تاکید بر بیانات رهبری باشد، صورت نگرفته است. در این مقاله سعی می شود با استناد به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی عوامل زمینه ساز ظهور به روش توصیفی - کتابخانه ای انجام شده است.

الف. مفهوم شناسی

در این بخش به مفهوم شناسی پرداخته می شود:

۱. ظهور

لغویون در بحث لغت ظهور را اینگونه معنی کرده اند: ظهور در لغت به معنای آشکار شدن، غلبه و بالا رفتن است. (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ ق: ص ۲۷۶) و در اصطلاح یعنی از پس پرده بیرون آمدن و برطرف شدن معجزه و آشکار شدن جسم مبارک امام در برابر دیدگان مردم (تاریخ پس از ظهور، بی تا: ۱۶۹) و به معنای آشکاری که باید دیده شود. (گلستانی، ۱۳۸۵: ۱۹۴)

۲. انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی از دیگر مفاهیم عنوان شده در بخش اول فرآیند تحقق آرمان های اسلامی در این پژوهش است. انقلاب به تغییر بنیادین زندگی مردم، در معیشت و فرهنگ از

وضع نادرست به وضع درست نه فقط تغییر اشخاصی، با ثابت ماندن یا بسی بدتر شدن همان اوضاع، تعبیر شده است. (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰: ص ۳۱۴) انقلاب در واقع یکی از رخدادهای بی نظیر دوران معاصر است که در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی در طول تاریخ بشر اثرگذار بوده است. «تولد انقلاب اسلامی در واقع یک ولادت جدیدی برای اسلام بود.» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان خارجی شرکت کننده در بیست و پنجمین کنفرانس وحدت اسلامی، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44016>، ۱۳۹۸/۰۸/۲۴)

طبق بیانات مقام معظم رهبری (حفظه الله) انقلاب اسلامی؛ «دگرگونی بنیادین یا همان حرکت انقلابی و جنبش انقلابی است که نظام مرتجع را، نظام قدیمی را، نظام وابسته و فاسد را سرنگون می کند و زمینه را برای ایجاد نظام جدید آماده می سازد.» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17597>) و به عبارت دیگر «بنای ضایع و پوسیده و بدبُنیان رژیم استبدادی را از بین می برد و زمینه را برای ایجاد نظام جدید آماده می کند و پایه های غلطی برجیده و پایه های درستی به جای آن گذاشته می شود.» (امام خامنه ای، بیانات در خطبه امام جمعه، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3302>، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸)

۳. نظام اسلامی

مرحله دوم از فرآیند تحقق آرمان های اسلامی در بستر انقلاب، استقرار نظام اسلامی است. مقام معظم رهبری تحقق این مرحله را به معنای اسلامی شدن هندسه عمومی جامعه دانسته اند. در حقیقت با تدوین قانون اساسی انقلاب اسلامی که منشور اصلی و محوری جمهوری اسلامی است، ارکان جامعه اسلامی مهندسی شد، این قانون که تبلور ارزش های اسلامی است و منطبق با احکام اسلامی تدوین شده، به مثابه ستون فقرات نظام اسلامی است و مرکز اصلی سلسله اعصاب نظام اسلامی تلقی می شود. آیت الله خامنه ای (حفظه

الله) در تشریح این مرحله، یعنی استقرار نظام اسلامی، می‌فرماید: «انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. نظام اسلامی یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن، مثل این‌که وقتی در کشور ما نظام سلطنتی استبدادی، فردی، مورثی و اشرافی وابسته برداشته شد، به جای آن نظام دینی، تقوایی، مردمی و گزینشی جایگزین می‌شود؛ با همین شکل کلی که قانون اساسی برایش معین کرده، تحقق پیدا می‌کند، یعنی نظام اسلامی». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۷۹/۹/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3039>)

هدف نظام جمهوری اسلامی ایران این است که بتواند از همه‌ی خوبی‌ها و پیشرفت‌ها و خیرات و برکاتی که خدای متعال به ملت‌های مؤمن وعده داده است، برخوردار گردد؛ باید آن نظام، تشکیلات و حکومتی که بتوان این هدفها را در آن محقق کرد، به وجود آورد. (امام خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3302>) «بنا بر فرمایشات مقام معظم رهبری (حفظه الله) «ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله‌ی بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله‌ی بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۸۳/۰۸/۰۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3256>)؛ لذا رهبری فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی را در پنج مورد زیر می‌دانند: ۱. انقلاب اسلامی، ۲. تشکیل نظام اسلامی، ۳. تشکیل دولت اسلامی، ۴. تشکیل کشور اسلامی، ۵. تشکیل دنیای (امت، تمدن) اسلامی.

مرحله اول، «انقلاب اسلامی» و مرحله دوم نیز «تشکیل نظام اسلامی» است. لذا انقلاب اسلامی، هم اکنون از این دو مرحله عبور کرده است. ایشان مرحله سوم تحقق اهداف انقلاب را «تشکیل دولت اسلامی» می‌دانند و انقلاب اسلامی هم اینک در این گام قرار دارد. لذا علاوه بر تشریح و تبیین مرحله سوم، تکالیف مردم و مسئولین در این مرحله را نیز

برشماری نموده‌اند. معظم له، مراحل چهارم و پنجم را «تشکیل کشور اسلامی» و «تحقق تمدن نوین اسلامی» ذکر نموده و برای رسیدن به آنها، وظایف و انتظاراتی که از مردم و کارگزاران نظام اسلامی می‌رود را ذکر فرموده‌اند. (<https://www.porseman.com/article/>) پایگاه اینترنتی پرسمان)

با توجه به فرآیند تبیین شده از سوی مقام معظم رهبری (حفظه الله) دو هدف تحقق انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی طی گام اول و در این بخش از مقاله سه گام از فرایند تحقق اهداف اسلامی؛ اسلامی سازی دولت، اسلامی سازی کشور و تحقق تمدن نوین اسلامی که از عوامل زمینه ساز ظهور است، بررسی می‌شود:

۴. بیانیه گام دوم

یکی دیگر از عناوین مورد بحث بیانیه گام دوم است که به تبیین آن پرداخته می‌شود: بیانیه‌ی «گام دوم انقلاب» تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به ویژه جوانان که به مثابه منشوری برای «دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. این گام دوم، انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنافداه) هست» نزدیک خواهد کرد. (غضنفری، ۱۳۹۸: ص ۱) انقلاب و نظام اسلامی زمینه را آماده خواهد کرد تا امام علیه السلام ظهور کند. زیرا ظهور در شرایط نامساعد محقق نخواهد شد.

در بحث‌های مربوط به غیبت ولی عصر علیه السلام و ظهور آن حضرت برای ما مسلم است که ایشان در زمینه‌ی آماده ظهور خواهند کرد. بنابراین حضرت زمانی ظهور می‌کند که زمینه آماده باشد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۱۵۱) در بحث علل ظهور پنج گام اساسی؛ انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، کشور اسلام و تمدن نوین اسلامی، زمینه ساز ظهور امام زمان علیه السلام خواهد بود. تا کنون دو گام انقلاب و نظام اسلامی محقق شده است که در بخش مفهوم شناسی به تبیین و توضیح آن پرداخته شده است.

ب. عوامل زمینه ساز ظهور

با توجه به بیانات مقام معظم رهبری (حفظه الله) عوامل بسیاری در زمینه سازی ظهور موثر است که در سه محور اصلی؛ اسلامی سازی دولت، اسلامی سازی کشور و تحقق تمدن نوین اسلامی بررسی می شود:

۱. اسلامی سازی دولت

بعد از محقق شدن انقلاب اسلامی و استقرار نظام اسلامی، اسلامی سازی دولت سومین گام از فرآیند تحقق اهداف اسلامی است. دولت اسلامی یعنی دولتی که رفتار و عملکرد دولتمردان، اسلامی باشد. (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ۱۳۷۹/۹/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3039>) مرحله‌ی سوم که اکنون نظام در آن قرار دارد؛ تشکیل دولت اسلامی است. تشکیل دولت باید براساس الگوها و معیارهای کاملاً اسلامی انجام پذیرد. تا وقتی این مرحله به طور کامل محقق نشود، نوبت به تشکیل جامعه‌ی اسلامی نمی‌رسد و در این صورت، موضوع سبک زندگی اسلامی نیز صرفاً در سطح گفتمان سازی در جامعه باقی خواهد ماند.

مقام معظم رهبری (حفظه الله) جهت اسلامی سازی دولت اینگونه بیان می فرماید: «ما باید بیشتر به سمت اسلامی شدن، مسلمان شدن و مؤمنانه و مسلمانانه زندگی کردن برویم» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۳/۸/۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3256>) و در جایی دیگر اضافه می‌کنند: «دولت اسلامی دولتی است که بتواند مقاصدی را که ملت ایران و انقلاب عظیم آنها داشت، تأمین کند.» (امام خامنه ای، بیانات در خطبه های نماز جمعه، ۱۳۸۴/۵/۲۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3302>)

بنابراین مقام معظم رهبری (حفظه الله) اقدامات صورت گرفته در این مرحله را ناکافی دانسته و معتقدند که به علل مختلف، هنوز دولت اسلامی به معنای واقعی آن تحقق نیافته است و شاید به همین دلیل بیشتر رهنمودهای ایشان بر این مسئله یعنی اسلامی سازی

دولت به معنای واقعی آن متمرکز بوده است که لازمه‌ی ایجاد آن و نائل شدن به تمدن نوین اسلامی، سه عامل مهم خودسازی مسئولین دولتی، اصلاح نهادهای دولتی و معنویت‌گرایی موثر خواهد بود.

الف. خودسازی مسئولین دولتی

خودسازی یکی از عوامل مهم در زمینه‌سازی و کسب آمادگی برای ظهور امام زمان عجل الله فرجه است. خودسازی و مراقبت از خود، اساس همه کارهاست که می‌تواند همه ما را هدایت کند. (امام خامنه‌ای، بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4029>) و به سر منزل اصلی که همان رضایت حضرت حق است نائل گردد؛ چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً» (سوره فجر، ۲۷/۸۹)؛ ای کسی که توانستی نفس و جنبه حیوانی را کنترل کنی! ای کسی که توانستی این جنبه‌ی مادی و جنبه‌ی ناسوتی را مرکب قرار داده و گمشده خود را پیدا کردی و نفس مطمئنه پیدا کردی...» (مظاهری، ۱۳۱۲: ۵۵/۲۰) این انسان از نگاه قرآن کریم انسان خود ساخته‌ای است که به مقام قرب و رضای الهی رسیده است. «پس اگر کسی در درجه‌ی اول توانست مراقب دل خود باشد، می‌تواند مراقب دل مجموعه و مرتبطان به خود نیز باشد.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، ۱۳۸۱/۰۶/۲۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3143>)

دیدگاه مقام معظم رهبری (حفظه الله) در مورد اهمیت خودسازی در اصلاح جامعه این چنین است: «اگر ما خود را اصلاح کنیم، جامعه اصلاح شده است. پس تشکیل دولت اسلامی، مرحله‌ی سوم است. بعد از این مرحله، مرحله‌ی تالؤ و تشعشع نظام اسلامی است؛ یعنی مرحله‌ی ایجاد کشور اسلامی. اگر این مرحله به وجود آمد، آن وقت برای مسلمانهای عالم، الگو و اسوه می‌شویم: «لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (سوره بقره، ۱۱/۲) اگر توانستیم این مرحله را به سلامت طی کنیم، آن وقت مرحله‌ی بعدی، ایجاد دنیای اسلام است. نمی‌شود که من و شما خود را اصلاح نکنیم؛ اما دنیا را اصلاح کرده باشیم پس ما باید

به خود بپردازیم. پس یکی از چیزهایی که ما لازم داریم، استقامت و پایداری است. استقامت، یعنی مسیر و جهتگیری را گم نکنیم و مرتب خطاها را اصلاح کنیم و از این که به ما بگویند خطا کرده‌اید، بدمان نیاید.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۲۱/۰۹/۱۳۸۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10881>)

رهبر معظم انقلاب اسلامی در این مرحله، «خودسازی مسئولین» را شرط اصلی و اساسی برای شکل‌گیری دولت‌سازی اسلامی دانسته و بخش عمده توجه خود را معطوف رفتار و عملکرد دولتمردان و سایر کارگزاران نظام می‌نماید و مؤکداً این موضوع را مقدمه نهادسازی و ایجادساز و کارهای لازم برای شکل گرفتن جامعه اسلامی معرفی کرده‌اند.

مقام معظم رهبری (حفظه الله) می‌فرماید: «مسئولان و دولتمردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسئول دولت اسلامی است، تطبیق کنند. یا چنان افرادی (اگر هستند) سر کار بیایند یا اگر ناقص‌اند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند. دولت نه به معنای هیئت وزیران؛ یعنی مجموعه‌ی کارگزاران حکومت؛ یعنی من و شما. ما باید به معنای واقعی کلمه، در درون این نظام اسلامی، اسلامی شویم. این مشکل تراز مراحل قبلی است. ما مسئولان باید خود را بسازیم، عیوب مان را صادفانه به هم نشان دهیم، بنا را بر رفع عیب بگذاریم و خود را روزبه روز بهتر کنیم هر کس هم که جدیداً مسؤولیت را بر عهده می‌گیرد، با این نیت و با این هدف مسؤولیت را قبول کند که می‌خواهد برای خدمت به مردم، یک انسان صالح شود. آن وقت می‌شود تشکیل دولت اسلامی. قوای مقننه و قضائیه و مجریه و مسئولان گوناگون ما باید بتوانند تا حدّ قابل قبولی خود را با این قالبها و معیارهای دینی و اخلاقی اسلامی تطبیق دهند. این مرحله‌ی سوم است؛ ما الان در این مرحله قرار گرفته‌ایم و باید دائم تلاش ما این باشد. اگر نماینده‌ی مجلسیم، اگر عضو دولتیم، اگر از مسئولان قضایی هستیم، اگر روحانی هستیم، هر کجا قرار داریم، اولین و مهمترین وظیفه را اصلاح کار خود بدانیم؛ چون اصلاح شخص ما، صرفاً اصلاح شخص نیست؛ ما منشأ اثریم و یک کلمه حرف و یک امضاء و یک

تصمیم‌گیری من و شما در جامعه تأثیر می‌گذارد. ما اگر خود را اصلاح کردیم، جامعه را اصلاح کرده‌اید.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام 1379/09/12، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3039>)

بنابراین کسی که مسئولیتی در دولت دارد پیش از انجام هر فعالیتی باید ابتدا خود را بسازد زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند سزوارتر به کرامت انسانی و شایسته سالاری است. (دشتی، نهج البلاغه، حکمت ۷۳) زمینه سازی ظهور؛ به معنای خود را آماده و مهیا نمودن آن است و کوشش و خودسازی برای آمدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه، نه اینکه بدون هیچگونه اقدامی دست روی دست بگذارد و بگوید هر چه شدنی است خواهد شد، انتظار فرج آل محمد علیهم السلام را کسانی دارند که در راه تحقق آن شبانه روز می‌کوشند و جمعیت خود را برای آن آماده می‌سازند و باید دانست که تا مردمی خود را صد در صد آماده و مهیای آن ننمایند امکان ندارد که به آن دست یابند و هرگاه ما خود را برای تحقق و پذیرش آن آماده ساختیم خداوند یک شبه کار را تمام می‌کند و رحمت خود را شامل ما خواهد گردانید و در غیر این صورت محال است. (ابن بابویه، ۱۳۷۲ ش: ۲ / ۳۳).

ب.: اصلاح نهادهای دولتی

از عوامل مهم در بسترسازی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه که می‌تواند در اسلامی سازی دولت اثرگذار باشد، اصلاح نهادهای دولتی است. در اصطلاح اسلامی، اصلاح یعنی سامان بخشیدن، نقطه مقابل افساد است که به معنی نابسامانی ایجاد کردن است به عبارت دیگر اصلاح یعنی سامان دادن آرام تدریجی غیر بنیادی، ولی وقتی می‌خواهند بگویند تغییرات بنیادی به آن انقلاب می‌گویند. (مطهری، بی تا: ص ۱۱۳)

اصلاحات به معنای سامان بخشی به نظم موجود در جهت نیل به وضع مطلوب و سازگاری با شرایط و مقتضیات زمان است. بر این اساس، اصلاحات همان روش بهبود و سازمان بخشی به وضع موجود به شکل تدریجی در زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و ایجاد تغییرات سودمند به شیوه تکاملی و مسالمت آمیز جهت دستیابی به

تعداد نظام و رفع معایب، تصحیح خطاها برای جلوگیری از هرگونه بحران در جامعه است. علاوه بر این، اصلاحات ممکن است یک راه و روش جدید برنامه ریزی شده برون رفت از تنگناها و مشکلات جامعه از طریق تغییر ساختار و نظمی بهتر، کارآمدتر و خردمندانه تر با به کارگیری منابع مادی و انسانی باشد. <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/5415/6368/71262/>، ۱۴۰۰/۰۵/۳۱، ساعت

(۹:۱۵)

آیت الله خامنه ای (حفظه الله) علاوه بر تأکیدهای مکرر در مورد ضرورت خودسازی مسئولین برای ایجاد دولت اسلامی، به سایر ابعاد دولت سازی اسلامی یعنی اجزا و ارکان دولت و همچنین نظامات اداری نیز اشاره نموده و ضرورت اصلاح نهادها و ایجاد ساز و کار دولت سازی را متذکر می شوند. «ارکان و اجزای سایر نهادهای حکومت اسلامی با وجود مسئولین آنها هویت پیدا می کند، بنابراین مفهوم دولت اسلامی را باید ابتدا در رفتار و عملکرد مسئولین نظام جستجو کرد و سپس سایر ابعاد آن از جمله نهاد سازی، نظامات اداری و سایر الزامات را مورد توجه قرار داد تا زمینه سازی دولت ظهور شکل گیرد. ظهور بدون اصلاحات امکان ندارد. این موضوع مقدمه نهادسازی و ایجاد ساز و کارهای لازم برای شکل گرفتن جامعه ای که زمینه ساز ظهور است، می باشد.» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۱/۰۷/۲۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech->، [content?id=21298](https://farsi.khamenei.ir/speech-)).

«دنیای سرشار از عدالت و پاکی و راستی و معرفت و محبت دنیای دوران امام زمان عجل الله تعالی فرجه است که زندگی بشر هم از آنجا به بعد است. زندگی حقیقی انسان در این عالم، مربوط به دوران بعد از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه است که خدا می داند بشر در آنجا به چه عظمت هایی نائل خواهد شد. انسانی که در چنین حکومتی پرورش پیدا می کند انسانی با تقوا، پاکدامن، عالم، بابصیرت، فعال، پرنشاط، متحرک و رو به کمال است.» (امام خامنه ای، خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۱۳۷۹/۰۱/۲۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech->

(content?id=3002

بنابراین خورشید عظمای ولایت ظهور خواهد کرد و بشر را از ظلمت رهایی خواهد بخشید؛ چرا که وعده ی ظهور حق است و وظیفه ی هر انسانی در غیاب آن حضرت این است که همیشه آماده باشد که این خود، مستلزم اصلاح در رفتار و عملکرد نهادهای دولتی است. برای محقق شدن آرمان جهانی که همان ظهور است، به طور طبیعی نمی توان به عمل فردی اکتفا کرد، باید در محیط جامعه این اصلاح صورت گیرد تا بستر برای ظهور حضرت حجت مهیا گردد.

ج: ترویج معنویت

یکی دیگر از عوامل مهم بسترسازی ظهور، ترویج معنویت است. مساله معنویت فقدان از بزرگترین عوارض دردناک زمان ماست و اگر این اندازه از آن سخن به میان می آید به خاطر اهمیت فوق العاده ای است که در درونش نهفته است. آنقدر مهم است که می توان اغلب مسائل را از ابتدای آفرینش تا حال و حتی آینده های دور اگر از اصل دگرگونی بی بهره بماند با آن توجیه کرد و مهر ابهام از نکات تاریک و گیج کننده ای چون؛ سقوط و جمود، انحطاط فکر، عدم رشد اجتماعی و فرهنگی به ویژه افول تمدن ها و گسترش عقب ماندگی ها برداشت. (کمالی، ۱۳۴۹: ۶۶) معنویت ظرفیت فرد را جهت ایجاد تحول ارزشی و رشد ایمانی بالا می برد و بدون ایمان و روحیه معنویت، هیچ تلاشی به توفیقات نهایی خود نمی رسد. معنویت امری منحصر به دنیای درون انسان و منزوی کننده ی او از جهان بیرون نیست بلکه موجب افزایش شگرف نیروی زندگی و پیدایش فرا انگیزه در انسان می شود. همین معنا را می توان در کاربرد اسلامی معاصر واژه معنویت نیز مشاهده کرد. (حمیدیه، ۱۳۹۵: ۱۱)

در حکومت حضرت مهدی علیه السلام مردم به گونه ی بی سابقه به معنویت روی می آورند و در همه جا آوای اسلام طنین انداز است. (رحمتی شهرضا، ۱۳۸۷: ۵۰۲) حیات معنوی که امتیاز بنی آدم از حیوانات است بخش عمده و قسمت اصلی وجود انسان را تشکیل می

دهد زیرا همین حیات است که او را به خداوند حیات آفرین می رساند و به مقام قرب او نائل می سازد. (بالادستیان، ۱۳۹۲: ص ۱۸۸). در جامعه از معنویت که نیاز اساسی و واقعی انسان است غفلت شده و به نیازهای مادی پرداخته و آنها را نیازهای اصلی جلوه می دهد در حالی که چنین نیست. مقام معظم رهبری (حفظه الله) به اهمیت عامل معنویت گرایی پرداخته اند و فرمودند: «انسان مجموعه ی ابعاد مختلف است؛ غریز است، نیاز است، یک بعد، بعد معناگرا است. این بعد را اگر ما آحاد بشر بتوانیم در خودمان تقویت کنیم، بقیه ی ابعاد ما را هدایت خواهد کرد.»

بدون تردید انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله فرجه فقط دارای بعد سیاسی، نظامی و اجتماعی ساده نخواهد بود بلکه طبق روایات و همچنین تاکیدات مقام معظم رهبری (حفظه الله) مهمترین بعد آن تحولات فرهنگی است که در درون افراد و جامعه رخ خواهد داد. پیش از عصر ظهور انسان باید در درون خود تحول ایجاد کند و بینش های مادی خویش را به معنوی و روحانی تبدیل نماید تا بستر سازی ظهور مهیا شود.

مقام معظم رهبری (حفظه الله) می فرمایند: «باید به سمت زندگی علوی علوی برویم. باید روح زندگی علوی علوی ... را در خودمان زنده کنیم.» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۳/۰۸/۰۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3256>)
مسئولان گوناگون ما باید بتوانند تا حدّ قابل قبولی خود را با این قالب ها و معیارهای دینی و اخلاقی اسلامی تطبیق دهند. (امام خامنه ای، بیانات در دیدار اساتید و فارغ التحصیلان تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12889)

[content?id=12889](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12889)). «جامعه ی ایرانی ما باید به سمت معنویّت بیشتر پیش برود چون معنویّت روح همه ی کارها است. با معنویّت، قلّه های علم را می توان صاحب شد، دنیایی که در آن علم، تمدّن و ثروت با معنویّت همراه باشد، این دنیا دنیای انسانی خواهد بود. (امام خامنه ای، بیانات در نخستین نشست اندیشه های راهبردی، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10664>) مسئله ی انتظار و مهدویت،

نقش کلیدی در حل بحران های فکری، مادی و معنوی بشر امروز دارد. بشر امروز با بحران بزرگ معنویت روبه رو است و از سویی جهان خواران به ظاهر بشر دوست سعی در نابودی در نابودی بشریت دارند و روز به روز موجب گمراهی بیشتر بشر می گردند. امام یگانه رهایی بخش جهان از فساد و تباهی و پیام آور نهایی آرامش، انسانیت و معنویت است. (بشوی، ۱۳۸۴: ۹) نمونه ی کامل این دنیا در دوران ظهور حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) اتفاق خواهد افتاد. امروز در زمینه های مقدماتی عالم انسانی داریم حرکت می کنیم وقتی به بزرگراه رسید. تازه هنگام حرکت به سمت اهداف والا است. - که آن، دوران ظهور حضرت بقیة الله است- آنجا حرکت اصلی انسان آغاز خواهد شد. (امام خامنه ای، بیانات در نخستین نشست اندیشه های راهبردی، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰، [https://farsi.khamenei.ir/speech-\(content?id=10664](https://farsi.khamenei.ir/speech-(content?id=10664)

بنابراین آن چیزی که مهدویت مبشر آن است، همان چیزی است که همه ی انبیاء، همه ی بعثت ها به خاطر آن آمده اند و لازمه ی آن ایجاد یک جهان توحیدی و خودساخته براساس عدالت و با استفاده ی از همه ی ظرفیت هائی است که خدای متعال در انسان به وجود آورده و قرار داده است. دوران ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دوران حاکمیت جامعه ی توحیدی است، دوران حاکمیت حقیقی معنویت و دین بر سراسر زندگی انسان ها و استقرار عدل به معنای کامل و جامع است. (بیانات در دیدار اساتید و فارغ التحصیلان تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸، [https://farsi.khamenei.ir/speech-\(content?id=12889](https://farsi.khamenei.ir/speech-(content?id=12889)

۲. اسلامی سازی کشور

اسلامی سازی اصطلاحاً به فرایند فرهنگی یا سیاسی می گویند که فرد یا دولت و کشوری که ماهیت اسلامی ندارد به آن هویت اسلامی می دهند. در بحث اسلامی سازی کشور، سه عامل مهم در زمینه سازی ظهور موثرند؛ ۱. پیشرفت در عرصه های مختلف ۲. عدالت گسترده ۳. مردم سالاری

یک. پیشرفت در عرصه های مختلف

اولین گام موثر در اسلامی سازی کشور، پیشرفت در عرصه های مختلف است. پیشرفت به معنای حرکت به جلو، ترقی کردن و رشد تدریجی است. به عبارتی پیشرفت به معنای تحرک دائمی است و اگر دقت شود؛ پیشرفت هم راه و مسیر است هم، هدف که هرگز متوقف نمی شود یعنی خدای متعال انسان را آنچنان آفریده است که حرکت او به جلو در میدان های مختلف هیچ وقت به توقف نمی رسد.

مقام معظم رهبری (حفظه الله) می فرمایند: «شما جوانها خودتان را در قبال مسئله ی پیشرفت کشور مسئول بدانید. برنامه ی پیشرفت، برنامه ی مشخصی است، برنامه ی فکرشده و سنجیده ای است. شما خودتان را جزئی از فعالان این نقشه ی وسیع و همه جانبه بدانید و برای آن خودتان را آماده کنید. این آمادگی، یک روز با درس خواندن است، یک روز با تحقیق کردن است، یک روز با ساختن است، یک روز با کار و ابتکار است، یک روز با اتخاذ مواضع درست سیاسی است، یک روز با حضور در میدان سیاست است؛ هر روزی، هر دوره ای از زندگی شما یکی از این اقتضائات را دارد. خودتان را در همه ی احوال موظف بدانید که در قبال پیشرفت کشور، خودتان را سهمیم و مسئول بدانید. (امام خامنه ای، بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۸/۱۲، [https://farsi.khamenei.ir/speech-
\(content?id=40833](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40833)

«امر ظهور و فرج امام زمان عجل الله فرجه و پیشرفت دولت حق و عزت مومنین امری است قطعی و مسلم و ضروری نزد شیعه که این پیشرفت خود زمینه ساز ظهور است همه ی شیعیان با آرزو و امیدی که نسبت به ظهور آن حضرت دارند با روحی زنده و با نشاط و وظایف دینی و اجتماعی خود را پیش گیرند و سعی و تلاش در انجام هر چه بهتر آن نمایند و این نزدیک بودن علاوه بر آنکه امری است نسبی، از نظر علم شامل و محیط خدای تعالی، هر دوری نزدیک است.» (کلینی، ۱۳۶۹: ۱۹۳)

پس با پیشرفت در عرصه های مختلفی چون زمینه های علمی، پژوهشی، سیاسی و

غیره می توان به اسلامی سازی کشور جهت داد و تا زمانی که رشد و ترقی در این زمینه ها نباشد، مقدمه ای برای ظهور فراهم نخواهد شد.

دو. عدالت گستری

عدالت گستری به عنوان دومین عنصر در اسلامی سازی کشور معرفی می شود. عدالت، یعنی هر چیزی را در جای خود قرار دادن. این معنای عدل است. عدالت یعنی بر طبق حق، عمل کردن و حق هر چیز و هر کسی را به او دادن. این، معنای عدالت است و برای جامعه لازم است. عدالت عبارت است عمل به مساوات به قدر امکان. عدالت افضل فضایل و اشرف کمالات است (نراقی، ۱۳۹۴: ۸۲، ۷۸ و ۸۳) خداوند به صراحت درباره عمل کردن براساس عدل می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ؛ (سوره نحل، ۹۰/۱۶) همانا خدا (خلق را) فرمان به عدل و احسان می دهد.»

«عدالتی که در میان مردم است مقتضای آن این است که آدمی به حق خود راضی بوده و ظلم به عهدی را روا نداشته باشد و به قدر استطاعت و امکان حقوق برادران دینی خود را به جای آورد و بداند که هر کسی را از جانب پروردگار حقی لازم است و به ادای آن بشتابد. در نظام اسلامی، عدالت مبنای همه‌ی تصمیم‌گیری‌های اجرایی است و همه‌ی مسئولان نظام، از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تا مسئولان بخش‌های مختلف اجرایی، به خصوص رده‌های سیاست‌گذاری و کارشناسی و تاقضات و اجزای دستگاه قضایی، باید به جدّ و جهد و با همه‌ی اخلاص، در صدد اجرای عدالت در جامعه باشند. امروز در جامعه‌ی ما، برترین گام در راه استقرار عدل، رفع محرومیت از طبقات محروم و تهی‌دست و کم‌درآمد است. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جمعی از فرماندهان و پرسنل نیروی انتظامی، ۱۳۷۶/۴/۲۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2844>)

تا بشریت در یک سطح تعقل و دانش عمومی عدالت خواه و عدالت پسند در نیاید، تشکیل حکومت عادلانه بشری در سراسر جهان به رهبری امام قائم (عجل الله فرجه الشریف) میسر نیست، زیرا عقده یا فرضیه‌ی ظهور امام قائم قلب ماهیت بشری به ماهیت فرشته‌ای

و غریزه خلقی اطاعت و ترک گناه نیست، فرضیه ی جبر مطلق و کنترل همه ی افراد (اگر امکان داشته باشد) نیست بلکه مقصود تشکیل یک اجتماع بشری عادلانه بر اساس اختیار و آزادی است و این امر با تکامل کلی و عمومی خرد بشری میسر است و راه آن پرورش و آموزش معنوی و مؤثر در روحیه بشر است که بی تردید اصلاح وضع اقتصادی بشر مقدمه لازم و حتمی آن است. (کلینی، ۱۳۷۵ش: ۶۴۷)

دل بشریت می‌تپد تا آن نجات بخش بیاید و ستم را ریشه کن کند؛ بنای ظلم را - که در تاریخ بشر، از زمانهای گذشته همواره وجود داشته و امروز هم با شدت وجود دارد - ویران کند و ستمگران را سر جای خود بنشانند. انتظار این است که او همه ی عالم - نه یک نقطه - را سرشار از عدالت کند و قسط را در همه جا مستقر نماید. در روایاتی هم که درباره ی آن بزرگوار هست، همین معنا وجود دارد. بنابراین انتظار منتظران مهدی موعود، در درجه ی اول، انتظار استقرار عدالت است. (امام خامنه ای، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان - ۱۳۸۱/۰۷/۰۳، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3145)

«این عدلی هم که انتظار است حضرت به وجود بیاورند، عدل در یک بخش خاص نیست، عدل در همه ی شئون زندگی است؛ عدالت در قدرت، ثروت، سلامت، کرامت انسانی، منزلت اجتماعی، معنویت و امکان رشد، عدالت در همه ی ابعاد زندگی؛ اینها چیزهایی است که به وسیله ی حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) در عالم وجود، در دنیا به وجود بیاید و ان شاء الله به لطف الهی محقق خواهد شد.» (امام خامنه ای، سخنرانی تلویزیونی به مناسبت ولادت حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه، ۱۳۹۹/۰۱/۲۱، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45317)

نهایت این انتظار، دوران سبز حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه شریف) است او به عنوان بزرگترین رهبر عادل و پیشوای دادگر در پی اجرای عدالت در گستره ی عالم و در همه ی زمینه های حیات خواهد بود. (بالادستیان، ۱۳۹۲: ص ۱۸۹)

سه. مردم سالاری

یکی از مسائل مهم در پایه ریزی حکومت مهدوی، مردم سالاری است. مردم سالاری یعنی حکومتی که بر مبنای رای و انتخاب مردم باشد اگر حکومتی بر خلاف خواست و اقبال بیشتر مردم شکل پذیرد، آن نظام دیگر مصداق بارز مردم سالاری نخواهد بود.

یکی از بارزترین ویژگی های انقلاب اسلامی که در کمتر انقلابی نظیر آن وجود داشته است، مردمی بودن آن است. البته نظام اسلامی مردمی است، اما خصوصیتش فقط مردمی بودن نیست؛ نظام ما، نظام ایمانی است، نظام دینی است، مردم سالاری اسلامی است. «اسلامی» است که مثل شهید سلیمانی تربیت می کند؛ «اسلامی» است که خانواده ها را در دوران دفاع مقدس و ادار می کند که جوانهای خودشان، پاره های تن خودشان را برای جهاد فی سبیل الله بفرستند، بعد هم افتخار کنند.» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۶/۱۱/۱۳۹۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44827>)

در اسلام هم مردم و هم رای آنان مهم است. (شریف الرضی، ۱۳۷۹ ش، ص ۴۸۵) در این مسیر با تعمیم دین و نفوذ آن به جریان های جامعه، نظام مردم سالاری که مبتنی بر آموزه های دین باشد، شکل خواهد گرفت. در چنین نظامی که نتیجه قطعی اعتقاد به مهدویت است، بی شک، تسری حکومت مردم بر مردم با مناسب ترین شکل و ملموس ترین وضعیت ایجاد می شود و ضمن ارزش نهادن به آموزه های دینی و شیعی، میان ریشه این نوع مردم سالاری دینی - که همان مهدویت است و ثمره آن که همانا گویاترین نوع مردم سالاری است - هیچ گونه تعارضی وجود نخواهد داشت.

(<https://rasekhoon.net/article/show/120245/>، پایگاه اینترنتی راسخون، ۰۲/۰۶/۱۴۰۰،

ساعت ۱۶:۵۲) با مردم سالاری دینی می توانیم، به سوی ظهور گام برداریم.

حضرت امام خمینی علیه السلام، حکومت پهلوی را به یک نظام مردم سالاری تبدیل کرد «یعنی از اول عین نظام با رأی مردم؛ تعیین آن کسانی که باید بنشینند قانون اساسی را تنظیم کنند - [یعنی] خبرگان قانون اساسی - با رأی مردم؛ بعد که قانون اساسی تنظیم شد به

وسیله‌ی منتخبین مردم، خود آن قانون اساسی باز در معرض رأی مردم؛ قوه‌ی مقننه، قوه‌ی اجرائیه، شوراها‌ی گوناگون، خود رهبری، با رأی مردم؛ خبرگان رهبری را مردم معین میکنند، آنها آن وقت یک رهبری را [انتخاب می‌کنند]؛ یعنی همه چیز برمی‌گردد به رأی مردم؛ این [جور] اداره‌ی کشور، معنای حکومت مردمی است. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۸/۱۱/۱۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44827>)

بنابراین ظهور به معنای نشستن و دست روی دست گذاشتن نیست، بلکه به عمل و رفتار مردم بستگی دارد. برای همین باید راه‌های تحقق و ایجاد حکومت جهانی مهدوی را فراهم کرد و معتقد بود که برای بسترسازی مردم باید در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی با بصیرت بوده تا بتوانند نامزدها و مجریان اصلح را انتخاب نمایند تا اسلامی سازی کشور و به تبع آن حکومت مهدوی برپا گردد.

۳. تحقق تمدن نوین اسلامی

همه جوامع دینی از برنامه و نظام خاصی برخوردار بوده‌اند و جرعه‌های نخستین تمدن بشری نیز از سوی پیامبران و در میان دینداران زده شده است. (جمعی از نویسندگان: ص ۳۲) از منظر مقام معظم رهبری (حفظه الله) با شکل‌گیری جامعه اسلامی اسوه، زمینه برای الگوگیری و آغاز تمدن اسلامی که تجلی کامل آن در عصر ظهور خواهد بود فراهم می‌گردد. خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است. بی‌شک تمدن اسلامی می‌تواند وارد میدان شود و با همان شیوه‌ای که تمدنهای بزرگ تاریخ توانسته‌اند وارد میدان زندگی بشر شوند و منطقه‌ای را - بزرگ یا کوچک - تصرف کنند و برکات خود یا صدمات خود را به آنها برسانند، این فرآیند پیچیده و طولانی و پُرکار را بپیماید و به آن نقطه برسد. شاخصه اصلی و عمومی این تمدن اسلامی بهره‌مندی انسان‌ها از همه‌ی ظرفیت‌های مادی و معنوی است که خداوند برای تامین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. (امام خامنه‌ای، بیانات در اجلاس جهانی علماء و بیداری اسلامی، تهران، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22405>) البته تمدن

اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه به ثمر خواهد نشست. بر طبق دیدگاه مقام معظم رهبری اگر توانستیم مرحله ایجاد کشور اسلامی را به سلامت طی کنیم، آن گاه مرحله بعدی ایجاد دنیای اسلام است. به این ترتیب مرحله نهایی انقلاب و در حقیقت تحقق آرمانی ترین شعار انقلاب، «ایجاد دنیای اسلام» و دستیابی به تمدن عظیم اسلامی خواهد بود: «از کشور اسلامی می شود دنیای اسلامی [تمدن اسلامی] درست کرد، الگو که درست شد، نظایرش در دنیا درست خواهد شد». (امام خامنه ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۹/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-1379/9/12>، [content?id=3039](https://farsi.khamenei.ir/speech-1379/9/12))

با توجه به بیانات ارزشمند مقام معظم رهبری (حفظه الله) در بحث تحقق تمدن نوین اسلامی، فرهنگ سازی سبک زندگی اسلامی، گفتمان سازی مبانی ظهور و حاکمیت قرآن و اسلام سه عامل مهم در راستای زمینه سازی ظهور است:

الف. فرهنگ سازی سبک زندگی اسلامی

تحقق سبک زندگی اسلامی یکی از ضرورت های اساسی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی است که این امر به عنوان یک شاخص مهم، زمینه ساز ظهور است « سبک زندگی از معماری، از زندگی شهری، از زیست انسانی، از پیوندهای اجتماعی تا همه ی مسائل گوناگون را شامل می شود. » (امام خامنه ای، بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد ارتحال امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-1395/03/14>، [content?id=33259](https://farsi.khamenei.ir/speech-1395/03/14))

در اسلام، چارچوب کلی را که یک مسلمان یا یک جامعه اسلامی باید ارزش ها، سلیقه ها و ترجیحات خود را برای نمایش دادن رفتارهای عینی بر اساس آن تنظیم کند، مشخص می سازد. سبک زندگی اسلامی، با تمام زندگی افراد و ابعاد آن مرتبط است. دین اسلام برای تمامی عرصه های زندگی فرد مسلمان برنامه ریزی کرده است به این معناست که فرد مسلمان می تواند زندگی خودش را بر اساس اصول و آموزه های دینی شکل دهد و بر اساس

نگاه و فلسفه دینی سبک زندگی خود را طراحی یا انتخاب نماید.

یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوهی زیستن. از منظر معنویت که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است - باید به سبک زندگی اهمیت داده شود.

«زیستن به شیوه ای برآمده از فرهنگ خودی، یکی از دغدغه های جدی احیاگران فکر اسلامی و مبارزان مسلمان معاصر بوده است. یکی از انگیزه های اصلی انقلاب اسلامی هم آزادی برای در پیش گرفتن سبک زندگی ای براساس الگوی های اسلامی - ایرانی برای آحاد جامعه بود؛ درست در نقطه ی مقابل سبک زندگی تقلیدی از غرب که رژیم پهلوی آن را حمایت و ترویج می کرد. «دشمن متأسفانه با استفاده ی از ضعف و خیانت سران وابسته ی نظام های اسلامی، از جمله در کشور ما در طول سالهای پیش از انقلاب، توانسته سبک زندگی خودش را رایج کند. ما اگر بی مبالاتی مشاهده می کنیم، اگر اسراف مشاهده می کنیم، اگر مشکلات گوناگون را در داخل کشور مشاهده می کنیم، این به خاطر دور افتادن از اخلاق اسلامی و از سبک زندگی اسلامی است. اگر بخواهیم سبک زندگی اسلامی را حاکم کنیم، باید فرهنگ سازی بشود. فرهنگ سازی به این وسیله انجام می گیرد و شما بهترین کسانی هستید که می توانید در میان مردم فرهنگ سازی کنید و به معنای واقعی کلمه جریان را به سمت اسلام برگردانید. (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام ۱۱/۲۶/۱۳۹۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44919>)

آیت الله خامنه ای (حفظه الله) فرمودند: «جمهوری اسلامی، فرهنگ غربی را رد کرد و گفت ما فرهنگ مستقل اسلامی داریم. اسلام تکلیف مسلمانان را در معاشرت، در کیفیت زندگی فردی، در خورد و خوراک در لباس پوشیدن، در درس خواندن، در روابط با حکومت، در روابط با یکدیگر و در معاملات شان معین کرده است. ما نمی خواهیم اینها را از غربی ها یاد بگیریم و از آنها تقلید کنیم. (غفاری، ۱۳۹۸: ص ۱۶۱) مقابله با تلاش غرب در ترویج سبک زندگی جهادی همه جانبه و هوشمندانه می طلبد. (غضنفری، ۱۳۹۸: ص ۲۹)

«هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، ابزاری و بخش دیگر، بخش متنی، اصلی و اساسی است. در بخش ابزاری، ارزش‌هایی مانند؛ علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ در بخش ابزاری تمدن است. اما بخش حقیقی آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است. این بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله‌ی خط، مسئله‌ی زبان، مسئله‌ی کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزندان، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخش‌های اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21279>)

امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فی‌الارض در تویع خود به شیخ مفید چنین می‌فرماید: «اگر شیعیان ما که خداوند آنان را بر اطاعتش توفیق عنایت فرماید در وفای به عهدی که بر عهده آنان است، یک‌دل می‌شدند، میمنت ملاقات با ما از آنان به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیبشان می‌گشت؛ دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما. (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ص ۳۱۸). خداوند سبک زندگی اسلامی را ارائه کرده است. اگر طبق عهدی که مردم بر عهده دارند، سبک زندگی اسلامی را در تمام ابعاد زندگی شان پیاده سازی کنند به حیات طیبه که همان سعادت دنیوی و اخروی است، دست می‌یابند. (اشتری فرد، ۱۳۹۷: ۱۶۰) پس عملکرد مردم در تحقق ظهور تأثیرگذار خواهد بود.

ب: گفتمان سازی ظهور

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مطلوب تحقق تمدن نوین اسلامی در راستای زمینه سازی ظهور، فضا سازی گفتمانی است. برنامه‌ها و اقداماتی که در حوزه تمدن صورت می‌پذیرد هر چند ضروری و موثر است ولی چنانچه در یک فضای گفتمانی مناسب و مساعد صورت نگیرد ممکن است، اثر و نتیجه‌ی مطلوب و مورد انتظار را نداشته باشد. علاوه بر این برخی اهداف اصولاً جزء با گفتمان سازی و فضا سازی مناسب محقق نمی‌شود. «به عنوان مثال در مقوله‌ی پیشرفت علم و فناوری، هر چند کارهای زیادی طی سال‌های بعد از انقلاب صورت گرفته ولی به حق در چند سال اخیر یک جهش اساسی و بلند در این حوزه صورت گرفته است. علت اصلی این جهش چیزی جز ایجاد فضای گفتمانی قوی و مناسب از سوی مقام معظم رهبری (حفظه الله) به ویژه در محیط‌های علمی و نخبگانی نیست. بدیهی است که در ایجاد فضای گفتمانی عوامل متعددی؛ از قبیل نخبگان، رسانه‌ها و غیره نقش دارند ولی وجود محتوا و مفهوم مناسب شرط اصلی شکل‌گیری گفتمان است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ص ۱۵)

گفتمان در حقیقت جهت‌گیری فکری مشخص در جامعه است. (امام خامنه‌ای، بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45639>، ۱۳۹۹/۰۲/۲۸ وقتی گفتمان سازی شد، آن وقت همه به این فکر خواهند افتاد و در همه یک انگیزه‌ای به وجود می‌آید؛ گویا یک جاده‌ی وسیع و یک بزرگ‌راهی به وجود می‌آید که همه میل می‌کنند از این بزرگراه حرکت کنند. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34162>، ۱۳۹۵/۰۶/۰۳ گفتمان پیروی از معارف اسلامی و احکام اسلامی و شریعت اسلامی است. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولین اجرایی استان کرمانشاه، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34703>، ۱۳۹۰/۰۷/۲۸ آنچه به گفتمان

سازی انقلاب اسلامی فراتر از مرزهای ایران جلوه و جهت داد حاکم شدن یک نظام سیاسی با محوریت اسلام و با تکیه بر ارزش های مردم سالاری، آزادی خواهی، عدالت طلبی و استکبار ستیزی است. (غفاری، ۱۳۹۸: ص ۲۵۲)

بنابراین یک فرهنگ و یک گفتمان باید اول در میان نخبگان و به تبع آن در سطح عموم جامعه به وجود بیاید زیرا ایجاد یک فکر، یک گفتمان، یک جریان فکری در جامعه به دست خواص و اندیشمندان جامعه است؛ آنها هستند که می توانند فکر ملت ها را به یک سمتی هدایت کنند که مایه ی نجات آن ها شود؛ و زمانی که در سطح جامعه گفتمان مبانی ظهور منتشر شود، ذهن نخبگان و سپس ذهن عموم را به یک سمت اساسی سوق خواهد داد. باید برای اداره ی کشور و تحقق در سالهای آینده جاده سازی و ریل گذاری کرد همه در این زمینه به قدر توانایی های خود مسئولیت دارند. می توان با گفتمان سازی قله های علم و پیشرفت را صاحب شد و فتح کرد دنیا در آن صورت دنیای انسانی خواهد بود دنیایی خواهد شد که شایسته ی زندگی انسان است. البته نمونه ی کامل این دنیا در دوران ظهور حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) اتفاق خواهد افتاد.

ج: حاکمیت قرآن و اسلام

حاکمیت قرآن و اسلام از مولفه های بسیار درخشان در تحقق تمدن نوین اسلامی است. با مطالعه در تاریخ این نتیجه حاصل می گردد که بشر هیچ گاه بدون دین زندگی نکرده است و خداوند در قرآن به معرفی تنها دین برحق که همان اسلام است، اشاره نموده است. « إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ » (سوره ال عمران، ۳/۱۹). وقتی حکومت اسلامی برپا می شود، ارزش های الهی بها می گیرند و پیشوایان الهی عدالت جو به متن جامعه می آیند، قرآن به عنوان یک ارزش و الهام بخش عدالت مطرح می شود؛ درستی، صداقت، درستی، بردباری، کمک به هم نوع و رعایت حلال و حرام خدا پا می گیرد، به واسطه حاکم اسلامی دشمنان خدا سرکوب می شوند، اموال عمومی و بیت المال در راه مصالح جامعه به مصرف می رسد، راه ها امنیت می یابد، حقوق ناتوان از زورمندان باز گرفته می شود، خوبان به

آسایش می رسند و بدان قدرت آزار دیگران را از کف می دهند، ثروت تعدیل می شود و فقر بندگان خدا که جزء در کامیابی نامشروع ثروت اندوزان ریشه ندارد از میان می رود. (آخوندی، ۱۳۸۴: ص ۷۰)

پیشینیان انقلابی شیعه اهتمام داشتند که جامعه را به گونه ی جامعه قرآنی بسازند و ثروت ها را بازگردانند و چنان می دیدند که این کار وظیفه حکومت اسلامی و مردان حاکمیت قرآنی است و این همان راه و جهتی است که پیامبر اسلام ص برای والی اسلامی معین کرده است. (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰: ص ۴۰۴) وقوع انقلاب بزرگ و الهی در این عالم، بر روی این زمین - در آخرالزمان - به منظور برپایی حکومتی الهی و جهان شمول می باشد که این امر تنها با ایجاد حکومتی عادلانه و مبتنی بر ارزش ها و آموزه های روان و مطابق فطرت بشریت به وسیله حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وقوع خواهد پیوست، تا آن حضرت قسط و عدل را در سراسر زمین پس از آن که ظلم و ستم همه جا را فرا گرفت، مستقر سازد تشکیل این حکومت به معنای براندازی هر نوع حکومت دیگری جز حاکمیت خداوند است، و آن در جهت اصلاح و هدایت بشریت از مسیر انحرافی به مسیر مستقیم و از بین بردن خطاها و زشتی ها و انحرافات و فساد موجود در این عالم حرکت می کند. آن حکومت در حقیقت حدفاصل (برزخ) میان این دنیا و عالم آخرت می باشد، زیرا پس از تشکیل چنین حاکمیت الهی در این جهان، حکومت دنیا هرگز دوباره در دست انسان و بشر [غیرالهی] قرار نخواهد گرفت. (مجله موعود/ بهمن ۱۳۸۵، شماره ۸۲ <https://hawzah.net/fa/Magazine/List> پایگاه اطلاع رسانی حوزه)

خداوند وعده پیروزی اسلام بر تمام ادیان را در قرآن کریم داده است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (سوره صف، ۹/۶۹) طبق تفاسیر مطرح شده ذیل این آیه؛ پیروزی اسلام بر دیگر ادیان آسمانی در زمان ظهور محقق خواهد شد. از این رو باید برای بسترسازی ظهور، حاکمیت قرآن و اسلام در جامعه پیاده سازی شود تا با آمدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، این وعده ی الهی به طور جامع و کامل محقق گردد. راه های

زمینه‌سازی و کسب آمادگی برای ظهور از نظر مقام معظم رهبری (حفظه الله) عبارت است از: «عدالت‌طلبی، معنویت‌گرایی، تلاش برای ساختن زندگی خود در جهتی که حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه تشکیل خواهد شد، عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام...» باید زمینه را آماده کرد، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده، اقدام بکند. جامعه ای می تواند پذیرای مهدی موعود (ارواحنا فداه) باشد که در او آمادگی و قابلیت باشد، و الا مثل انبیاء و اولیای طول تاریخ می شود. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، ۱۳۷۶/۰۹/۲۵)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2865>

بنابراین قطعیت غلبه صلاح بر فساد از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است، همه انبیاء و اولیاء آمده اند تا انسان را به آن بزرگراه اصلی سوق بدهند که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ گونه مانعی تمام استعدادهايش می تواند بروز کند. هنوز بشریت به نقطه شروع آن صراط مستقیم نرسیده است آن در زمان ولی عصر (ارواحنا فداه) محقق خواهد شد. (گزیده ای از بیانات مقام معظم رهبری پیرامون انتظار و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، ۱۳۹۰/۰۷/۰۸) باید در این زمینه تلاش نمود و حاکمیت قرآن و اسلام را در سرتاسر قلمرو زندگی بشر، برقرار نمود. در این صورت است که زمینه برای پیاده سازی حاکمیت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه محقق خواهد شد.

نتیجه گیری

براساس آموزه های دین، عامل اصلی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه اراده الهی است ولی آنچه که انسان‌ها از آن به عنوان عوامل زمینه ساز ظهور می توانند، به کار گیرند؛ ایجاد بستری مناسب جهت تحقق ظهور خورشید عظمای ولایت است. براساس پژوهش انجام شده؛ برای رسیدن به این هدف ابتدا باید اسلامی سازی دولت و سپس اسلامی سازی کشور و در نگاه آخر تمدن نوین اسلامی تحقق یابد. در این امر مسئولین دولتی باید به خودسازی پرداخته و برنامه ی نهادهای دولتی را اصلاح کنند و معنویت را در سطح جامعه و زندگی

شخصی خویش ترویج دهند تا بستر برای اسلامی سازی کشور مهیا شود. با پیشرفت و توسعه در عرصه های مختلف؛ علمی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی متوازن با متون دینی، که از عوامل ضروری است؛ در تمام ابعاد معرفتی جاری و ساری شود، جامعه ای با عدالت گستری در راستای تمدن نوین اسلامی محقق می شود که این خود اسلامی سازی کشور است. حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه زمینه رشد و تعالی معنوی و فکری افراد را فراهم می سازد و در نتیجه می توان با گفتمان سازی ظهور و سبک زندگی اسلامی، حاکمیت قرآن و اسلام را عملی کرد و جامعه را به حکومت مهدوی متصل نمود.

منابع فارسی

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه عیون اخبار الرضا علیه السلام، چاپ اول، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، ۱۳۷۲ ش.
۳. اشتیری فرد، حسین، صالحی میری، رضا، شهریاری، محمدرضا، طراحی الگوی سبک زندگی ایرانی. اسلامی شهروندان شهر تهران، پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۷.
۴. آخوندی، مصطفی، نهضت انتظار دو سطح ۱، چاپ اول، تهران، معاونت آموزشی عقیدتی سیاسی نمسا، ۱۳۸۴.
۵. بالادستیان، محمدامین، حائری پور، محمد مهدی، یوسفیان، مهدی، نگین آفرینش، چاپ پنجاه و یکم، قم، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت موعود علیه السلام، ۱۳۹۲.
۶. بشوی، محمد یعقوب، نقد احادیث مهدویت از دیدگاه اهل سنت، چاپ ۱، قم، نشر مرکز جهانی علوم انسانی، ۱۳۸۴.
۷. جمعی از نویسندگان، نهضت انتظار، چاپ اول، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی مقاومت بسیج، معاونت آموزش، تهران، ۱۳۸۲.
۸. حکیمی، محمدرضا، حکیمی، محمد، حکیمی، علی، الحیاة، ترجمه احمد آرام، چاپ اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
۹. حمیدیه، بهزاد، کاوشی معناشناختی در معنویت، مطالعات عرفانی (مجله علمی پژوهشی)، دانشکده ادبیات و زبان های خارجی دانشگاه کاشان، شماره ۲۴، ۱۳۹۵، ۱۱.
۱۰. خامنه ای، سیدعلی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران، موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲.
۱۱. خامنه ای، سیدعلی، نگاهی به نظریه انتظار در اندیشه آیت الله العظمی خامنه ای، تهران، نشر انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸.
۱۲. رحمتی شهرضا، محمد، هزار و یک نکته یرامون امام زمان علیه السلام، چاپ دو، قم، نشر مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷.

۱۳. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، چاپ اول، قم، مشهور، ۱۳۷۹ ش.
۱۴. شفیعی، احمد، انقلاب اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، پایگاه اینترنتی پرتال جامع علوم انسانی، حصون ۱۳۸۵، شماره ۷، ۲/۰۶/۱۴۰۰، ساعت ۱۶.
۱۵. غضنفری، عزیز، کارگر، علی، برزکار، مصطفی، شرحی بر بیانیه گام دوم انقلاب، چاپ اول، قزوین، سایه گستر، ۱۳۹۸.
۱۶. غفاری، مصطفی، از نیمه خرداد، موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۹۸.
۱۷. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (ترجمه کمره ای)، اصول کافی، چاپ سوم، قم، اسوه، ۱۳۷۵ ش.
۱۹. گلستانی، محمد، سیمای جهان در عصر امام زمان عجل الله فرجه، چاپ اول، ج ۱، قم، نشر مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵.
۲۰. _____ (ترجمه مصطفوی)، اصول کافی، چاپ اول، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
۲۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، انتشارات صدرا، بی تا.
۲۲. مظاهری، حسین، جهاد با نفس، چاپ هشتم، جلد ۱ و ۲، قم، فدک فاطمی ۱۳۸۳.
۲۳. نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، چاپ سوم، قم، نشر جمال، ۱۳۹۴.
- منابع عربی**
۲۴. ابن بابویه، محمد بن علی (مترجم منصور پهلوان)، کمال الدین، چاپ اول، قم، نشر دارالحدیث، ۱۳۸۰ ش.
۲۵. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، چاپ اول، مصحح محمد باقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
- مقاله**
۲۶. کمالی، محمدتقی، معنویت اساسی ترین نیاز عصر ما، شماره ۱۱، نورمگز؛ درسهایی از مکتب اسلام، ۱۳۴۹.
۲۷. مجله موعود، بهمن ۱۳۸۵، شماره ۸۲، <https://hawzah.net/fa/Magazine/List>

منابع اینترنتی

۲۸. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه ای: khamenei.ir.
۲۹. پایگاه اینترنتی پرسمان، <https://www.porseman.com>، / ۱۴۰۰/۰۶/۰۲، ساعت ۱۴.
۳۰. پایگاه اینترنتی حوزه، <https://hawzah.net>، / ۱۴۰۰/۰۵/۳۱، ساعت ۹:۱۵.
۳۱. پایگاه اینترنتی راسخون، <https://rasekhoon.net>، / ۱۴۰۰/۰۶/۰۲، ساعت ۱۶:۵۲.

مؤلفه های تمدن مهدوی با تأکید بر آیه ۵۵ سوره نور و بیانیه گام دوم انقلاب

رضیه سیف الدینی بنادکوکلی^۱ (نویسنده مسئول)
رخساره زارع ارنانی^۲

چکیده

انسان، همواره طالب مدینه ی فاضله ایست که در آن از امنیت، آرامش، پیشرفت و تکامل اخلاقی و فرهنگی برخوردار باشد و این مدینه فاضله در فرهنگ و تمدن اسلامی از ابتدا تاکنون بیان شده است، از جمله در کتب الهی و روایات بسیاری، نوید حکومت مهدوی به طور مکرر آورده شده، حتی اخیراً در بیانیه گام دوم انقلاب که توسط رهبری کشور صادر شد به تمدن سازی اسلامی که زمینه ساز ظهور و دولت مهدوی باشد، پرداخته شده که البته برای پایه گذاری این مدینه فاضله باید مؤلفه های گوناگونی بررسی شود. مقاله پیشرو با عنوان (مؤلفه های تمدن مهدوی با تأکید بر آیه ۵۵ سوره نور و بیانیه گام دوم انقلاب) است. روش تحقیق این مقاله، نقلی- و حیانی و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه ای و پردازش آن توصیفی- تحلیلی بوده است. در این مقاله دو عنوان مؤلفه سیاسی و فرهنگی

۱. jamaldanaeifar@yahoo.com . دانش پژوه سطح ۲ حوزه علمیه سیدالشهدا . یزد .

۲. Roominay۷۳@gmail.com دانش پژوه سطح ۲ حوزه علمیه سیدالشهدا . یزد .

تمدن مهدوی، با تأکید بر آیه ۵۵ سوره نور با نگاهی بر بیانیه گام دوم انقلاب مورد بررسی قرار گرفت یافته‌های به دست آمده، به شاخصه‌های این تمدن در حوزه سیاسی، ایجاد حکومت جهانی و تأمین امنیت از جمله امنیت مادی و معنوی و امنیت داخلی و خارجی و همچنین در استقرار عدالت به دو شاخه تجلی اصل برابری اجتماعی و تجلی اصل آزادی، رسیده است و در حوزه فرهنگی به موارد: شاخصه رشد و تعالی فردی که شامل رشد ایمان و معنویت و رشد فضایل اخلاقی در جامعه مهدوی است و شاخصه رشد و تعالی اجتماعی، مشتمل بر رشد و تکامل عقول و رشد و بسط علوم و احیای آموزه‌های الهی است، دست یافته است و در پایان این مقاله، مخاطب به این مطلب که دولت مهدوی، با توجه به آیه مذکور و بیانیه گام دوم انقلاب، دولتی است که در آن، تمام ابعاد جامعه به سمت رشد و تعالی و کمال انسان رهسپار است تا مدینه‌ای فاضله‌عاری از ظلم و ستم و با یکرنگی و همسانی در تمام ابعاد مادی را محقق سازد و با احیای اخلاق و آموزه‌های دین، شریعت الهی را به شکل مطلوبی بیان دارد، رسیده است.

کلید واژه‌ها: آیه ۵۵ سوره نور، قرآن کریم، تمدن، مؤلفه‌های تمدن، تمدن مهدوی، بیانیه

گام دوم انقلاب

مقدمه

انتظار موعود و منجی، تاریخی چند هزار ساله را پشت سر گذاشته است و اکثر ادیان از جمله یهود و مسیحی و زرتشت، به آن باور داشته و دارند. تجلی این اندیشه در دین اسلام است و بر اساس آیات قرآنی و روایات متواتری از پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد ﷺ، به شکل اندیشه مهدوی و ظهور فردی از نسل پیامبر ﷺ و حضرت فاطمه ﷺ، برای پر کردن جهان از عدالت و امنیّت و برقراری حکومت جهانی و حاکمیّت صالحان بر جهان و غلبه بر همه ادیان کفر و شرک، نمایان شده است. طبق مکتب شیعه امامیه، منظور از آن فرد بصورت مشخص، امام مهدی ﷺ، فرزند امام یازدهم شیعیان بوده که در سال ۲۵۵۵ ه. ق در سامرا متولد شده است و ایشان را به عنوان آن منجی، معرفی کرده است.

از آنجایی که این مهدویّت، به نوعی ادامه و استمرار نبوّت و امامت است و مردم در قبال پیامبران و امامان، وظایفی دارند بنابراین تمام وظایفی که شیعه در برابر امامت دارد، در مورد آخرین راهنمای آسمانی هم بر عهده دارد. یکی از آن وظایف، شناخت امام زمان ﷺ و چگونگی حکومت ایشان است و از آن جایی که این عقیده شیعه، درباره امام زمان ﷺ و تمدن نوین جهانی ایشان برای بسیاری، شفاف نیست و وظیفه معتقدان و شیعیانش آن است که تا جایی که می توانند این عقیده به تحقق تمدن مهدوی را برطبق منابع معتبر، تبیین کنند و لذا در راستای این وظیفه، لذا این پژوهش، با روش توصیفی - تحلیلی و جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای، درصدد پاسخگویی به این سؤال است که تمدن مهدوی، با توجه و تأکید به آیه ۵۵ سوره نور و بیانیه گام دوم انقلاب، چه مؤلفه و ویژگیهایی دارد؟

به نظر می رسد که درآیه مذکور، مؤلفه های سیاسی، از جمله مؤلفه های ایجاد تمدن جهانی، امنیّت و عدالت وجود داشته باشد و در حوزه فرهنگی، مؤلفه های رشد ایمانی و اخلاقی و رشد عقول و علوم مردم باشد که به احیای آموزه های الهی می انجامد، که در این مقاله به آن ها پرداخته است.

پژوهش های زیادی در مورد مهدویّت و حکومت جهانی امام زمان ﷺ انجام شده

ولیکن طبق تحقیقات و بررسی های انجام شده در منابع الکترونیکی، کتب و مقالات، پژوهشی با این عنوان، مشاهده نشده است که بطور دقیق و مجزاً به مؤلفه های سیاسی و فرهنگی تمدن مهدوی با تأکید بر آیه ۵۵ سوره نورو هم نگاهی به بیانیه گام دوم، کرده باشد و به نوعی منابع به دست آمده کلی و عامّ است.

مقاله محمد صادق عادلّی، با عنوان (ویژگی های امنیّت در جامعه مهدوی) در سال ۱۳۹۶ در نشریه علوم سیاسی بلاغ، تنها به شاخصه امنیّت در تمدن مهدوی پرداخته که یک مؤلفه سیاسی است. همچنین در مقاله (بررسی و تبیین مولفه های تمدن مهدوی از منظر آیات و روایات) نوشته عباس تقویان و خدیجه نقیسی، به بررسی سه تمدن ملک داوود، سلیمان و ذوالقرنین در قران، پرداخته است. آقای حسین مسعودی خراسانی در کتاب (مهدویت و مدینه فاضله) سال ۱۳۷۴ بعد از بررسی تمدن آرمانی قدیم از دیدگاه افلاطون و ارسطو و فارابی، مدینه فاضله مهدوی در عصر جدید را مطرح و برخی شاخصه ها و ساختارهای آن را بیان کرده است. ولی در مقاله حاضر، در تبیین مؤلفه های تمدن مهدوی، علاوه بر استفاده از تفاسیر مختلف و روایات و بیانیه گام دوم انقلاب، به طور خاص به دو مؤلفه مهمّ تمدن مهدوی پرداخته است.

مفهوم شناسی

مؤلفه:

دانشمندان علم لغت، معانی مختلفی را برای این واژه آورده اند از آن جمله: مؤلفه، در لغت: به معنای «مُكَمَّلَه» آمده است. (جوهری، ۱۴۰۴: ق: ۱۳۳۲/۴؛ ابن منظور، ۱۴۰۷: ق: ۱۰/۹؛ صعیدی عاملی، ۱۴۱۰: ق: ۱۲۵۵/۲؛ و حمیری یمنی، ۱۴۲۰: ۱/۳۰۱) که اسم مفعول است و به معنای چیزی یا چیزهایی است که جمع شده و باعث کامل شدن چیزی می شود. همچنین در جمله (أَلَفْتُ هَذَا الطَّيْرَ هُنَّ مَوْلَفَاتُ)، مؤلفه به معنای جمع شده و الفت ایجاد شده، آمده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ق: ۱/۱۳۱؛ اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴: ق:

واژه مؤلف، در اصطلاح: به معنای چیزی است که از اجزای مختلفی به صورت مرتب، جمع شده است و هرجزئی در جای خود قرار گرفته و تقدم و تأخر آن درست باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۱/). همچنین ماده أَلَف، دلالت بر پیوستن و ضمیمه شدن چیزی به چیز دیگر است. (مصطفوی، ۱۳۸۵ش: ۱/)

بنابراین مؤلفه، در اینجا به معنای شاخصه ها و اجزای اصلی یک چیز است که بصورت مرتب در جای خود قرار گرفته، بطوری که تکمیل آن چیز بدون آن اجزا، ممکن نباشد.

تمدن:

علمای لغت و لغت شناسان از دیر باز به این واژه توجه داشته و معانی مختلفی برای آن آورده اند. ابن خلدون تمدن را با کلمات الحضاره والعمران، مطرح کرده است. (ابن خلدون، ۱۳۷۷ه.ش: ۱/ ۱۷۲ و ۲۸۸ و ۳۷۱) همچنین تمدن در لغت به معنای شهر نشینی آمده است و مجازاً به معنای ادب و تربیت، هم بکار رفته است (دهخدا، ۱۳۲۵ه.ش: ذیل واژه تمدن).

فلاسفه و علمای اخلاق، کشور متمدن را کشوری می دانند که آداب و رسوم اخلاقی را کامل کرده و در راه حفظ آن بکوشد. (زمانی، ۱۳۴۸ق: ۳۰ - ۳۳)

بنابراین تمدن در لغت یعنی: اقامت در شهر و رفتار با آداب مردم آن واصطلاحاً به تشکلی هماهنگ از انسانها که هدفمندانه، با رعایت آداب و رسوم اخلاقی و روابطی عادلانه، در راستای اهداف مثبت حرکت می کنند، گفته می شود.

مهدی و مهدوی:

واژه مهدی از گذشته تاکنون مورد استفاده افراد بسیاری قرار می گرفته که در واقع مهدی، واژه ای عربی و اسم مفعول از (هَدَى - یهدی) است به معنای هدایت شده است. (فیروز آبادی، ۱۴۱۵ق: ۲۰/ ۳۳۲) همچنین به معنای، کسی که خدا او را به سوی حق

هدایت کرده و هدایت شده است، آمده است و امام صادق علیه السلام در ذیل حدیثی فرموده اند، آن حضرت را مهدی می گویند چون ایشان مردم را به امری که گم کرده اند، هدایت می کند. (عاملی، ۱۴۲۵ق: ۱۱۰/۷). و کلمه مَهْدَوِي، همان کلمه مهدی هست که یاء نسبت به آن اضافه شده است و به معنای نسبت داده شده به مهدی و منسوب به مهدی صاحب الزمان، امام دوازدهم شیعیان، آمده است. (معین، ۱۳۸۶. ش ذیل هَدَى) بنابراین واژه مهدی، به معنای کسی است که هدایت شده است و منظور، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه امام دوازدهم شیعیان است و مهدوی، در لغت به معنای نسبت داده شده به مهدی و اصطلاحاً به چیزی که به آن حضرت (مهدی موعود)، نسبت داده شده است.

مفهوم آیه ۵۵ سوره نور:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۵۵)

بر طبق ظاهر آیه، وعده زیبایی است از جانب خدا، برای مؤمنینی که عمل صالح دارند که به زودی جامعه صالحی، مخصوص به خودشان، برایشان درست می کند و زمین را در اختیارشان قرار می دهد و دینشان را در زمین متمکن می سازد و امنیت را جایگزین ترسی که داشتند، می کند، امنیتی که دیگر از منافقین و کید آنان واز کفار، بیمی نداشته باشند و خدا را آزادانه عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند. (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۵ / ۲۰۸) و اصطلاحاً در مورد معنای گفته خدای متعال در این آیه، عبدالله بن سنان از امام صادق روایت کرده است که پرسید، منظور چه کسانی هستند که حضرت فرمود که: «ایشان ائمه اند» (کلینی، ۱۳۸۵. ش: ۱/۲۷۵) همچنین در روایات زیادی آمده است که مصداق کامل این آیه، حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است که خداوند، وعده داده که در آن روز، اهل ایمان بر جهان، حکومت کنند. (قرائتی، ۱۳۸۳. ش: ۶/۲)

مفهوم بیانیه گام دوم انقلاب

بیانیه: متنی است که یک شخص یا گروه از آن برای بیان اصول عقاید و اهداف خود، خطاب به مردم استفاده می‌کند. (<https://fa.m.wikipedia.org>) و منظور از بیانیه گام دوم انقلاب، نوشته‌ی امام خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران، در آغاز چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران است که در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ ش. صادر شد. که در آن ضمن بیان پیشینه وقوع انقلاب و دشواریهای آن، به دستاوردهای ۴۰ ساله انقلاب پرداخته و چشم انداز آینده این انقلاب را تبیین کرده است. (<https://fa.wikishia.net>) و با ایجاد وظیفه برای مدیران و مسوولان و مسوولیت دادن به جوانان، در صدد آن هستند که این انقلاب الهی را به تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای ظهور دولت کریمه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه متصل نماید. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

ایجاد یک تمدن عادلانه، کامل و عاری از نقص که انسان را به سعادت در هر دو جهان رهنمون کند، غایت نهایی دین اسلام است و قرآن کریم که برنامه‌ی جامع و کامل زندگی بشر است مبادی بنیادی‌ای را که مستلزم رسیدن این غایت ارزشمند است را ارائه کرده است، که این برنامه جامع و روایات واصله از ائمه معصومین علیهم السلام به کثرت و تکرار، تحقق این جامعه آرمانی را در آخر الزمان بشارت داده است. که محقق این مدینه‌ی فاضله را ظهور و قیام منجی موعود، حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌داند و از آنجا که در دین مبین اسلام به ویژه در مکتب تشیع، ایجاد مدینه فاضله و تشکیل دولت جهانی واحد به رهبری امام معصوم علیه السلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، این مسئله در تاریخ اسلام به عنوان مهدویت مطرح شده و آیات و روایات کثیری از جمله آیه ۵۵ سوره نور بر آن دلالت دارند. برطبق این آیه، به بررسی دو مؤلفه سیاسی و فرهنگی آن می‌پردازیم.

۱. مؤلفه سیاسی تمدن مهدوی، با تأکید بر آیه ۵۵ سوره نور و بیانیه گام دوم

تشیع در طول تاریخ، همیشه منتظر ظهور امام موعود خود بوده تا دولت جهانی و عادلانه

وآرمانی خود را به پا دارد، لذا اعتقاد به آموزه مهدویت، در طول تاریخ، استراتژی شیعیان بوده است و در طول تاریخ تشیع، زمینه ایجاد جنبش‌ها و انقلاب‌های مقاومت گرا را بوجود آورده است ولی بر طبق مؤلفه‌هایی که برای تمدن موعود مهدوی، در آیات و روایات، و از آن جمله در این آیه مورد بحث آمده است، الگوی مطلوب نظام سیاسی اسلام، در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه محقق خواهد شد. (شجاعی مهر و لک زایی، ۱۳۹۷: ۲۴۹/۲۷۲) آن نظام، اقتدار و قدرتی فراگیر، مبتنی بر عقل و حکمت و حجت‌های دینی دارد. و دولتی فرامرزی است که تمام امکانات و ثروتها را در اختیار همه می‌گذارد. (کارگر، ۱۳۸۴: ۲۴۱/۲۵۴)

در آن تمدن، دین از سیاست جدا نیست و در زندگی اجتماعی و سیاسی هم ساری و جاری است. بلکه، سیاست در ذات دین و مهدویت است. و انبیا و اوصیای الهی در طول تاریخ، علاوه بر دین داری و تهذیب نفس و اصلاح درون خود، بر اصلاح اجتماع و اقامه عدل و نابودی ظلم هم، نظر داشته‌اند. (رضوانی، ۱۳۸۷: ۱۵ / ۳۱) سیاست در این جامعه، الهی است و دولت آن بر اساس نظام امامت و جهان بینی اسلامی بنا می‌شود. اداره این جامعه، در دست مستضعفان و صالحان است و با شایسته سالاری و ولایت مداری می‌تواند بر همه شرق و غرب عالم، سیطره پیدا کند. (کارگر، ۱۳۸۴: ۲۴۱/۲۵۴)

۱-۱. ایجاد حکومت جهانی

از دیر باز انسان در زندگی خود، رویای یافتن دنیای سامان یافته و آینده‌ای متعالی را در سر می‌پروراند، که در آن از دغدغه‌های جوامع امروزی، اثری نباشد. به عبارتی دیگر همیشه انسان‌ها در ذهن خود، به دنبال تمدن آرمانی بوده‌اند، تمدنی که، با استقرار نظام مشترک در جهان، فرهنگ جدیدی که مورد قبول و مطلوب همه جهانیان است را ایجاد کند تا با آن مشکلات جوامع بشری، از بین برود و در نتیجه دنیایی نوین با وضعیت مطلوب، برای انسان فراهم شود. (لک، ۱۳۸۸: ۱۲)

تمدن اسلامی مهدوی، یعنی فضایی که انسان در آن محیط رشد، برایش فراهم باشد

و به اهداف مطلوبش برسد و زندگی عزت مندانه ای داشته باشد. عزیز بودن آدمی به معنای داشتن قدرت اراده، ابتکار و سازندگی طبیعت و جهان است. تنها دین و مکتب حق است که می تواند جهانی باشد، چرا که جهانی شدنی، امکان وجودی دارد، که با جهان و خالق هستی سازگاری داشته باشد و از طرفی اگر ما معتقدیم که پیامبر ما خاتم پیامبران است و بعد او پیامبری نیست، پس این دین نهایی و کامل و جهانی، برای همه و همیشه است. (رضوانی، ۱۳۸۷.ه.ش: / ۱۵-۳۱) در روایتی آمده است:

«همانا دولت ما، آخرین دولتهاست و برای هیچ خاندانی، دولتی نیست مگر این که قبل از ما حکومت کند تا وقتی ما به حکومت رسیدیم و روش حکومتی ما را دیدند، نگویند اگر ما هم به قدرت می رسیدیم چنین رفتار می کردیم و این گفتار خداست که عاقبت برای تقوا پیشگان است» (نعمانی، ۱۳۹۷.ه.ش، / ۴۷۳).

در این حکومت و تمدن نوین مهدوی، چون تمدنی فضیلت گرا و غیر استبدادی است، کمال مادی و معنوی مردم و رضایت آنها در اولویت است. (کارگر، ۱۳۸۴.ه.ش: / ۲۴۱-۲۵۴) و از آنجا که مبتنی بر آموزه های حیاتی و وحیانی است و حکومتی ولایی دارد، احکام و دستورات دین الهی در آن اجرا و پیاده می شود و مشروعیت خود را از خدا دارد. لذا مورد پذیرش عموم مردم واقع می شود. (رضوانی، ۱۳۸۷.ه.ش: / ۱۵-۳۱)

یکی دیگر از شاخصه های این تمدن بهره مندی همه انسان ها از همه ظرفیت های مادی و معنوی است، که خدا برای سعادت و تعالی آنها در طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است، که نیاز است برای استفاده از آن موهبت ها، جامعه ملازم با تدین باشد، یعنی جهت درست در زندگی داشتن، جهت عدل و انصاف، صفا، صمیمیت و صداقت که همه اینها در مشخصه های تمدن مهدوی هست. امام سیدعلی خامنه ای (دام ظلّه)، عامل امتیاز تمدن اسلامی مهدوی، بر دیگر تمدن ها را رشد معنوی این جامعه می دانند، چرا که بر پایه معنویت، مجاهدت و عزت است. (ملایی، ۱۳۹۴.ه.ش: / ۶۱-۸۴)

از ویژگی های مهم سیاسی تمدن مهدوی، جابجایی قدرت و تغییر اساسی در ساختار

آن است. (مسهودی خراسانی، ۱۳۷۴.ه.ش: /۱۳۳ تا ۱۸۴) چنان که در قرآن، صفت «خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ» (واقعۀ: ۳) برای قیامت، به کار برده است ولی در عصر ظهور هم مصداق پیدا می کند چرا که حکومتی که قبلاً در دست مستکبران و قدرتمندان جامعه بوده، در این زمان به دست مستضعفان و قشرهای محروم جامعه است چرا که آنان پیش از این فقر و بیچارگی را تاب آورده اند و اکنون در راستای عدالت مهدوی، باید به حق خویش که حکومت در زمین است برسند.

مهمترین اقدام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، پس از پیروزی و سیطره بر جهان، تشکیل دولت و حکومت است و روزگاری است که مردم شاهد عدالت واقعی و رفاه و یکتا پرستی بدون شرک می شوند. عصر مهدویت، عصر انقراض دولت ها و حکومت ها و جایگزینی یک حکومت دینی فراگیر در سراسر جهان هستی می باشد. طاغوت ها و حکومت های ستمگر که موجب وحشت، تفرقه، جهل، نابودی نسل و در نتیجه نا امنی می شدند، از بین می روند و بساط سرکشی ها، طغیان ها و ظالمان که زمین را مالا مال از جور و ستم کرده بودند «کما ملئت ظلماً و جوراً». (شیخ صدوق، ۱۳۸۲.ه.ش: ، ۲ / ۳۷۷؛ خزاز قمی، ۱۴۰۱ق: / ۲۸۰) و همه دولت های باطل از صحنه گیتی برچیده می شود. و تنها یک حکومت الهی به دست معصوم و صالح ترین فرد بر زمین، با کارگزاران صالح و حق شناس و حق جوی شکل می گیرد. و این مدینه فاضله تا قیامت به دست حضرت مهدی (عج) و جانشینان وی تداوم می یابد.

امام باقر(ع) در تفسیر آیه ((وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ)) (اسرا: ۸۸) فرمودند:

« اِذَا قَامَ الْقَائِمُ ذَهَبَ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ » هرگاه قائم آل محمد(ع) قیام کند، دولت باطل نابود

می شود و بستر نا امنی ها در جامعه از میان می رود. (مجلسی، ۱۱۱۱ق: / ۲۴ / ۳۱۳)

در دولت حضرت مهدی (عج) اشرار که عامل نا امنی و ترس و وحشت هستند از

بین می روند،

و خداوند شرق و غرب را تحت سیطره و مالکیت و حاکمیت آن حضرت و یارانش

در می آورد همچنین مردم به امت واحدی تبدیل می شوند و در سایه سار اتحاد، همزیستی و زندگی آرام و لذت بخشی را می گذرانند. همه بر آستان قانون الهی و قوانین اجتماعی، مطیع و فرمانبردارند. این دولت کریمه که بر کل جهان احاطه دارد، حکومت شایسته سالاری است نه خویشاوند گرایی، حزب گرایی و منفعت طلبی و این حکومت کاملترین و مردمی ترین دولت خواهد بود. و طبق آیه ۵۵ سوره نور ویژگی ها و مشخصه هایی را دارا می باشد از جمله: حکومت به دست کارگزارانی صالح و باتقوا، اداره می شود. خداوند می فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»؛ (نور: ۵۵) خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد.

در این آیه، گروهی معتقدند که منظور از استخلاف و جانشینی، شامل تمام مسلمانانی که صاحب این صفت ایمان و عمل صالح هستند، می شود و گروهی منظور از آن را حکومت مهدوی می دانند که شرق و غرب، زیر لوای حکومت و قدرتش قرار می گیرد و آیین حق در همه جا نفوذ می کند و ناامنی و خوف و جنگ برچیده می شود و عبادت خالی از شرک، برای جهانیان محقق می شود. بدون شک، مصداق واقعی آن حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است. ولی با عین حال مانع از عمومیت معنای آیه نیست و در هر زمان که ایمان و عمل صالح در میان مردم مستحکم شود، آنان صاحب حکومتی ریشه دار خواهند شد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸ ه. ش: ۱۴/۵۳۲)

۱-۲. تأمین امنیت

مهمترین نیاز اساسی بشر، نیاز به امنیت است. و آنچه از نص صریح قرآن در آیات متعدد و از حجم زیادی از روایات ظهور بر می آید، این است که تمدن مهدوی، دولت امن و سلام به معنای واقعی آن است و تحقق وعده الهی مبنی بر امنیت و سلامت و زندگی به دور از دغدغه های روزمره، در زمان آن حضرت، تجلی پیدا می کند. (مسعودی خراسانی، ۱۳۷۴: ۱۳۳/۱۸۴) خداوند در آیه مذکور، «وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»

(نور: ۵۵) فرموده که ترس مردم به آرامش و امنیت، مبدل خواهد شد.

از برنامه های حضرت پس از قیام و پیروزی بر گروه باطل و نابود ساختن آنان، بر قراری امنیت است، اما برای تغییر روش و منش نا سالمی که سالیان سال، مردم با آن زندگی کرده اند، حضرت با تشکیل دولتی، بر پایه دین و ولایت مداری، باعث ایجاد زمینه مشترک بین مردم می شود، که به آنها قدرت می دهد بر تمایلات خودخواهانه خود فائق آیند و در نتیجه، اختلافات فردی را از بین می برد و از نظر عقلی و اخلاقی مردم را به تعالی مطلوب می رساند. (ملکی راد، ۱۳۹۷. ه. ش: ۲۹۹-۳۲۰)

۱-۲-۱. امنیت مادی و معنوی

اقتصاد، یک نقطه کلیدی تعیین کننده هست و اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه نا پذیری و نفوذ

نا پذیری کشور هاست. و فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر اثر می گذارد. (خامنه ای، ۱۳۹۷. ه. ش: ۱۴) لذا خواسته های مادی انسان، در شهر آرمانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له، فراموش نشده است، بلکه در صدر توجه و عنایت است. پیامبر گرامی اسلام می فرمایند:

«در اَمّت من، مهدی عجل الله تعالی فرجه له، قیام کند و در زمان او مردم، به چنان نعمت و رفاهی دست یابند، که در هیچ زمانی، دست نیافته باشند و آسمان مکرر بر ایشان ببارد و زمین، چیزی از روئیدنی های خود را پنهان نکند.» (مجلسی ۱۱۱۱ق: ۷۸/۵۱) و در روایت دیگری سخن از کثرت مال است و به بی نیازی تمام انسانها و ادای قرض مقروضین و بذل و بخشش امام، بر همگان در عرصه خاکی، اشاره می کند. (همان، ص ۸۸)

در روایتی آمده است: «وان قَائِمُنَا اِذَا قَامَ، اَشْرَقَتِ الْاَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا و استغنى النَّاسُ؛ چون قائم ما قیام کند زمین به نور پروردگارش روشن می شود و مردم همگی بی نیاز می گردند.» (طوسی، ۱۴۰۹ق: ۴۶۸).

و در عصر آن امام موعود، طبق برداشت از روایات، امنیت مادی وجود خواهد داشت، کشورها و شهرها، آباد و زمین، خرم خواهد شد، ویرانی و عقب ماندگی در آن وجود نخواهد

داشت، کشاورزی رونق می گیرد و مزارع پر محصول می شوند، اقتصاد جوامع پیشرفت کرده و ثروت و درآمد ها عادلانه توزیع می شود، فقیران ثروتمند و بی نیاز می گردند و حیات جدیدی بر روی زمین با وفور نعمات الهی و رونق کشاورزی و در نتیجه، رفاه و آبادانی زمین خواهد بود. (کارگر، ۱۳۸۴: ۲۴۱ تا ۲۵۴)

در زمان حضرت، فقط سخن از امنیت مادی و آسایش تن نیست، بلکه سخن از ابعاد مختلف آدمی از جمله بُعد معنوی او، که رشد و سعادتش در گرو آن است، هم هست. علاوه بر توجه به رفاه عمومی، به تربیت و فضایل اخلاقی هم توجه ویژه ای دارد، چرا که در آن محیط، باید انسان های صالح تربیت شوند تا جامعه آرمانی ساخته شود و این چنین است که مردم در کنار امنیت مادی، به غنای معنوی هم می رسند، کینه ها برچیده می شود و وحدت و یکرنگی در جامعه به جای نفاق و دورویی، بروز پیدا می کند و امنیت به مفهوم حقیقی، ایجاد شده و دولت آرمانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به ظهور می رسد. (مجلسی، ۱۱۱۱: ۵۱/۸۴ و ۱۲۳ و ۳۷۴)

۱-۲-۲. امنیت داخلی و خارجی

در تمام دوران زندگی بشر، انسان همواره طالب زندگی با آرامش و امنیت و خالی از ترس و وحشت و اضطراب بوده است، چرا که آدمی می کوشد تا محلی را برای زندگی با آرامش خاطر و اطمینان بیابد که این آرامش دائمی را تنها می توان، در مدینه فاضله مهدوی یافت. چرا که بر اساس آیات و روایات وارده، در این مدینه فاضله ایمان و عمل صالح و در نتیجه یگانه پرستی و تسلیم حق و اوامر حق بودن، در کنار هم قرار خواهند گرفت. پس به نوعی می توان اینگونه برداشت کرد، که جامعه مهدوی بدون وجود افراد فاسق و منافق و کافر خواهد بود. در تفسیر آیه ۵۵ سوره نور، مراد از تبدیل خوف ایشان به امنیت، سایه افکندن امنیت بر اجتماع آنان و عدم هراس از دشمنان داخلی و خارجی و علنی و پنهانی است. (طباطبایی، ۱۳۷۸ ه.ش: ۱۵ / ۲۰۸ تا ۲۱۷) ولی با این حال امکان وجود تهدیدات داخلی و خارجی در جامعه، خواهد بود ولیکن این تهدیدات با تدابیر مناسب، توان اثر گذاری و زیان

رسانی بر جامعه را نخواهد داشت .

از عناصر مهم توانمندی کشورها ، تقویت دو حوزه امنیتی و دفاعی است و یکی از عوامل پایداری امنیت و روحیه دفاعی در مردم، تثبیت باورها و آموزه های دینی است . دین با ایجاد باورها و ارزش های مشترک در افراد، باعث ایمان و اعتقاد عمومی در مردم شده و جامعه را نظم پذیر می کند و از آنجا که دولت مهدوی، تجلی کامل دین اسلام است پس با ایجاد نظم و انسجام و همبستگی اجتماعی دینی، می تواند برای امنیت و دفاع در جامعه مؤثر باشد. چرا که با تکیه کردن بر این ارزشها و باور و فرهنگ مشترکی که مردم در سایه دین واحد، پیدا می کنند، انسجامی در آنها وجود می آید که نتیجه آن آمادگی پیدا کردن مردم، برای دفاع از ارزشهاست و این موضوع به ایجاد امنیت در جامعه کمک می کند. (ملکی راد، ۱۳۹۷. ش: ۱۰۱/ تا ۱۲۲)

جهان، در عصر مهدویت به آیین یکپارچه توحیدی (دین اسلام) درخواهد آمد و هیچ آیین غیر توحیدی در این جامعه به رسمیت شناخته نخواهد شد و عده ی اندکی نیز که از پذیرش این آیین، ابا می کنند، مجازات خواهند شد چرا که اراده ی خداوند متعال بر این است، که دین اسلام بر تمام ادیان غیر توحیدی، غالب و پیروز شود، پس بنابراین تهدیدات خارجی و داخلی که امروزه عامل اصلی از بین برنده امنیت شناخته می شود، درحکومت مهدوی وجود نخواهد داشت .

دولت مهدوی درعرصه تهدیدات داخلی به دلیل اعمال تدابیر مناسب و نصب والیان شایسته، هیچ عامل تهدید کننده ی جدی وجود ندارد، زیرا از مؤلفه های مهم امنیت داخلی، پیگیری مجازات بر هم زندگان امنیت است .

لیکن در حکومت مهدوی، کمترین اغمازی در اجرای دستورات و مجازات اسلامی، اجازه داده نخواهد شد بلکه به دلیل پیشرفت وسایل کشف جرم و اقدامات پیشگیرانه، هر نوع اقدامات ضد امنیتی را کاملاً مهار می سازد. بنابراین در جامعه ی مهدوی، تهدیدات بر هم زنده امنیت به شدت کاهش خواهد یافت و این تنها به وسیله فعالیت های سیاستی

پلیسی و امنیتی نیست بلکه در این تمدن با رشد عقول و پیشرفت فرهنگ اجتماعی، انگیزه های شرورانه، کینه توزانه و به تبع انتقام گیرانه، کاملاً از بین خواهد رفت و اقتدار کامل امنیتی ایجاد خواهد شد.

(الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ)؛ (حج: ۴۱). کسانی که اگر آنان را در زمین به قدرت رسانیم، نماز را برپا می دارند و زکات می دهند و دیگران را به خوبی ها دعوت می کنند و از بدی ها باز می دارند؛ و پایان همه امور برای خداست. امام محمد باقر علیه السلام، در تفسیر این آیه فرمودند:

«این آیه، متعلق به آل محمد علیهم السلام یعنی دوازده امام و شخص مهدی موعود علیه السلام و یاران اوست که خداوند آنان را در شرق و غرب جهان جای دهد و دین اسلام را غالب گرداند و هر بدعت و باطلی را به وسیله او و یارانش محو کند؛ همان طور که سفیهان حق را از میان برده باشند و آنچنان عالم در آسایش به سربرد که اثری از ظلم در جایی دیده نشود.» (قمی، ۱۴۰۴: ۸۷/۲)

بنابراین یکی از مؤلفه های سیاسی تمدن مهدوی با توجه به روایات و آیه ۵۵ سوره نور، بحث تأمین امنیت در همه جوانب خواهد بود و این امنیتی است مادی و معنوی و هم داخلی و خارجی، به طوری که همه در سایه این امنیت به دور از دغدغه های مادی و روزمره بتوانند آزادانه دین خالص را داشته باشد از هیچ ستمگر و زورگویی، واهمه نداشته باشد در نتیجه دین خدا با این امنیت، کامل احیا و اجرا می شود.

۳-۱. استقرار عدالت

عدالت در صدر هدف های اولیه ی همه بعثت های الهی است و این کلمه مقدس به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی عصر محقق نخواهد شد ولی به صورت نسبی در همه زمانها و مکانها، ممکن و فریضه ای برعهده قدرتمندان و حکام جامعه است (خامنه ای، ۱۳۹۷: ۱۶/۱) عدالت، ضامن بقا و استمرار دولت هاست و حتی در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است، که عدل را به عنوان اساس پابرجایی هستی، ذکر کرده اند. «العدل

اساس به قوام العالم» و اگر جامعه و دولتی خود را با این اصل هماهنگ کند، با کل هستی هماهنگ شده است. از طرفی عدالت، از آن جهت که زمینه ساز و کمک کننده به رشد و کمال آدمی، است در دین و شریعت، مورد توجه قرار گرفته است. و همچنین در آیات و روایات، جزء مؤلفه های تمدن مهدوی، آورده شده است. (حیدری نیک، ۱۳۸۳. ش ۶۱/ تا ۸۸)

در حدیثی که در توصیف امام زمان عجل الله تعالی فرجه از پیامبر نقل شده است: «أَوَّلُ الْعَدْلِ وَ آخِرُهُ»، امام زمان را آغاز عدل و پایان آن، دانسته اند. یعنی ایشان کمال عدالت و انصاف و دادگری هستند. (حیدری نیک، ۱۳۸۳. ش: ۶۱/ - ۸۴) بنابراین یکی از پایه های این تمدن، عدالت گرا بودن حکومت است. آن حضرت، بساط ظلم و بی عدالتی را که از بسترهای مهم ناامنی است، برمی چیند و سفره عدالت و عدالت خواهی را برای انسانهای عدالت جو در سراسر گیتی می گستراند چرا که برقراری عدالت در زندگی اجتماعی، هدف بنیادین خالق هستی است. (ابن بابویه، ۱۳۸۲: ۲/ ۳۷۷)

عدالت و مبارزه با فساد، لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورها و نظام هاست لذا طهارت اقتصادی باید وجود داشته باشد و دستگاههای حکومتی باید با قاطعیت و حساسیت از تشکیل نطفه فساد، پیشگیری کنند که این نیازمند انسانهایی پاک و با ایمان در بدنه حکومت است. (خامنه ای، ۱۳۹۷: ۱۵)

امام صادق (ع) فرمودند: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ، حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُودَ وَسَلِيمَانَ لَا يَسْأَلُ النَّاسَ بَيْنَهُ؛ وَتَمَّتْ أَلَمُ مُحَمَّدٍ عجل الله تعالی فرجه قِيَامَ فَرَمَائِدَ، مَانَنَدَ دَاوُودَ وَسَلِيمَانَ حَكَمَ كُنَدَ وَبَيْنَهُ وَ شَاهِدَ أَزْ مَرْدَمَ نَمِي خَوَاهِدَ.» (حرعاملی، ۱۴۲۵: ۵/ ۱۴۱)

بنا بر این عدالت محوری، اساس کار دولت حضرت مهدی (عج) است و موجب می شود که زمینه ها و بسترهای ناامنی در جامعه از بین برود.

۱-۳-۱. تجلی اصل برابری اجتماعی

آشکارترین صفات نیک امام زمان، عدل است. برای همین در دعای شبهای ماه مبارک

رمضان ایشان را عدل نامیده است. و در سایه این عدالت است که هیچ انسانی در آن زمان، در قید بردگی و بندگی نیست و حقوق سلب شده ایشان، باز می گردد. و عدم فقر و رفاه و آسایش و امنیتی که بر طبق این آیه در تمدن مهدوی شاهد آن خواهیم بود، نتیجه ی برنامه ریزی و توزیع عادلانه ثروت و منابع است. (مسعودی خراسانی، ۵۱۳۷۴.ش: / ۱۳۳-۱۸۴) حکومت مهدوی، تمام سرمایه و ثروتها را به حد وفور، در اختیار همه جوامع انسانی، از هر قوم و نژادی در همه جهان می گذارد و سیستم توزیع اموال، هم درست عمل می کند و ثروت و مال را درست به دست مردم می رساند. و این سرمایه ها، علاوه بر تأمین نیاز مادی، در جهت رسیدن به سعادت اخروی، مورد استفاده قرار می گیرد. چرا که آن حکومتی است، که بر اساس خلافت الهی، استوار است و عدل و داد و رفاه و خوشبختی همه افراد انسانی، در آن تأمین می شود و به همین دلیل، می تواند حکومتی ایده ال برای جهان باشد. (رضوانی، ۵۱۳۸۷.ش: / ۳۱-۱۵)

حکومت اسلامی و مهدوی، بر مدار عدم تبعیض و وحدت میان قبایل و تشکیل حکومت جهانی است که باعث تحقق بخشی به تقوا و عمل صالح است که در آیه مورد بحث، از خصوصیات یاران امام زمان و افراد جامعه مهدوی بیان شده است و این وحدت در سایه ایمان و عمل صالح، هدف والای قرآن است. چرا که در اصل آفرینش زن و مرد، تفاوتی نیست، خالق هر دو، یکی است و مرد و زن بودن و یا از قبیله خاصی بودن، برتری به حساب نمی آید. بلکه اختلافات ظاهری زنان و مردان و تفاوت قبایل و نژادها به بیان قرآن، برای تعارف و شناخت همدیگر است، «وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» (حجرات: ۱۳) و این شناخت، باعث تعاون و همکاری و تکامل می شود. (اخوان، ۱۳۸۵.ش: / ۲۵۵ تا ۲۵۶)

بنابراین همه انسانها در حکومتش برابرند، در هر قاره با هر زبان و نژاد و رنگ که باشند، عضو یک خانواده محسوب می شوند و در کرامت انسان، برابر شمرده می شوند. همچنان که پیامبر ﷺ فرمود: عرب بر غیر عرب، عجم بر عرب، سرخ پوست بر سیاه پوست و سیاه پوست را بر سرخ پوست، فضیلتی نیست، جز بر تقوا. باید حواسمان جمع باشد که عرب و

عجم، شیعه و سنی، مذاهب مختلف، رنگ پوستها نباید بین ما اختلاف ایجاد کند؛ این شعبه شعبه شدن، این قبیله قبیله شدن، این نژاد نژاد شدن، مایه‌ی اختلاف نیست. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱، رک. ۲۹/۰۵).

۱-۳-۲. تجلی اصل آزادی

آزادی از بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین حقوق انسان به شمار می‌رود و به گونه‌ای اساسی بین انسان و دیگر پدیده‌ها، تفاوت ایجاد می‌کند. آزادی، حقی است که از سرشت انسان، سرچشمه می‌گیرد و محدود و محصور به قراردادهای اجتماعی نمی‌شود. اصل آزادی در اغلب مکتبهای مغرب زمین، یک موضوع قراردادی است که جامعه، بین اعضای خویش برقرار می‌سازد.

یعنی جامعه بشری بر حسب تجربه اجتماعی خویش، آن را به کار می‌برد. لیکن در مکتب توحیدی اسلامی "اصل آزادی" حقیقتی است که در جوهره هستی و از جمله سرشت آدمی، عجزین شده و به هیچ وجه زاییده ضرورت کاری و یا قرار داد اجتماعی نیست. (موسوی امین، ماهنامه انتظار موعود، ۱۷/).

با توجه به تفاسیر در آیه مذکور (نور: ۵۵)، آزادی را رهایی از ظلم و ستم و زورگویی زورگویان و مستکبران دانسته است. (طبا طبایی، ۱۳۷۸، ش: ۲۰۸/۱۵-۲۱۷) در تمدن مهدوی، آزادی انسان در چارچوب فضیلت و معنویت، تعریف می‌شود و شاخصه مشترک عقلی و اخلاقی این تمدن، در سرتا سر جهان، مبتنی بر دین و تکامل و تعالی و آزادی انسانهاست و مخالفتی با آزادی انسان وجود ندارد. چراکه حکومت، حکومتی خدا محور است و خدا، انسان را آزاد آفریده است. البته آن آزادی مطرح است که علاوه بر معنای رهایی از هرگونه قید و بندگی غیر خدا، موجب ظلم و سلب آزادی دیگران نشود و همه آزادانه در صراط مستقیم و به سوی سعادت خود، گام بردارند. که این در سایه امنیت زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه میسر می‌شود. (رضوانی، ۱۳۸۷، ش: ۳۱-۱۶).

امام خامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب خود، بر این اصل اذعان کرده و آزادی اجتماعی

را، به معنای حق تصمیم گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه دانسته، البته به شرط آن که این آزادی نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزشهای الهی و حقوق عمومی افراد و.... باشد. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

بنابراین، از مؤلفه های سیاسی تمدن مهدوی با توجه به آیه ۵۵ سوره نور، ایجاد حکومتی جهانی و فرامرزی در عصر ظهور با رهبری امام معصوم و تأمین امنیت و برقراری عدالت در تمام ابعاد آن است به طوری که در آن حکومت، هرگز اختلاف طبقاتی، نژادی، قومی، فرقه ای و حزبی، وجود نخواهد داشت. (موسوی امین، ماهنامه انتظار موعود / ۱۷)

۲. مؤلفه های فرهنگی تمدن مهدوی با تأکید بر آیه ۵۵ سوره نور و بیانیه گام دوم

هدف اصلی و نهایی جامعه آرمانی اسلام، به کمال رسیدن حقیقی انسانهاست، که با خدا شناسی و خدا پرستی، اطاعت کامل اوامرو نواهی الهی، ولایت مداری، تهذیب نفس، کسب رضای خدا و تقرب به او همچنین توسعه و تکامل علوم و عقول، به دست می آید که در زمان دولت مهدوی، همه آنها محقق می شود. (کارگر، ۱۳۸۴: ۲۵۴-۲۵۴)

۲-۱. رشد و تعالی فردی

از دیدگاه شیعه، آینده جهان بسوی جامعه ای آرمانی در حرکت است که آن، آغاز زندگی متکامل و بدون کاستی و نقص است. در این جامعه، یکتا پرستی و توحید همگانی شده و معنویت و اخلاق در همه ابعاد جامعه جاری است. مردم با پذیرش ولایت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه، طعم سعادت و امنیت را می چشند و روح عبودیت و بندگی بر آن جامعه موعود، حاکم خواهد شد. و در این آیه، وعده جانشینی در زمین و امنیت، به کسانی داده شده که خصوصیات ایمان و عمل صالح را توأمان دارند. یعنی ملاک برای انتخاب عاملان و کارگزاران حکومت مهدوی، افرادی هستند، که با ایمان و کاردان بوده و واقعاً خادم مردم باشند و به عبارتی، آنهایی که در اخلاق فردی و اجتماعی، نمونه هستند و در این صورت

است که مردم به آرزوی دیرینه خود، که حاکمیت علم و عقل و اخلاق بوده، می‌رسند. چرا که محور حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به توسعه اخلاقی، اجتماعی و امنیتی استوار است.

۲-۱-۱. رشد ایمان و معنویت

«معنویت به معنی بر جسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل اخلاص ایثار توکل و ایمان در خود و در جامعه است». (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) و یکی از وظایف انسان نسبت به خود، این است که سعی کند روز به روز معنویات خود را کاملتر کند و با تهذیب و خودسازی و اصلاح رابطه خود با خدا، خود را به صفات الهی، آراسته کند و حق خلیفه الهی را، به خوبی به جا آورد. زیرا اینکه انسان ارتباط خود را با خدا، حفظ و اصلاح کند، هدفی اساسی است و اصلاح هر امری در جامعه در گرو اصلاح فرد و اصلاح رابطه او با خداست.

امام علی علیه السلام در این مورد فرمودند:

«هر کس که رابطه خود را با خدا اصلاح کند، خداوند هم رابطه بین او و مردم را اصلاح می‌کند و هر که کار آخرت خود را درست و اصلاح کند، خداوند متعال، کاردنیای او را درست می‌کند.» (ابن رضی، حکمت ۸۹)

یکی از ویژگیهای یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه ایمان مستحکم و عمیق است که در نامالیقات، باعث استواری دلها می‌شود. در برخی از روایات از آنان به عنوان مؤمنان حقیقی نام برده شده است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «بدانید که آنان مؤمنان حقیقی اند» (طوسی، ۱۴۲۱: ۴۶۵) و در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام یاران مهدی را مردانی وصف کرده که: «دلهای آنان، مانند پاره های آهن است که تزلزلی در آن راه ندارد و در باور به خدا از صخره و سنگ، سخت تر هستند.» (مجلسی، ۱۱۱۱: ۳۰۸/۵۲)

و همچنین در وصف ایشان آمده است که آنان در راه اطاعت خدا، بسیار سخت کوشند. «مُجِدُّونَ فِي طَاعَتِهِ» (فیض کاشانی، ۱۳۷۱: ۲۶۵) و به همین دلیل است که

درجات بالایی معنوی دست یافته اند.

در مورد تقوا و طهارت نفسانی ایشان که آنان را از مفساد دور نگه می دارد، امام حسن عسکری علیه السلام فرموده اند: «خداوند آنان را با پاکی نطفه و پاکیزگی سرشته و آنان را پاک قرار داده است و دل‌های آنان از نفاق و اختلاف، خالی است و روحشان، پذیرای احکام دین است و ایشانند که در راه حق، گام بر می دارند.» (صدوق ۱۳۷۶: ۲/۴۴۹) بنابر این روایات، ایمان و عمل صالح یاران حضرت در دوران تمدن مهدوی، ثابت می شود و وجود چنین افرادی، باعث تقویت ارزشهای دین و استحکام اجتماع می شود.

همچنین طبق نص صریح آیه مورد بحث «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» (نور: ۵۵). خداوند کسانی را که دارای رفتار و زندگی مؤمنانه هستند را وعده داده، تا جانشین وی در زمین باشند و حکمت آن این است که آنان در فرایند ظهور، نقش داشته باشند چون این فرایند تشکیل تمدن مهدوی، بدون ایمان راسخ و بدون اعمال صالحی که راه را برای اصلاح جهان فاسد بگشاید، امکان ندارد. و کسانی که در انتظار تحقق چنین حکومتی هستند، باید باورها و ایمان خود را تقویت نموده و در جهت اصلاح خویش بکوشند. (ملکی راد، ۱۳۹۷: ۳۲۰/۲۹۹).

۲-۱-۲. رشد فضایل اخلاقی

«اخلاق به معنی رعایت فضیلت هایی چون خیر خواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است و معنویات و اخلاق، جهت دهنده ی همه حرکتهای و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است.» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) اجتماع سالم در پرتو اخلاق سالم است، یعنی اگر در يك جامعه فضایل اخلاقی، رواج داشته باشد و اخلاق الهی بر آن حکم فرما شود، بی تردید آن جامعه از آرامش و سلامت بالایی برخوردار خواهد بود. اگر دنیای امروز در آتش ناامنی، تشویش و هرج و مرج می سوزد، اگر دنیای امروز گرفتار کشمکش‌ها، فحشا، تجاوز و ده‌ها فتنه و فساد دیگر

است، اگر دولت مردان همچون گرگ‌های درنده و خون آشام از ترس همدیگر، خواب آرام ندارند و پیوسته در اندیشه نابودی همدیگر هستند، اگر جوانان کشورها به انحراف جنسی آلوده شده‌اند و اگر بی‌عفتی و بی‌بند و باری دامنگیر زنان و دختران غربی و شرقی گردیده است و ... همه و همه به علت عدم حکومت مکارم و فضایل اخلاقی در جامعه و بی‌توجهی به مبانی اسلامی و آداب انسانی در اجتماع است. و با رعایت این اخلاقیات، این اجتماع، همان مدینه فاضله خواهد بود که می‌توان در آن با فکری آسوده و به دور از وحشت، زندگی کرد.. (امینیان، ۱۳۸۷.ه.ش: / ۱۸) در زمان ظهور، مفاسدی وجود ندارد و رفتارها بر پایه تهذیب نفس است چرا که برای تحقق انقلاب مهدوی، نیاز به مردانی مصمم و با اراده است که با حضور فعال در جامعه، با پاکی و فضایل اخلاقی بتوانند یاریگر امامشان، در اجرای اوامر الهی باشند. ولذا یاران حضرت با اعتقاد به امامت و باور به ظهور حضرت، خود را برای چنین هدف مهمی آماده کرده‌اند. بنابر روایتی از جابر جعفی از امام باقر علیه السلام: که از ایشان پرسید، امر ظهور و فرج شما کی خواهد بود؟ فرمودند:

«هیئات هیئات، فرج ما محقق نمی‌شود مگر آن که شما آزمایش شوید، تا آلودگی‌ها بر طرف شود و فقط پاکی بماند». (طوسی، ۱۴۰۹: ۳۳۹)

. یکی دیگر از فضایل یاران مهدی علیه السلام در تمدن آرمانی مهدوی، داشتن روحیه تعهد و مسئولیت‌پذیری آنان است که علاوه بر آن که به فکر اعمال صالح خود هستند به اصلاح دیگران هم، فکر می‌کنند چون امری فردی نیست و حکومت جمعی و جهانی است و باید در مقابل اصلاح دیگران و ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر آنان، احساس مسئولیت کنند. (ملکی راد، ۱۳۹۷.ه.ش: / ۲۹۹ - ۳۲۰).

بر اساس روایتی از امام باقر علیه السلام، عقول و افکار مردم در عصر ظهور، شکوفا و متمرکز و اخلاق آنان کامل می‌شود، یعنی پیوند عقلانیت و معنویت انسان و رسیدن به بصیرت اخلاقی، به صورتی که او در سایه بینش عمیق و دانایی پارسایانه و ایمانی، ریشه‌های مفاسد و معایب را از درون خود می‌زداید و بر معرفت و معنویت خود می‌افزاید. (کلینی، کافی (ط - الإسلامیة): ۱

۲-۲. رشد و تعالی اجتماعی

در جامعه اسلامی دین، عاملی است که با رابطه روحی انسان با خدا و تقویت روابط اجتماعی، مؤمنان را بصورت اجتماعی واحد، در می آورد. و چون باور به منجی موعود، مولفه مشترک ادیان است، می تواند عاملی برای انسجام مردم جامعه باشد.

در مکتب مهدوی، حدود الهی رعایت می شود و به حکم و قانون خداوند، عمل می شود. همانطور که از رسول خدا روایت شده که فرمودند: «ویخرج (القایم علیه السلام).... ویُقیمُ حُدُودَ اللَّهِ وَيَحْكُمُ بِحُكْمِ اللَّهِ»؛ حدود الهی را اجرا می کنند و به حکم الهی، حکم می کنند. (شیخ صدوق، ۱۴۰۴: ۵۹/۱) به گونه ای که براساس آیات قرآن، آنچه خدا در آن امر کرده، اجرا می شود. مثلاً بر طبق آیه «تعاونوا علی البر والتقوی» (مائده: ۲). در نیکوکاری و پرهیزکاری با هم همکاری کنید، مردم به گونه ای از اوامر الهی استفاده می کنند و با انجام صحیح و درست وظایف و مسؤولیت شان که روابط نیکو و حسنه ای بین آنها برقرار می شود و وظیفه شناسی و ایجاد روابط انسانی خوب و خدا پسندانه، در میان مردم رونق می گیرد. (شریف زاده ۱۳۹۳: ۱۰۱/ - ۱۲۸).

پیامبر اکرم در این مورد در زمان منجی موعود، فرموده اند: «يَمَلَأُ قُلُوبَ الْعِبَادِ عِبَادَةً وَ يَسَعُهُمْ عَدْلَهُ وَ أَنْ يُصْلِحَ بَعْدَ إِفْسَادِهَا»؛ دلهای بندگان را پر از عبادت میکند و عدلش فراگیر می شود و این امت را بعد از تباهی شان، اصلاح می کند. (کارگر، ۱۳۸۴: ۲۴۱/ - ۲۵۴).
و حالا به بررسی چند مورد از رشد اخلاق اجتماعی در تمدن مهدوی می پردازیم:

۲-۲-۱. رشد و تکامل عقول

از منظر اسلام، «عقل» دارای جایگاهی ویژه و مهم در مؤلفه های انسانی و الهی است. شکوفایی عقل، رسالت همه انبیا و اولیا است. (شریف الرضی ۱۴۱۴: ۴۳/ در عصر ظهور، اهداف انبیا و اولیای الهی به ثمر می نشیند، مردم بر اثر تجربه و بلوغ تاریخی، از آمادگی لازم

برای تکامل عقول برخوردار می‌شوند. (صدر، ۱۴۲۵: ۲ / ۲۰۶.۲۰۸) و امام زمان عجل الله تعالی فرجه رسالت خویش را با تمرکز و تکامل عقول، آغاز می‌کند. بنابر این از خصوصیت دیگری که می‌توان برطبق روایات برای این دوره بیان کرد، حاکمیت عقل است. زیرا عقل انسانها در عصر ظهور به کمال می‌رسد. در این مورد از امام باقر علیه السلام، نقل شده است که فرمودند: «اذا قام قائمنا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى الرُّؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ» هر گاه قائم ما به پا خیزد خداوند دستش را بر سر بندگان قرار می‌دهد سپس عقل هایشان جمع، کرده و افکار و اخلاقشان، کامل می‌گردد. (کلینی، کافی (ط - الإسلامية)، ۱۳۸۵: ۱ / ۲۵)

امام باقر علیه السلام در مورد حکومت جهانی مهدوی می‌فرمایند: «يفتح حصون الضلالة و قلوباً غفلاً» قلعه‌های گمراهی و نادانی و دل‌های بسته را می‌گشاید. (قندوزی حنفی، ۱۳۸۴: ش: ۲ / ۵۸۸) آیت الله جوادی آملی ارتکاب معاصی و مداومت بر آن‌ها را به دلیل مشکل عقلی و عدم بهره‌مندی از آن دانسته و دوری جستن از گناه را نشانه حیات عقلی می‌داند که دارای مراتبی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ش: ۵۲۲ / ۵۲۳). البته این بدان معنی نیست که در عصر ظهور، گناه به طور مطلق از بین خواهد رفت؛ بلکه می‌توان گفت به واسطه رشد عقلانیت و خردورزی در مردم، انگیزه‌های ارتکاب گناه و در نتیجه ارتکاب معاصی بسیار کم خواهد شد. در عصر ظهور، حضرت ریشه‌های فساد و گناه را از بین خواهند برد، در عین حال، ممکن است افرادی در جامعه آرمانی حضرت، به گناه و انحراف دچار شوند. به دیگر سخن: مردمان عصر ظهور نیز از حق انتخاب و اختیار برخوردار هستند، به همین دلیل ممکن است برخی، گرفتار ارتکاب معاصی نیز بشوند. (شریف زاده، ۱۳۹۳: ۱۰۱ / ۱۲۸)

۲-۲-۲. رشد و بسط علوم

از دیگر ویژگی‌های این تمدن، توسعه و گسترش علوم است که طبق روایات، نتیجه تکامل عقول در زمان ظهور است. و بر اساس روایات می‌توان برداشت کرد که یاران حضرت، از خصوصیت علم و معرفت، برخوردار بوده‌اند. که از مصادیق علم آنها، شناخت توحید و ایمان به خدای یکتا، بدون هر شرکی است که در آیه ۵۵ سوره نور به آن اشاره شده

است.

علم و دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است و روی دیگر دانایی، توانایی است (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) در عصر مهدویت جهل و نادانی از میان می رود و علم و دانش به اوج خود می رسد. امام علی علیه السلام، کمال علمی ایشان را این گونه توصیف می کنند: «در فتنه های آخر الزمان، گروهی، پاک و صیقلی و مهذب می شوند، مانند صیقل یافتن شمشیر به دست آهنگر، دیده های آنان به نور قرآن، جلاداده شده و تفسیر قرآن گوشه‌هایشان را نوازش می دهد و هر صبحگاه و شامگاه، جامهای حکمت می نوشند». (فیض الاسلام، ۱۳۷۹: ۳/۴۵۹)

دوران ظهور و ایجاد دولت مهدوی، زمان گسترش علم و دانش است که جهان از نور علم و دانش اکنده می شود (مجلسی، ۱۱۱۱: ۷۵/۵۱) در آن زمان علوم و دانشهایی که در طول سالیان متمادی هنوز پنهان مانده اند، علنی می شود و دانش و دانایی در زن و مرد و تا اعماق وجود آنها، توسعه می یابد. (نعمانی، ۱۳۹۷ش: ۲۳۹) که در نتیجه در آن زمان با تکمیل عقل و خرد مردمان، علوم و فناوری و صنعت، پیشرفت های قابل توجهی می کند، علم طب و بهداشت و درمان، رشد کرده و بیماری ها ریشه کن می شوند. به واسطه توسعه علمی و دانش در زمان حضرت، تمامی ظرفیت های اقتصادی طبیعت، کشف می شود. و همین باعث امنیت مادی مردم می شود. (کارگر، ۱۳۸۴: ۲۴۱-۲۵۴)

۲-۲-۳. احیای آموزه های الهی

بنابر روایات که بیان شد، در می یابیم که در عصر ظهور، دین اسلام اصیل به دست امام زمان علیه السلام، دوباره بر مردم عرضه می شود و این درحالی است که بسیاری از دستورات اسلام با آنچه که مردم کنونی انجام می دهند، متفاوت است. که گویی دینی جدید ابلاغ شده، در حدی که امکان دارد که برخی از بزرگان دین به مخالفت با این دین ارائه شده، بپردازند.

بنابر این آیه شریفه، (نور: ۵۵). از ویژگی های عصر ظهور، عبادت و عمل صالح است

که مانند دین اسلام که همگی و فراگیر می شود، این عبادت و پرستش خداوند باری تعالی نیز فراگیر می شود به گونه ای که در عصر ظهور، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، از افراد پیمان و تعهد می گیرد که حرامی انجام ندهند، به امر به معروف و نهی از منکر بپردازند و تلاش خود را در راه یاد آوری و تذکر آموزه های اصیل اسلام انجام دهند. پس تمدن جهانی مهدوی، باعث رشد و تکامل دین نمی شود؛ چون خداوند، دین کامل را توسط پیامبر خاتم، حضرت محمد ص و کتاب آسمانی اش قرآن، قبلاً عرضه کرده است؛ بلکه زنده کردن و به روز سازی اسلام اصیل است که بازنگرشی به آموزه ها و احکام و حدود دین اسلام دارد.

بنابر این، خدای متعال در این آیه (نور: ۵۵)، به تمام کسانی که ایمان آورده و عمل نیک انجام دادند، وعده می دهد که به زودی جامعه ای برایشان تدارک می بیند که که به تمام معنا، پاک و شایسته بوده و از کفر و نفاق و دورنگی به دور باشد که ایشان، زمین را به ارث می برند و افکار و عقاید آنها جز دین حق نیست. (طیاطبایی، ۱۳۷۸ش: ۱۵ / ۲۰۸ - ۲۱۷)

قرطبی، مفسر معروف اهل تستن، از (مقداد بن اسود) نقل می کند که از رسول خدا شنیدم که فرمود: «مَا عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ بَيْتِ حَجْرٍ وَلَا مَدْرٍ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ كَلِمَةَ الْإِسْلَامِ»؛ بر روی زمین، خانه ای از سنگ یا گل باقی نمی ماند، مگر این که اسلام، در آن وارد شود و ایمان و توحید در سرتاسر زمین، نفوذ می کند. (قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۷ / ۴۲۹۲)

بنابر این با توجه به این آیه مورد بحث و روایاتی که آن را تأیید می کنند، تمدنی که با ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه، شکل می گیرد، شاخصه های فرهنگی همچون تکامل عقول و علوم و احیای دین الهی را دارا می باشد.

نتیجه گیری:

این مقاله با عنوان مؤلفه های تمدن مهدوی با تأکید بر آیه ۵۵ سوره نورو بیانیه گام دوم انقلاب است که در راستای تبیین تمدن مهدوی و شاخصه های آن با تأکید بر آیه مذکور بیانیه گام دوم انقلاب، ابتدا با توجه به ظاهر آیه و تفاسیر مختلف و روایات مربوطه، مؤلفه های سیاسی تمدن مهدوی برداشت شده از آیه را در حوزه ایجاد حکومت جهانی، امنیت و

عدالت، بررسی و تبیین کرده است و سپس به معرفی مؤلفه های فرهنگی این تمدن، در حیطه رشد اخلاق فردی و اجتماعی پرداخته است. آنچه از این بررسی ها به دست آمده، این است که مهمترین دستاورد دولت مهدوی، در عرصه سیاست، استقرار دولت حق و نابودی باطل، گسترش عدالت و در پی آن امنیت و تثبیت صلح جهانی و آزادی به معنای واقعی، عدم فقر و رفع اختلافات میان گروهها و کشورها می توان نام برد. همچنین در عرصه فرهنگی در عصر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در حیطه رشد اخلاق فردی، مؤلفه های رشد ایمان و معنویت و رشد فضایل اخلاقی را تبیین کرده و در حیطه رشد اخلاق اجتماعی، مؤلفه های تکامل عقول، و بسط و توسعه علوم و احیای آموزه های الهی در جامعه مهدوی را تبیین و بررسی نموده است. در نتیجه با توجه به آیه ۵۵ سوره نور نگاهی به بیانیه گام دوم انقلاب، دولت و تمدن مهدوی، دولتی است که همه ابعاد جامعه، اعم از اقتصاد و سیاست، اجتماع و فرهنگ را به سمت خیر و تعالی می کشاند و با پیوند سیاست و فرهنگ، در تعالی و تکامل فرهنگی و اخلاقی و عقلی مردم می کوشد و با رشد عقول، علم و تکنولوژی در مسیر درست خود قرار می گیرد، رابطه مردم با خود و پروردگار خود و با طبیعت اصلاح می گردد و امنیت و قدرت در دست ایشان و در خدمت آنان قرار گرفته و جامعه اخلاقی عاری از ظلم و فساد، محقق می شود. در این زمان وظیفه و تکلیف مردم، با احیای اخلاق و دین و شریعت الهی به شکل مطلوبی تبیین می شود.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۲. نهج البلاغه، شریف رضی، تحقیق صبحی صالح، ۱۴۱۴ ق، دارالهجره، قم.
۳. ابن بابویه، شیخ صدوق، محمد بن علی، ۵۱۳۸۲. ش، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه بهلوان، منصور، قم، جلد ۲، مسجد مقدس جمکران.
۴. ابن بابویه، شیخ صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۴ ق، عیون اخبار الرضا، جلد ۱، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۵. ابن خلدون، ۱۳۷۷ ش، مقدمه ابن خلدون، محمد پروین گنابادی (مترجم)، تهران، ج ۱۵، انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴ ق، معجم مقاییس اللغة، هارون، عبدالسلام محمد (محقق)، قم، چاپ ۱، مکتب الإعلام الإسلامي.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۷ ق، لسان العرب، بیروت - لبنان، ج ۱، چاپ ۱، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
۸. اخوان، محمد، تابستان ۱۳۸۵، «مهدویت و جنگ تمدن ها» مجله انتظار (ویژه نامه دکترین مهدویت ۱)، شماره ۱۶.
۹. اسماعیل بن عباد، صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ ق، المحيط فی اللغة، بیروت، چاپ اول، عالم الکتب.
۱۰. بهروز لک غلامرضا، ۱۳۸۸ ش، «سیاست و مهدویت»، چاپ ۲، موسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت).
۱۱. جعفر پیشه، مصطفی، بهار ۱۳۸۵، «بازتاب اندیشه سیاسی مهدویت و مردم سالاری»، حکومت اسلامی، شماره ۳۹، isc.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، ۵۱۳۸۹. ش، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه موجود موعود، مخبر، سید محمد حسن، چاپ ۶، اسراء.
۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، عطار، احمد عبدالغفو، ۱۴۰۴ ق یا ۱۹۸۴ م، تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت، چاپ ۳، دارالعلم للملایین.

۱۴. جهانیان، ناصر، زمستان ۱۳۸۳ش، کتاب جهانی سازی، عدالت اقتصادی و مهدویت، انتشارات مجله انتظار، شماره ۱۴.
۱۵. حکیمی، محمد، ۱۳۸۱ش، عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۶. الحمیری، نشوان بن سعید، ۱۴۲۰ق، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، محقق: حسین بن عبدالله العمری، دمشق، چاپ اول، دارالفکر
۱۷. حیدری نیک، مجید، زمستان ۱۳۸۳، کتاب عدالت، قرآن، مهدویت، مقاله انتظار، ش ۱۴.
۱۸. خزاز قمی، علی، ۱۴۰۱ق، کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر، تهران، انتشارات بیدار.
۱۹. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۲۵ش، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق یا ۱۹۹۲م، المفردات فی غریب القرآن، مصحح: داوودی، صفوان عدنان، بیروت، چاپ ۱، دار الشامیة.
۲۱. رضوانی، علی اصغر، تابستان ۱۳۸۷، کتاب مهدویت و جهانی سازی، قم، جمکران، چاپ دوم، انتشارات مسجد مقدس.
۲۲. زمانی، مصطفی، ۱۳۴۸ش، کتاب اسلام و تمدن جدید، چاپ اول، کتابخانه صدر.
۲۳. شجاعی مهر، رضا، لک زایی، نجف، تابستان ۱۳۹۷ش، «کاربست آموزه ی مهدویت در سپهر سیاسی انقلاب اسلامی ایران»، مشرق موعود، شماره ۱/۴۶، (علمی، پژوهشی).
۲۴. شریعتی علی، ۱۳۹۴ش، تاریخ تمدن، تهران، جلد ۱، چاپ ۱۱، قلم.
۲۵. شریف زاده، حکیمه سادات وقاضی، مرضیه، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ش، «مهدویت و دلالت های تربیتی آن (به لحاظ اهداف، اصول و روش ها)»، پژوهش های تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۲- ۹.
۲۶. صعیدی، عبدالفتاح و موسی، حسین یوسف، ۱۴۱۰ق، الافصاح فی فقه اللغه، قم، چاپ ۴، مکتب الإعلام الإسلامی.
۲۷. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۸ه.ش، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: موسوی، محمدباقر، قم، جلد ۲۵، چاپ ۱۱، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۸. طوسی، محمد حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی

۲۹. عاملی، شیخ حر، ۱۴۲۵ق، اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات
۳۰. فیروزآبادی، سید حسن، زمستان ۱۳۸۶ و بهار ۱۳۸۷، «آینده نگاری راهبردی در دکترین مهدویت»، مطالعات دفاعی، استراتژیک، ش ۳۱ و ۳۲، (ISC).
۳۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۵ق یا ۱۹۹۵م، قاموس المحيط، بیروت، چاپ اول دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضوی.
۳۲. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۴ق یا ۱۹۹۴م، تاج العروس فی شرح القاموس، زبیدی مرتضی، شیری محمد بن محمد، علی (محقق)، بیروت، چاپ ۱، دارالفکر.
۳۳. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳ش، تفسیر نور، تهران، چاپ یازدهم، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۳۴. قرشی بنابی، علی اکبر، ۱۳۷۱ه.ش، قاموس قرآن، تهران، چاپ ۶، دارالکتب الإسلامیه.
۳۵. قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴ش، الجامع لاحکام القرآن، تهران، چاپ اول، ناصر خسرو.
۳۶. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، تفسیر القمی، جلد ۲، قم، چاپ سوم، دارالکتاب.
۳۷. قندوزی، حنفی، ۱۳۸۴ش، ینابیع الموده،
۳۸. کارگر، رحیم، تابستان ۱۳۸۴ه.ش، «دولت اخلاقی و دکترین مهدویت»، انتظار موعود، شماره ۱۶ (ISC).
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۳۸۵ش، الکافی (اصول کافی)، تهران، چاپ اول، قائم ال محمد.
۴۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۰۳۷ - ۱۱۱۱ق، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۱. مسعودی خراسانی، حسین، دی ۱۳۷۴ش، کتاب مهدویت و مدینه فاضله، سال ۱۲، مجله حوزه، ش ۴، ۵، و مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
۴۲. مصطفوی، حسن، ۱۳۸۵ش، التحقیق فی الکلمات القرآن الکریم، تهران، چاپ اول، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۴۳. معین، محمد، ۱۳۸۶ش، فرهنگ معین، تهران، چاپ ۳، زرین.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۸ش، تفسیر نمونه، احمد علی بابایی، چاپ ۶، دارالکتب الاسلامیه.

۴۵. ملایی حسن، بهار ۱۳۹۴، «جایگاه و کارکرد های آموزه ی مهدویت و انتظار در شکل گیری تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خامنه ای (دام ظلّه)»، پژوهش های مهدوی، شماره ۱۲، (علمی، ترویجی، ISC)،.
۴۶. ملکی راد، محمود، بهار ۱۳۹۷، «کارکرد مهدویت در اصلاح و تغییر رفتار های فردی و اجتماعی»، مشرق موعود، شماره ۲/۴۵ (علمی، پژوهشی)،.
۴۷. ملکی راد، محمود، بهار ۱۳۹۷، «نقش مهدویت در تحکیم نظام اجتماعی عصر غیبت»، حکومت اسلامی، شماره ۸۷ (ISC، علمی، پژوهشی)،
۴۸. ملکی راد، محمود، پاییز ۱۳۹۷، «کارکرد های اندیشه مهدویت در حوزه امنیت و دفاع»، انتظار موعود، شماره ۶۲، (ISC علمی، پژوهشی).
۴۹. مهدی پور، محمود، مرداد و شهریور ۱۳۸۷، «مبلغان و مهدویت»، مبلغان، شماره ۱۰۶.
۵۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۹۷ش، الغیبه، غفاری علی اکبر، (مصحح)، تهران، نشر صدوق.
۵۱. هلالی، سلیم بن قیس، ۱۴۱۶ق، اسرار آل محمد ﷺ / ترجمه سلیم، ترجمه: اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، قم، چاپ اول، نشر الهادی.

منابع اینترنتی

- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه ای: <https://tasnimnews.com> khamenei.ir
- <https://fa.m.wikipedia.org>
- <https://fa.wikishia.net>
- <https://bijand.ac.ir>

مؤلفه های تمدن مهدوی با تاکید بر آیه ۵۵ سوره نورو بیانیه گام دوم انقلاب

فاطمه هوشیاری^۱ (نویسنده مسئول)

محمدحسن رضوانی تبار^۲

چکیده

رسول گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی^۰ با بعثت خود تمدن نوینی را در جهان پایه‌ریزی کرد. با توجه به آیه ۵۵ سوره نور و با توجه به روایات معصومین Δ نقطه اوج این تمدن، تمدن مهدوی است. در مقاله حاضر، مؤلفه‌های تمدن مهدوی مورد واکاوی قرار گرفته، و با روش توصیفی - تحلیلی به پرسش‌هایی درباره این تمدن با توجه به آیه ۵۵ سوره نور، پاسخ داده شده است. منظور از مؤلفه‌های تمدن مهدوی آن شاخصه‌هایی است که جامعه ایده آل بر پایه آن استوار است. هدف از این تحقیق آشنایی و آگاهی دادن جامعه نسبت به این مؤلفه‌های است برای زمینه‌سازی تمدن نوین اسلامی و به فرموده مقام معظم رهبری دام‌ظله، آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است. بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش مؤلفه‌های تمدن مهدوی با توجه به آیه ۵۵ سوره نور

۱. دانش آموخته سطح چهار جامعه الزهراء علیها السلام ، fahu1348@gmail.com

۲. دانش آموخته حوزه علمیه قم، سطح چهار فقه و اصول. hasanrezvanitabar@gmail.com

عبارت اند از: توحید، ایمان، اخلاص، تمکین دین، امنیت فراگیر و عبودیت فراگیر.
واژگان کلیدی: آیه ۵۵ سوره نور، قرآن کریم، مؤلفه های تمدن، تمدن مهدوی، بیانیه گام
دوم.

مقدمه

با تأملی در تاریخ درمی‌یابیم در صدر اسلام، رسول مکرم اسلام و صحابه و نیز جانشینان بزرگوار ایشان توانستند با اتکای به خدا، یک تمدن عظیم تاریخی را پایه‌گذاری کنند. آنان هم در برابر قدرت‌های بزرگ زمان خود، علی‌الظاهر کوچک بودند؛ اما ایمان به آنان قدرت بخشید و توانستند برای چندین قرن، عظمتی را در تاریخ ایجاد کنند. این تمدن اسلامی دارای فرازاها و فرودهایی بود که با انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی علیه‌السلام به اوج خود رسید. مقام معظم رهبری در سخنرانی‌های خود جایگاه ویژه‌ای برای تمدن اسلامی قائل هستند. معظم له می‌فرماید: «انقلاب اسلامی آغاز کار است، و تحقق کامل وعده‌ی الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است». قرآن کریم در سوره نور آیه ۵۵ در این خصوص می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» نشانه‌ی این وعده‌ی تخلف‌ناپذیر در اولین و مهم‌ترین مرحله، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و بنای بلندآوازه‌ی نظام اسلامی بود که ایران را به پایگاه مستحکمی برای اندیشه‌ی حاکمیت و تمدن اسلامی تبدیل کرد.

هدف این تحقیق استخراج مولفه‌های تمدن مهدوی با توجه به آیه فوق و بیانیه گام دوم می‌باشد.

با توجه به ماهیت موضوع و هدف تعیین‌شده، روش تحقیق در پژوهش حاضر، روش توصیفی-تحلیلی است. بر اساس این روش، با مراجعه به منابع اسلام (قرآن و سنت)، و کتب تفسیری و بیانیه گام دوم و دیگر بیانات مقام معظم رهبری سعی شده است مؤلفه‌های تمدن مهدوی، موردبررسی قرار گیرد. در این تحقیق ابتدا به مفهوم‌شناسی واژه‌های کلیدی پرداخته‌شده و سپس به تفسیر تطبیقی آیه ۵۵ سوره نور و در آخر با توجه به این آیه مؤلفه‌های تمدن مهدوی عنوان شده است.

۱. مفهوم شناسی

۱/۱. مؤلفه

مؤلفه که همان شاخص است در لغت به معنای برآمده، مرتفع، چشمگیر، برجسته و آن چیزی است که مقدارش ماهیت چیزی را معین می کند (معین، ۱۳۸۶، فرهنگ معین کلمه شاخص). به عبارت دیگر عنصر یا اجزای تشکیل دهنده یک چیز که بدون داشتن آن‌ها نمی توانیم آن چیز را تجزیه و تحلیل کنیم.

۱/۲. تمدن

کلمه تمدن از باب تفاعل به معنای تخلق به آداب شهری است «تمدن أي تخلق بأخلاق أهل المدينة» افزون بر این، مؤلف کتاب «التحقیق» واژه «مدن» را مأخوذ از لغت عبری و سریانی و واژه مدین و مدینه را مشتق از ماده «دین» و به معنای پذیرش و خضوع در برابر برنامه‌ها، قوانین و مقررات دانسته است. (مصطفوی، ۱۴۰۲ ه ق: ۵۵/۱۱) در زبان عربی معادل حضاره است که به معنای شهرها و جاهای آباد است. (فراهیدی، ج ۳/۱۰۱) در فرهنگ فارسی تمدن چنین تعریف شده است: «شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن و بااخلاق مردم آشنا شدن، زندگانی اجتماعی؛ همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود» (عمید، ۴۱۳) تمدن در فرهنگ معین به معنای شهرنشین شدن، همکاری مردم یک جامعه برای ترقی و پیشرفت معنا شده است. (فرهنگ معین)

تعریف اصطلاحی تمدن: به اعتقاد علامه جعفری «تمدن عبارت است از برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم مقام آن‌ها بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعالیت رسیدن استعدادها سازنده آن‌ها باشد» (جعفری، ۱۳۷۳: ۲۳۳/۶). در اندیشه امام علیه السلام مفهوم تمدن در قالب تعریف

مشخص و ثابتی ارائه نشده است و معانی مختلفی از آن برداشت می‌شود. ایشان تمدن را از فرهنگ متمایز کردند و آن‌ها را جداگانه به کار بردند که نشان می‌دهد معنای متفاوتی را از این دو مفهوم مورد توجه داشته‌اند: «فرهنگ یک ملت در رأس تمدن واقع شده، فرهنگ باید فرهنگی موافق با تمدن باشد». ایشان پیشرفت‌های صنعتی و اقتصادی در قالب آبادانی و تأسیس نهادها و ساخت ابزارهای جدید را مصادیق تمدن می‌دانند (فوزی و صنم زاده، ۱۳۹۱/۲۲). تعریفی که امام علیه السلام درباره تمدن بیان کرده‌اند، بیانگر دستاوردهای مادی بشر برای ادامه زندگی و توسعه و ترقی است. در این تعریف، فرهنگ که بیشتر دستاوردهای معنوی انسان را شامل می‌شود، مقدم بر تمدن است.

۱/۳. تمدن مهدوی

قبل از اینکه به واژه تمدن مهدوی پرداخته شود لازم است تمدن اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. تمدن اسلامی بیانگر همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد (مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳/۱۱۳). تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد. بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برخوردار است و مؤلفه‌های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۵۲-۵۱).

مقام معظم رهبری تمدن اسلامی را فضایی می‌داند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار طلاب مدرسه علمیه آیت الله مجتهدی، ۱۳۸۳/۰۳/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech>، content?id=1138). در این تعریف ابعاد گوناگون فرهنگ و تمدن مادی و معنوی بشر

مطرح شده است که منجر به تکامل او و قرب به خدا می شود.

تمدن مهدوی زندگی شهری نشینی است که توسط حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه اداره می شود و در آن، امام خلیفه خداوند و مأمور اجرای حق و عدل می باشد، که با علمی عاری از ظن و آمیخته با یقین اداره می شود، که بشر در زمان حضرت تازه زندگی را شروع می کند و این زندگی به صورت طبیعی سیر حقیقی و معنوی خواهد داشت؛ حتی درک عوالم و کسب علوم، تا آنجایی که حجابها از چهره بشر برداشته شده او قادر به مشاهده ملکوت می گردد. در آن زمان هر انسانی می تواند تا هزار نفر از نوادگان و نتیجه های خود را ببیند. زمان برکت می یابد و انسان عمر طولانی خواهد داشت. در این شهر، ظلم جایگاهی ندارد، هرچند که افراد معصوم نیستند، اما میدان گناه کوچک می شود و زمینه بروز پیدا نمی کند. حاکمیت حق و عدل جلوی گسترش فساد و ظلم را گرفته و حق را به صاحب اصلی برمی گرداند. هیچ حرکتی از چشم امام ۷ دور نمانده و حتی ایشان نیازی به مشاهده ندارند و با علم الهی و حکمت داودی رفتار می کنند، لذا ظالم نمی تواند قاضی را دچار تشویش و اشتباه نماید. فضای جولان نفس اماره محدود است. در یک کلام جهان سرمست زور و قدرت و ثروت به عالمی مملو از عدل و انصاف بدل می گردد. این چنین شهری است که در موردش باید گفت: «اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة، تعز بها الاسلام و اهله و تذل بها النفاق و اهله». (گفتمان مهدویت سخنرانی و مقاله های گفتمان ششم، ص: ۱۸۶)

۲. نگاه اجمالی به آیه

در قرآن یکی دو آیه است که غیر از تفسیر مهدوی تفسیر دیگری نمی توان برای آن در نظر گرفت خداوند در آیه ۵۵ سوره نور می فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند وعده می دهد که آنها را قطعا خلیفه روی زمین خواهد کرد، همانگونه که

پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید. و دین و آئینی را که برای آنها پسندیده پا بر جا و ریشه دار خواهد ساخت و خوف و ترس آنها را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را برای من شریک نخواهند ساخت. و کسانی که بعد از آن کافر شوند فاسقند».

محتوای آیه سخن از یک وعده الهی می‌دهد که تخلف‌ناپذیر است. وعده خدا به کسانی است که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند. در نتیجه این آیه وعده جمیل و زیبایی است برای مؤمنین که عمل صالح هم دارند، به آنان وعده می‌دهد که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می‌کند و زمین را در اختیارشان می‌گذارد و دینشان را در زمین متمکن می‌سازد و امنیت را جایگزین ترسی که داشتند می‌کند، امنیتی که دیگر از منافقین و کید آنان و از کفار و جلوگیری‌هایشان بیمی نداشته باشند، خدای را آزادانه عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند. یکی از کلمات کلیدی در این آیه کلمه «يَسْتَخْلِفْتَهُمْ» است که محوریت در آیه با آن است. با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی این کلمه و انواعی که در قرآن آمده؛ «يَسْتَخْلِفْتَهُمْ» در این آیه کدام معنا را به خودش اختصاص داده است؟ همه کسانی که به این واژه توجه کردند به سراغ جانشینی رفته‌اند. آنچه با موضوع آیه مورد بحث ارتباط مستقیم دارد، درک ماهیت استخلاف در این آیه می‌باشد.

يَسْتَخْلِفُ: از باب استفعال از ماده «خلف» است. ابن فارس در معجم مقاییس اللغة، برای این ماده سه معنای اصلی در نظر گرفته است: «قرار گرفتن چیزی پس از چیز دیگر که جانشین آن می‌شود»، «پشت سر، ضد روبرو» و «دگرگونی و تغییر» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ق: ۲/۲۱۰). راغب اصفهانی می‌گوید: خَلْفٌ: یعنی پشت، نقطه مقابل «قَدَامٌ» یعنی پیشروی و جلو. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴/۱: ۶۲۷) خَلْفٌ عكس و ضد معنی تقدّم و سلف است و به کسی که به خاطر کوتاهی و قصور مقام و منزلتش عقب‌مانده است «خلف» گویند و لذا می‌گویند خَلْفٌ یعنی زشت و تباه؛ و نیز کسی را هم که نه به خاطر قصور و کوتاهی از مقامش عقب‌مانده باز خَلْفٌ گفته‌اند. آنچه با موضوع آیه مورد بحث ارتباط

مستقیم دارد، درک ماهیت استخلاف در این آیه می باشد. با تأملی در آیات قرآن می توان استخلاف را به سه نوع تقسیم کرد که در ادامه به آن پرداخته می شود.

۳. انواع استخلاف در قرآن

أ. خلافت طبیعی

خلافت طبیعی: به معنای مطلق جایگزینی است که در آن خداوند برای اهل زمین قرار داده که نسلی پس از نسل دیگر پشت سر آن ها، جایگزین آنان می شوند و به طور طبیعی مالک دارایی های آنان می شوند. خلافتی است که جانشینی به صورت طبیعی صورت می گیرد، مثل آیه «هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَ لَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا وَ لَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا» (۳۹ / فاطر)

او کسی است که شمارا در زمین جانشین قرارداد (هر نسلی جانشین نسلی دیگر) پس هر کس کافر شود کفرش علیه خود اوست و کفر کافران نزد پروردگارشان جز خشم بیشتر اثر ندارد و کفر کافران جز خسارت و زیان نمی افزاید. خَلَائِف جمع خَلِيفَة است. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ ه. ش: ۱/ ۶۳۰)

جانشین ساختن مردم بر روی زمین به این معناست که خداوند آیندگان را جایگزین گذشتگان کرده، در نتیجه آنچه گذشتگان در اختیار داشتند و در آن تصرف می کردند جانشینانشان نیز در آن اختیار دارند و در آن تصرف می کنند؛ چراکه آفرینش انسان ها از طریق ولادت است و این سبب می شود که نسلی جایگزین نسل دیگر شود. از استخلاف آیه ۱۶۵ انعام نیز این استفاده می شود که می فرماید: «وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ وَ رَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَ إِنَّهُ لَعَفُورٌ رَحِيمٌ» (۱۶۵ / انعام) او است کسی که شمارا خلیفه های زمین قرارداد و برخی را به درجاتی بر بعض دیگر برتری داد تا شمارا در آنچه به شما داده آزمون کند، پروردگارت کیفر کردار را به زودی می دهد و همو آمرزگار مهربان است. این استخلاف یکی از سنت های خداوند است درباره انسان ها که در

دنیا زندگی می‌کنند.

ب. خلافت وراثتی

خلافت وراثتی خلافتی است که از پیشینیان به گروهی می‌رسد. به عبارت دیگر خداوند به گروهی منت می‌نهد و با دخالت حکیمانه خود، قومی را که حجت را برای آن‌ها تمام کرده، ولی آن‌ها عناد می‌ورزند را هلاک کرده و از صفحه روزگار برمی‌اندازد و قومی دیگر را وارث سرزمین آنان می‌گرداند. در این نوع استخلاف قومی که تباه می‌شوند ظالم بوده و قومی که جانشین آنها می‌شوند در استضعاف و خوف به سر برده و پس‌از آن به تمکین می‌رسند. این معنا به‌طور خاص در آیات شریفه مربوط به قوم بنی‌اسرائیل به چشم می‌خورد که می‌فرماید: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ * قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِينَا وَ مِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَ يَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ» (اعراف، ۱۲۸-۱۲۹) موسی به قوم خود گفت از خدا کمک جویند و صبور باشید که زمین متعلق به خدا است و به هرکسی از بندگان خویش بخواهد وامی‌گذارد و سرانجام نیک از آن پرهیزکاران است * اسرائیلیان گفتند پیش از آمدن تو (به رسالت) و هم بعد از آن در رنج و شکنجه بوده‌ایم موسی گفت شاید پروردگارتان دشمنانتان را هلاک کند و شما را در این سرزمین جانشین (آن‌ها) کند و بنگرد چگونه عمل می‌کنید. حضرت موسی در این آیات، قوم خود را به مددجویی از حق تعالی و صبر و پایداری دعوت می‌کند و می‌فرماید: مالک زمین تنها خداست و به هر کس از بندگان که بخواهد به ارث می‌دهد، ولی انجام کار برای تقوای پیشگان است. قرآن کریم در آیاتی دیگر از تحقق وعده الهی در باره استخلاف بنی‌اسرائیل و هلاکت فرعونیان خبر داده و می‌فرماید: «وَأَوْرِثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَ تَمَّتْ كَيْمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَ دَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَ قَوْمُهُ وَ مَا كَانُوا يَعْرِشُونَ» (اعراف، ۱۳۷) و خاورها و باخترهای آن سرزمین را که برکت در آن نهاده بودیم به گروهی که خوار به شمار می‌رفتند واگذاشتیم و کلمه نیکوی پروردگار تو درباره پسران اسرائیل به پاداش صبری که

کرده بودند انجام شد و آنچه را فرعون و قوم وی می ساختند با بناهایی که بالا می بردند ویران کردیم. قرآن کریم از این نوع استخلاف در باره اقوامی دیگر نیز خبر داده است؛ مانند مؤمنان از اقوام نوح و عاد و ثمود. (ر.ک. اعراف، ۷۳-۱۰۱) این نوع استخلاف مثل استخلاف نوع اول یکی از سنت های حق تعالی است که خداوند پس از آزمون مؤمنان و احراز شایستگی آنان، آنان را به مقام استخلاف یعنی وراثت زمین و اقتدار و امنیت می بخشد.

ت. خلافت الهی

این نوع استخلاف ویژه انبیاء و اولیاء از طرف خداوند است. خداوند آنان را به طور خاص نماینده خود در زمین قرار داده است و خلافت را برای آنان جعل کرده است؛ مانند خلافت حضرت آدم^ع که نوعاً مفسران فریقین خلافت ایشان را از طرف خدا می دانند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۷۶/۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۶۳/۱؛ رازی، ۱۴۲۰: ۱۶۵/۲) نمونه دیگر این استخلاف، خداوند متعال حضرت داوود^ع را خلیفه خود در زمین قرارداد و فرمود: «یا داوُد اِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ». ای داوود تو را در زمین خلیفه قراردادیم پس بین مردم به حق داوری کن. حضرت داوود در زمین به نمایندگی از حق تعالی بین مردم داوری می کند. از دیدگاه اکثر مفسران شیعه علاوه بر مفسران سنی، این نوع خلافت نیز سنتی از سنت های خداوند است و هرگز زمین از این خلیفه که حجت الله است خالی نخواهد بود. (نجار زادگان، ۱۳۸۹، فصل سوم)

۴. بررسی دیدگاه شیعه

قرآن پژوهان شیعی در مورد زمان تحقق و تعیین مصداق برای این آیه، دیدگاه یکسانی ندارند. برخی آن را همسو با مفاد روایات، تحقق این وعده را متعین به عصر ظهور می دانند. مرحوم طبرسی در مجمع البیان آورده است: امام چهارم^ع این آیه را خواند و فرمود: بخدا آنها شیعه مایند که خداوند بدست مردی از ما که مهدی این امت است، این وعده ها را در باره آنها انجام می دهد. پیامبر خدا در باره او فرمود: اگر از دنیا يك روز مانده باشد، خدا آن روز را

طولانی می‌سازد تا مردی از عترت من که همانام من است، زمامدار شود و زمین را بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد کند. نظیر همین روایت از امام باقر و امام صادق ۷ نیز روایت شده است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۶۴/۱۷) برخی دیگر تحقق وعده را با مصادیق متعدد می‌شناسند. مفسرین در این آیه شریفه اختلافاتی شدید و زیادی دارند. بعضی (تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۲۵۲) گفته‌اند: درباره اصحاب رسول خدا ۵ نازل شده، و خدا وعده‌ای را که به ایشان داد منجز کرد، و زمین را در اختیار ایشان قرار داد، و دین ایشان را تمکین داد، و ترس ایشان را مبدل به امنیت کرد، آری بعد از در گذشت رسول خدا ۵ در ایام خلفای راشدین، اسلام را پیش برد، و عزت داد، و در نتیجه آن ترسی که مسلمین از کفار و منافقین داشتند، از بین رفت. و مراد از استخلاف ایشان استخلاف خلفای چهارگانه بعد از رسول خدا ۵، و یا تنها خلفای سه‌گانه اول است، و اگر استخلاف را به همه نسبت داده، با اینکه همه مسلمین خلیفه نبودند، و خلافت مختص به سه و یا چهار نفر بود، از قبیل نسبت دادن چیزی است که مخصوص به بعض است به همه، مثل اینکه می‌گویند: بنی فلان کشته شدند، با اینکه بعضی از آنان کشته شدند. بعضی (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۵۲/۷) دیگر گفته‌اند که: این آیه شامل عموم امت محمد ۵ می‌شود، و مراد از استخلاف امت وی و تمکین دین ایشان و تبدیل خوفشان به امنیت این است که زمین را به ایشان ارث داد، آن چنان که به امت‌های قبل از اسلام ارث داد. و یا مراد استخلاف خلفای بعد از رسول خدا ۵، و تمکین اسلام و شکست دادن دشمنان دین می‌باشد، که خدای تعالی بعد از رحلت آن جناب وعده خود را وفا کرد، و اسلام و مسلمین را یاری نموده، شهرها و اقطار عالم برای آنان فتح شد. بنا بر این دو قول، آیه شریفه از پیشگویی‌های قرآن خواهد بود، چون خبر از اموری داده که هنوز در عالم تحقق نیافته، و حتی آن روز امیدش هم نمی‌رفت. مرحوم طبرسی در مجمع البیان آورده است: این آیه مربوط به مهدی موعود عج است، که اخبار متواتر از ظهورش خبر داده، و فرموده که: زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان طور که پر از ظلم و جور شده باشد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۵۲/۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۱۳/۱۵)

دیدگاه اول که همسو با روایات اهل بیت Δ درباره این آیه که با مضمون واحد، تحقق این وعده را در عصر ظهور امام مهدی ۷ می داند و از تکیه گاه دوم آن ها ادبیات آیه است که شامل صرف و نحو آیه و هم محتوای درونی آیه این دیدگاه علاوه بر آن که به طور طبیعی در بین محدثان مانند علامه مجلسی (ر.ک. مجلسی، مرآة العقول، ۲/۲۵۱) و در کتب روایی تفسیری به خصوص تفسیر اجتهادی شیعی مجمع البیان مرحوم طبرسی که به این قول گرایش پیدا کرده است؛ و دیدگاه دوم که تحقق وعده را با مصادیق متعدد می داند؛ این قول بر این باور است که وعده الهی دست کم یک بار در صدر اسلام تحقق یافته است و عصر ظهور نیز یکی از مصادیق این وعده و مصداق اتم آن است. شیخ طوسی در تفسیر این آیه به این قول گرایش دارد. صاحب تفسیر نمونه در ذیل آیه می فرماید: بعضی آن را مخصوص صحابه پیامبر ۰ دانسته اند که با پیروزی اسلام در عصر پیامبر ۰ صاحب حکومت در زمین شدند (البته منظور از «ارض» تمام روی زمین نیست بلکه مفهومی است که بر جزء و کل صدق می کند). بعضی دیگر اشاره به حکومت خلفای چهارگانه نخستین؛ و بعضی مفهوم آن را چنان وسیع دانسته اند که این وعده را شامل تمام مسلمانانی که دارای این صفت اند می دانند. و گروهی آن را اشاره به حکومت مهدی ۷ می دانند که شرق و غرب جهان در زیر لوای حکومتش قرار می گیرد و آئین حق در همه جا نفوذ می کند و ناامنی و خوف و جنگ از صفحه زمین برچیده می شود و عبادت خالی از شرک برای جهانیان تحقق می یابد. «بدون شك آیه شامل مسلمانان نخستین می شود و بدون شك حکومت مهدی ۷ که طبق عقیده عموم مسلمانان اعم از شیعه و اهل تسنن سراسر روی زمین را پر از عدل و داد می کند بعد از آنکه ظلم و جور همه جا را گرفته باشد مصداق کامل این آیه است، ولی با این حال مانع از عمومیت و گستردگی مفهوم آیه نخواهد بود. نتیجه اینکه در هر عصر و زمان پایه های ایمان و عمل صالح در میان مسلمانان مستحکم شود، آن ها صاحب حکومتی ریشه دار و پرنفوذ خواهند شد؛ و اینکه بعضی می گویند: کلمه «ارض» مطلق است و تمام روی زمین را شامل می شود و این منحصرأ مربوط به حکومت مهدی ۷ است با جمله «كَمَا اسْتَخْلَفَ ...»

سازگار نیست زیرا خلافت و حکومت پیشینیان مسلماً در تمام پهنه زمین نبود. بعلاوه شأن نزول آیه نیز نشان می‌دهد که حداقل نمونه‌ای از این حکومت در عصر پیامبر ۵ برای مسلمانان (هرچند در اواخر عمر آن حضرت) حاصل شده است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۴ / ۵۳۱) لذا محصول تمام زحمات پیامبران و تبلیغات مستمر و پیگیر آن‌ها و نمونه اتم حاکمیت توحید و امنیت کامل و عبادت خالی از شرك در زمانی تحقق می‌یابد که مهدی آن سلاله انبیاء و فرزند پیامبر اسلام ۵ ظاهر شود، همان کسی که همه مسلمانان این حدیث را درباره او از پیامبر ۵ نقل کرده‌اند: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ ذُرِّيَّتِي اسْمُهُ كَاسِي فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا» اگر از عمر دنیا جز يك روز باقی نماند خداوند آن يك روز را آن قدر طولانی می‌کند تا مردی از دودمان من که نامش نام من است حاکم بر زمین شود و صفحه زمین را پر از عدل و داد کند، آن گونه که از ظلم و جور پرشده باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۴ / ۵۳۱) بنابراین تفسیر نمونه عصر ظهور را مصداق اتم و کامل آن می‌داند.

۵. بررسی دیدگاه اهل سنت

دیدگاه‌های اهل سنت درباره آیه را می‌توان در سه محور مورد بررسی قرارداد: اول شرح و بیان مفاد آیه؛ تقریباً مفسران اهل سنت در این قول متفق‌اند که قدر متیقن خطاب در «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» صحابه پیامبر خدایند و خداوند این وعده را به یاران رسول خدا به عنوان مخاطبان حاضر در عصر نزول داده است. اساس این قول خبر واحدی است که در شأن نزول آیه آورده‌اند. (طبری، ۱۴۱۲ ه. ق: ۱۰/ ۱۶۰) و چند تن از مفسرین اهل سنت هم این مطلب را در شأن نزول آیه آورده‌اند؛ و گفته که خدا این نعمت را به آن‌ها داد آن‌ها به این نعمت کفر ورزیدند و خداوند وضعیت را تغییر داد و خوفی را که از آن‌ها برداشته بود دوباره بر آنان وارد ساخت. (طبری، ۱۴۱۲ ه. ق: ۱۰/ ۱۶۰) مفسران اهل سنت بر این است که زمان کفران نعمت و تغییر امنیت به خوف، از قتل عثمان بود. در مورد ماهیت استخلاف نیز نظر مشهور اهل سنت، ماهیت استخلاف قوم موعود را از نوع طبیعی آن

نمی‌دانند؛ بلکه بر این باورند که این استخلاف با توجه به ساختار آیه که در مقام امتنان است از نوع دوم به معنای وراثت است، خداوند مسلمانان را وارث سرزمین مشرکان و کافران از عرب و عجم قرارداد؛ و این استخلاف به معنای نوع سوم آن، که حق تعالی به صورت خاص برای افرادی همانند آدم و هارون و سلیمان نیست. در برابر این قول که نظر مشهور مفسران سنی است، قول دیگری در ماهیت استخلاف به چشم می‌خورد که این استخلاف از نوع سوم به معنای جعل خاص خلافت از ناحیه حق تعالی برای افراد معنا شده است. (رازی، ۱۴۲۰: ۲۴/ ۴۱۲)

نکته قابل توجه این است که این معنا از استخلاف فراتر از وراثت زمین همراه با سکونت و فرمانروایی در آن است که برای قوم بنی اسرائیل و اقوام دیگر تحقق یافت. بلکه جعل خاص برای افراد از انبیاء و اوصیاء است که قرآن از آن خبر داده است. نتیجه قابل توجهی که از این قول به دست می‌آید این است که در این صورت «من» در عبارت «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ...» تبعضیه خواهد بود نه تبیینیه. (همان ص ۴۱۰) یعنی چنان‌که خداوند برای افرادی از قوم بنی اسرائیل مانند هارون و داوود و سلیمان و یا دیگر اقوام مقام خلافت را قرارداد، برای برخی از افراد این امت نیز، مقام خلافت را قرار خواهد داد.

اهل سنت در تبیین فراز «لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ» دو نظر ابراز داشتند؛ برخی آن را به معنای لغوی دین گرفته‌اند و برخی به تبیین وسعت این تمکین به کمک آیه اظهار دین پرداخته و آن را غلبه بر دیگر ادیان دانسته‌اند. قرطبی در معنای «لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ» حدیث معروف مقداد بن اسود از قول پیامبر را نقل می‌کند که فرموده است: «در آن زمان هیچ خانه گلی یا مویین نخواهد ماند جز آنکه خداوند اسلام را در آن داخل کند...» (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۲، ص ۳۰۰) در مورد گستره تبدیل خوف به امنیت نیز دو قول بین اهل سنت است قولی که وعده استخلاف در زمین را به شهر مکه منحصر کرده تبدیل خوف را هم در همان محدوده می‌پذیرد (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ ه. ق، ۲۱/ ۲۲۲؛ الحاکم الحسکاني في شواهد التنزيل ۱/ ۴. و قول دوم که دیدگاه مشهور و رایج اهل

سنت است، گستره این تبدیل را متناسب با گستره استخلاف مسلمانان بر سرزمین‌های عرب و عجم می‌داند که دست کم تا پایان عصر عثمان با غلبه بر کفار به آن دست یافتند. نکته قابل توجهی که تمام تفاسیر سنی به چشم می‌خورد، پیوند این آیه با امر خلفاست؛ هیچ‌یک از مفسران اهل سنت در باره تطبیق آیه بر عصر خلفا تردید ندارند، خواه آغاز این وعده را از عصر رسالت بدانیم یا از عصر خلافت ابوبکر به شمار آوریم و یا امکان تحقق مصادیق دیگر برای این وعده را بپذیریم و یا آن را بر خلفا حمل کنیم در هر صورت این آیه از نظر همه آن‌ها بدون شک و تردید بر خلفا تطبیق می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵/۲۱۳)

در این میان برخی مفسران سنی، قوم موعود را به صحابه اختصاص نداده همه امت را قوم موعود می‌دانند. آنان بر این باورند این وعده از اواخر بعثت تاکنون برای یک بار و برای همیشه تحقق یافت و موجب شد این امت، مالک سرزمین دیگران شده و در آن سکنی گزینند که هم‌اکنون نیز ادامه دارد. با توجه به نکات گفته شده از نظر مفسران سنی، قدر متیقن از قوم موعود در این خطاب صحابه هستند و برخی نیز همه امت را مصداق این قوم دانسته‌اند، سؤالی که مطرح است این است که آیا امکان تحقق دوباره این وعده مثلاً در زمان ظهور امام مهدی ۷ منتفی است؟ که در اینجا رویکرد اهل سنت دو گونه است: عده زیادی از آن‌ها بحث از امکان دوباره این وعده را فرو گذاشته‌اند و دلیل عدم تعرض آنان به این موضوع آن است که آنان خطاب در این آیه را به افراد زمان نزول اختصاص داده‌اند و در پی آن بیشترین اهتمام آنان برای اثبات تطبیق مفاد آن بر امر خلفای سه‌گانه و یا چهارگانه مصروف شده است تا آن را دلیل قرآنی برای صحت خلافت خلفا به شمار آورند؛ و موضع دوم تصریح به تطبیق دوباره آیه از جمله تطبیق آن به عصر ظهور امام مهدی ۷ به‌طور خاص است. حاصل کلام آن است که مشهور مفسران سنی در این قول اتفاق نظر دارند که مفاد این وعده، ناظر به اصحاب پیامبر اکرم 0 به‌طور خاص یا امت اسلامی به‌طور عام است. (بر گرفته از کتاب بررسی تطبیقی آیات مهدویت و شخصیت شناسی امام مهدی ۷ نوشته فتح الله نجار زادگان، فصل سوم)

۶. مؤلفه های تمدن مهدوی

۵/۱. توحید

یکی از مؤلفه های تمدن مهدوی توحید است. تمدن نوین اسلامی، مبتنی بر مبانی اندیشه ای آیت الله خامنه ای، توحید محور است؛ توحیدی که نه تنها در عقیده و قلب آدمیان حضور دارد بلکه همانند روحی، همه ساحت های فردی و اجتماعی، مادی و معنوی انسان را احاطه کرده است. آزادی، استقلال، دانش، قدرت، سیاست، قضاوت، امنیت، دفاع و ... جملگی توحیدی هستند. «توحید» محور اصلی اندیشه تمدنی آیت الله خامنه ای است که نه تنها بر عقاید افراد و مدیران جامعه بلکه باید بر مجموعه جامعه نیز سریان داشته باشد؛ بر این اساس، ایشان معتقدند که در اسلام، سرپرستی جامعه، متعلق به خدای متعال است که خالق، عالم به مصالح و مالک انسان است و هیچ انسانی حق ندارد اداره امور انسان های دیگر را بر عهده بگیرد؛ اما خدای متعال این ولایت و حاکمیت را از مجاری خاصی اعمال می کند. کسی که ولایت را از طرف خداوند عهده دار می شود، باید پرتو و سایه ای از آن ولایت الهی را تحقق ببخشد؛ بنابراین، در جامعه و نظام اسلامی، بهترین الگوی حکومتی ممکن، حکومت معصومین است و در صورتی که حاکمیت معصوم میسر نیست، باید دین، تقوا و عدالت بر مردم حکومت کند که از آن با عنوان «ولایت فقیه» یاد می شود؛ یعنی انسان دین شناسی که دارای ملکه عدالت و تقواست و می تواند روح توحیدی را در ارزش های اخلاقی، تربیتی و عبادت، ساری و جاری سازد و از آن طریق، به سیاست، اقتصاد، مدیریت، قضاوت، تعلیم و فرهنگ توحیدی دست یابد.

۵/۲. ایمان

یکی دیگر از مؤلفه های تمدن مهدوی ایمان به خداوند است. اولین هدف بعثت پیامبران، دعوت انسان ها به یکتاپرستی و ایمان به خدا است. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل، ۳۶). «و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده

برانگیختیم تا خدا را بپرستید و از طاغوت بپرهیزید». رسالت پیامبر اعظم ۵ نیز در همین مسیر بود. ایشان در طی ۲۳ سال نبوت، لحظه‌ای از این هدف والا غافل نشد و همه جهادها، جنگ‌ها و دلسوزی‌هایشان برای همین هدف، یعنی خدامحوری و دعوت به سوی خداوند متعال بوده است. این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که در همه تمدن‌ها، عامل اساسی همه پیشرفت‌ها محسوب می‌شود. و همان‌طور که در تفسیر آیه ۵۵ سوره نور اشاره شد وعده خدا به کسانی است که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند. در نتیجه این آیه وعده جمیل و زیبایی است برای مؤمنین که عمل صالح هم دارند، به آنان وعده می‌دهد که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می‌کند و زمین را در اختیارشان می‌گذارد و این همان تمدن مهدوی است که مقام معظم رهبری می‌فرماید: «در درجه اول، نیاز تمدن نوین اسلامی به ایمان مطرح است. ایشان معتقدند جدایی دیانت از سیاست از مظاهر شرک است که تا مسلمانان به همه ابعاد اسلام که سیاست نیز یک بعد مهم آن است، ایمان نیاورند، وارد اسلام واقعی نمی‌شوند.» معظم له نقطه اصلی در تمدن اسلامی را ایمان به خداوند سبحان و به معنای عمیق توحید ناب معرفی می‌کنند و معتقدند یک نقطه اصلی وجود دارد و آن، ایمان است و ما باید به تعیین هدفی پردازیم که به آن ایمان پیدا کنیم. ایشان معتقدند که: «بدون ایمان، پیشرفت در این بخش‌ها میسر نیست و کار به نحو صحیحی انجام نمی‌شود. اکنون آن چیزی که به آن ایمان داریم، می‌تواند لیبرالیسم، کاپیتالیسم، کمونیسم، فاشیسم یا توحید ناب باشد. بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئله ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، بنابراین؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>، ۱۳۹۱/۷/۲۳)

مهم‌ترین شاخص جامعه و تمدن نوین اسلامی در اندیشه رهبر انقلاب، همان خدامحوری و

ایمان به خالق انسان‌هاست که باید در همه سطوح جامعه اجرا شود و روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر اساس آن شکل می‌گیرد. معظم له می‌فرماید: «پس بدون مکتب و بدون ایدئولوژی نمی‌توان یک تمدن را به وجود آورد؛ احتیاج به ایمان است. این تمدن دارای علم خواهد بود، دارای صنعت هم خواهد بود، دارای پیشرفت هم خواهد بود؛ و این مکتب، هدایت‌کننده و اداره‌کننده‌ی همه‌ی این‌ها خواهد شد. آن‌که مکتب توحید را مبنای کار خودش قرار می‌دهد، آن جامعه‌ای که به دنبال توحید حرکت می‌کند، همه‌ی این خیراتی را که متوقف بر تمدن‌سازی است، به دست خواهد آورد؛ یک تمدن بزرگ و عمیق و ریشه‌دار خواهد ساخت و فکر و فرهنگ خودش را در دنیا گسترش خواهد داد. کشاندن جامعه به بی‌ایمانی، یکی از همان توطئه‌هایی است که دشمنان تمدن‌سازی اسلامی دنبال آن بوده‌اند والان هم با شدت این را دارند دنبال می‌کنند.» (همان)

۵/۳. تمکین دین

تمکین: در اصل به معنای قرار دادن چیزی در مقام است راغب می‌نویسد: «مکنته و مکنت فتمکنت؛ شیء را در مکان قراردادم پس جای گرفت» (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن - بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۲ ه.ق. ص ۷۷۳) خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ». (الأعراف/۱۰) تمکین هر چیزی برقرار کردن آن است در مکان و این کنایه است از ثبات آن چیز و زوال و اضطراب و تزلزل‌ناپذیری آن، به طوری که اگر اثری داشته باشد هیچ مانعی جلوی تأثیر آن را نگیرد و در آیه مورد بحث تمکین دین عبارت است از اینکه: آن را در جامعه مورد عمل قرار دهد، یعنی هیچ کفری جلوگیری نکند و امرش را سبک نشمارند، اصول معارفش مورد اعتقاد همه باشد، درباره آن اختلاف و تخصمی نباشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۱۲/۱۵) تنها در آیه مورد بحث سخن از «تمکین دین» است اکنون باید دید تثبیت دین و استقرار آن به چه معناست؟ برخی آن را به معنای چیرگی و سیطره دین اسلام بر سایر ادیان می‌دانند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۳۹/۷) برخی آن را به معنای والا کردن شأن دین در جامعه دانسته‌اند، به گونه‌ای که خداوند ارکان دین را تقویت می‌کند و

اهل دین را در چشم دشمنانشان بزرگ جلوه می‌دهد و دشمنان را از جداسازی مردم از دین مأیوس می‌گرداند. (آلوسی، ۱۴۱۵ ه. ق: ۱۰/۲۹۸) علامه طباطبایی نیز تمکین دین را کنایه از استوار ساختن دین و استحکام بخشیدن به آن می‌داند به گونه‌ای که اصول آن به واسطه اختلاف سست نگردد و در اجرای قوانینش سهل‌انگاری نشود و احکام آن به عمل درآید. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵/۱۵۲). بنابر این مراد از تمکین دین مرضی آنان در زمین این است که دین پسندیده ایشان را پای بر جا بدارد، به طوری که اختلافشان در اصول و سهل‌انگاری‌هایشان در اجرای احکام و عمل به فروع آن، دین آنان را متزلزل نسازد و همواره اجتماعشان از لکه نفاق پاک باشد. و مراد از تبدیل خوفشان به امنیت این است که امنیت و سلام بر مجتمع آنان سایه بیفکند، به طوری که نه از دشمنان داخلی بر دین و دنیای خود بترسند و نه از دشمنان خارجی، نه از دشمنی علنی و نه پنهانی. از مطالب پیش گفته روشن می‌گردد که خدای سبحان به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند، وعده می‌دهد که به زودی جامعه‌ای برایشان تکوین می‌کند که جامعه به تمام معنا صالح باشد و از لکه ننگ کفر و نفاق و فسق پاک باشد، زمین را ارث برد و در عقاید افراد آن و اعمالشان جز دین حق، چیزی حاکم نباشد، ایمن زندگی کنند، ترسی از دشمن داخلی یا خارجی نداشته باشند، از کید نیرنگ بازان و ظلم ستمگران و زورگویی زورگویان آزاد باشند. و این مجتمع طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد هرگز تا کنون در دنیا منعقد نشده و دنیا از روزی که پیامبر ۰ مبعوث به رسالت گشته تا کنون، چنین جامعه‌ای به خود ندیده، ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار مهدی ۷ خواهد بود، چون اخبار متواتری که از رسول خدا ۰ و ائمه اهل بیت ۷ در خصوصیات آن جناب وارد شده از انعقاد چنین جامعه‌ای خبر می‌دهد.

۴/۵. امنیت فراگیر

یکی از مؤلفه‌های تمدن مهدوی امنیت فراگیر است جمله «وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» مانند جمله «وَلَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ» عطف است بر جمله «لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ» و اصل معنا «لایبدلن

خوفهم امنا» بوده، به طور ساده تر اینکه در واقع باید می فرمود «ترس ایشان را مبدل به امنیت کردیم» ولی فرموده «ایشان را بعد از ترس، مبدل به امنیت کردیم» و تبدیل را به خود آنان نسبت داد، حالا یا از باب مجاز عقلی است و یا آنکه مضاف را چون معلوم بوده حذف کرده، زیرا جمله «مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ» می فهماند که آن محذوف خوف و تقدیر «لیبدلن خوفهم» بوده و یا آنکه از این باب نبوده، بلکه کلمه «امنا» به معنای آمین بوده که در این صورت معنا این می شود که: خدا ایشان را بعد از ترسشان مبدل کرد به ایمنان و به هر حال، مراد از خوف آن ترسی است که مؤمنین صدر اسلام از کفار و منافقین داشتند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵/ ۲۱۲) در این آیه اول خداوند به کسانی که ایمان آوردند وعده استخلاف و بعد تمکین در دین و بعد از آن امنیت فراگیر است و که شامل انواع امنیت از اعتقادی، اجتماعی، فرهنگی، درونی، بیرونی و اقتصادی و معیشتی می شود. لازمه این امنیت انهدام جبهه کفر است. اگر در جامعه ای کفر باشد آن جامعه به هم می ریزد. نتایج این امنیت فراگیر نابودی همه رسانه های کفر است و رشد جامعه است که در زمان ظهور و تحقق تمدن مهدوی دو نوع رشد به وجود می آید یکی رشد عقول و دیگری رشد و گسترش علوم، عقل ها کامل می شود و قدرت سنجش انسان ها بالا می رود و آینده را دقیق تر می بیند و استقرار دین اسلام در سراسر عالم «لَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ» و به نص قرآن عباد صالح وارث زمین می شوند «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء ۱۰۵) و این عباد صالح وارث کل زمین می شوند نه بخشی از آن و همه زمین در دست عباد صالح قرار می گیرد. بنا بر این تمدن نوین مهدوی از یک سو به عنوان یک متعادل کننده می تواند از حقوق ملت های مسلمان دفاع نماید و از طرف دیگر با نگاهی که به صلح دارد، آن را فراتر از آرام سازی موقتی دیده و با تلاش و هموارسازی مسیر صلح بر مبنای عدالت می تواند ره آورد ارزشمندی به نام صلح پایدار را برای انسان ها به ویژه مسلمانان به ارمغان آورد و زمینه رشد و شکوفایی استعداد های نهفته در جهان اسلام را فراهم سازد. (بر گرفته از کتاب بررسی تطبیقی آیات مهدویت و شخصیت شناسی امام مهدی لا نوشته فتح الله نجار زادگان، فصل سوم)

۵/۵. عبودیت فراگیر

یکی از مؤلفه‌های تمدن مهدوی عبودیت فراگیر است. عبودیت فراگیر زمانی اتفاق می‌افتد که اولاً وعده‌ی استخلاف برای مؤمنین برای کل زمین در نظر گرفته شود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در آیه بعد از اشاره به وعده استخلاف و تمکین در دین و امنیت فراگیر آمده است «يَعْبُدُونِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» که با تحقق این سه وعده عبودیت فراگیر می‌شود و استخلاف صالحان در کل زمین می‌باشد زیرا با توجه به این‌که خداوند انسان را آفرید برای هدف نهایی خلقت که آن عبودیت و بندگی است «وَمَا خَلَقْتُ الْحِجْنَ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات، ۵۶) و این هدف الهی زمانی تحقق پیدا می‌کند که عبودیت فراگیر شود زیرا اگر این عبودیت ناقص باشد گویا هدف از خلقت تحقق نیافته است و این محال است لذا باید استخلاف و تمکین و امنیت فراگیر باشد تا به تبع آن عبودیت فراگیر شود. نکته بعدی در مورد آیه شریفه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» این است که هیچ اطلاقی در مورد سه واژه «لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ» و «لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ» و «لَيُبَدِّلَنَّهُمْ» وجود ندارد که اگر هر کدام به تنهایی تحقق پیدا کند این وعده الهی تحقق یافته است؛ پس باید زمانی باشد که این اتفاقات باهم صورت گیرد و تنها مصداق آن زمان ظهور است.

در ادامه آیه می‌فرماید: «يَعْبُدُونِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» که اگر بخواهیم این بخش از آیه را با سیاق آیات بهتر وفق دهیم، باید آن را حال از ضمیر در جمله «لَيُبَدِّلَنَّهُمْ» بگیریم، که معنا چنین می‌شود: «خدا ترس ایشان را مبدل به امنیت کرد، در حالی که ایشان مرا پرستش کنند و چیزی شریک من ندانند».

نکته قابل ملاحظه این‌که در این آیه شریفه کلمه «شیئا» را نکره آورده شده و نکره در سیاق نفی دلالت بر عموم می‌کند یعنی دلالت بر نفی شریک به طور اطلاق دارد؛ بنابراین مراد از عبادت، خداپرستی خالص است، به طوری که هیچ شایبه‌ای از شرک - چه شرک

جلی و چه شرک خفی - در آن راه نداشته باشد و خلاصه معنا این می شود که خدا مجتمع آنان را مجتمعی ایمن می سازد تا در آن جز خدا هیچ چیز دیگری پرستش نشود و هیچ ربی غیر از خدا قائل نباشند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵/ ۲۱۲)

۷. نتیجه گیری

منظور از مؤلفه های تمدن مهدوی آن شاخصه هایی است که جامعه ایده آل بر پایه آن استوار است. هدف از این تحقیق آشنایی و آگاهی دادن جامعه نسبت به این مؤلفه های می باشد برای زمینه سازی تمدن نوین اسلامی و به فرموده مقام رهبری، آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است. آن گونه که از نتایج این تحقیق به دست آمد دوران ظهور و در عصر حکومت مهدوی همه مؤلفه های تمدنی که بشر امروز آن را تمدن می داند در حد اعلای آن موجود است و چنین جامعه ای است که انسان ها را به کمال مطلوب و قرب الهی می رساند. امید به چنین جامعه ای انسان ها را از حالت رکود خارج ساخته با روح انتظار که افضل اعمال دانسته شده است به سوی قله های کمال حرکت می کند. بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش مؤلفه های تمدن مهدوی با توجه به آیه ۵۵ سوره نور عبارتند از: توحید، ایمان، اخلاص، تمکین دین، امنیت فراگیر و عبودیت فراگیر.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴ ه. ق، معجم مقاییس اللغه - قم، چاپ: اول.
۳. امام خمینی رحمته الله علیه، سید روح الله، (۱۳۷۷)، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
۴. آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵. بیانیه گام دوم
۶. جان احمدی، فاطمه، (۱۳۸۸)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: انتشارات نشر معارف.
۷. جعفری، علامه محمدتقی، (۱۳۷۳)، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، جلد ۶. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۸. حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (دام عزّه العالی)، بیانات، (بر گرفته از سایت www.khamenei.ir)
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۷۴ ه. ش.
۱۰. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، ۳۰ جلد، فرهنگ اسلامی - ایران - قم، چاپ: ۲، ۱۴۰۶ ه. ق.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: موسوی همدانی - سید محمد باقر، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴ ه. ش، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ه. ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم
۱۴. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ه. ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، چاپ اول
۱۵. عمید، حسن، (۱۳۸۹) ف فرهنگ فارسی عمید، جلد اول، تهران: انتشارات اشجع.
۱۶. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، ۳۲ جلد، دار احیاء التراث العربی - لبنان چاپ: ۳، ۱۴۲۰ ه. ق.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، العین، چاپ دوم، قم: انتشارات هجرت.

۱۸. فوزی، یحیی و صنم زاده، محمود رضا، (۱۳۹۱)، «تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام»، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی، سال سوم، شماره ۹.
۱۹. قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴ ه. ش، الجامع لأحكام القرآن، ۲۰ جلد، چاپ اول
۲۰. مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳، درآمدی بر آزاد اندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی، انتشارات حوزه علمیه قم.
۲۱. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰)، التحقيق فی کلمات القرآن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۲. معین، محمد، فرهنگ معین، چاپ سوم.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۲۸ جلد، دار الکتب الإسلامية - ایران - تهران، چاپ: ۱۰، ۱۳۷۱ ه. ش
۲۴. نجار زادگان، فتح الله، بررسی تطبیقی آیات مهدویت و شخصیت شناسی امام مهدی، ناشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سال چاپ ۱۳۸۹، چاپ اول.

مؤلفه های تمدن مهدوی با تأکید بر آیه ی ۵۵ سوره ی نور و بیانیه گام دوّم انقلاب

سمیه نوروزپور کشتلی^۱ (نویسنده مسئول)

سید قاسم حسینی^۲

آسیه اسماعیلی^۳

چکیده

خداوند متعال مسیر هدایت انسان‌ها، به سوی سعادت و کمال را با فرستادن پیامبران، مشخص نمود و از آن، تمدنی به وجود آمد که با بعثت نبی مکرم اسلام، ساختاری اسلامی به خود گرفت، تمدن مهدوی همان تمدن اسلامی در عصر ظهور حضرت حجّت می باشد که دارای مؤلفه های مهمی است؛ و از آن جا که امام خامنه ای، هدف اصلی تمام برنامه های بیانیه ی گام دوّم را آمادگی برای ظهور ولایت عظمی (أرواحنا فِداه)، معرفی نمودند؛ قطعاً، دانستن مؤلفه های تمدن مهدوی، انگیزه و تلاش انسان را جهت اجرایی شدن رهنمودهای بیانیه و در نهایت آن، ظهور منجی عالم بشریت، افزایش می دهد. در این مقاله با روش

۱. دانش آموخته سطح ۳ تفسیر و علوم قرآنی، snoruzpoor2020@gmail.com

۲. استاد یار، عضو هیات علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم، mirtaha1@yahoo.com

۳. دانش پژوه سطح ۲، مدرسه علمیه فاطمه الزهرا علیها السلام قائمشهر، asieh.esmaili99@gmail.com

توصیفی - تبیینی و جمع‌آوری داده‌های کتابخانه‌ای و با استناد به آیه ی ۵۵ سوره ی نور، این نتیجه حاصل شد که از مهم‌ترین مؤلفه‌های تمدن مهدوی، جهانی شدن حکومت؛ گسترش و همه‌گیری دین اسلام؛ تبدیل ترس به امنیت؛ و عبادت خالصانه و بدون شرک می‌باشند و جمهوری اسلامی ایران نیز، نمونه‌ایی از اجرایی شدن این چهار مؤلفه است، هرچند که این مؤلفه‌ها تنها در عصر حاکمیت حضرت مهدی (عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف) به طور کامل تحقق می‌یابند.

کلید واژه‌ها: آیه ۵۵ سوره نور، قرآن کریم، امنیت، بیانیه گام دوم، تمدن مهدوی، توحید، حکومت جهانی، گسترش دین اسلام.

مقدمه

تمدن مهدوی، همان تمدن اسلامی در عصر ظهور حضرت مهدی (عَجَلُ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف) می باشد که دارای مؤلفه‌های ویژه‌ای است؛ به گونه‌ای که دستورات و برنامه‌های الهی دین اسلام در آن به طور کامل و همه جانبه، عملی می‌شود. با توجه به بیانیه‌ی گام دوم انقلاب مقام معظم رهبری، رسیدن به تمدن مهدوی از مسیر عملیاتی شدن این بیانیه می‌گذرد؛ بنابراین، دانستن مؤلفه‌های تمدن مهدوی دارای اهمیت بسیار زیادی است؛ زیرا موجب افزایش انگیزه و تلاش انسان‌ها برای اجرایی شدن بیانیه‌ی گام دوم و در ادامه‌ی آن، آمادگی برای ظهور حضرت حجت (عَجَلُ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف) و برپایی تمدن مهدوی می‌گردد. با توجه به این که قرآن کریم منبع اصلی مسلمانان است و مؤلفه‌های ویژه‌ی تمدن مهدوی نیز در آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی مبارک نور آمده و تا کنون هیچ مقاله‌ای، مؤلفه‌های تمدن مهدوی را تنها با توجه به این آیه مورد بررسی قرار نداده است؛ در این تحقیق، بررسی مؤلفه‌های تمدن مهدوی با تأکید بر آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی نور، انجام خواهد شد. خدای متعال در این آیه می‌فرماید: «وَعَدَ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۵۵)؛ «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و [کارهای] شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد کرد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین کرد؛ و مسلماً دینشان را که برای آنان پسندیده است، به نفعشان مستقر خواهد کرد، و البته بعد از ترسشان (وضعیت) آنان را به آرامش مبدل می‌کند، در حالی که مرا می‌پرستند [و] هیچ چیز را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که بعد از آن کفر ورزند، پس فقط آنان نافرمان‌بردارند.» (ترجمه رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۴ / ۱۹۹).

با استفاده از تفاسیر، از مجموع آیه چنین برمی‌آید که خداوند به گروهی از مسلمانان که

دارای دو صفت «ایمان» و «عمل صالح» هستند؛ سه نوید داده است: استخلاف و حکومت روی زمین، نشر آئین حق به طور اساسی و ریشه دار در همه جا (که از کلمه «تمکین» استفاده می شود)، از میان رفتن تمام اسباب خوف و ترس و وحشت و ناامنی؛ و نتیجه این امور آن خواهد شد که با نهایت آزادی، خدا را بپرستند و فرمان های او را گردن نهند و هیچ شریک و شبیهی برای او قائل نشوند و توحید خالص را در همه جا بگسترانند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۴ / ۵۲۸). تبیین و تشریح این چهار مؤلفه ی تمدن مهدوی در مقاله، به ترتیب بیان آن ها در آیه ۵۵ سوره ی نور و با روش توصیفی - تبیینی و جمع آوری داده های کتابخانه ای خواهد آمد.

برای معرفی نمونه ای از حکومت اسلامی برپا شده با مؤلفه های یاد شده، جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب مورد بررسی قرار می گیرد و موفقیت در پیاده سازی مؤلفه های تمدن مهدوی در آن مشاهده خواهد شد؛ همان طوری که رهبر معظم انقلاب، امام خامنه ای فرمودند: انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (قَدَسَ اللهُ نَفْسَ الرَّكِيَّةِ)، احیاگر اسلام ناب محمدی و سرآغاز تحولات عمیق و سریع در جهان و مبشر سقوط و اضمحلال قدرت ها و امپراتوری های بزرگ شد. بیداری و خودیابی و ایستادگی مسلمانان موجب شد که ما جلوه هایی از قدرت و حکمت الهی را شاهد باشیم و وعده ی حتمی خداوند در ظهور دین، مکتب مسلمانان، وراثت صالحین و خلافت مستضعفین را در آینه ی تجارب زمانه به یقین دریابیم و قیام مهدی موعود (أرواحنا فِداه) و استقرار دولت الهی جهانی آن حضرت را به حقیقت منتظر باشیم (مولایی، ۱۳۹۶: ۲۳۰). البته به طور حتم، این مؤلفه ها تنها در عصر حاکمیت حضرت مهدی (عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف) به طور کامل محقق خواهند شد.

پیشینه

تا کنون مقالات زیادی در مورد مؤلفه های عصر ظهور حضرت مهدی (عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف) نگاشته شده است. که برخی از آن نویسندگان، به بررسی چند تا از این مؤلفه ها در مقاله ی خود پرداختند، مانند: «تحلیل جایگاه آموزه های مهدوی در احیای

فرهنگ و تمدن نوین اسلامی» (نجفی، ۱۳۹۶)، «ویژگی‌های حکومت مهدوی در پرتو سوره «ص»» (طیب حسینی، ۱۳۹۵)، «ویژگی‌های فرهنگی و تمدنی عصر ظهور و نقش الگویی آن در فرهنگ و تمدن زمینه ساز» (صمدی، ۱۳۹۴)، «مؤلفه‌های توسعه و پیشرفت از نظرگاه اسلام با توجه به آرمان شهر مهدوی» (معنوی، ۱۳۹۳)، «جهانی شدن و فرهنگ مهدویت از دیدگاه آیات قرآن کریم و روایات اسلامی» (خنیر، ۱۳۸۹)، «ابعاد رشد سیاسی، اجتماعی در مدینه فاضله مهدوی از دیدگاه آیت الله جوادی آملی» (عبدیائی، ۱۳۹۱) و برخی تنها یک مؤلفه از زمان حکومت و حاکمیت حضرت مهدی (عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف) را مورد بررسی قرار داده‌اند از جمله: «امنیت مهدوی الگوی جامعه امن» (صمدی، ۱۳۸۷)، «انسان شناسی دولت مهدوی» (محمدی منفرد، ۱۳۸۷)، «فاصله قدرت از دیدگاه فرهنگ جامعه‌ی مهدوی» (عوقی، ۱۳۹۰)، «حکومت مهدوی در پرتو شاخص‌های جهانی سازی آن» (تابلی، ۱۳۹۰). با توجه به این‌که قرآن کریم از مهم‌ترین منابع مسلمانان می‌باشد و آیه ۵۵ سوره مبارک نور، با تأکید، مؤلفه‌های تمدن مهدوی را بیان می‌کند؛ و با وجود این‌که نویسندگان به این آیه شریف، اشراف داشته و برخی به آن در مقاله‌ی خود استناد نمودند، اما در هیچ مقاله‌ای، تبیین مؤلفه‌های تمدن مهدوی با استناد کامل به آیه ۵۵ سوره نور، صورت نگرفته است. در نتیجه این تحقیق، به دلیل وجود ضرورت شفاف‌سازی مؤلفه‌های تمدن مهدوی در بررسی آیه ۵۵ سوره مبارک نور و اهمیت آمادگی برای ظهور ولایت عظمی (ارواحنا فداه) در بیانیه گام دوم، صورت پذیرفته است.

مفهوم شناسی

تمدن

تمدن در لغت: به معنای شهرنشینی (دهخدا، ۱۳۷۹: ۴ / ۶۱۰۹)، شهرنشین شدن، با اخلاق و آداب شهریان خوگرفتن، همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و ... گفته می‌شود (معین، ۱۳۷۷: ۱ / ۱۱۳۹)، همچنین تمدن به شیوه و رسم

زندگی شهری، دارای تربیت اجتماعی بودن و اقامت کردن در شهر تعریف شده است (طوسی، ۱۳۶۹: ۹۰۶)؛ بنابراین، تمدن در اجتماعی شدن انسان، معنی پیدا می‌کند (دورانت، ۱۳۶۷: ۵/۱). تمدن در زبان عربی «الحضاره» (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳/۱۰۱) و در زبان انگلیسی «civilization; urbanization» (اکبری، ۱۳۹۰: ۱/۱۴۸) نامیده شود. خواجه نصیرالدین طوسی و ابن خلدون نیز تمدن را اجتماعی شدن انسان می‌دانند (طوسی، ۱۳۶۹: ۹۰۶؛ ابن خلدون، ۱۳۵۹: ۷۷). بنابراین، تمدن، ارتباط هر چه بیشتر و بهتر انسان‌ها با یکدیگر در زمینه‌های گوناگون زندگی می‌باشد.

تمدن در اصطلاح: در نظر امام خمینی (قَدَسَ اللهُ نَفْسَ الرَّكِيهَةِ)، مهم‌ترین عنصر تمدن، نه در نمادهای فیزیکی آن، بلکه در توان انسان‌سازی آن، یعنی بعد معنوی و دینی آن نهفته است. با این مقیاس، ایشان فرهنگ غرب را با تمام توانایی‌هایی که در تولید مصنوعات بشری و کشف قوانین طبیعت دارد، به لحاظ نگاه تک بعدی‌اش به انسان، تمدنی مناسب نمی‌دانند، زیرا بر مبانی راستین و حقیقی بنا نشده است (امام خمینی (قَدَسَ اللهُ نَفْسَ الرَّكِيهَةِ)، ۱۳۶۸: ۸/۳۶۸). همچنین مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای، تمدن را زندگی توأم با نظم علمی، با تجربیات خوب زندگی، استفاده از پیشرفت‌های زندگی می‌دانند. (امام خامنه‌ای، گفت و شنود صمیمانه رهبر انقلاب با جمعی از جوانان و نوجوانان، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2873>) و علامه جعفری نیز تمدن را این‌گونه تعریف می‌کنند: «تمدن تشکیل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه‌ی ابعاد مثبت است.» (جعفری، ۱۳۵۹: ۵/۱۶۱). همچنین آمده است: «مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر در یک منطقه، کشور یا عصر معین یا حالات پیشرفته و سازمان یافته فکری و فرهنگی هر جامعه که نشان آن، پیشرفت در علم، هنر، ظهور نهادهای اجتماعی و سیاسی است.» (انوری، ۱۳۸۳: ۳۳۷) و این‌که تمدن، مجموعه‌ای از دستاوردها و توفیقات یک ملت است که باعث رشد، توسعه و شکوفایی

می‌شود و در عرصه‌های مختلف زندگی فردی، اجتماعی و تعاملات جهانی تبلور می‌یابد (گودرزی، ۱۳۸۹: ۱۷۶). باتومور نیز در مورد تمدن گفته است: وجود قوانین مکتوب و سنت‌های نوشته شده و مدیریت شهری، مجموعه‌ای پیچیده از پدیده‌های اجتماعی قابل انتقال، شامل جهات دینی و مذهبی، اخلاقی، زیباشناختی، فنی یا علمی مشترک در همه اجزای یک جامعه‌ی وسیع و یا چندین جامعه مرتبت با یکدیگر (باتومور، بی‌تا: ۴۷).

تعریف تمدن مهدوی:

از آن جا که تمدن مهدوی در راستای تمدن اسلامی است و به تمدن اسلامی در عصر ظهور حضرت حجت، تمدن مهدوی گفته می‌شود، بنابراین ابتدا، تمدن اسلامی معرفی می‌شود. تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد. بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) برخوردار است و مؤلفه‌های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۵۱-۵۲). تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است، برسد (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۶/۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23810>). با معرفی تمدن اسلامی، اکنون تمدن مهدوی بررسی می‌شود. تمدن آرمانی مهدوی در عصر ظهور، مرحله نهایی و نقطه عطف شکوفایی تمدن اسلامی در فرآیند زمان است. دین مقدس اسلام با توجه به رسالت فراگیر و ماندگار خویش، پایه‌گذار تمدنی است که بر اساس فطرت و عقلانیت انسان بنا نهاده شده و در هر دوره‌ای با توجه به شرایط متفاوت زمانی و مکانی، پاسخ‌گوی نیازهای تمدنی حیات بشری است. رویکرد فرآیندی اسلام به عرصه‌ی فرهنگ و تمدن‌سازی ناشی از پویایی و انعطاف‌پذیری آموزه‌های دین اسلام، متناسب با رشد و بلوغ تدریجی قابلیت‌های اجتماعی و تمدنی بشر، در گذر زمان است. نقطه اوج این فرآیند، تمدن شکوهمند اسلامی

در پایان تاریخ و عصر ظهور حضرت منجی موعود (عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف) است (صمدی، ۱۳۹۴: ۶۳). بنابراین تمدن مهدوی، همان تمدن اسلامی است که با بعثت نبی مکرم اسلام، تحقق یافت و در عصر ظهور حجه بن حسن العسکری (أرواحنا فِداه) به نهایت کمال خود می‌رسد.

۱- حکومت جهانی

وضعیت و نمای کلی جهان، نشان‌گر این است که خطر جنگ، فقر، نابرابری، پرخاش‌گری، سودجویی، ظلم و فساد و ... جهان را کاملاً تهدید می‌کند. حالت کنونی مردم جهان، که در ترس و التهاب به سر می‌برند، کانون اساسی فکری، برای تشکیل حکومت واحد جهانی و مایه‌ی از بین رفتن هر نوع اختلاف و زایل شدن اسباب جنگ‌های خانمان‌سوز است. در سایه چنین حکومتی است که بشر، به سعادت و عزت می‌رسد و مردم جهان از نعمت الهی و موهبت‌های طبیعی، به طور مساوی استفاده می‌کنند (کارگر، ۱۳۸۷: ۵۳). در اثر جهانی شدن، بشر با بهره‌گیری از علم و تکنیک و استفاده درست از عقل خویش نسبت به قرون گذشته، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی را در تمام زمینه‌ها ایجاد نموده است. تأسیس نهادهای بزرگ بین‌المللی؛ مانند: تأسیس سازمان ملل متحد (۱۹۴۵) و سازمان‌های وابسته به آن، مانند دیوان بین‌المللی دادگستری (لاهی)، سازمان بهداشت جهانی (یونیسف)، سازمان علمی و فرهنگی (یونسکو)، سازمان خوار و بار و کشاورزی (فائو)، سازمان بین‌المللی کار، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و ده‌ها ارگان فرعی دیگر وابسته به آن سازمان و گسترش روزافزون سازمان‌ها و اتحادیه‌های اقتصادی (مانند آسه‌آ، اکو و ...)، نیز ایجاد سازمان‌های بین‌المللی دیگر؛ مانند: اتحادیه‌ی اروپا و مجمع کشورهای مشترک المنافع، سازمان وحدت آفریقا، سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه‌ی عرب، شورای همکاری خلیج فارس و تأسیس «گات» (Gat) و در پی آن سازمان تجارت جهانی (Wto) در ۱۹۹۵، همگی نشان از نزدیک شدن ارتباطات جامعه بشری است (خنیفر، ۱۳۸۹: ۹۳). این تغییرات، نشان دهنده‌ی حرکت تدریجی جهان، برای تبدیل

شدن به امت و حکومتی واحد است.

در چندین آیه از قرآن کریم نیز، تشکیل شدن حکومت واحد جهانی در آینده، نوید داده شده همانند آیه ۵۵ سوره نور که خدای متعال می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...» (نور: ۵۵)، «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و [کارهای] شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد کرد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین کرد...» (ترجمه رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۴ / ۱۹۹). این آیه، یک وعده‌ی بسیار عالی به اهل ایمان می‌دهد و آن این‌که خداوند اهل ایمان را جانشین بدکاران و طاغوت‌ها خواهد کرد (قرشی بنابی، ۱۳۷۵: ۷ / ۲۴۲). البته سه نکته مهم از این قسمت آیه، در تفاسیر بررسی شده است که شامل این موارد می‌باشد: پیشینانی که این آیه برایشان تحقق یافته و حکومت را به دست گرفتند؛ کسانی که رسیدن حکومت، به آنان وعده داده شده است؛ و این‌که، این حکومت جهانی است. در ادامه به تبیین این سه مورد پرداخته می‌شود.

الف) در مورد پیشینانی که حکومت به آنان رسیده، سه دیدگاه مطرح شده است؛ یکی خلافتی الهی است؛ آن‌گونه که به پیامبرانی مانند آدم، داوود و سلیمان عطا گردید (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۹ / ۲۷۷) و دیگری، ارث دادن زمین و مسلط کردن آنان بر زمین است؛ همانطور که در امت‌هایی مانند نوح، هود، صالح و شعیب این‌گونه شد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۲۰۹)؛ و برخی معتقدند: مانعی ندارد که حکومت همه‌ی این افراد و گروه‌ها مقصود آیه باشد. مقصود همه‌ی ملت‌های پیشین است که دارای ایمان و عمل صالح بوده‌اند و در روی زمین حکومت پیدا کرده‌اند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۴ / ۲۰۰؛ خرم دل، ۱۳۸۴: ۱ / ۷۴۱). در این عصر هم می‌توان مصداقی از این آیه را یافت، مثلاً در این انقلاب اسلامی ایران که حزب الله، جانشین خاندان کثیف پهلوی و طاغوتیان گردید، جانشین واقعی، حزب الله و اهل ایمان و عملند. رژیم شرك رفت اهل توحید و اهل اسلام جانشین شد (قرشی بنابی، ۱۳۷۵: ۷ / ۲۴۲).

ب) سه دیدگاه نیز در مورد اشخاصی که وعدهی الهی در مورد حکومت و خلافت آنان بیان شده، آمده است. بعضی آنان را اصحاب پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و بعضی همهی امت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) می‌دانند؛ ولی طبق آنچه که از اهل بیت وحی وارد شده، این آیهی شریفه، در خصوص حضرت ولی عصر حجه بن الحسن (عَجَلَّ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف) و شیعیان آن سرور می‌باشد (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۹/۲۷۶؛ صافی، ۱۳۹۰: ۱۷). برخی مفسرین دیدگاه اوّل و دوم را رد می‌کنند، با این دلیل که اگر این‌گونه بود، دیگر وعده نمی‌شد؛ زیرا واقعه رخ داده و حاضر است (عاملی، ۱۳۶۰: ۶/۳۴۸) و می‌گویند: تنها اجتماعی که قابل انطباق با این آیه شریفه باشد، با ظهور مهدی (عَجَلَّ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف) تحقق می‌یابد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵/۲۱۵ - ۲۱۷). برخی مفسرین هر سه دیدگاه را پذیرفته و گفته‌اند: مانعی ندارد که این آیه اشاره به همهی این موارد باشد و هر کدام مصداقی از آیه باشند؛ مفهوم آیه دارای عمومیت و گستردگی است و مصداق کامل آن، در زمان حضرت مهدی (عَجَلَّ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف) تحقق یابد - که طبق عقیده عموم مسلمانان اعم از شیعه و اهل تسنن، سراسر روی زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ بعد از آن که ظلم و جور همه جا را گرفته باشد- و جهانی سازی مثبت انجام گرفته و چنین حکومت توحیدی به وجود آید (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۳/۳۰۹؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۴/۲۰۰؛ قرشی بنابی، ۱۳۷۵: ۷/۲۴۵). چنان که حکومت جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر مصداق این آیه است (قرشی بنابی، ۱۳۷۵: ۷/۲۴۵).

آن شخصی که این حکومت جهانی را تشکیل داده و حاکم بر آن خواهد بود، در کلام آیت الله جوادی آملی این‌گونه معرفی می‌گردد: خلیفه الله همان انسان کامل است که از گزند هرگونه زوال، مصون است. اهمّیت پرورش روحی به گونه‌ای است که مدینه فاضله، به مثابه جسم است و خلیفه الله، به مثابه روح آن و مدینه فاضله را انسان کامل تأسیس می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۳۳۶). از نظر آیت الله جوادی آملی، اسلام در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی و حقوقی، با تکیه بر الگوی مدینه فاضله، آموزه‌هایی روشنگرانه و سازنده برای

تکامل و پیشرفت نظام اسلامی دارد. که این پیشرفت نظام اسلامی مبتنی بر نقش محوری رهبر است. که در عصر غیبت ولایت فقیه و در عصر ظهور، امامت انسان کامل یعنی حضرت ولی عصر (عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف) به آن مشروعیت می‌بخشد (عبدیائی، ۱۳۸۸: ش ۳۰ / ۶۱). احادیث بسیار وارد شده در مورد آن که، آیه شریفه، در حق آن حضرت [مهدی آل محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)] نازل شده^۱ و ظهور آن حضرت اجماعی است (بروجردی، ۱۳۶۶: ۵۱۱/۴). بنابراین، با بررسی منابع مطرح شده، به طور قطع، یکی از اشخاصی که در این آیه، وعده حکومت و خلافت به او داده شده و حتماً به وقوع خواهد پیوست، امام زمان (أَرَوَا حُنَا فِدَاه)، می‌باشد.

ج) ریشه‌های جهان شمولی دین اسلام، در مبتنی بودن آن بر فطرت، انعطاف پذیر بودن آموزه‌های آن و داشتن عنصر مهم اجتهاد و تطابق آن با مقتضیات زمان و مکان نهفته است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۴: ۸۶). و در بررسی کلمه‌ی «الأرض» در آیه آمده است: «مقصود از «الأرض» در این آیه یا کل جهان و حکومت جهانی است و یا بخشی از زمین؛ البته با توجه به این که حکومت‌های پیشینیان که در این آیه به آنها اشاره شد، شامل بخشی از زمین می‌شد، مانعی ندارد که مقصود از «الأرض» بخشی از زمین باشد» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۴ / ۲۰۰). همچنین آمده است: مراد از آن تمام روی زمین نیست، بلکه تسمیه جزء

۱. امام سجاد (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمود: «به خدا سوگند مقصود از این افراد، شیعیان ما هستند. خدا این کار را به دست مردی از ما انجام می‌دهد که او مهدی این امت است و زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.» (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳: ۴ / ۱۷۷؛ طبرسی، ۱۳۸۸: ۴ / ۲۴۰). پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود: «اگر از عمر دنیا، جز يك روز باقی نمانده باشد، خدا آن روز را آن قدر طولانی می‌کند تا مردی از دودمان من که نامش نام من است، زمین را پر از عدل و داد کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۴ / ۲۰۰). امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمود: «(آیه ۵۵ سوره‌ی نور)، درباره‌ی قائم و یارانش نازل شده است.» (نعمانی، ۱۳۸۷: ۲۸۲). جمعی از مفسرین مثل ابن عباس و سعید بن جبیر و سدی نیز گفته‌اند که این وعده در وقت ظهور حضرت مهدی (أَرَوَا حُنَا فِدَاه)، عملی خواهد شد (صافی، ۱۳۹۰: ۲۷).

به اسم کلّ است. برخی «الأرضی» را شامل سراسر کره زمین دانسته‌اند و در انتظار روزی و روزگاری هستند که حکومت جهانی در دست مسلمین خواهد بود (خرم دل، ۱۳۸۴: ۱/۷۴۱). در روایات گوناگونی آمده است که این حکومت بر تمام کره‌ی زمین خواهد بود. و این مفهوم با تعبیرسلطنت شرق و غرب عالم مطرح شده است.^۱ بنابراین؛ تمدن مهدوی، تمدنی جهان شمول است و گستره‌ی آن، همه‌ی کره‌ی خاکی و قلمروهای نفوذ انسان را در بر می‌گیرد و به زبان و نژاد و جغرافیای خاصی محدود نمی‌شود (صمدی، ۱۳۹۴: ۶۶).

در مقایسه حکومت جهانی حضرت مهدی (عَجَل اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف) با انقلاب اسلامی ایران آمده است که این انقلاب اسلامی ایران، از جهات متعددی آینه انقلاب عظیم مهدوی می‌باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۵۹ و ۱۶۰) مقام معظم رهبری نیز فرمودند: همه‌ی خصوصیاتی که در ظهور مهدی (عَجَل اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف) هست در یک مقیاس کوچک در انقلاب اسلامی ملت ایران هم هست. در آن جا هم مخاطب حضرت بقیه الله (عَجَل اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف)، همه‌ی مردم عالمند؛ یعنی در آن لحظه‌ای که به خانه کعبه پشت می‌دهد و تکیه می‌کند، دعوت خود را با صدای بلند فریاد می‌کند: «یا اهل العالم». انقلاب اسلامی ما هم، از آغاز اعلام کرد که مخصوص یک ملت و یک قوم و یک کشور نیست، همچنانی که آن بزرگوار با همه‌ی قدرت‌های بزرگ جهان ستیزه می‌کند و در می‌افند، انقلاب ما هم با دست خالی و فقط با تکیه به نیروی ایمان، با همه‌ی قدرت‌های عظیم جهانی مقابل شد. همان طوری که ظهور حضرت مهدی (عَجَل اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف) هم حساب‌های مادی و معمولی را به هم می‌ریزد؛ انقلاب ما هم، همه‌ی حساب‌ها را به هم ریخت (مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰: ۲۲۸). جمهوری اسلامی

۱. امام محمد باقر (عَلَيْهِ السَّلَام) در بخشی از یک حدیث فرمودند: سلطنت او شرق و غرب عالم را فرا می‌گیرد (صدوق، ۱۴۰۵: ۱/۳۳۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲/۱۹۱). همچنین امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) در بخشی از یک حدیث فرمودند: سپس خداوند او را ظاهر می‌کند و شرق و غرب جهان را به دست او می‌گشاید (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲/۱۹۱).

نتیجه‌ی برداشت صحیح از ماجرای امام زمان (أرواحنا فِداه) است و در حقیقت یک الگوی کوچکی برای آن حکومت عظیم جهانی است (مولایی، ۱۳۹۶: ۲۲۸).

اجمال مسئله‌ی حضرت مهدی (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) در اسلام، این است که همه‌ی فرقه‌های اسلامی - چه شیعه و چه سنی - متفقند که در پایان دوره‌ی جهان، دوره‌ای وجود خواهد داشت که در آن، یک حکومت الهی کامل و جامع، با سितره بر شرق و غرب عالم، به عنوان حکومت مهدی تشکیل خواهد شد و در این دوران، احکام اسلامی به طور کامل و جامع اجرا خواهد شد (مولایی، ۱۳۹۶: ۲۷). بنابراین با تکیه بر آیه ۵۵ سوره‌ی نور و به کمک روایات و تفاسیر، اولین مؤلفه تمدن مهدوی، تشکیل یک حکومت جهانی توسط حضرت مهدی (أرواحنا فِداه) است و همانطوری که خدای متعال در گذشته حکومت را به انسان‌های با ایمان و صالح واگذار نمود، در آینده نیز این واقعه رقم خواهد خورد.

۲- گسترش و همه‌گیری دین اسلام

در طول تاریخ بشر، پیوسته طاغوتیان در برابر پیامبران به مخالفت برخاستند. آنان با روش‌های مختلف، از تحقیق شناخت و گسترش دین الهی به شکل گسترده و همگانی آن، جلوگیری می‌کردند و همچنان روند زشت و ناپسند نشان دادن و ترساندن از دین اسلام، ادامه دارد. این موضوع مهمی است که مقام معظم رهبری نیز در نامه خود به جوانان اروپایی و آمریکایی به آن اشاره داشتند و فرمودند: در واکنش به سیل پیش‌داوری‌ها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بی‌واسطه از این دین، به دست آورید. منطق سلیم اقتضا می‌کند که لااقل بدانید آنچه را که شما را از آن می‌گریزانند و می‌ترسانند، چیست و چه ماهیتی دارد. من اصرار نمی‌کنم که برداشت من یا هر تلقی دیگری از اسلام را بپذیرید، بلکه می‌گویم اجازه ندهید این واقعیت پویا و اثرگذار در دنیای امروز، با اغراض و اهداف آلوده، به شما شناسانده شود. اجازه ندهید ریاکارانه، تروریست‌های تحت استخدام خود را به عنوان نمایندگان اسلام به شما معرفی کنند. اسلام را از طریق منابع اصیل و دست‌آورد آن بشناسید. با اسلام از طریق قرآن و زندگی پیامبر بزرگ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ) آن، آشنا

شوید. همچنین ایشان در تصویری که از دین اسلام ارائه شده، فرمودند: سخن من با شما درباره ی اسلام است و به طور خاص، درباره ی تصویر و چهره ای که از اسلام به شما ارائه می گردد. از دو دهه پیش به این سو- یعنی تقریباً پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی- تلاش های زیادی صورت گرفته است تا این دین بزرگ، در جایگاه دشمنی ترسناک نشانده شود. تحریک احساس رعب و نفرت و بهره گیری از آن، متأسفانه سابقه ای طولانی در تاریخ سیاسی غرب دارد (پیام مهم رهبر انقلاب به جوانان اروپا و آمریکای شمالی، ۱/۱۱/۱۳۹۳، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=28731>). این گروه های فاسد مفسدی که در کشورهای اسلامی دارند فساد می کنند، اسلام را بدنام می کنند؛ به نام اسلام، جگر انسان ها را از سینه شان می کشند بیرون و با دندان، جلوی چشم مردم و جلوی دوربین ها، قطعه قطعه می کنند؛ به نام اسلام، انسان ها را زنده زنده در مقابل دوربین و در مقابل چند میلیارد انسان می سوزانند؛ آن وقت این ها مورد حمایت و مورد توجه و تأیید و پشتیبانی قدرت های مرموز غربی قرار می گیرند. به ظاهر، ائتلاف ضد داعش تشکیل می شود اما خبرها و اطلاعات صحیح، نشان می دهد که این ائتلاف، یک ائتلاف واقعی نیست و این مبارزه، یک مبارزه ی واقعی نیست، [بلکه] این یک کار صوری است. آن وقت، وقتی در تبلیغات می خواهند علیه این گروه های مفسد و فاسد حرف بزنند، از آن ها تعبیر می کنند به دولت اسلامی؛ یعنی آن کسانی که با مردم آن جور رفتار می کنند، بچه ها را آن جور نابود می کنند، کودکان را آن جور فریب می دهند و برای کارهای انتحاری، وارد میدان می کنند، دولت اسلامی اند! اسلام ستیزی یعنی این (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۶/۲/۱۳۹۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33011>). با وجود تمامی تلاش دشمنان، دین اسلام همه گیر خواهد شد و در حکومت جهانی مهدوی واقعیت خواهد یافت؛ زیرا خداوند در ادامه آیه ۵۵ سوره ی نور به استقرا دین مورد پسند خود، در حکومت جهانی برقرار شده، اشاره می فرماید: «... وَ لَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ...»

(نور: ۵۵)، «... و مسلماً دینشان را که برای آنان پسندیده است، به نفعشان مستقر خواهد کرد، ...» (ترجمه رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۴ / ۱۹۹). دو نکته‌ی مهم به همراه تأکید فراوان در این بخش از آیه بیان شده؛ که یکی گسترش دین الهی و دیگری گسترش آن دینی که مورد پسند و رضایت خداوند متعال است، می‌باشد. برای اثبات اولی؛ در سوره و آیات شریف (توبه: ۳۳)، (فتح: ۲۸) و (صف: ۹)^۱ نیز این نکته آمده است و دلالت این آیات بر وعده غلبه‌ی دین اسلام بر تمام ادیان، واضح است (صافی، ۱۳۹۰: ۱ / ۱۲۵).

برای اثبات نکته‌ی دوم نیز، هم در آیات و هم در تفاسیر گوناگونی آورده شده که پس از تشکیل حکومت جهانی، خداوند دین مورد رضایت خود را گسترش داده و بر تمام ادیان غالب می‌گرداند و آن دین، اسلام است (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۹ / ۲۷۶)، زیرا هنگامی که پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، در آخرین حج خود، در مسیر برگشت از مکه (روز هیجدهم ذی‌الحجه)، در غدیر خم، به فرمان خداوند، حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَام) را جانشین خود قرار داد، آیه نازل شد که امروز من اسلام را به عنوان دین کامل برای شما پسندیدم؛ «رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳) در این آیه نیز وعده‌ی خداوند پیروزی آن دینی است که پسندیده است؛ بنابراین اسلامی که جهان را خواهد گرفت، اسلام غدیر خم است. دین اسلام، تنها دین مورد رضایت الهی است (قرائتی، ۱۳۸۸: ۶ / ۲۰۷).

در حکومت مهدی (عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف) مردم به گونه‌ی بی‌سابقه‌ای به اسلام روی می‌آورند و روزگار خفقان و سرکوب دین داران و ممنوعیت مظاهر اسلامی به سر آمده، در همه جا آوای اسلام طنین‌انداز می‌شود و آثار مذهب تجلی می‌یابد. در چنین شرایطی، طبعاً استقبال و پذیرش مردم از مظاهر و شعارهای دینی، بی‌سابقه خواهد بود. در روایت است که در یک مسجد دوازده بار نماز جماعت خوانده می‌شود و این دلیل روشنی بر اندازه‌ی پذیرش مردم نسبت به مظاهر دینی است (طبسی، ۱۳۸۲: ۸۴).

در روایات معتبر زیادی، گسترش و همه‌گیری دین اسلام در عصر ظهور قائم آل محمد

۱. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ...»

(عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ)، بیان شده است.^۱ امام خمینی (رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ) در این باره فرمودند: «ما در صدد گسترش نفوذ دین اسلام و کم کردن سلطه جهان خواران بوده و هستیم.» (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۲۰ / ۲۳۲). مقام معظم رهبری نیز در بیانیه ی گام دوم فرمودند: هرچند دست تطاول تبلیغات، مروج فساد و بی بندوباری در طول دوران پهلوی ها به آن [معنویت و اخلاق] ضربه های سخت زده و لجن زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و بخصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل های مستعد و نورانی بویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد (غضنفری، ۱۳۹۸: ۱۳-۱۴).

بنابراین به خواست خدای متعال، پس از تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی (آرواخنا فِداه)، با وجود تلاش های بی وقفه دشمنان بر علیه اسلام، دومین مؤلفه تمدن مهدوی که همان گسترش و همه گیری دین اسلام است، محقق می شود.

۳- امنیت

امنیت از مهم ترین و مؤثرترین عوامل مورد نیاز یک جامعه است. اگر امنیت در یک جامعه ای نبود، در آن جامعه هیچ کار درست و مثبتی نمی شود انجام داد؛ اگر امنیت در

۱. «قرطبی» مفسر معروف اهل تسنن از «مقداد بن اسود» چنین نقل می کند که از رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ وَسَلَّمَ) شنیدم که فرمود: «بر روی زمین خانه ای از سنگ یا گل باقی نمی ماند، مگر اینکه اسلام در آن وارد می شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۴ / ۵۳۲)؛ همچنین در بخشی از حدیث از امام محمد باقر (عَلَيْهِ السَّلَام) آمده است: و خداوند به واسطه او دینش را بر همه ی ادیان چیره می گرداند. (صدوق، ۱۴۰۵: ۱ / ۳۳۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲ / ۱۹۱)؛ محمد بن مسعود در تفسیر عیاشی از رفاعه بن موسی روایت می کند: از امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) شنیدم که فرمودند: وقتی قائم آل محمد (عَلَيْهِ السَّلَام) قیام کند، مکانی در روی زمین باقی نمی ماند، جز این که کلمه ی طیبه ی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهُ» در آن جا به آواز بلند گفته می شود (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲ / ۵۰)؛ همچنین آمده است: تا هر کجا که تاریکی شب وارد شود، این آیین مقدس هم وارد می شود. (شریف رضی، بی تا: ۴۱۹)؛

یک جامعه نبود و کشور مورد تهدید دشمنان قرار گرفت، نه کار علمی و تحقیقی در آن کشور می‌شود درست انجام داد، نه فعالیت اقتصادی می‌شود انجام داد، نه کار فکری و فرهنگی می‌شود انجام داد. در محیط ناامن هرکسی به فکر حفظ جان خودش است (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43866>). بنابراین، حفظ امنیت ملی، در روابط نظام اسلامی با بیگانگان، یکی دیگر از اهداف نظام اسلامی است. تأمین امنیت ملی، در این حیطه پیشگیری از تجاوز و ترسانیدن دشمن از هجوم به سرزمین‌های اسلامی است. (نصرتی: ۱۳۹۹ / ۱۴۷). همچنین در فرهنگ قرآنی، امنیت یک مفهوم وسیع، متوازن و عمیق دارد و شامل تمامی ابعاد زندگی و حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و امنیتی داخلی و خارجی می‌شود و بر الگویی از امنیت تأکید می‌شود که با اقتدار و انسجام و وحدت و ارتباط جامعه‌ی اسلامی و استحکام درونی جامعه پیوند دارد (دری‌نجف‌آبادی، ۱۳۷۶: ۷۶).

مؤلفه‌ی تمدن مهدوی سومی که در ادامه آیه بیان شده است، تبدیل ترس به امنیت است: «... وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...»، (نور: ۵۵)، «... و البته بعد از ترسشان (وضعیت) آنان را به آرامش مبدل می‌کند...» (ترجمه رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۴ / ۱۹۹). در حالی که پیش از ظهور حضرت مهدی (عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف) شرایط ناامنی بر جهان چیره است،^۱ یکی از بنیادی‌ترین کارهای حضرت، بازگرداندن امنیت به جامعه است. برنامه‌ها و قوانین به گونه‌ای طرح‌ریزی و اجرا می‌شود که مردم خود را در امنیت کامل جانی و مالی، راه‌ها و قضایی می‌بینند (طبسی، ۱۳۸۲: ۸۶). زمینه‌سازی برای احساس

۱. امام باقر (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمودند: «حضرت قائم قیام نمی‌کند مگر هنگامی که مردم را ترسی سخت فرا گرفته باشد و زمین لرزه‌ها و گرفتاری و بلاء دامن‌گیر مردم شود و پیش از این‌ها بیماری طاعون فرا رسد و شمشیری بران در میان عرب باشد و اختلاف سختی به میان مردم افتد، آن چنان که دین‌شان پاشیده گردد و حالشان دگرگون شود تا آن‌جا که هر صبح و شام آرزوی مرگ کنند، از بس مردم آزاری بینند و به جان یک‌دیگر می‌افتند.» (نعمانی، ۱۳۸۷: ۲۹۸).

امنیت مردم، از ویژگی های جامعه متمدن نوین اسلامی و مهدوی است؛ زیرا لازمه یک اجتماع صالح و رو به پیشرفت، تحقق امنیت در همه ی بخش ها و رفع تهدیدها در همه ی حوزه هاست (صمدی، ۱۳۸۷: ۸۷).

برخی مفسرین بر این اعتقادند که: «مراد تنها ترس از دشمنان خارجی است، هم چنان که همه ترس مسلمانان صدر اسلام، اول از کفار و مشرکین بود، که می خواستند نور خدا را خاموش ساخته و دعوت حقه دین را باطل سازند» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۵۱/۳)؛ ولی برخی دیگر ترس را هم داخلی و هم خارجی می دانند؛ زیرا آنان که معتقدند مراد تنها ترس از دشمنان خارجی است، دلیلی بر گفتار خود ندارند؛ چون لفظ آیه، مطلق است و هیچ قرینه ای که مدعای آنان را اثبات کند در آن نیست. بنابراین؛ مراد از تبدیل خوفشان به امنیت، این است که امنیت و سلام بر مجتمع آنان سایه بیفکند، به طوری که نه از دشمنان داخلی بر دین و دنیای خود بترسند، و نه از دشمنان خارجی، نه از دشمنی علنی، و نه پنهانی (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۲۱۴). در روایات معتبر زیادی نیز، ایجاد و وجود امنیت کامل در زمان حکومت امام زمان (عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف) بیان شده است.^۱

۱. امام باقر (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمودند: «می جنگند تا آن که همه مردم خدا را به یگانگی بپذیرند و چیزی را با او شریک قرار ندهند و چنان امنیت برقرار شود که پیرزنی ناتوان از مشرق به مغرب برود و هیچ کس آزاری به او نرساند» (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۴: ۱ / ۱۸۷؛ موسوی اصفهانی، ۱۳۲۱: ۱ / ۹۵). امام علی (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمودند: قائم ما (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) با یارانش پیمان می بندد و از آنان بیعت می گیرد که ... مسلمانی را دشنام ندهند... حریمی را هتک نکنند، به خانه ای هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند، طلا و نقره ذخیره نکنند، مال یتیمان را نخورند (صافی، ۱۴۲۸: ۳ / ۱۲۸). همچنین فرمودند: اگر قائم ما (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) قیام نماید، آسمان بارانش را ببارد و زمین گیاهش را برویاند و کینه از دل بندگان زدوده شود و درندگان و چهارپایان با یکدیگر در صلح و آشتی بوده، تا آن جا که زنی از عراق تا شام راه بیفتد و جز بر سبزه زاران گام نهد و زیور و زینت خود را بر سر داشته باشد، هیچ درنده ای او را به هیچان در نیاورده و از هیچ چیزی نترسد (صافی، ۱۴۲۸: ۳ / ۱۴۴). امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمودند: «در حکومت امام زمان (عَلَيْهِ السَّلَام)، طرق و شوارع در امنیت خواهند بود، و در نتیجه امور تجارت و کسب و کار ترقی خواهد کرد، و مسلمین و مؤمنین سودهای زیادی میبرند و در زمان امام دفع ظلم می شود و اموال زیاد

رهبر معظّم انقلاب، امام خامنه‌ای نیز خطاب به جوانان غربی جهت ایجاد و افزایش امنیت فرمودند: «من از شما جوانان می‌خواهم که بر مبنای یک شناخت درست و با ژرف بینی و استفاده از تجربه‌های ناگوار، بنیانهای یک تعامل صحیح و شرافتمندانه را با جهان اسلام پی‌ریزی کنید. در این صورت، در آینده‌ای نه‌چندان دور خواهید دید بنایی که بر چنین شالوده‌ای استوار کرده‌اید، سایه‌ی اطمینان و اعتماد را بر سر معمارانش می‌گستراند، گرمای امنیت و آرامش را به آنان هدیه می‌دهد، و فروغ امید به آینده‌ای روشن را بر صفحه‌ی گیتی می‌تاباند.» (امام خامنه‌ای، نامه رهبر انقلاب اسلامی به عموم جوانان در کشورهای غربی، ۱۳۹۴/۹/۸، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=31536>).

در بیانیه‌ی گام دوم نیز برای نشان دادن تلاش زیاد جهت ایجاد امنیت پس از انقلاب اسلامی ایران، آمده است: «این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردّد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروّت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه‌ی عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی است، و همواره چنین باد.» (غضنفری، ۱۳۹۸: ۷). بنابراین در تمدّن مهدوی، علاوه بر تشکیل حکومت جهانی و گسترش دین اسلام در تمام دنیا، امنیت، تمامی حکومت حضرت را فرا می‌گیرد و دیگر ترس و ناامنی چه از دشمن خارجی و چه از دشمن داخلی و در هیچ زمینه‌ای وجود نخواهد داشت.

۴- توحید

معیار اّمت واحد از نظر اسلام، داشتن عقیده توحیدی است (صوفی‌آبادی، ۱۳۸۳: ۱۰۹) و عبادت خدا، زمانی کامل است که هیچ‌گونه شرکی در کنار آن نباشد (قرائتی، ۱۳۸۸: ۶/۲۰۸). هدف نهایی توحید، نفی شرک و عبادت خالص خداست؛ یعنی حکومت جهانی،

آرامش و استقرار آیین حق، همه مقدمه ی آن است که توحید در جامعه پیاده شود و مردم به پرستش خدا روی آورند که مایه ی تکامل و رشد آنهاست (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۴/۲۰۲). ممکن است با استفاده از تعلیم و تربیت و تبلیغ مستمر، گروهی را متوجه حق نمود ولی تعمیم این مساله در جامعه انسانی جز از طریق تأسیس حکومت صالحان با ایمان امکان پذیر نیست، به همین دلیل انبیاء بزرگ همّت شان تشکیل چنین حکومتی بوده، مخصوصاً پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) در نخستین فرصت ممکن، یعنی به هنگام هجرت به مدینه اقدام به تشکیل نمونه ای از این حکومت کرد. از اینجا نیز می توان نتیجه گرفت که چنین حکومتی تمام تلاش ها و کوشش هایش از جنگ و صلح گرفته تا برنامه های آموزشی و فرهنگی و اقتصادی و نظامی، همه در مسیر بندگی خدا، بندگی خالی از هر گونه شرك است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۴/۵۳۳).

در دوران ظهور حضرت مهدی (عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ)، یکپارچگی و یگانگی واقعی که همان جهان بینی الهی و توحیدی است بر همه جوامع حاکم خواهد شد و بر اساس این جهان بینی، ارزش ها و هنجارهای اسلامی در تمام فرهنگ ها وجود خواهد داشت و همگان زیر پرچم توحید و ایدئولوژی اسلامی و دین واحد گرد می آیند (ربانی، ۱۳۸۸، ۲۰۴-۲۰۵)؛ زیرا خداوند می فرماید: «... يَعْْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۵۵)، «... در حالی که مرا می پرستند [و] هیچ چیز را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که بعد از آن کفر ورزند، پس فقط آنان نافرمان بردارند.» (ترجمه رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۴/۱۹۹).

در این قسمت از آیه نیز با تأکید بر نفی شرک به طور مطلق منظور از عبادت، خداپرستی خالص است، پس خدا مجتمع آنان را مجتمعی ایمن می سازد، تا در آن جز خدا هیچ چیز دیگری پرستش نشود، و به هیچ ربی غیر از خدا قائل نباشند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵/۲۱۲). برجسته ترین جلوه تمدن مهدوی، نگرش توحیدی است که در همه ی عرصه های فکری و رفتاری جامعه مهدوی حاکم است (صمدی، ۱۳۹۴: ۶۳). در تمدن مهدوی جهان

هستی با همه‌ی مظاهر آن، مخلوق اراده‌ی خدا و جلوه‌گاه صفات جمال و جلال اوست؛ در این تمدن هرگز رفاه و آسایش مادی و دستاوردهای حیرت‌انگیز علمی و تکنیکی در سازمان اجتماعی، جایگزین تمنیات درونی و دغدغه‌های فطری و معنوی انسان نمی‌شود، بلکه همه چیز، زمینه ساز رشد معنوی انسان به سوی اهداف متعالی و شکوفایی تمایلات قدسی نهفته در فطرت افراد بشر است (صمدی، ۱۳۹۴: ۶۴). مقام معظم رهبری، امام خامنه‌ای نیز فرمودند: آن چیزی که مهدویت مبشر آن است، همان چیزی است که همه‌ی انبیاء، همه‌ی بعثت‌ها برای خاطر آن آمدند و آن ایجاد یک جهان توحیدی و ساخته و پرداخته‌ی بر اساس عدالت و با استفاده از همه ظرفیت‌هایی است که خدای متعال در انسان به وجود آورده و قرار داده؛ دوران ظهور حضرت مهدی (عَجَلُ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفِ)، دوران جامعه‌ی توحیدی است، دوران حاکمیت توحید است، دوران حاکمیت حقیقی معنویّت و دین بر سراسر زندگی انسان‌هاست (مولایی، ۱۳۹۶: ۴۸).

اهمّیت عبادت به قدری است که خداوند متعال هدف از آفرینش را عبادت معرفی می‌نماید، آن‌جا که می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»، «من جن و انس را نیافریدم مگر به خاطر اینکه مرا عبادت کنند.» (ذاریات، ۵۶). عبادتی که مکتب عالی تربیت انسانها و پرورش دهنده روح و جان آنها است، عبادتی که خدا از آن بی‌نیاز و بندگان برای پیمودن راه تکامل و ترقی سخت به آن نیازمندند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۴ / ۵۳۳). مضمون روایات متعددی نیز در مورد تحقق توحید و عبادت خالصانه و بدون شرک، در حکومت جهانی حضرت مهدی (أرواحنا فِداه) است.^۱

۱. امام محمد باقر (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمودند: به خدا سوگند، [حضرت مهدی (عَجَلُ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفِ) و یارانش] می‌جنگند تا این‌که خداوند به یگانگی خوانده شود و هیچ شریکی برای او قرار نگیرد (مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۲ / ۳۴۵). حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمودند: به هنگام ظهور حضرت مهدی (عَجَلُ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفِ) مردم به کارهای عبادی و شریعات و دین‌داری و نماز جماعت‌ها روی می‌آورند و کسی باقی نمی‌ماند که به خاندان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) کینه و دشمنی ورزد (مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۲ / ۴۷۴)؛ و فرمودند: هیچ آبادی نخواهد ماند، مگر آن‌که در آن‌جا هر صبح و شام، به

عبادت و ستایش خالصانه خدای متعال، بعد از انقلاب اسلامی نیز به صورت چشم‌گیری رواج یافت، و مقام معظم رهبری نیز در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب فرمودند: «نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه‌جا بویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزبه‌روز بیشتر و باکیفیت‌تر شده است. و اینها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخشهای عمده‌ی عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است.» (غضنفری، ۱۳۹۸: ۱۳-۱۴). اگر حکومت جهانی الهی نیز تشکیل شود، بازهم برخی افراد نافرمان‌بردار و فاسق هستند که به کثر راه می‌روند و راه کفر می‌پیمایند. آری؛ تا انسان دارای آزادی و اختیار است، در هر جامعه‌ای افراد مؤمن و منحرف پیدا خواهند شد. این لازمه‌ی حرکت تکاملی و آزادانه‌ی انسان است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۴ / ۲۰۲). البته نسبت فساد در میان کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر و بخصوص با رژیم طاغوت که سرتاپا فساد و فسادپور بود، بسی کمتر است و بحمدالله مأموران این نظام غالباً سلامت خود را نگاه داشته‌اند، ولی حتی آنچه هست غیر قابل قبول است (غضنفری، ۱۳۹۸: ۲۵). بنابراین، با توجه به این‌که هدف آفرینش انسان در قرآن کریم، عبادت خداوند معرفی شده، با تشکیل حکومت جهانی مهدوی و گسترش و همه‌گیری دین اسلام و برقراری امنیت، مؤلفه چهارم تمدن مهدوی یعنی نظام توحیدی کامل، برقرار گشته و عبادت خالصانه و بدون شرک، تحقق می‌یابد.

نتیجه

تمدن مهدوی در راستای تمدن اسلامی است؛ که با ظهور قائم آل محمد (أرواحنا

فداه)، به نهایت درجه و کمال خود می‌رسد. در تمدن مهدوی، برنامه‌ها و دستورات اجتماعی و فردی دین مبین اسلام، به طور کامل عملی می‌شود و رسیدن به هدف اصلی آفرینش انسان، به سهولت صورت می‌پذیرد. بنابراین، بسیاری از انسان‌های مؤمن و صالح مسلمان و جوامعی همانند جمهوری اسلامی ایران، اهداف و اعمال خود را در راستای هر چه نزدیک‌تر شدن ظهور منجی عالم بشریت، قرار داده‌اند. امام خامنه‌ای (مُدَّ ظِلُّهُ الْعَالِي)، این ولی فقیه و مجتهد جامع‌الشرایط نیز با مشخص نمودن مسیر صحیح حرکت چهل سال دوم انقلاب ایران، در بیانیه‌ی گام دوم، هدف اصلی عملیاتی شدن تمامی این برنامه‌ها و تلاش‌های جهادی را تکامل انقلاب اسلامی و در نهایت آن آمادگی برای ظهور حضرت حجت (عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف) دانسته‌اند. با این وجود، یقیناً بیشتر شدن آگاهی در مورد مؤلفه‌های تمدن مهدوی، انگیزه و تلاش انسان‌ها و جوامع، برای تحقق هر چه زودتر و بهتر بیانیه‌ی گام دوم انقلاب را افزایش می‌دهد.

با بررسی آیه ۵۵ سوره‌ی مبارک نور و توجه به منابع متعدّد، چهار مؤلفه‌ی مهم از دوران برقراری تمدن مهدوی به دست آمد. این چهار مؤلفه به ترتیب آنچه در آیه ذکر شده، تشکیل حکومت جهانی به دست حضرت مهدی (عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف)؛ گسترش و همه‌گیری دین مورد رضایت خداوند در تمام جهان؛ تبدیل ترس به امنیت؛ برقراری جامعه‌ی توحیدی و عبادت خدای یکتا به دور از هرگونه شرک، می‌باشد. در عصر ظهور حضرت مهدی (أرَواْحُنَا فِدَاه)، انسان‌های با ایمان و صالح، مسئولین این حکومت جهانی می‌شوند و با عملی شدن مؤلفه‌های تمدن مهدوی، تمامی ترس‌هایی که توسط دشمنان داخلی و خارجی ایجاد شده، در آن زمان نابود می‌شود و آرامش و امنیت همه جانبه، جایگزین آن‌ها می‌گردد. در سایه‌ی این امنیت، بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی و فردی مانند رفاه، عدالت، دانش‌ورزی و دیگر ارزش‌های مهم، انجام می‌پذیرد. در نهایت، هدف از آفرینش انسان که عبادت خدای متعال است، تحقق می‌یابد؛ در عصر حضرت حجت (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام)، تمام اعمال از جنگ و صلح گرفته تا برنامه‌های آموزشی و فرهنگی و

اقتصادی و نظامی، همه در مسیر بندگی و پرستش بدون شرک خدای متعال می باشد. با وجود این که این مؤلفه ها تنها در زمان ظهور و حاکمیت حضرت مهدی (عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف) به طور کامل و جامع تحقق می یابد، اما در این تحقیق مشاهده شد که در پی انقلاب جمهوری اسلامی ایران، بخشی از این مؤلفه ها، محقق شده است. انقلابیون ایرانی توانستند حکومت جور و طاغوتی پهلوی را سرنگون کرده و حکومت اسلامی را بر پا کنند. آنان حقیقت اسلام و برنامه ها و دستورات آن را تبلیغ و مردم را به پذیرش و اجرایی نمودن برنامه های اسلام ترغیب نموده و موفقیت های بزرگی کسب کردند. در جمهوری اسلامی ایران، امنیت و آرامشی حکم فرما شد که مردمان آن توانستند از بسیاری از نگرانی های دوره ی پهلوی خلاصی یابند و در سایه این امنیت، مسیر عبادت خالصانه خداوند متعال هموارتر شد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۲. ابن بابویه قمی، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، من لا یحضره الفقیه، ترجمه علی اکبر غفاری، قم، سه جلد، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۳۵۹، مقدمه‌ی ابن خلدون، ترجمه‌ی محمّد پروین گنابادی، تهران، چاپ سیزدهم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴. اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۸۴، حکومت جهانی امام عصر و نظریه جهانی شده در عصر ما، تهران، چاپ اول، دبیرخانه پنجمین اجلاس بررسی ابعاد وجودی حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه.
۵. اکبری، محمّدتقی، ۱۳۹۰، فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی، با همکاری: علی آخشینی، احمد رضوانی، عبدالله عظیمایی، مشهد، چاپ سوم، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۶. انوری، حسن، ۱۳۸۳، فرهنگ روز سخن، تهران، چاپ اول، نشر سخن.
۷. باتومور، تام، بی‌تا، فرهنگ علمی و اجتماعی، با همکاری: تام و ویلیام آوتوبت، تهران، چاپ اول، نشر نی.
۸. بروجردی، محمّد ابراهیم، ۱۳۶۶، تفسیر جامع، ایران- تهران، ۷ جلد، چاپ ششم، کتابخانه صدر.
۹. تابلی، حمید، پاییزه ۱۳۹، حکومت مهدوی در پرتو شاخص‌های جهانی‌سازی آن، سایر افراد: معصومه سالاری راد، جواد صالحی، علی غلامعلی‌پور، فصل‌نامه‌ی مشرق موعود، سال پنجم، شماره‌ی ۱۹.
۱۰. جان احمدی، فاطمه، ۱۳۸۸، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، چاپ ۴۶، انتشارات نشر معارف.
۱۱. جعفری، محمّدتقی، ۱۳۵۹، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، ۱۰ جلد، چاپ نهم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، قم، چاپ سوم، اسراء.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، امام مهدی موعود موجود، قم، چاپ اول، اسراء.
۱۴. حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (دام عزّه العالی)، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و

نشر آثار، سایت www.Farsi.khamenei.ir

۱۵. خرم دل، مصطفی، ۱۳۸۴، تفسیر نور، ایران- تهران، چاپ چهارم، احسان.
۱۶. خمینی (قُدَس سِرُّهُ)، امام روح الله الموسوی، ۱۳۶۸، صحیفه‌ی امام، تهران، ۲۲ جلد، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
۱۷. خنیفر، حسین، ۱۳۸۹، جهانی شدن و فرهنگ مهدویت از دیدگاه آیات قرآن کریم و روایات اسلامی، سایر افراد: جواد زروندی، نفیسه زروندی، فصل نامه علمی- پژوهشی مشرق موعود، سال چهارم، شماره ۱۶.
۱۸. دری نجف آبادی، قربانعلی، ۱۳۷۶، نگاهی به امنیت از منظر امیرمؤمنان، فصل نامه‌ی حکومت اسلامی، شماره‌ی ۱۸.
۱۹. دوران، ویل، ۱۳۶۷، تاریخ تمدن، مشرق زمین گاهواره تمدن، ترجمه: احمد آرام، تهران، چاپ هفتم، علمی و فرهنگی.
۲۰. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۹، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران.
۲۱. ربانی، محمد باقر، ۱۳۸۸، جهانی شده، تنوع یا وحدت فرهنگی جامعه جهانی مهدوی، قم، مؤسسه امام خمینی (ره).
۲۲. رضایی اصفهانی، محمد علی، ۱۳۸۷، تفسیر قرآن مهر، ایران- قم، ۲۴ جلد، چاپ اول، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۲۳. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، مصحح: مصطفی حسین احمد، لبنان- بیروت، چهار جلد، چاپ سوم، دارالکتاب العربی.
۲۴. شاه عبدالعظیمی، حسین، ۱۳۶۳، تفسیر اثنی عشری، ایران- تهران، ۱۴ جلد، چاپ اول، میقات.
۲۵. شریف رضی علم الهدی، علی بن حسین بن موسی، بی تا، المجازات البنویه، تحقیق: طه محمد زینی، قم، مکتبه بصیرتی.
۲۶. صافی گلپایگانی، لطف الله، ۱۳۹۰، نوید امن و امان، قم، چاپ اول، انتشارات مسجد مقدی جمکران.

۲۷. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ۱۴۲۸، منتخب الاثر، قم، ۴ جلدی، ثامن الحجج.
۲۸. صدوق، کمال‌الدین، ۱۴۰۵، الخصال، محقق: علی اکبر غفاری، قم، چاپ ششم، انتشارات مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۹. صمدی، قنبرعلی، ۱۳۸۷، امنیّت مهدوی الگوی جامعه امن، فصل‌نامه‌ی مشرق موعود، سال دوم، شماره‌ی ۶.
۳۰. صمدی، قنبرعلی، ۱۳۹۴، ویژگی‌های فرهنگی و تمدنی عصر ظهور و نقش الگویی آن در فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز، فصل‌نامه‌ی علمی-ترویجی پژوهش‌های مهدوی، سال چهارم، شماره‌ی ۱۴.
۳۱. صوفی آبادی، محمود، ۱۳۸۳، اسلام، جهانی شدن و پیامدهای فرهنگی آن، مجله اندیشه صادق، شماره ۱۶-۱۸.
۳۲. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: محمد باقر موسوی، ایران-قم، ۱۵ جلد، چاپ پنجم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۹۰، زندگانی چهارده معصوم علیهم‌السلام / ترجمه اعلام الوری، مترجم: عزیزالله عطاردی قوچانی، تهران، چاپ اول، اسلامیة.
۳۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۸۸، تألیف ابن علی، قم، ۵ جلدی، چاپ اول، نور وحی.
۳۵. طیبی، نجم‌الدین، ۱۳۸۰، چشم اندازی بر حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) الشریف)، قم، چاپ چهارم، مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
۳۶. طوسی، خواجه نصیرالدین، ۱۳۶۹، ناظم الاطباء، تهران، ۵ جلدی، چاپ اول، فرهنگ نفیسی.
۳۷. طیب حسینی، سید محمود، ۱۳۹۵، ویژگی‌های حکومت مهدوی در پرتو سوره «ص»، فصل‌نامه‌ی علمی-پژوهشی مشرق موعود، سال دهم، شماره‌ی ۴.
۳۸. عاملی، ابراهیم، ۱۳۶۰، تفسیر عاملی، مترجم: علی اکبر غفاری، ایران-تهران، ۸ جلد، چاپ اول، کتابفروشی صدوق.

۳۹. عبدیائی، نرجس، ۱۳۸۸، ابعاد رشد در مدینه فاضله‌ی مهدوی از دیدگاه آیه الله جوادی آملی، نشریه‌ی انتظار موعود، ش ۳۰.
۴۰. عبدیائی، نرجس، ۱۳۹۱، ابعاد رشد سیاسی، اجتماعی در مدینه فاضله‌ی مهدوی از دیدگاه آیه الله جوادی آملی، راه تربیت فصل‌نامه‌ای در عرصه فرهنگ و تربیت اسلامی.
۴۱. عوقی، وحید، ۱۳۹۰، فاصله قدرت از دیدگاه فرهنگ جامعه‌ی مهدوی، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال اول، شماره‌ی اول.
۴۲. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ ق، تفسیر عیاشی، تهران، دو جلد، چاپ اول، مکتبه الاسلامیه.
۴۳. غضنفری، عزیز، ۱۳۹۸، شرحی بر بیانیه گام دوم انقلاب، علی کارگر، مصطفی برزکار، تهران، چاپ اول، سایه‌گستر.
۴۴. فراهیدی، خلیل بن محمد، ۱۴۱۰، کتاب العین، قم، نه جلدی، چاپ دوم، هجرت.
۴۵. قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، تفسیر نور، تهران، ده جلد، چاپ اول، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۴۶. قرشی بنابی، علی اکبر، ۱۳۷۵، تفسیر احسن الحدیث، ایران- تهران، ۹۲ جلد، چاپ دوم، بنیاد بعثت.
۴۷. کارگر، رحیم، ۱۳۸۷، جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی، قم، چاپ اول، مرکز تخصصی مهدویت.
۴۸. گودرزی، غلام‌رضا، ۱۳۸۹، افق جهان، مدل مدیریت راهبردی موعودگرا، تهران، چاپ اول، دانشگاه امام صادق علیه السلام و دانشگاه عالی دفاع ملی.
۴۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار أئمه الأطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۵۰. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۴ ش، میزان الحکمه، قم، چاپ اول، انتشارات دارالحدیث.
۵۱. محمدی منفرد، بهروز، ۱۳۸۷، انسان شناسی دولت مهدوی، فصل‌نامه‌ی مشرق موعود، سال دوم، شماره‌ی ششم.
۵۲. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰، در مکتب جمعه، تهران، چاپ اول، طبع و نشر.

۵۳. معنوی، سید مجتبی، غلامرضا بهروزی لک، ۱۳۹۳، مؤلفه‌های توسعه و پیشرفت از نظرگاه اسلام با توجه به آرمان شهر مهدوی، فصلنامه علمی-ترویجی انتظار موعود، سال چهاردهم، شماره ۴۵.
۵۴. معین، محمد، ۱۳۷۷، فرهنگ فارسی، تهران، ۶ جلد، چاپ دوازدهم، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۵۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱، تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان، ایران- تهران، ۲۸ جلد، چاپ دهم، دارالمکتب الاسلامیه.
۵۶. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۲، برگزیده تفسیر نمونه، احمد علی بابایی، تهران، ۵ جلد، چاپ سیزدهم، دارالمکتب الاسلامیه.
۵۷. موسوی اصفهانی، سید محمدتقی، ۱۳۲۱ق، مکیال المکارم، بیروت، ۲ جلد، چاپ اول، انتشارات مؤسسه الاعلمی للمطلوعات.
۵۸. مولایی، حسن، ۱۳۹۶، ما منتظریم: خورشید مهدویت در منظومه فکری امام خامنه‌ای، قم، چاپ اول، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه.
۵۹. نجفی، حسن، ۱۳۹۶، تحلیل جایگاه آموزه‌های مهدوی در احیای فرهنگ و تمدن نوین اسلامی، سایر افراد: علی نقی فقیهی، سمیه دریس‌سوی، فصل‌نامه علمی- پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، سال پنجم، شماره ۳.
۶۰. نصرتی، علی اصغر، ۱۳۹۹، نظام سیاسی اسلام، قم، چاپخانه باقری، چاپ دوم، مرکز نشر هاجر- نشر تخصصی زن و خانواده.
۶۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۸۷، الغیبه، مترجم: محمد جواد غفاری، تهران، چاپ دوم، دارالکتب الاسلامیه.

بازخوانی و تحلیل مؤلفه های تمدن ساز جامعه مهدوی با تأکید بر آیه ۵۵ سوره نور

طاهره بتول مظفری کیا^۱ (نویسنده مسئول)
ریحانه حقانی^۲

چکیده:

یکی از مسائل حساس و سرنوشت ساز دوران معاصر زمینه سازی تحقق تمدن نوین اسلامی است. این موضوع از دغدغه های مهم عالمان و متفکران جهان تشیع به ویژه مقام معظم رهبری حفظه الله است. ایشان هدف نهایی انقلاب اسلامی را پایه گذاری تمدن اسلامی در سراسر جهان می داند که با ورود انقلاب به گام دوم آن، در واقع وارد دومین مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی شده است. گسترش فرهنگ غربی و تأکید رهبری بر تأسیس تمدن نوین اسلامی با هدف رهایی از جهان بینی مادی و ظالمانه که از ارکان تمدن غربی است، ضرورت بازخوانی و شناسائی مؤلفه های تمدن ساز جامعه مهدوی را بیش از پیش روشن می کند. تمدن اسلامی با رویکرد جامعه مهدوی، باوری فراگیر است که همه تمدن ها و فرهنگ ها را تحت پوشش قرار داده و سراسر زمین به انسان های شایسته به

۱. سطح ۳ رشته تفسیر و علوم قرآن، جامعه الزهراء ع، ، mrm608654@gmail.com :

۲. Haghani.r@jz.ac.ir سطح ۴ تفسیر تطبیقی و دکتری کلام، معاون پژوهش جامعه الزهراء ع

ارث خواهد رسید. مولفه های فردی آن شامل اصلاح طلبی، خودشناسی، وظیفه شناسی و مسئولیت پذیری است و مؤلفه های اجتماعی تمدن نوین اسلامی حاکی از حاکمیت صالحان، جهانی شدن اسلام و گسترش امنیت است. این نوشتار به شیوه کتابخانه ای به جمع آوری داده ها پرداخته و به روش توصیفی و تحلیلی گزاره های خود را تبیین کرده است. **واژگان کلیدی:** آیه ۵۵ سوره نور، قرآن کریم، مؤلفه های تمدن، جامعه مهدوی، امنیت، عدالت محوری، بیانیه گام دوم.

مقدمه

با بعثت پیامبر اکرم ﷺ نخستین تمدن اسلامی در مدینه شکل گرفت و به سرزمین های دیگر راه یافت و ملت های دیگر را دگرگون کرد و در پرتو خود انسان ها را از تاریکی و جهل درآورد و به اوج روشنائی و دانایی رساند؛ اما کم کم، اختلاف ها، ناشایستگی حاکمان و دور افتادن از آیین اسلامی سبب شد، تمدن اسلامی از اوج فرود آید. اما این وعده خداوند است که بار دیگر پرهیزگاران و صالحان، حاکم بر زمین خواهند شد. در تمدن مهدوی، سراسر زمین به انسان های شایسته به ارث خواهد رسید و این تمدن همه تمدن ها و فرهنگ ها را زیر پوشش قرار خواهد داد. روح انسانیت و معنویت، فضای زندگی را پر خواهد کرد و در سایه چنین تمدنی فراگیر، فرهنگ و تمدن بشری، به اوج خود خواهد رسید. آگاهی نسبت به مؤلفه های تمدن مهدوی باعث می شود شبهه های فراوانی که دشمنان برای گمراه کردن جوانان وارد می کنند خنثی شده و شوق و انگیزه افراد برای زمینه سازی ظهور و ایجاد تمدن مهدوی، بیشتر شود. قرآن کریم برخی از این مؤلفه ها را بیان نموده است. از آنجا که این موضوع از دغدغه های مهم مقام معظم رهبری حفظه الله است، در سراسر این نوشتار این سؤال اساسی دنبال می شود که مؤلفه های تمدن ساز جامعه مهدوی بر اساس آیه ۵۵ سوره نور چیست؟ در این نوشتار به مؤلفه های فردی تمدن نوین اسلامی که شامل اصلاح طلبی، خود شناسی، وظیفه شناسی و مسئولیت پذیری است و همچنین مؤلفه های اجتماعی تمدن نوین اسلامی که شامل حاکمیت صالحان، جهانی شدن و گسترش امنیت است، پرداخته شده است. این نوشتار به شیوه کتابخانه ای به جمع آوری داده ها پرداخته و گزاره های خود را تبیین کرده است.

۱) مفهوم شناسی:

کلمه تمدن در عربی معادل الحضاره به معنای اقامت در شهر است (ابن منظور، بی تا: ۱۹۷/۴). در فرهنگ فارسی تمدن به معنای به اخلاق شهری ها در آمدن (سیاح، ۱۳۶۵: ۱۴۸۹)، به اخلاق مردم شهر نشین خو گرفتن و از جهل و نادانی به شهری گری و انسانیت

تغییر یافتن است (بستانی، ۱۳۷۵: ۲۵۸).

تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خداوند متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد و زندگی خوب و عزت مندی داشته باشد (امام خامنه ای، بیانات در دیدار فرماندهان سپاه، ۲۹/۶/۱۳۷۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2726>).

مؤلفه: در لغت به معنای ترکیب شده از چیزی است (بستانی، ۱۳۷۵: ۷۷۴). در اصطلاح یعنی عنصر یا اجزای تشکیل دهنده یک چیز که بدون داشتن آن ها نمی توانیم آن چیز را تجزیه و تحلیل کنیم.

پیشینه

از کتب اولیه که در زمینه مهدویت نوشته شده، کتاب الغیبة (نعمانی) است. در این کتاب احادیث ارزشمندی در خصوص صفات، سن، علامات قبل از ظهور، مدت حکومت، اصحاب حضرت و بلایای قبل از ظهور حضرت جمع آوری شده است. کتاب دیگر، کتاب کمال الدین و تمام النعمة (شیخ صدوق) است که در دو جلد به جمع آوری احادیث در موضوعات مختلف پرداخته است، جلد دوم این کتاب شامل ۶۳ باب است که باب های ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، ثواب انتظار و نشانه های ظهور، احادیث متعددی آورده است.

کتاب «عصر ظهور» نوشته علی کورانی و مترجم آن عباس جلالی است. این کتاب سیمای کلی دوران ظهور را ترسیم می کند و نقش رومیان یهودیان و اعراب و ایرانیان را در دوران ظهور و قیام های عصر ظهور را بیان می کند؛ سپس به فتح جهان توسط حضرت و یکپارچگی تمام دولت های جهان به صورت یک حکومت واحد می پردازد. کتاب «امام مهدی از ولادت تا ظهور» نوشته سید محمد کاظم قزوینی در بیست و چهار بخش تنظیم شده است. در این کتاب دوران پیش از ولادت امام و پس از آن و دوران غیبت و رخدادهای بی شمار آن در عصر غیبت رخ می دهد و به عصر ظهور قیام و نهضت ایشان و برخی از طرح ها و دستاوردهای

حکومت باشکوه و عملکرد سازنده در جامعه بشری اشاره می‌کند. در فصل بیست و یکم این کتاب به زندگی جامعه بشری در عصر ظهور اشاره کرده است و ویژگی های حکومت بیان شده است.

از پایان نامه‌ها هم می‌توان به پایان نامه «تمدن اسلامی از منظر مقام معظم رهبری» نوشته محمد اسماعیلی کل گچی اشاره کرد. در این پایان نامه مؤلفه‌های عمومی و اختصاصی تمدن نوین اسلامی و اهداف این تمدن و عوامل و موانع پیشرفت تمدن اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری بیان شده است. این نوشتار سعی دارد مولفه های تمدن نوین اسلامی را با توجه به بیانیته گام دوم انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار دهد.

۲) مؤلفه‌های فردی تمدن نوین اسلامی:

۲/۱: اصلاح طلبی:

آنچه به طور قطع مورد نظر اسلام است اصلاحات انقلابی و اصلاحات حقیقی است. تمدن مهدوی، تمدن مادی و معنوی است؛ از این رو، تمدن اسلام، در آخر زمان، راه و رسم جدیدی را در پی خواهد گرفت. این تمدن چون از وحی سرچشمه می‌گیرد از هرگونه خرافه‌ای که در طول زمان بر چهره آموزه‌های اسلام نشسته، پاک خواهد شد و از نو جلوه خواهد کرد، به گونه ای که گویا اولین بار است که چنین تمدنی، با این ویژگی ها، برقرار می‌شود.

با گذشت زمان و حکومت ظالمان به تدریج آموزه‌های قرآن و سنت‌های حسنه اسلامی به فراموشی سپرده شده است. قرآن دچار تحریف معنوی و تفسیر به رأی‌ها شده است؛ اما حضرت مهدی علیه السلام قوانین فراموش شده قرآن و سنت را که همواره در تاریخ به دلایل مختلف تعطیل شده بود دوباره احیاء خواهد کرد. دین اسلام در عصر ظهور، خالص، به دور از هرگونه جعل، تحریف و کاملاً منطبق بر آن چیزی خواهد بود که خدای متعال بر پیامبر گرامی نازل کرده بود و همه به هدایت قرآنی رهنمون خواهند شد. امام علی علیه السلام حکومت

قرآنی حضرت مهدی علیه السلام را چنین توصیف فرمود: «يُعْطِفُ الْهَوَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ إِذَا عَظُّوا الْهُدَىٰ عَلَى الْهَوَىٰ وَ يُعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَظُّوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۸): هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار داده‌اند، حضرت مهدی علیه السلام خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند و هنگامی که به نام تفسیر، نظریه‌های خود را بر قرآن تحمیل می‌کنند، او نظریه‌ها را تابع قرآن می‌سازد» (دشتی، ۱۳۸۶: ۲۵۷).

روایات تصریح می‌کنند که برنامه حضرت، ترویج و گسترش اسلام و احیاء قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، در روایتی آمده است: «فَلَوْ قَدَ قَامَ قَائِمُنَا ... ثُمَّ اسْتَأْنَفَ بِكُمْ تَعْلِيمَ الْقُرْآنِ وَ شَرَائِعِ الدِّينِ وَ الْأَحْكَامِ وَ الْفَرَائِضِ كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ (مجلسی، بی تا: ۲/۲۴۷): هنگامی که قائم ما قیام کند، قرآن و شریعت را به نحوی که خداوند بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل کرده به مردم تعلیم می‌دهد». پس از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، قرآن و سنت مظلوم واقع شدند و در حاشیه قرار گرفتند. در دوران آخر الزمان بر این مظلومیت افزوده شده است و نه تنها عمل به دستورات قرآن کمرنگ تر شده بلکه مطابق ذوق و سلیقه افراد تفسیر گردیده است. با قیام حضرت، قرآن و سنت احیاء گردیده و عمل به آنها در صدر دستورات قرار خواهد گرفت (همتی، ۱۳۸۵: ۲۸۳) و قرآن و فرایض دینی را به همان صورتی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده به مردم معرفی خواهد کرد.

در زمان غیبت، بدعت‌هایی در دین پدید می‌آید و بسیاری از حدود و احکام، چنان فراموش می‌شود که گویا از اسلام نبوده است؛ لذا گاهی در مورد دعوت آن حضرت، تعبیر دین جدید یا دعوت جدید در احادیث دیده می‌شود، چنان‌که امام باقر علیه السلام در روایتی فرمود: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ دَعَا النَّاسَ إِلَىٰ أَمْرِ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ وَ إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطُوبَىٰ لِلْغُرَبَاءِ (مجلسی، بی تا: ۵۲/۳۶۶): هنگامی که قائم ما به پا می‌خیزد، مردم را به سوی امر تازه‌ای فرا می‌خواند، چنان‌که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، مردم را این‌گونه فرا خواند. اسلام در حالت غربت ظاهر شد و به زودی غریب می‌شود. پس خوشا به حال غریبان». منظور از امر جدیدی که حضرت، مردم را به آن دعوت می‌کند، بیان احکام واقعی

و احیاء و اجرای احکام تعطیل شده در دین خدا است، که چون آن حضرت به آن‌ها قیام می‌کند، برخی می‌پندارند که دین جدیدی آورده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۶۵). همان‌طور که اسلام در آغاز ناشناخته بود بعدها هم به خاطر افزودن خرافات ناشناخته خواهد شد، اما به وسیله حضرت مهدی علیه السلام از نو معرفی شده و بدعت‌ها از بین خواهد رفت و چهره حقیقی اسلام نمایان خواهد شد.

باید در مقابل بدعت‌گذاران قیام کرد و پرده از تزویر و نیرنگ آنها برداشت و راه نادرست آنها را برای مردم آشکار کرد و بدین‌گونه از گمراهی مردم جلوگیری کرد. متأسفانه پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بدعت‌های بسیاری در مسیر دین‌داری پدید آوردند و چهره دین را به حجاب هواها و سلیقه‌های شخصی پوشاندند؛ هر چند امامان معصوم و به دنبال آنها عالمان دین کوشیدند ولی همچنان راه بدعت‌گذاری باقی ماند و در دوران غیبت سیر صعودی گرفت (رضوانی، ۱۳۸۵: ۱۸۵). مبارزه با بدعت‌گذاران و نشان دادن چهره اصلی آن‌ها، یکی از برنامه‌های اصلاحی حضرت است تا زمینه‌های هدایت فراهم شود. طبق روایات در آن زمان هیچ بدعتی باقی نخواهد ماند، امام باقر علیه السلام در توصیف زمان ظهور فرمود: «وَلَا يَتْرُكُ بَدْعَةً إِلَّا أزالَهَا وَ لَا سُنَّةً إِلَّا أقَامَهَا (مفید، ۱۳۷۱: ۳۸۵): هیچ بدعتی را و نگذارد مگر این‌که آن را از بین می‌برد و از هیچ سنتی نمی‌گذرد مگر اینکه آن را بر پا می‌دارد».

بنابراین، حضرت مهدی علیه السلام ارزش‌های اسلامی را بار دیگر زنده خواهد کرد و حکومتی برپا خواهد کرد که قوانین اساسی آن از کتاب و سنت گرفته شده است.

هدف نهایی، از خلقت انسان قرب به خدا و عبادت و بندگی اوست. عبادتی که مکتب عالی تربیت انسانها و پرورش دهنده روح و جان آنها است، عبادتی که بندگان برای پیمودن راه تکامل به آن نیازمند اند. منتها عبادت خالی از هرگونه شرك و نفی و هرگونه قانون غیر خدا جز از طریق تأسیس يك حکومت عدل امکان پذیر نیست. ممکن است با استفاده از تعلیم و تربیت مستمر گروهی را متوجه حق نمود، ولی تعمیم این مسأله در جامعه انسانی جز از طریق تأسیس حکومت صالحان با ایمان امکان پذیر نیست، به همین دلیل انبیاء بزرگ

همت‌شان تشکیل چنین حکومتی بوده، مخصوصاً پیامبر اسلام ﷺ در نخستین فرصت ممکن یعنی به هنگام هجرت به مدینه اقدام به تشکیل نمونه‌ای از این حکومت کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴/۵۳۳).

می‌توان نتیجه گرفت که چنین حکومتی تمام تلاش‌هایش از جنگ و صلح گرفته تا برنامه‌های آموزشی و فرهنگی و اقتصادی و نظامی، همه در مسیر بندگی خدا، بندگی خالی از هرگونه شرک است. معنی حکومت صالحان و تمکین آیین حق و عبادت خالی از شرک، این نیست که در چنان جامعه‌ای هیچ گنهکار و منحرفی وجود نخواهد داشت، چون انسان دارای آزادی اراده است و ممکن است در بهترین جوامع الهی و انسانی افراد منحرفی وجود داشته باشد؛ بلکه مفهومش این است که نظام حکومت در دست مؤمنان صالح است، و چهره عمومی جامعه خالی از شرک است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴/۵۳۴). در آن عصر، همه خدا را به یگانگی پرستش می‌کنند و شریکی برای او قرار نمی‌دهند، در نتیجه توحید خالص و پاک از هر گونه شرک حاکم می‌شود، «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا: آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را برای من شریک نخواهند ساخت» (نور، ۵۵).

بنابراین، برای سوق دادن جامعه به سوی تمدن‌سازی نوین اسلامی، لازم است علاوه بر اصلاح طلبی، عمل به سه وظیفه خودشناسی، وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری صورت پذیرد که در ادامه به تفصیل به آن می‌پردازیم.

۲/۲: خودشناسی:

در اسلام خودسازی به عنوان جهاد اکبر، از وظایف بسیار مهمی است که هر فرد باید به آن پردازد. خودسازی می‌تواند در ابعاد جسمی، روحی، فکری، اخلاقی و بخصوص ایمانی و اعتقادی صورت گیرد. برای رسیدن به خودسازی لازم است فرد ابتدا خود را در تمامی ابعاد وجودی خویش بشناسد، ثمره این خودشناسی، معرفت خداوند است که در خودسازی و تربیت خود تجلی می‌یابد.

از جمله مسائل مهمی که در نهج‌البلاغه سخت مورد توجه قرار گرفته است؛ مسئله

خودشناسی است. از مهمترین سفارش های امام علی علیه السلام شناخت، معرفت و رشدیافتگی انسان است و در این باره فرمود: «هَلَكَ امْرُؤٌ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ: نابود شد کسی که ارزش خود را ندانست» (نهج البلاغه: حکمت ۱۴۹).

در بینش اسلام، خودشناسی مفهومی اساسی است که از دو راه معرفت انفسی و آفاقی ممکن و میسر می شود و خود منشأ بسیاری از آموزه های اخلاقی و تربیتی می باشد. از دیدگاه اسلام، انسان موجودی دوبعدی است؛ یک بعد وجودی انسان جنبه مادی و جسمانی اوست و دیگری، بعد معنوی و غیرمادی وجود انسان است که از آن به «روح» یا «نفس» یاد می شود. روح به این دلیل که منشأ الهی و آسمانی دارد جنبه حقیقی وجود انسان است. بر این اساس، انسان از یک سو، رو به خاک و از سوی دیگر، روی به آسمان و ملکوت دارد (نصری، ۱۳۶۱: ۸۳). تأمل در وجود خویشتن و شناخت استعدادهای درونی، اوصاف نفسانی و کشش های باطنی در اسلام مقدمه خداشناسی است.

در قرآن از آیات آفاقی و انفسی به عنوان نشانه هایی برای شناخت خداوند یاد شده است: «وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (ذاریات: ۲۰ و ۲۱). علامه طباطبائی در تفسیر این آیات می فرماید: به هر سو از جوانب عالم که توجه کنیم، آیتی است روشن و برهانی است قاطع بر وحدانیت رب آن و اینکه رب عالم شریکی ندارد. برهانی که در آن، حق و حقیقت برای اهل یقین جلوه می کند. پس در این عالم آیتی است برای اهل یقین. «و فی انفسکم افلاتبصرون» این جمله عطف است بر جمله «فی الارض»؛ می فرماید: و در انفس خود شما آیات روشنی است برای کسی که آن را ببیند و به نظر دقت در آن بنگرد، آیا نمی بینید؟ (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۸/۳۷۳).

۱. معرفت آفاقی: هنگامی که انسان به تفکر در طبیعت و جهان هستی می پردازد، ضمن شناخت پدیده ها و موجودات آفرینش، با مقایسه میان آفرینش خود و سایر مخلوقات و مشاهده توانایی ها و استعداد های خاصی که خداوند در وجودش به ودیعه نهاده است، به خودآگاهی و خداآگاهی می رسد. این خودآگاهی سبب می شود که انسان جایگاه خود را به

عنوان جانشین خدا بر زمین درک کند و از توانایی‌ها و استعدادهايش در جهت تکامل و نیل به مقام خلیفه الهی استفاده نماید. این خودآگاهی حاصل معرفت حصولی است؛ زیرا از طریق مفاهیم و استدلال‌های عقلی به دست آمده است (رحیمیان، ۱۳۸۴: ۱۲).

۲. معرفت انفسی: در معرفت انفسی، انسان با تأمل در نفس خویشتن، بدون به کارگیری هرگونه مفهوم و استدلال عقلی، از راه کشف و شهود به درک حضوری و بی واسطه‌ای از خویش می‌رسد. در این نوع معرفت، انسان مراحل و منازل را برای شناخت، رشد و تعالی نفس خویش می‌پیماید تا اینکه در نهایت به شناخت آفریدگارش نایل می‌گردد (رحیمیان، ۱۳۸۴: ۱۵). حرکت تکاملی انسان با معرفت به نفس آغاز می‌گردد. نفس از طریق سیر و سلوک و گذر از مراتب نفسانی، به خودآگاهی می‌رسد و در نهایت، به شناخت پروردگار و یگانگی با ذات وی نایل می‌گردد. از این رو، خودشناسی مقدمه خداشناسی می‌باشد؛ زیرا سیر از خود، بستر اصلی سیر به سوی خداست. به سخن دیگر، خودشناسی نزدیک‌ترین راه معرفت به پروردگار است. انسان با تأمل در نفس خویش (از آن رو که آینه اسماء و صفات آفریدگار است) و گذر از مراحل و منازل برای رشد و تعالی نفس خویش، به خودشناسی و در نهایت به خداشناسی می‌رسد (رودگر، ۱۳۸۲: ۵۸). از آنجایی که انسانیت انسان به بعد ملکوتی و معنوی او می‌باشد، انسان می‌تواند از راه مبارزه با نفس اماره و تعدیل آن، بعد معنوی وجودش را بر بعد مادی غلبه بدهد و به سعادت واقعی دست یابد (مظاهری، ۱۳۶۹: ۷۹/۱).

خودشناسی و شناخت همه جانبه نفس و حقیقت انسان، نخستین گام در جهت خودسازی می‌باشد. انسان با شناخت خویشتن و آگاهی از استعدادها و خصوصیات مثبت و منفی وجود خود می‌تواند در مسیر خودسازی پیش رود و بر موانعی که جلوی حرکت تکاملی و رشد و شکوفایی او را می‌گیرند، غلبه کند. اساساً خودشناسی نقطه آغازین حرکت تکاملی انسان و سرمایه اصلی اصلاح و پیراستن نفس از آلودگی‌ها و مبارزه با خواهرهای نفسانی می‌باشد؛ از این رو، می‌توان گفت خودشناسی، مقدمه خودسازی و

خداشناسی است.

۲/۳: وظیفه شناسی:

انسان نسبت به خود، خداوند و مردم و جانداران و طبیعت وظایفی دارد که باید آنها را بشناسد. این وظایف در آیات و روایات بیان شده اند. از منظر اسلام خداوند متعال در برابر هر نعمتی، مسئولیتی را بر عهده انسان قرار داده و به میزان مسئولیت نیز از انسان بازخواست خواهد نمود. در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، حقوق و وظایف انسان بیان شده است که با مراجعه به آن می توان از این حقوق آگاه شد.

همه به خصوص طلاب و روحانیون نسبت به حفظ و حراست از انقلاب و ارزش های آن، مسئولیت و وظیفه داشته و در این باره باید با بصیرت و مجاهدت انقلابی به سهم خود در تحقق منویات و فرمایشات مقام معظم رهبری بکوشند و تلاش کند مردم را هر چه بیشتر و بهتر به سمت شاخصه های سبک زندگی اسلامی سوق دهد. وظیفه شناسی از مهم ترین الزامات موفقیت طلاب و روحانیون انقلابی است، وظیفه اصلی حوزویان در جامعه، هدایت مردم به سمت ارزش های دینی و الهی است و در این راستا بی شک حوزه و طلبه انقلابی می تواند بار سنگین این مسئولیت را به خوبی بر دوش بکشد.

۲/۴: مسئولیت پذیری:

بعد از شناخت وظایف، انسان موظف است نسبت به انجام وظایف خود احساس مسئولیت داشته باشد و آن را به درستی و بر پایه مسئولیتی که بر عهده گرفته است، انجام دهد و کم کاری در این مورد نشان از عدم تعهد و فقدان مسئولیت است. حس مسئولیت، گاه در برابر خود انسان است که تقوا از بارزترین نمونه آن است و گاه در برابر افراد و محیط پیرامون خویش است. تقوا، احساس مسئولیت از درون را افزایش می دهد و انسان باتقوا، همواره یک پلیس معنوی را در درون جان خود حاضر می بیند. به همین خاطر در خلوت و تنهایی، همانند زمانی که در منظر دیگران است، در انجام تعهدات و مسئولیت های

خویش کوتاهی نمی‌کند و در همه حال خدا را شاهد بر اعمال خویش می‌داند. قرآن کریم به همه مؤمنان خطاب می‌کند که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْأَنْجَارُ» (تحريم، ۶): ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه‌دارید». انسان علاوه بر خود نسبت به دیگران هم وظایفی دارد و در این زمینه هم باید مسئولیت پذیر باشد.

در دین اسلام عبادت و تقرب به خدا، در نماز و روزه و حج و... خلاصه نمی‌شود، بلکه انجام مسئولیت‌های اجتماعی از جمله احسان و خدمت به بندگان خدا، رفع گرفتاری و حل مشکلات آنان نیز در صورتی که با قصد قربت انجام گیرد، از بهترین عبادت‌ها محسوب می‌شود و در برخی موارد از ده‌ها حج و عمره مقبول هم بارزش‌تر است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ مَشَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ يَطْلُبُ بِذَلِكَ مَا عِنْدَ اللَّهِ حَتَّى تُقْضَى لَهُ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِذَلِكَ مِثْلَ أَجْرِ حَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَتَيْنِ وَ صَوْمَ شَهْرَيْنِ مِنْ أَشْهُرِ الْحَرَمِ وَ اعْتِكَافَهُمَا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَنْ مَشَى فِيهَا بِنِيَّةٍ وَ لَمْ تُقْضَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِذَلِكَ مِثْلَ حَجَّةٍ مَبْرُورَةٍ فَارْغَبُوا فِي الْخَيْرِ (کلینی، ۱۳۶۲: ۱۹۵/۲): هر کس در راه حاجت برادر مؤمنش گام بردارد تا آن را روا کند و مقصودش ثواب خدا باشد. خدای عز و جل برایش مانند پاداش يك حج و يك عمره پذیرفته و روزه دو ماه حرام با اعتکاف آنها را در مسجد الحرام بنویسد. و هر کس به نیت روا ساختن گام بردارد، ولی برآورده نگردد، خدا برایش مانند يك حج پذیرفته بنویسد، پس در کار خیر رغبت کنید».

گرچه نیاز مالی، یکی از گسترده‌ترین مشکلاتی است که خانواده‌های بسیاری را در برگرفته است، اما احسان و کمک به دیگران تنها به کمک مالی ختم نمی‌شود بلکه کمک جانی، زبانی، حرکت برای رفع مشکلات دیگران، خارج کردن مؤمنان از هم و غم و گرفتاری، مشورت و راهنمایی برای حل مشکلات یا اختلافات، راهنمایی دیگران به خیر و نیکی، نمونه‌هایی از احسان و نیکوکاری است.

بنابراین، اگر ما می‌خواهیم جامعه را به سمت تمدن‌سازی نوین اسلامی سوق دهیم،

باید سه وظیفه خودشناسی، وظیفه شناسی و مسؤولیت پذیری را به نحو احسن انجام دهیم. وظیفه طلاب در حوزه های علمیه که به تحصیل علوم اسلامی می پردازند، به عنوان پیام رسانان دین الهی، این است که با تأسی به سیره اهل بیت علیهم السلام این سه چیز را در جامعه جاری کنند.

۳) مؤلفه های اجتماعی تمدن نوین اسلامی:

۳/۱: حاکمیت صالحان:

تشکیل دولت و حکومت یک ضرورت اجتناب ناپذیر عقلی و فطری است و نمی توان از آن بی نیاز بود و بشر تنها در سایه یک زندگی اجتماعی و تشکیلات منسجم سیاسی که در آن حقوق انسان ها محترم شمرده شود می تواند به حیات خود ادامه دهد؛ در غیر این صورت زندگی بشر شکل انسانی و معقولی نخواهد داشت بلکه هرج و مرج و بی قانونی بر آنها حاکم خواهد شد (ابراهیم زاده آملی، ۱۳۷۸: ۴۴). بنابراین، جامعه زمانی سازمان می یابد و به تمدن مطلوب می رسد که از حاکمیت الهی برخوردار باشد.

اولین حکومت اسلامی در زمان رسول گرامی اسلام بود که پس از هجرت به مدینه انجام گرفت. مردم مدینه، از رهبر مسلمانان به گرمی استقبال کردند و قدرت و نیرو در اختیار آنان نهادند. چیزی نگذشت که به برکت همین هجرت، اسلام به صورت حکومتی نیرومند درآمد (سبحانی، ۱۳۸۵: ۴۲۵). در اسلام این ضرورت به خوبی درک شده و وجود حکومت به عنوان یکی از ضروری ترین نیازهای جامعه انسانی مورد تأیید قرار گرفته است.

انبیاء الهی، در صدد تشکیل جامعه ایده آل بر اساس خدا پرستی و ارزش های الهی در سراسر زمین بوده اند و هر کدام در حد امکان، قدمی در این راه برداشته اند؛ بعضی از آنها توانسته اند در محدوده جغرافیایی و زمانی خاصی، حکومت الهی را برقرار سازند. ولی برای هیچ کدام از آنها شرایط تشکیل حکومت جهانی، فراهم نشده است؛ لکن خداوند در قرآن وعده تحقق حکومت الهی را در پهنه زمین داده است که می توان آن را، تحقق هدف نهایی

از بعثت پیامبر خاتم و دین جهانی و جاودانی او به حساب آورد (مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ۳۷۴).

در قرآن آمده است که در آینده، حکومت زمین به افراد باایمان و صالح تعلق خواهد گرفت. خداوند در قرآن، وعده چنین روزی را داده و می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ: خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترس‌شان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن‌چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن‌ها فاسقان‌اند» (نور: ۵۵). این آیه مژده می‌دهد که صالحان در سراسر جهان حکومت را به دست می‌گیرند، اما این وعده الهی تا به امروز محقق نشده است. بنابراین حکومت زمین به دست افراد صالح و شایسته خواهد افتاد و بر سایر حکومت‌ها سلطه خواهد یافت.

بعضی از مفسران، مراد از صالحان در آیه ۵۵ سوره نور را مخصوص صحابه پیامبر ﷺ دانسته‌اند که با پیروزی اسلام صاحب حکومت در زمین شدند. بعضی مفهوم آن را چنان وسیع دانسته‌اند که این وعده را شامل تمام مسلمانانی که دارای این صفت‌اند می‌دانند. در هر زمانی که پایه‌های ایمان و عمل صالح در میان مسلمانان مستحکم شود، آنها صاحب حکومتی ریشه‌دار و پر نفوذ خواهند شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵۱۶/۱۳). تاریخ اسلام از آغاز تا کنون نشان داده که این وعده خداوند به طور کامل تحقق پیدا نکرده است. درست است که اسلام در دوره رسول خدا در مدینه به قدرت رسید و تشکیل حکومت داد، اما این حکومت جهانی نبود، آیه وعده می‌دهد که صالحان بر سراسر کره زمین فرمانروایی خواهند

کرد و بدون هیچ ترسی، خدا را پرستیده و آیین اسلام استوار خواهد شد. تاکنون، چنین حکومتی که فراگیر و جهانی باشد، روی کار نیامده است.

بدون شك حکومت مهدی علیه السلام مصداق کامل این آیه است و نمونه کامل حاکمیت توحید و امنیت کامل و عبادت خالی از شرك در زمانی تحقق می یابد که حضرت مهدی علیه السلام ظاهر شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴/۵۳۰).

بنابراین، حکومت صالحان که خداوند در آیات وعده آن را داده است، حکومت حضرت مهدی علیه السلام است. حکومتی که در رأس آن خود حضرت، که از نسل پیامبر و اهل بیت است، به همراه اصحابش که آنها هم از افراد صالح هستند، حکومت خواهند کرد. انقلاب ایران، نمونه ای از حکومت هایی است که در برابر زورگویان جهان ایستادگی کرده است.

تسلیم ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته آن در برابر دولت های مستکبر، خصوصیت شناخته شده ایران و ایرانی است. قدرت های انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود دانسته اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کرده اند. ملت ایران در فضای حیات بخش انقلاب توانست دست نشانده آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و تا امروز از سلطه دوباره قلدران جهانی با شدت جلوگیری کند (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

حضرت مهدی علیه السلام دایره حکومت اسلامی را در کل زمین گسترش می دهد. زمانی که ابر قدرت های شرق و غرب با تمام قدرت بر دنیا مسلط شده اند، حضرت مهدی علیه السلام حکومت را به دست خواهد گرفت و خداوند شرق و غرب جهان را برای او فتح کرده و تمام عالم را زیر پرچم او قرار خواهد داد و زمین به وسیله یک حکومت اسلامی، اداره خواهد شد.

۳/۲: جهانی شدن اسلام:

علت اصلی قیام حضرت مهدی علیه السلام، تشکیل حکومت جهانی و دست یافتن به حاکمیتی مقتدر و الهی است. حاکمیتی که فراگیر بوده و شامل تمام نقاط روی زمین می شود، به طوری که هیچ نقطه‌ای از جهان از فیض وجود این حکومت بی بهره نخواهد بود و مردم با آغوش باز پذیرای چنین حکومتی بوده و قدرت های ستمگر را در هم خواهند شکست. در چنین حکومتی، دین اسلام، دین رسمی جهان شده و بانگ توحید از همه جا طنین افکن خواهد شد. این وعده قطعی خداوند، به مردم جهان است که حکومت را به دست بندگان صالح خواهد داد و به وسیله آنها یکتاپرستی را ارزانی خواهد بخشید.

آینده در قلمرو اسلام خواهد بود. برنامه همه جانبه اسلام و نیاز بشریت به این برنامه گواه ابدیت این آئین و حاکمیت مطلق آن در آینده است و رسالتی بزرگ بر عهده دارد، رسالتی که هیچ عقیده و برنامه‌ای جز عقیده و برنامه اسلام قادر به ادای آن نیست (خامنه ای، ۱۳۵۹: ۱۶۵). دعوت اسلام از همان ابتدا همگانی بوده و به منطقه جغرافیایی خاصی محدود نبوده است و آیات مربوط به جهانی بودن اسلام این مطلب را تأیید می کند. شواهد تاریخی نیز نشان می دهد که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به سران کشورهای مختلف نامه نوشته و آنها را به پذیرفتن دین اسلام دعوت کرده است (احمدی میانجی، بی تا: ۱۸۱/۱). با رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله، اسلام گسترش پیدا کرد و افراد زیادی در سراسر جهان به اسلام روی آوردند. دینی که حضرت مهدی علیه السلام بعد از ظهور، با آن بر مردم حکومت می کند، دین اسلام است.

در آیه ۵۵ سوره نور به این مطلب اشاره شده است: «وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ: خداوند دین و آیینی را که برای آنها پسندیده، پا بر جا و ریشه دار خواهد ساخت» (نور، ۵۵). در این آیه تمکین دین یعنی این که، آن دین را در جامعه مورد عمل قرار دهد، به طوری که هیچ کفری مانعش نشود، و امرش را سبک نشمارد و اصول معارفش مورد اعتقاد همه باشد، به طوری که درباره آن اختلافی نباشد (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۵/۱۵۲). خداوند دینی که مورد پسندش است را در زمین پا بر جا خواهد ساخت و مانعی در برابر خواسته او وجود

نخواهد داشت. بنابراین، دینی که حضرت بعد از ظهور، با آن بر مردم حکومت می کند دین اسلام است، همان دینی که خداوند وعده جهانی شدن آن را داد و پیامبر اسلام ﷺ در راه آن مجاهدت های زیادی نمود.

در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است که خداوند به پیامبر ﷺ فرمود: «حَقُّ عَلَيَّ أَنْ أُظْهِرَ دِينَكَ عَلَى الْأَدْيَانِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَلَا فِي غَرْبِهَا دِينَ إِلَّا دِينُكَ وَ يُؤَدُّونَ إِلَيَّ أَهْلَ دِينِكَ الْجَزِيَّةَ وَ هُمْ صَاغِرُونَ (دیلمی، ۱۳۷۰: ۴۱۱/۲): سزاوار است که من دین تو را آشکارا کنم بر سایر ادیان به طوری که در شرق و غرب جهان دینی جز دین تو باقی نماند و همه، به اهل دین تو در حالت ذلت و پستی، جزیه بپردازند».

خداوند در آیات مختلف وعده داده است که اسلام بر سایر ادیان پیروز خواهد شد. پیامبر اکرم ﷺ حکومت اسلامی تشکیل داد ولی دین اسلام تاکنون بر همه ادیان غالب نشد و باید گفت که تا کنون نیز این همه گیر شدن دین اسلام محقق نشده است. بنابراین، تحقق کامل این وعده بنابر روایات، در زمان حکومت حضرت مهدی علیه السلام است، تنها در آن زمان است که هیچ فردی روی زمین نیست جز آن که وارد دین اسلام شده یا تحت سلطه اسلام قرار خواهد گرفت.

با ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز، دین اسلام جهانی شده و مردم به گونه ای بی سابقه به اسلام روی می آورند. در آن زمان، دین خدا در سراسر جهان گسترش یافته و عبودیت خدا به معنای واقعی تحقق خواهد یافت. وعده خداوند است که اسلام را بر سایر ادیان پیروز گرداند. خداوند در قرآن می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوَكِرَهُ الْمُشْرِكُونَ: او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همه آیین ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند» (توبه، ۳۳). این آیه خبر از جهانی شدن اسلام می دهد، چون آیه مطلق است و دلیلی برای محدود کردن آن در عصر پیامبر ﷺ نیست. در حال حاضر این موضوع تحقق نیافته، ولی این وعده حتمی خدا به تدریج در حال تحقق است. سرعت پیشرفت اسلام در جهان و نفوذ سریع آن در کشورهای

دیگر و اسلام آوردن بسیاری از مردم، نشان می‌دهد که اسلام به سوی عالمگیر شدن پیش می‌رود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۷۲/۷).

در تفسیر این آیه محمد بن فضیل از حضرت ابو الحسن موسی بن جعفر علیه السلام سؤال کرد و حضرت فرمود: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الْأَذْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ (مجلسی، بی تا: ۳۱۸/۲۳): تا چیره کند دین حق را بر تمام ادیان، هنگام ظهور حضرت قائم».

آیه فوق که با همین الفاظ، در سوره صف، آیه ۹ و سوره فتح، آیه ۲۸ نیز آمده است، خبر از واقعه مهمی می‌دهد که اهمیت آن، موجب تکرار شده است. خبر از جهانی شدن اسلام می‌دهد و مفهوم آیه، پیروزی همه جانبه اسلام بر همه ادیان و جهان است. حضرت مهدی علیه السلام با حضور خود، حجت را بر انسان‌ها تمام کرده و همه را به دین اسلام دعوت خواهد کرد و با از بین بردن شرک و کفر، توسط ایشان، کافری باقی نخواهد ماند.

در اسلام عقیده توحید زیربنا زندگی انسانی، تمدن و فرهنگ متعالی است. توحید باوری است که همیشه در حال پویایی است. عقیده توحیدی باعث رستگاری دنیوی و اخروی می‌شود چنان که کفر و نافرمانی از خداوند عامل انحطاط جوامع و تمدن‌ها است. خداوند متعال در قرآن، خبر از ظهور و برپایی حکومت جهانی را داده که در آن یکتاپرستی را ارزانی خواهد بخشید. در حکومت حقی که برپا می‌گردد، عبادت حق تعالی به جا آورده می‌شود، عبادتی که با شرک همراه نباشد. «يَعْبُدُونِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ: آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن‌ها فاسقان‌اند (نور، ۵۵). شرک منشاء تمامی گناهان است و اگر انسان تنها خدا را اطاعت کند مرتکب هیچ گناهی نخواهد شد.

اولین هدف بعثت پیامبران دعوت انسانها به یکتاپرستی و ایمان به خدا بوده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (نحل، ۳۶): ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که خدای یکتا را پرستید و از طاغوت اجتناب کنید». در تمدن مهدوی هم تنها خدای یگانه پرستش خواهد شد و توحید

به معنای واقعی تحقق خواهد یافت.

به فرموده مقام معظم رهبری، بدون مکتب و بدون ایدئولوژی نمی توان یک تمدن را به وجود آورد؛ احتیاج به ایمان است. این تمدن دارای علم خواهد بود، دارای صنعت هم خواهد بود، دارای پیشرفت هم خواهد بود؛ و این مکتب، هدایت کننده و اداره کننده همه این ها خواهد شد. آن که مکتب توحید را مبنای کار خودش قرار می دهد، آن جامعه ای که به دنبال توحید حرکت می کند، همه این خیراتی را که متوقف بر تمدن سازی است، به دست خواهد آورد؛ یک تمدن بزرگ و عمیق و ریشه دار خواهد ساخت و فکر و فرهنگ خودش را در دنیا گسترش خواهد داد. بنابراین، احتیاج به ایمان است. کشاندن جامعه به بی ایمانی، یکی از همان توطئه هائی است که دشمنان تمدن سازی اسلامی دنبال آن بوده اند و الان هم با شدت این را دنبال می کنند. جامعه بدون آرمان، بدون مکتب، بدون ایمان، ممکن است به ثروت و قدرت برسد، اما آن وقتی هم که به ثروت و قدرت برسد، تازه می شود یک حیوان سیر و قدرتمند - و ارزش انسان گرسنه از حیوان سیر بیشتر است - اسلام این را نمی خواهد. اسلام طرفدار انسانی است که هم برخوردار باشد، هم قدرتمند باشد، و هم شاکر و بنده خدا باشد و جبهه عبودیت بر خاک بساید. انسان بودن، قدرتمند بودن و بنده خدا و عبد خدا بودن؛ این آن چیزی است که اسلام می خواهد (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252)

باید تلاش کنیم در راه ایجاد جامعه مهدوی؛ هم خودسازی کنیم، هم به قدر توان و امکان مان، دگرسازی کنیم و بتوانیم محیط پیرامونی خود را به هر اندازه ای که در وسع و قدرت ما است، به جامعه مهدوی نزدیک کنیم (امام خامنه ای، سخنرانی تلویزیونی به مناسبت ولادت حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45317>، ۱۳۹۹/۰۱/۲۱

۳/۳: گسترش امنیت:

امنیت، اولین و اساسی ترین نیاز طبیعی انسان است و از ابعاد مختلف فردی و اجتماعی تشکیل یافته که هر یک در جایگاه خود از اهمیت زیادی برخوردار است. یکی از اهداف و آرمان‌های بزرگ تمدن مهدوی استقرار امنیت است. در آن زمان امنیت از همه جهات آن یعنی امنیت مالی، جانی، آبرویی، فکری و فرهنگی، اعتقادی، روحی و روانی، و ... تأمین خواهد شد. این آرمان و هدف به گونه‌ای دارای اهمیت است که تمام اهداف و برنامه‌های حضرت مهدی علیه السلام با آن ارتباط پیدا می‌کند، یعنی در صورت تحقق امنیت است که اهداف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، فکری و اخلاقی در سطح گسترده تحقق پیدا خواهد کرد.

نعمت امنیت ریشه همه نعمت‌ها است زیرا هر گاه امنیت از میان برود، دیگر مسائل دفاعی و مواهب مادی و معنوی نیز به خطر خواهد افتاد. در یک محیط ناامن، نه اطاعت خداوند مقدور است، نه زندگی همراه با سربلندی و آسودگی فکر و نه تلاش و کوشش و جهاد برای پیشبرد هدف‌های اجتماعی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۸۴/۱۰). در آیات قرآن، وعده الهی برای صالحان، امنیت و آسایش است و انسان‌ها از مواهب یک زندگی سالم، به دور از هرگونه تهدید درونی و بیرونی در سایه امنیت فراگیر جهانی، برخوردار خواهند شد.

قرآن کریم، یکی از اهداف برقراری حاکمیت خدا و جانشینی صالحان را تحقق امنیت معرفی کرده است: «وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» (نور، ۵۵): و خوف و ترس آنها را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند. این آیه، وعده زیبایی است برای مؤمنانی که دارای عمل صالح‌اند و به آنان وعده می‌دهد که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می‌کند و زمین را در اختیارشان می‌گذارد و دین‌شان را در زمین متمکن می‌سازد و امنیت را جایگزین ترسی که داشتند می‌کند، امنیتی که دیگر از منافقین و کید آنان، و از کفار و مانع تراشی آن‌ها بیمی نداشته باشند و خدا را آزادانه عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۵۲).

مؤمنان در طول تاریخ گرفتار مشکلات و مورد ظلم سلاطین و دشمنان بوده و در خوف به سر می بردند. خداوند در این آیه وعده می دهد که این خوف تبدیل به امنیت کامل خواهد شد، اما تبدیل خوف به امنیت کامل، تاکنون تحقق نیافته و این امر تنها با حکومت گسترده مؤمنین بر روی زمین تحقق خواهد یافت. در نتیجه آیه به آینده ای درخشان و دارای امنیت کامل اشاره دارد که مؤمنان به آن خواهند رسید. مطابق برخی از تفاسیر، آیه مربوط به زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام و عصر حکومت جهانی اوست (رضوانی، ۱۳۸۵: ۱۳). قرآن به گروهی از مسلمانان که دارای دو صفت ایمان و عمل صالح هستند و به یاری خداوند، حکومت جهانی مستضعفان را تشکیل خواهند داد، نوید امنیت و از میان رفتن تمامی عوامل ترس و وحشت را داده است که مصداق کامل آن حکومت حضرت مهدی علیه السلام است.

برقراری صلح و امنیت در سطح جهانی، کاری دشوار است و تجربه نشان داده که هیچ حکومتی نتوانسته است این امر را تحقق بخشد، اما دنیا اینگونه نخواهد ماند؛ چرا که خداوند، این اقدام بزرگ و مهم را برعهده حضرت مهدی علیه السلام قرار داده است و در قرآن به برقراری امنیت توسط حکومت صالحان وعده داده است. با قیام حضرت و سرکوبی جنگ طلبان و عاملان ناامنی، امنیت کامل بر سراسر جهان حکمفرما می شود و همه انسان ها با صلح و آرامش در کنار هم زندگی می کنند. چنان امنیتی برقرار خواهد شد که حتی حیوانات وحشی در کنارهم و بدون مزاحمت برای یکدیگر و برای انسان ها، ادامه حیات می دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۵۷: ۳۳۳).

درباره گسترش امنیت در روزگار حضرت مهدی علیه السلام روایات زیادی آمده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود: «لا یسعی الذئب علی شاة و یرفع الشحاء و التباض و ینزع جمعة کل دابة حتی یدخل الولید یده فی فم الخش فلا یضره و تلقی الولیده الأسد فلا یضرها و یکون فی الابل كأنها کلبها و الذئب فی الغنم كأنه کلبها (حسینی حلی، ۱۳۷۰: ۸۳): (در آن زمان) گرگ مزاحم گوسفندان نمی شود، بغض و دشمنی بر طرف می شود، اذیت و درزندگی هر حیوانی به طوری از بین می رود که اگر طفلی انگشت خود را در دهانه کندوی عسل

بگذارد زنبور به او ضرری نمی‌رساند، شیر، بچه را ملاقات می‌کند ولی ضرری به او نمی‌رساند، شیر دزنده در میان شتران مانند سگی است که از آن‌ها نگهداری می‌کند و گرگ در بین گوسفندان مانند سگ گله خواهد بود».

در جامعه مهدوی، امنیت چنان برقرار خواهد شد که بانویی به تنهایی فاصله عراق تا سوریه را طی می‌کند، بدون آن‌که از تعرض انسان یا حیوانی هراسی به دل راه دهد. امام علی علیه السلام فرمود: «لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمًا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ ذَهَبَتِ الشَّجَنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اضْطَلَحَتِ السِّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ وَ الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى نَبَاتٍ وَ عَلَى رَأْسِهَا زَنْبِيلُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَ لَا تَخَافُهُ (حرانی، بی تا: ۱۱۵): اگر قائم ما قیام کند آسمان بقدر کافی می بارد و از زمین گیاه می روید. کینه‌ها از بین رفته و حتی حیوانات نیز با هم سازش دارند. تا آنجایی که یک زن، راه میان عراق تا شام را می پیماید و پای خویش را جز بر گیاهان نمی‌نهد. در آن عصر یک زن با همه زیور آلات خود از عراق بیرون می‌آید و تا شام با امنیت کامل می‌رود دزنده‌ای او را تهدید نخواهد کرد و او را نخواهد ترساند».

در آن دوران جان انسان‌ها، مورد تهدید قرار نخواهد گرفت و در کمال آرامش و صلح و صفا به زندگی انسانی مشغول خواهند شد. در آن زمان تمام بیماری‌ها از بین خواهد رفت، از جمله بیماری‌های واگیردار که امروزه مردم دنیا با آن مواجه هستند و احساس خطر و ناامنی می‌کنند. امام باقر علیه السلام فرمود: «مَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي مِنْ ذِي عَاهَةِ بَرًّا وَ مِنْ ذِي ضَعْفٍ قَوِي (راوندی، ۱۳۶۷: ۸۳۹): هر که قائم اهل بیت مرا دریابد، اگر بیمار باشد، بهبودی می‌یابد و اگر ناتوان باشد، قوی و نیرومند می‌شود».

انسان نیازمند امنیت و آرامش روحی و روانی است که بدون دغدغه و ترس و اضطراب به زندگی خود ادامه دهد و راه سعادت را طی کند، آرامشی که به تعبیر قرآن بر دل‌های مؤمنان سایه افکننده و خوف و اندوه را از حریم آنان بیرون کند. اگر چنین امنیتی بر دل‌ها حاکم شد، دیگر جایی برای افسردگی و بیماری‌های اعصاب و روان باقی نخواهد ماند. در

جامعه مهدوی، انسانها در سایه تکامل عقل و عاطفه به چنان آرامشی خواهند رسید که هیچ اندوهی آنها فرا نمی‌گیرد و هر نوع بیماری روحی و روانی از آنها دور خواهد شد. امام سجاد علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ (فتال نیشابوری، بی تا: ۲۹۵): چون قائم ما قیام کند خداوند بیماری و اندوه را از شیعیان ما برمی‌دارد».

فقدان امنیت عوامل مختلفی مثل فقر، محرومیت، ضعف ایمان به خدا و ناتوانی دولت در تعقیب و مجازات باندهای تبهکار دارد که در عصر حضرت مهدی علیه السلام تمام این عوامل از بین خواهد رفت و بر اثر شیوه های تربیتی که امام در جامعه پیاده می‌کند، انسانها به مراحل والایی از تکامل و رشد فکری و شرافت انسانی می‌رسند که خود را فراتر از آن می‌دانند که مرتکب گناه و جنایت گردند (قزوینی، ۱۳۹۶: ۵۱۱).

برخورد قاطعانه و عدالت محور حضرت با متجاوزان به عقاید، ایمان، جان، مال و ناموس مردم فرصت ایجاد هر ناامنی را از آنان خواهد گرفت. هر چند در هر عصری اثری از امنیت نسبی دیده می‌شود اما امنیت مطلق و همه جانبه از آن کسانی است که بر اساس عقل سلیم و گرایش فطرت پاک به دعوت توحیدی حضرت مهدی علیه السلام لبیک می‌گویند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۶۰). جهان، در عصر حکومت او روی آرامش و امنیت را خواهد دید و جایی برای ناامنی نخواهد ماند.

امنیت به گونه ای بر جهان سایه خواهد افکند که مردم نه از دشمنان داخلی بترسند و نه از دشمنان خارجی، و از ظلم ستمگران در امان خواهند بود. حضرت مهدی علیه السلام پدیدآورنده امنیت است و همه معیارها و ضوابط غیرانسانی و نادرست را کنار می‌زند و حرکت جامعه و روابط انسانی را بر پایه های قانون و عدل و احترام به حقوق انسانها استوار می‌سازد. دوستی جای دشمنی را می‌گیرد و جامعه امن و زندگی آرام که نمونه زندگی در بهشت جاوید است، نصیب انسان می‌گردد (حکیمی، ۱۳۷۴: ۱۹۸).

بنابراین، امنیت کامل فردی و اجتماعی در آن عصر محقق خواهد شد، امنیتی که بشر در طول تاریخ، مثل آن را ندیده است. در نتیجه شهر امن و سلامتی که خدای متعال نوید و

مژده آن را به مؤمنان و مستضعفان جهان داده است تحقق پیدا خواهد کرد و همه انسان‌ها با امنیت و آرامش درونی کنار یکدیگر زندگی خواهند کرد و از شرارت، ناامنی، اضطراب و نگرانی خبری نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

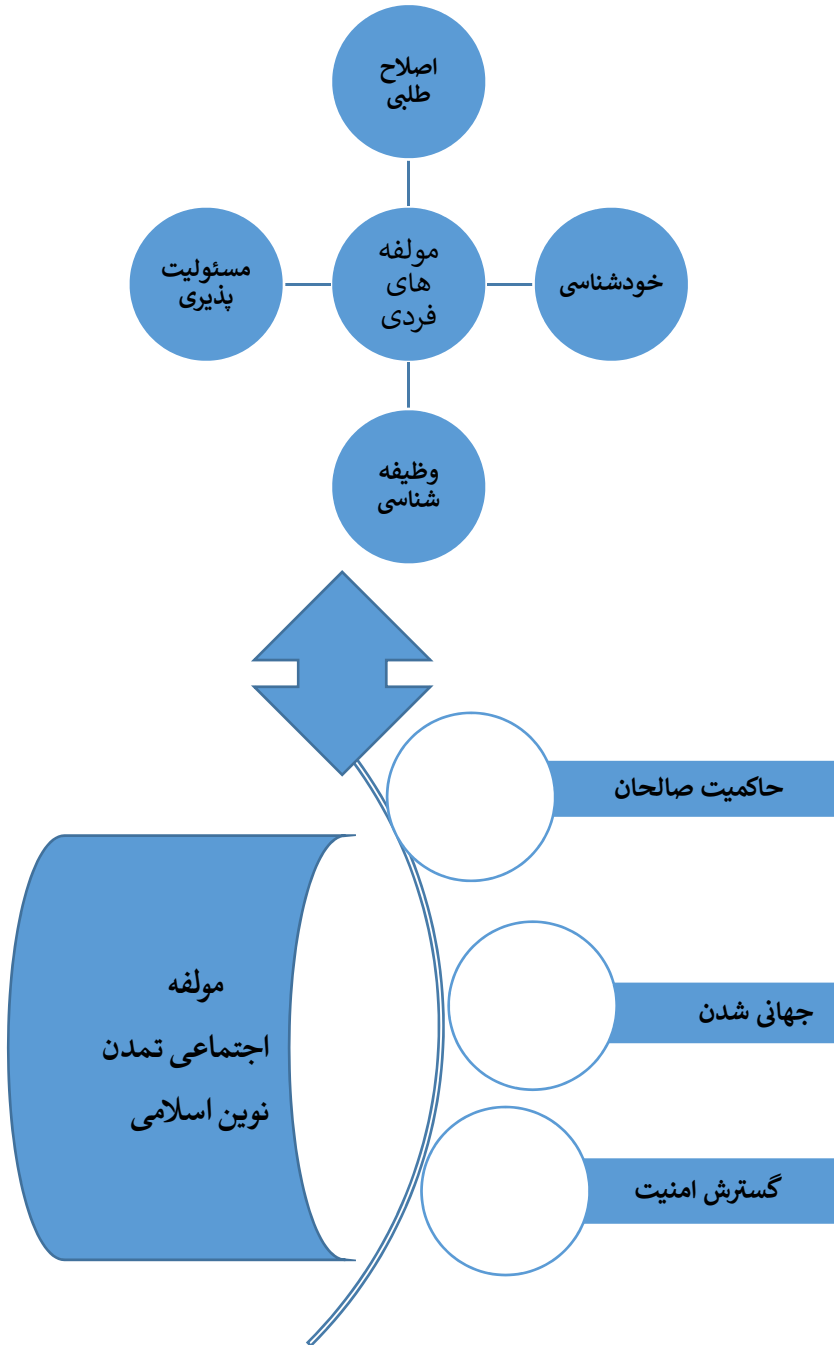
مؤلفه‌های فردی تمدن نوین اسلامی عبارت است از: اصلاح طلبی، خودشناسی، وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری. تمدن مهدوی، تمدن مادی و معنوی است؛ از این رو، تمدن اسلام، در آخر زمان، راه و رسم جدیدی را در پی خواهد گرفت. این تمدن چون از وحی سرچشمه می‌گیرد از هرگونه خرافه‌ای که در طول زمان بر چهره آموزه‌های اسلام نشسته، پاک خواهد شد.

برای سوق دادن جامعه به سوی تمدن سازی نوین اسلامی، عمل به سه وظیفه خودشناسی، وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری، ضروری است. در اسلام خودسازی به عنوان جهاد اکبر، از وظایف بسیار مهمی است که هر فرد باید به آن بپردازد. خودسازی می‌تواند در ابعاد جسمی، روحی، فکری، اخلاقی و به خصوص ایمانی و اعتقادی صورت گیرد. برای رسیدن به خودسازی لازم است فرد ابتدا خود را در تمامی ابعاد وجودی خویش بشناسد، ثمره این خودشناسی، معرفت خداوند است که در خودسازی و تربیت خود تجلی می‌یابد.

از منظر اسلام خداوند متعال در برابر هر نعمتی، مسئولیتی را بر عهده انسان قرار داده و به میزان مسئولیت نیز از انسان بازخواست خواهد نمود. همه به خصوص طلاب و روحانیون نسبت به حفظ و حراست از انقلاب و ارزش‌های آن، مسئولیت و وظیفه داشته و در این باره باید با بصیرت و مجاهدت انقلابی به سهم خود در تحقق منویات و فرمایشات مقام معظم رهبری بکوشند و تلاش کند مردم را هر چه بیشتر و بهتر به سمت شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی سوق دهد. بعد از شناخت وظایف، انسان موظف است نسبت به انجام وظایف خود احساس مسئولیت داشته باشد و آن را به‌درستی انجام دهد و کم‌کاری در این مورد نشان از عدم تعهد و فقدان مسئولیت است.

مؤلفه های اجتماعی تمدن نوین اسلامی نیز عبارت است از: حاکمیت صالحان، جهانی شدن اسلام و گسترش امنیت. انبیاء الهی، در صدد تشکیل جامعه ایده آل بر اساس خدا پرستی و ارزش های الهی در سراسر زمین بوده اند و هر کدام در حد امکان، قدمی در این راه برداشته اند؛ اما برای هیچ یک از آنها شرایط تشکیل حکومت جهانی، فراهم نشده است؛ لکن خداوند در قرآن وعده تحقق حکومت الهی را در پهنه زمین داده است.

علت اصلی قیام حضرت مهدی علیه السلام، تشکیل حکومت جهانی و دست یافتن به حاکمیتی مقتدر و الهی است، حاکمیتی که فراگیر بوده و شامل تمام نقاط روی زمین می شود. در چنین حکومتی، دین اسلام، دین رسمی جهان شده و بانگ توحید از همه جا طنین افکن خواهد شد. تمدن مهدوی از نیرومندترین تمدن هایی است که جهان به خود دیده است و استقرار امنیت از آرمان های بزرگ این تمدن است. برقراری امنیت در سطح جهانی، کاری دشوار است و تجربه نشان داده که هیچ حکومتی نتوانسته است این امر را تحقق بخشد، اما خداوند، این امر مهم را برعهده حضرت مهدی علیه السلام قرار داده است. در آن زمان امنیت از همه جهات آن یعنی امنیت مالی، جانی، آبرویی، فکری و فرهنگی، اعتقادی، روحی و روانی، و ... تأمین خواهد شد.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۲. نهج البلاغه، شریف رضی، تحقیق صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، دارالهجره، قم.
۳. ابراهیم زاده آملی، نبی الله، ۱۳۸۷ش، حاکمیت دینی، بی جا، بی جا، نشر اداره آموزشهای عقیدتی - سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۴. ابن منظور، بی تا، لسان العرب، بی جا، بی جا، بی نا.
۵. احمدی میانجی، علی، بی تا، مکاتیب الرسول، بی جا، ج ۱، بی جا، دار الحدیث.
۶. بالا دستیان، محمد امین و همکاران، ۱۳۸۳ش، نگین آفرینش، تهران، اول، بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام.
۷. بستانی، فؤاد افرام، ۱۳۷۵ش، فرهنگ ابجدی، تهران، دوم، انتشارات اسلامی.
۸. تمیمی، عبد الواحد، ۱۳۶۶ش، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، اول، دفتر تبلیغات اسلامی.
۹. جمعی از نویسندگان، بی تا، دانشنامه بزرگ اسلامی، بی جا، ج ۱۱، بی جا، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹ش، امام مهدی علیه السلام موعود موجود، قم، بی جا، مرکز نشر اسراء.
۱۱. حرانی، ابن شعبه، بی تا، تحف العقول عن آل الرسول، بی جا، بی جا، جامعه مدرسین.
۱۲. حسینی حلی، علی بن طاووس، ۱۳۷۰ش، ألملاحم والفتن، قم، اول، شریف رضی.
۱۳. حکیمی، محمد، ۱۳۷۴ش، عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام، قم، بی جا، بوستان کتاب.
۱۴. خامنه ای، سیدعلی، بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>.
۱۵. خامنه ای، علی، ۱۳۵۹ش، آینده در قلمرو اسلام، تهران، هفتم، بی نا.
۱۶. دشتی، محمد، ۱۳۸۶ش، ترجمه نهج البلاغه، قم، سی و دوم، الهادی.
۱۷. دیلمی، حسن، ۱۳۷۰ش، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم، ج ۲، اول، شریف رضی.
۱۸. دین پرور، جمال الدین، ۱۳۷۹ش، جهانگشای عادل، تهران، یازدهم، بنیاد نهج البلاغه.

۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۶۲ش، مفردات فی غریب القرآن، تهران، بی جا، المكتبه المرتضویه.
۲۰. راوندی، قطب الدین، ۱۳۶۷ش، الخرائج و الجرائح، قم، ج ۲، اول، مدرسه امام مهدی علیه السلام.
۲۱. رحیمیان، سعید، ۱۳۸۴ش، ارتباط خودشناسی با خدانشناسی در عرفان ابن عربی، انجمن معارف اسلامی ایران، ش ۲.
۲۲. رضوانی، علی اصغر، ۱۳۸۵ش، قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام، قم، دوم، مسجد مقدس جمکران.
۲۳. همان، ۱۳۸۵ش، حکومت حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور، قم، بی جا، مسجد جمکران.
۲۴. رودگر، محمدجواد، ۱۳۸۲ش، معرفت نفس در تفسیر المیزان، رواق اندیشه، ش ۱۸.
۲۵. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۵ش، فروغ ابدیت، قم، بیست و یکم، بوستان کتاب.
۲۶. سلیمیان، خدا مراد، ۱۳۸۳ش، فرهنگ نامه مهدویت، بی جا، اول، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام.
۲۷. سیاح، احمد، ۱۳۶۵ش، فرهنگ بزرگ جامع نوین، تهران، دهم، انتشارات اسلام.
۲۸. شعیری، تاج الدین، ۱۳۶۳ش، جامع الأخبار، قم، اول، انتشارات رضی.
۲۹. صدوق، محمد بن علی، ۱۳۸۸ش، کمال الدین و تمام النعمه، قم، ج ۱، پنجم، مسجد جمکران.
۳۰. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۵ش، المیزان، قم، ج ۱۵ و ۱۸، پنجم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۱. طبرسی، احمد بن علی، ۱۳۶۱ش، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، ج ۲، اول، مرتضی.
۳۲. همان، ۱۳۴۹ش، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران، سوم، اسلامی.
۳۳. طبسی، نجم الدین، ۱۳۸۵ش، چشم اندازی به حکومت امام زمان، قم، پنجم، بوستان کتاب.
۳۴. عالی، مسعود، ۱۳۹۳ش، مسأله مهدویت، قم، اول، عطش.
۳۵. فتال نیشابوری، محمد بن حسن، بی تا، روضة الواعظین، قم، ج ۲، اول، انتشارات رضی.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، بی تا، العین، بی جا، ج ۲، بی جا، مؤسسه دار النشر.
۳۷. قزوینی، محمدکاظم، ۱۳۹۶ش، زندگانی امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ترجمه: داوود

- حسینی، تهران، چهارم، یاس بهشت.
۳۸. کارگر، رحیم، ۱۳۸۷ش، آینده جهان، تهران، سوم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
۳۹. همان، ۱۳۹۱ش، سیمای حکومت مهدوی، مشهد، بی چا، انتشارات قدس رضوی.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۲ش، الکافی، تهران، ج ۱ و ۲، دوم، اسلامیه.
۴۱. مجتهدی سیستانی، مرتضی، ۱۳۸۷ش، دولت کریمه امام زمان علیه السلام، قم، چهارم، الماس.
۴۲. مجلسی، محمد باقر، بی تا، بحار الأنوار، بیروت، ج ۲ و ۲۳ و ۵۱ و ۵۲، بی چا، مؤسسه الوفاء.
۴۳. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۹ش، آموزش عقاید، قم، چهارم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۴۴. مظاهری، حسین، ۱۳۶۹ش، جهاد با نفس، قم، بی چا، نشر انجمن اسلامی معلمان.
۴۵. مفید، محمد بن نعمان، ۱۳۷۱ش، الإرشاد، قم، ج ۲، اول، کنگره شیخ مفید.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۵۷ش، مهدی علیه السلام انقلابی بزرگ، قم، بی چا، هدف.
۴۷. همان، ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، تهران، ج ۷ و ۱۰ و ۱۳ و ۱۴ و ۲۳، اول، دارالکتب اسلامیه.
۴۸. همتی، مهدی، ۱۳۸۵ش، انقلاب مهدی علیه السلام از آغاز تا پایان، قم، اول، جام جوان.
۴۹. نصری، عبدالله، ۱۳۶۱ش، مبانی انسان شناسی در قرآن، تهران، بی چا، بنیاد انتقال به تعلیم و تربیت.
۵۰. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه ای: khamenei.ir

تعامل مهدویت و فرهنگ دفاع مقدس از منظر قرآن و نقش آن در پیشبرد اهداف گام دوم

علی عباس نیا^۱

چکیده:

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نقشه راهی است که در پرتو رهنمودها و مبانی دینی، توسط مقام معظم رهبری حفظه الله در چهل سال دوم انقلاب اسلامی ارائه گردیده است و با ترسیم راهی روشن در پرتو مبانی دینی ارائه گردیده است. هدف این پژوهش، بررسی کارکردگرایانه ارزشی اندیشه مهدویت در فرهنگ دفاع مقدس و اشاعه آنها در جهت پیشبرد اهداف گام دوم انقلاب اسلامی است. روش این تحقیق بصورت توصیفی تحلیلی به شیوه ی کتابخانه ای می باشد. از مهم ترین کارکردهای ارزشی اندیشه مهدویت در ساحت ارتقاء و پیشرفت فرهنگ دفاع مقدس و پیشبرد اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی عبارتند از: الف) خودسازی فردی و اجتماعی از راه التزام به ویژگی های منتظران؛ معرفت و شناخت خدا و ایثار و فداکاری (ب) خودسازی فردی و اجتماعی از راه التزام به ویژگی های یاران امام مهدی علیه السلام؛ صبر و پایداری، بصیرت و آگاهی و عبادت و معنویت (ج) خودسازی فردی و اجتماعی از راه التزام به نظارت دائمی امام علیه السلام بر اعمال؛

کلیدواژه: بیانیه گام دوم، گام دوم انقلاب، اندیشه مهدویت، دفاع مقدس

۱. mshiite@gmail.com دانشجوی سطح ۴ رشته قرآن و مستشرقان موسسه علی بن ابی طالب علیه السلام

مقدمه

اندیشه مهدویت یکی از آموزه‌های مهم دین اسلام است که در فرهنگ اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ هم‌چنین دارای ظرفیت‌ها و کارکردهای بسیار زیادی است که در حیطه‌های گوناگون اعتقادی، اخلاقی، تربیتی، سیاسی و اجتماعی مؤثر است و می‌تواند بینش‌ها و نگرش‌های صحیحی ایجاد کند و مایه سعادتمندی، کمال و گشایش برای مردم گردد. مهدویت و باور به آن ساحت‌های گوناگونی از زندگی انسان از جمله فرهنگ را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و موجب تقویت و تعالی آن می‌شود. همان‌طور که در دفاع مقدس مشاهده شد. اما باور به مهدویت، فرهنگ دفاع مقدس را دگرگون کرده و موجب رشد و تعالی رزمندگان حاضر در صحنه دفاع، جامعه آن روز و حتی مؤثر در کسانی شد که فقط فرهنگ آن دفاع عظیم را مورد بررسی قرار می‌دهند و آن روزها را درک ننموده‌اند و لذا با ورود به دهه دوم انقلاب اسلامی و گام دوم انقلاب اسلامی، کارکردهای ارزشی ای که باور به مهدویت در فرهنگ دفاع مقدس داشته است و موجب دگرگونی آن شده، می‌توان با تقویت آنها و تبیین آنها برای نسل امروز از دو حیطه مهدویت و دفاع مقدس همان‌طور که مقام معظم رهبری حفظه الله تأکیدات فراوانی بر این دو مقوله دارند، گامی مهم و اساسی در جهت اهداف و رهنمودهای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی برداشت. روش گردآوری داده‌های این تحقیق بصورت توصیفی و تحلیلی و با تکنیک کتابخانه‌ای صورت گرفته است. از اینرو در نوشتار پیش رو، تأثیر اندیشه مهدویت در ساحت ارزشی فرهنگ دفاع مقدس بررسی می‌شود و به مهم‌ترین عناصری از ارزش‌های برگرفته از اندیشه مهدویت اشاره خواهد شد که در حوزه ارزشی فرهنگ دفاع مقدس منشأ اثر بوده‌اند و نقش آنها در پیشبرد اهداف گام دوم انقلاب تبیین می‌گردد، از جمله: خودسازی فردی و اجتماعی از راه التزام به ویژگی‌های منتظران، التزام به ویژگی‌های یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و نظارت همیشگی حضرت بر اعمال، می‌باشد.

پیشینه:

آثار پژوهشی کمی در این زمینه و با این رویکرد، ارائه شده‌اند از جمله: مقاله «کارکرد

اجتماعی اعتقاد به مهدویت» تألیف «محمود ملکی‌راد» و «مجتبی گودرزی»، در این تحقیق، با هدف نشان دادن کارکرد باور به مهدویت در ساحت نظام اجتماعی جامعه منتظر و عصر غیبت و تبیین ظرفیت و پتانسیل اندیشه مهدویت در تقویت و تحکیم نظام اجتماعی، بحث و گفتگو شده است. از مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق، نشان دادن ظرفیت اندیشه مهدویت در ساحت‌های نظم، انسجام و همبستگی، امنیت و تحکیم روابط اجتماعی است. اما مقاله مذکور اگر چه مبحث کارکرد اجتماعی اعتقاد به مهدویت را از زوایای مختلف بررسی نموده و فقط کارکرد اجتماعی اعتقاد به مهدویت را مطرح کرده است؛ ولی نقش و کارکرد ارزشی آن در دفاع مقدس و پیشبرد اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را بررسی ننموده است و فقط به نقش کارکرد اجتماعی آن می‌پردازد. مقاله دیگر مقاله «توسل و توجه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه در سیره شهدا» تألیف «ندا احمدی» و «فائزه سیبویه»؛ پژوهش مذکور به طور کلی به بحث پیرامون توسل و توجه به ائمه معصومین علیهم السلام و بالاخره امام زمان عجل الله تعالی فرجه پرداخته و آن را در سیره شهدای هشت سال دفاع مقدس به نمایش گذاشته و آنچه بر اساس آیات و روایات به مهدی‌یاوران نسبت داده‌اند، در زندگی این مردان خدا جستجو کرده است. مقاله مذکور گرچه بحثی ممزوج از مهدویت و دفاع مقدس مطرح کرده است؛ اما فقط به جنبه توسل در دفاع مقدس پرداخته؛ لذا بحث کاملی ارائه نداده است؛ اما تحقیق حاضر، مباحثی هدفمند و مفصل‌تر و با موضوعی عام‌تر و کاربردی‌تر را مطرح و بررسی می‌نماید. مقاله دیگر مقاله «نقش و جایگاه جهاد و شهادت در زمینه‌سازی جهانی برای ظهور» تألیف «زهرا شریعتی»؛ در مقاله مذکور ابتدا پیرامون انتظار واقعی و پویا و علل تأخیر در فرج صحبت شده است، سپس به اهمیت و جایگاه حرکت، جهاد و شهادت در اسلام و نقش آن در زمینه‌سازی ظهور جهانی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه پرداخته شده است. مؤلف در خلال مقاله از آیات و احادیث بهره جسته و اشاراتی به گروه زمینه‌سازان ظهور حضرت در نقاط مختلف جهان و گروه انصار که از یاوران آن حضرت هنگام قیام جهانی ایشان هستند، داشته است. مقاله مذکور گرچه پیرامون جهاد و شهادت و نقش آن در زمینه‌سازی ظهور

پرداخته است؛ اما از یک سو به کارکرد ارزشی اعتقاد به مهدویت در دفاع مقدس نپرداخته و از طرفی از دیدگاه مقابل به موضوع پرداخته شده است؛ یعنی نقش جهاد و شهادت را در زمینه‌سازی ظهور مطرح و بررسی نموده که متأسفانه با موضوع مقاله حاضر و مباحث آن تفاوت‌های بسیاری دارد. لذا مقاله‌های مذکور و دیگر پژوهش‌های در این زمینه، اگر چه مباحثی جسته و گریخته پیرامون مهدویت و دفاع مقدس را بررسی نموده‌اند؛ اما از نظر کارکردهای ارزشی عقیده به مهدویت در دفاع مقدس و نقش آن در پیشبرد اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی کمتر پرداخته‌اند.

مفهوم شناسی:

اینکه ارزش (Value) در لغت به معنای برزندگی، شایستگی، قدر و اهمیت آمده است؛ (علی اکبر دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۸۱۱/۵) ولی در اصطلاح، ارزش به معنای چیزی است که مورد علاقه و مطلوب فرد یا جامعه و از شایستگی تحسین برخوردار باشد. (آلن بیرو، ۱۳۷۵: ۴۴۴/۱) هم‌چنین به عقیده یا باور نسبتاً پایداری گفته می‌شود که فرد با تکیه بر آن، یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی را که شخصی یا اجتماعی است، به یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی دیگر ترجیح می‌دهد. (فرامرزی رفیع‌پور، ۱۱۱/۱)

از نگاه آلن بیرو، «اندیشیدن در باب ارزش، به معنای اندیشه در باب آن چیزی است که مطلوب شناخته می‌شود؛ خواه در سطح سرنوشت جامعه، خواه در سطح سرنوشت فردی». (آلن بیرو، ۱۳۷۵: ۴۴۵/۱) از نگاه اولسون «ارزش‌ها مجموعه‌ای است از پنداشت‌های اساسی نسبت به آنچه پسندیده است که تجلی عمیق‌ترین احساسات مشترک نسبت به جهان در جامعه هستند.» (مسعود چلبی، ۱۳۸۲: ۶۰/۱)

مفهوم ارزش در جامعه‌شناسی مورد توجه جدی بوده و یکی از مفاهیم اصلی و اساسی جامعه‌شناسی به شمار می‌رود. «ارزش‌های اجتماعی در حقیقت مفاهیمی هستند که برای افراد یک جامعه معین با ارزش و مقبول می‌باشند.» (سیاوش گلابی، ۱۳۷۲: ۹۵/۱)

از نگاه «گی روش» «ارزش شیوه‌ای از بودن یا عملی است که یک شخص یا یک جمع آن

را به عنوان آرمان می‌شناسد.» (گی‌روشه، ۱۳۸۹: ۷۶/۱)

آلن بیرو، ارزش‌های اجتماعی را «مدل‌های کلی رفتار، احکام جمعی و هنجارهای کارکردی که مورد پذیرش عمومی و خواست جامعه قرار گرفته‌اند، می‌داند. ارزش‌های اجتماعی شامل تمامی انواع ارزش می‌شوند که مردم با آن زندگی اجتماعی خود را می‌گذرانند و اعضای یک جامعه در برابر آن به نوعی وفاق می‌رسند. در معنایی محدودتر، گاه از ارزش‌های اجتماعی تحت عنوان ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی یا دینی سخن می‌رود که یکپارچگی اجتماعی را قوام می‌بخشند و به گسترش پیوندهای مبتنی بر همبستگی می‌انجامند؛ بدین‌سان عدالت، انسان‌دوستی، دیگرخواهی، مهربانی و... جزو ارزش‌های اجتماعی شمرده می‌شوند.» (آلن بیرو، ۱۳۷۵: ۳۸۶/۱)

بنابراین می‌توان گفت: «ارزش‌های اجتماعی مقاصد و هدف‌های مطلوبی هستند که افراد جامعه برای دستیابی به آن‌ها فعالیت می‌کنند تا بدین وسیله نیازها و خواسته‌های خود را برآورده کنند؛ هم‌چنین یکی از ابزارها و وسایلی هستند که جامعه از آن برای نظم اجتماعی سود می‌برد؛ زیرا وجود ارزش‌های اجتماعی در جامعه و کوشش افراد برای دستیابی به آن‌ها باعث فعالیت افراد و موجب شکل‌گیری ایده‌آل‌ها و آرمان‌ها می‌شود. این جریان برای هر جامعه‌ای حیاتی و ضروری است. آرمان‌ها و اهداف اجتماعی با توجه به ارزش‌های اجتماعی پدید می‌آیند و شکل می‌گیرند.» (محمد کاوه، ۱۳۹۱: ۱۵/۱)

اما با توجه به اینکه ارزش‌ها یکی از ارکان مهم فرهنگ محسوب می‌شوند و می‌توان آن‌ها را از اجزای اصلی ساختمان فرهنگ دانست که باید‌ها و نبایدهای حاصل از باور و اندیشه‌ای را بیان می‌کنند. ارزش‌ها از بخش‌های مهم و اصلی فرهنگ به حساب می‌آیند و از عوامل تفاوت‌های فرهنگی جوامع گوناگون، تفاوت در نظام‌های ارزشی آن‌هاست. ارزش‌ها برآمده از باورها و جهان‌بینی‌ها هستند و با استناد به نوع بینش انسان به هستی، ملاک‌هایی به ما می‌دهند که بر اساس آن می‌توانیم قضاوت کنیم و میان خوبی و بدی، زشتی و زیبایی و درستی و نادرستی امور، ارزشیابی و ارزش‌گذاری نماییم. ارزش‌ها حاصل و منتج از باورها و

بینش‌ها هستند و در آن‌ها ریشه دارند و در ترسیم مبانی و اصول فرهنگ و در تحکیم و ثبات آن نقش بسزایی دارند و در پی تحکیم و ثبات فرهنگ، جامعه حیاتی بادوام‌تر و پویاتر خواهد داشت. ممکن است عوامل گوناگونی در محقق شدن ارزش‌ها نقش داشته باشند؛ ولی نقش «عقل و وحی یا دین و فطرت» در آن بیشتر و مهم‌تر از عوامل دیگر است.

«وحی و عقل یا دین و فطرت، دو منبع مهم باورها و ارزش‌ها و در مجموع دو خاستگاه بنیادین معارف بشری و به عبارتی دو مرجع اساسی برای مسائل جهان‌بینی و حسن و قبح‌ها و باید و نبایدهای ایدئولوژیک به شمار می‌روند؛ بدین ترتیب ارزش‌ها به موازات باورها و در پیوند عمیق با آن‌ها بخش عمده‌ای از معارف بشری را تشکیل می‌دهند. باورها و ارزش‌ها از دو ناحیه با یکدیگر پیوند می‌خورند: یکی از جهت سرچشمه بودن باورها برای ارزش‌ها و متقابلاً مبتنی بودن ارزش‌ها بر باورها و دیگری از ناحیه اتکای هر دو مقوله با هم بر خاستگاه‌های مشترکی چون دین و فطرت.» (احمد رهنمایی، ۱۳۸۵: ۹۷/۱)

«عقل و وحی - به مدد همدیگر - ارزش‌ها را تبیین و ترسیم می‌نمایند و انسان را نسبت به التزام به ارزش‌ها ترغیب و تشویق و نسبت به اجتناب از ضدا ارزش‌ها تحذیر می‌کنند.» (احمد رهنمایی، ۱۳۸۵: ۴۲/۱)

«چنانچه تار و پود فرهنگ، برگرفته از مبانی و اصول دینی باشد، فرهنگ، وجهه دینی به خود می‌گیرد ... قوی‌ترین عاملی که می‌تواند ثبات فرهنگی را تضمین کند و به استقرار و استحکام فرهنگ بینجامد، دین‌باوری بر اساس توحید الهی است؛ بنابراین هر اندازه دین، باورها، ارزش‌ها و انگیزه‌های دینی فرهنگ، راسخ‌تر و مستحکم‌تر باشد، فرهنگ برخاسته از دین، بادوام‌تر، پابرجا‌تر و رشدیافته‌تر خواهد ماند ...؛ چنانچه خواسته باشیم از منظر دینی، ارتباط تنگاتنگ میان دین، فرهنگ و ارزش‌ها را ترسیم کنیم، باید گفت فرهنگ به درختی ریشه‌دار، پابرجا و پربار می‌ماند که دین اساس و روح جاری و ساری در آن است و ارزش‌ها، تولیدات و ثمرات حاصل از آن می‌باشند؛ بدین ترتیب فرهنگ و ارزش‌ها در یک نظام و یا جامعه دینی و مذهبی برخاسته از دین است و دیانت و مذهب، خاستگاه اصلی فرهنگ و

ارزش‌های آن جامعه و یا نظام می‌باشد.» (احمد رهنمایی، ۱۳۸۵: ۱/۴۴ و ۴۵)

«جامعه‌شناسان نیز بر این مطلب تأکید کرده‌اند؛ آآن بیروارزش‌های دینی را با والاترین اهداف هستی مرتبط می‌داند که در روابط میان انسان و خداوند شکل می‌گیرند.» (آآن بیرو، ۱۳۷۵: ۱/۴۴۵)

بنابراین برخی از اندیشه‌های مهدوی در حوزه اعتقادی هستند و بعضی در حوزه سیاست، اخلاق، اقتصادی، عاطفی و...؛ اما ارزش‌هایی که برگرفته از اندیشه مهدویت‌اند در ساحت فرهنگ دفاع مقدس بررسی خواهند شد، عبارت‌است از:

۱. خودسازی فردی و اجتماعی از راه التزام به ویژگی‌های منتظران؛
 ۲. خودسازی فردی و اجتماعی از راه التزام به ویژگی‌های یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه؛
 ۳. خودسازی فردی و اجتماعی از راه التزام به نظارت همیشگی حضرت بر اعمال؛
- التزام مردم به این ارزش‌ها نیز می‌تواند در ترقی اخلاق مؤثر باشد و از این راه موجب تعالی و تقویت فرهنگ گردد و لذا به جهت نهادینه شدن این ارزش‌ها در دفاع مقدس موجب شد که رزمندگان در زمینه اخلاق پیشرفت‌ی چشمگیر داشته باشند و ادامه این مسیر هم موجب تعالی و تقویت فرهنگ دفاع مقدس گردد و نهادینه شدن و گسترش این نوع ارزش‌ها می‌تواند در جهت پیشبرد اهداف بیانیه گام دوم انقلاب موثر واقع گردد.

گفتار اول: خودسازی فردی و اجتماعی از راه التزام به ویژگی‌های منتظران

«انتظار موجب می‌گردد تا منتظران واقعی، از امام زمان عجل الله تعالی فرجه تأثیر بپذیرند و تلاش کنند که همواره مسیر زندگی خود را به گونه‌ای سامان دهند که بر طبق خواسته‌ها و رضایت آن حضرت حرکت نمایند که این مطلب اثر مثبت و سازنده‌ای بر آنان خواهد گذاشت و عامل مؤثری برای کسب فضایل اخلاقی آنان خواهد بود. با توجه به این مطلب، در روایات، انتظار فرج بالاترین اعمال امت دانسته شده‌است.» (ملکی راد، ۱۳۹۰: ۱/۱۷۴) منتظران واقعی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را زنده‌کننده ارزش‌های اسلامی در جهان می‌دانند، سعی خواهند نمود که خود را با معیارهای مورد تأیید امام زمان عجل الله تعالی فرجه منطبق نمایند و در صدد باشند تا با پیاده کردن

دستورات و آموزه‌های دینی، سهمی در این زمینه داشته باشند؛ بنابراین اعتقاد به امامت و باور به ظهور امام مهدی عجل الله فرجه می‌تواند برای جامعه در جهت تربیت اخلاقی و خودسازی انگیزه لازم را ایجاد نماید و هنجارهایی را به وجود آورد. «انتظار یک مصلح جهانی به معنای آماده‌باش کامل فکری و اخلاقی مادی و معنوی برای اصلاح همه جهان است. چنین آماده‌باشی، بسیار سازنده است. برای تحقق بخشیدن به چنین انقلابی، مردانی بسیار بزرگ و مصمم و بسیار نیرومند و شکست ناپذیر، فوق‌العاده پاک و بلند نظر، کاملاً آماده و دارای بینش عمیق لازم است و خودسازی برای چنین هدفی مستلزم به کار بستن عمیق‌ترین برنامه‌های اخلاقی و فکری و اجتماعی است، این است معنای انتظار واقعی.» (مکارم شیرازی، ۱۰۳-۱۰۲/۱۳۵۳)

از روایات بسیاری می‌توان ویژگی‌های منتظران را استنباط نمود که می‌تواند در تثبیت ارزش‌های اخلاقی و نظم اجتماعی و به تبع آن در تحکیم نظام اجتماعی عصر غیبت مؤثر باشد. ویژگی‌هایی هم‌چون: ۱. معرفت و شناخت خداوند ۲. انتظار و روحیه ایثار و فداکاری.

۱. معرفت و شناخت خداوند

با توجه به منابع دینی ما، خدا باوری و توحید در عقیده به عنوان اولین و اصلی‌ترین ویژگی اخلاقی و فردی جامعه‌ای که زمینه‌ساز ظهور امام مهدی عجل الله فرجه هستند، معرفی شده است و این امر هم به این دلیل است که یکی از دلایل تفرقه‌ها و ناسازگاری‌های فردی و اجتماعی و تضاد و ناهماهنگی در فعالیت‌های انسانی در همه ابعاد و زمینه‌ها، عدم خدا باوری و عدم وحدت در عقیده است.

جهان بینی واحدی که شکل گرفته از توحید باشد، در بین مؤمنان و جامعه زمین ساز ظهور، اتحادی مستحکم و خلل ناپذیر ایجاد نموده و تمام انسان‌ها را تحت پوشش و جهت صحیح قرار می‌دهد؛ چون اعتقاد به توحید و خدا باوری از مهم‌ترین آموزه‌های انبیا بوده و از مهم‌ترین و اساسی‌ترین قدم‌های تربیت اسلامی شمرده می‌شود و به همین جهت باید در جامعه زمین ساز ظهور، رفتار اخلاقی‌ای که محصول جهان بینی واحد و برخاسته از توحید

باشد، شکل گیرد.

از همین رو بود که در دفاع مقدس با اینکه ایران از لحاظ تسلیحات نظامی در پایین‌ترین سطح ممکن بود، اما روزه‌روز در مقابل جنگ با کفر و طاغوت به پیروزی‌هایی دست می‌یافت و تمام جهانیان را به حیرت وامی‌داشت که چطور رزمندگان و گروه‌های نظامی که فاقد امکانات نظامی و حتی آموزش‌های نظامی بروز می‌باشند، این چنین روزه‌روز پیشرفت می‌نمایند. این امر در قدم اول محصول خداباوری و وحدت در عقیده‌ای بود که در بین رزمندگان شکل گرفته بود. و همچنین مقام معظم رهبری (حفظه الله) در تبیین حوادث انقلاب و بعد از آن، در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، می‌فرمایند: «اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه‌ی این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده‌ی امام عظیم‌الشان ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت، امکان‌پذیر نمیشد.» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَةُ؛ اولین گام در دین داری، خداشناسی است.» (امامی / آشتیانی: ۲۲/۱۳۸۷)

سرچشمه تمام فضائل اخلاقی بشر، خداشناسی است و بالعکس، سرچشمه تمام ناپاکی‌ها و رذائل اخلاقی بشر، بی‌دینی و خداشناسی می‌باشد؛ از همین رو خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

«وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ؛ و همانا در هر امتی پیامبری فرستادیم که

[اعلام کند: خدا را پرستید.] (نحل: ۳۶/۱۶)

اولین گام در تبلیغ هر پیامبری توصیه به خداشناسی و خداپرستی و توحید است. در نتیجه با توجه با آیات و روایات پیرامون این مسئله، جامعه و افراد زمینه‌ساز ظهور دینداری، خداشناسی و خداباوری از ویژگی‌های بارز آن‌ها می‌باشد؛ زیرا زمینه‌سازان ظهور زمانی وظیفه خود را به طور کامل ادا می‌نمایند که با اعتقاد و باور به خدا در تمام اعمال و رفتار آن‌ها نمایان باشد و رنگ خدایی داشته باشد؛ همان‌طور که رزمندگان و شهدای دفاع مقدس

هم با خدا باوری و اعتقاد کامل به توحید و اینکه «وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى: [ای پیامبر!] هنگامی که به سوی دشمنان تیر پرتاب کردی، تو پرتاب نکردی، بلکه خدا پرتاب کرد» (انفال ۷/۸) در مقابل دشمن ایستادگی می نمودند و اعتقاد داشتند که حتی تیری که از سوی دشمن به سمت آن‌ها می آید، بدون اذن خدا هیچ قابلیت ندارد و اگر هم سرنوشت آنان شهادت باشد در هر کجای عالم هم که باشند، قدرت جلوگیری و ایستادگی در مقابل فرمان الهی را نخواهند داشت و لذا با تقویت این باور و معرفت، همانگونه که جزو اهداف انقلاب اسلامی و بیانات مقام معظم رهبری (حفظه الله) در متن بیانات ایشان است، منجر به شکوفایی معنوی و زمینه سازی برای ظهور است. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

از همین رو وقتی اسناد و منابع دفاع مقدس را بررسی می نمایم، دقیقاً به همین اعتقاد در بین رزمندگان و شهدا می رسیم.

شهید حاج قاسم سلیمانی در ابتدای وصیت نامه خود می نویسد:

«شهادت می دهم به اصول دین: اشهد أن لا اله الا الله و اشهد أن محمداً رسول الله و اشهد أن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و اولاده المعصومین اثنی عشر ائمتنا و معصومیننا حجج الله: شهادت می دهم که قیامت حق است. قرآن حق است. بهشت و جهنم حق است. سؤال و جواب حق است. معاد، عدل، امامت، نبوت حق است.»

(www.soleimany-vasiatnameh.com/fa)

شهید سلیمانی که از رزمندگان دفاع مقدس و شهیدان آن زمان و این زمان است، این چنین این اعتقاد خود را در آخرین بیانات خود در وصیت نامه شان ابراز می نمایند. همین طور نقل قولی که از سردار شهید «حاج احمد متوسلیان» در ابتدای آزادسازی خرمشهر در بین رزمندگان در قالب سخنرانی ایراد شده بود:

«... یک وقت نگویید ما شکست شان دادیم، ما شهید شدیم، ما شهر را آزاد کردیم، این خدا بود که هدایمان کرد. این خدا بود که خرمشهر را آزاد کرد.» (حیدری کاشانی، ۱۳۸۵:

هم چنین شهید «حسین خرازی» در سخنرانی خود بین رزمندگان قبل از عملیات والفجر

:۸

«... بدانید هرچه هست، از جانب خداست. به انسان‌های مؤمن اگر مصیبتی برسد، آن را از جانب خدا می‌دانند... برای مؤمن زخم برداشتن در جنگ هیچ احساس درد و ناراحتی ندارد؛ چون این مصیبت از جانب خداست.» (حیدری کاشانی، ۱۳۸۵: ۲۴/۱)

این سخنان شهدا همه حاکی از شناخت عمیق و باور حقیقی به خداوند در بین آن‌ها بوده است و این اعتقاد آن‌ها به فرهنگی در جبهه تبدیل شده بود که تمام فضائل اخلاقی از جمله روحیه ایثار و ظلم‌ستیزی و شجاعت و... در پرتو این اعتقاد آن‌ها ظهور و بروز می‌کرد و لذا با تبیین این باور که در فرهنگ دفاع مقدس متجلی شده بود می‌توان در جهت فرهنگ سازی و پیشبرد اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی برای نسل امروز، بیان کرد، که حاصل آن نهادینه شدن این باور در جامعه اسلامی امروزی است.

۲. ایثار و فداکاری

یکی دیگر از ویژگی‌های منتظران، که مقام معظم رهبری (حفظه الله) در زمره آثار و برکات انقلاب اسلامی در دفاع مقدس یادآور می‌شوند و در ضمن توصیه‌های خود در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) می‌آورند، ایثار و فداکاری است. نهادینه شدن این روحیه در جامعه منتظر و زمینه‌ساز ظهور، موجب تغییر در حیطه رفتار آن‌ها خواهد شد و باعث حرکت کردن جامعه در مسیر ظهور و از بین رفتن موانع ظهور خواهد شد؛ همان‌طور که ما این روحیه را بین رزمندگان و حتی فرماندهان در دفاع مقدس شاهد بودیم؛ چرا که آنان خود را جزو منتظران ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه می‌دانستند و اعتقاد داشتند که اگر می‌خواهند که در امر ظهور تعجیل صورت بگیرد و مشکلات و موانع برطرف گردد باید خود را متصف به صفات منتظران واقعی حضرت بگردانند.

اما ایثار با توجه به منابع دینی ما، از خودگذشتگی و مقدم داشتن دیگران بر خود است؛

همان طور که خداوند در قرآن به مسئله ایثار اشاره کرده و می فرماید:

«وَالَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يَجْتَبُونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوَفِّ شَخَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ و برای کسانی است که در این سرا (سرزمین مدینه) و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی را که به سوی شان هجرت کنند دوست می دارند و در دل خود نیازی به آن چه به مهاجران داده شده، احساس نمی کنند و آن ها را بر خود مقدم می دارند، هر چند خود بسیار نیازمند باشند؛ کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده اند، رستگاران اند.» (حشر: ۹/۵۹)

در قرآن کریم نیز آمده است:

«وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ؛ و [همواره] در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید و [هرگز] در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید.» (مائده: ۲/۵)

در تفسیر نمونه در ذیل آیه ۲ سوره مبارکه مائده آمده است: «آنچه در آیه فوق در زمینه تعاون آمده یک اصل کلی اسلامی است که سراسر مسائل اجتماعی و حقوقی و اخلاقی و سیاسی را در بر می گیرد. طبق این اصل، مسلمانان موظف اند در کارهای نیک تعاون و همکاری کنند؛ ولی همکاری در اهداف باطل و اعمال نادرست و ظلم و ستم، مطلقاً ممنوع است؛ هر چند مرتکب آن دوست نزدیک یا برادر انسان باشد... جالب توجه اینکه بَرِّ و تقوا هر دو در آیه فوق با هم ذکر شده اند که یکی جنبه اثباتی دارد و اشاره به اعمال مفید است و دیگری جنبه نفی دارد و اشاره به جلوگیری از اعمال خلاف می باشد و به این ترتیب، تعاون و همکاری باید هم در دعوت به نیکی ها و هم در مبارزه با بدی ها انجام گیرد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳: ۴/۲۵۳ و ۲۵۴)

جامعه منتظر که داعیه دار انتظار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه هستند، هم روحیه تعاون و ایثار بر کار خوب، و هم روحیه مبارزه با بدی ها را هم دارند؛ هم چنین ما ظهور و بروز مصداقی این صفت و روحیه را ما در فرهنگ دفاع مقدس به خوبی شاهد بودیم؛ به گونه ای که زنان و مردان چه در پشت جبهه ها و چه در خط مقدم این روحیه را داشتند.

«تجلی و تظاهر این همدلی و هم‌گامی در جبهه را می‌شد در این امور مشاهده کرد: کمک کردن به نیروهای خط مقدم چه با طرح قبلی و چه بدون طرح و آمادگی؛ چنان که در عملیات والفجر ۸ و کربلای ۵ شاهد آن بودیم که نیروها را از عقبه تجهیز کردند و با شتاب به سوی گردان‌های درگیر فرستادند؛ همکاری و همدلی واحدها و گردان‌ها در رفع پانک‌های دشمن؛ مانند: شرکت گردان تخریب در پدافند منطقه عملیاتی کربلای ۷ یا عقب‌بردن مجروحان لشکر ۲۷ از طریق اسکله لشکر ۲۵ کربلا به جهت سنگین بودن آتش روی اسکله در عملیات کربلای ۵؛ هم‌چنین ایجاد میدان‌های مین و پاک کردن آن‌ها و معبرزدن برای احداث جاده؛ زدن معبر گروهی یا فردی برای ایجاد سنگر کمین در میدان مین و اهداف دیگری که نمونه بارز آن در عملیات نصر ۷ و ارتفاعات دویازا دیده شد.

از زمینه‌های دیگر تعاون و همکاری، می‌توان از همکاری و هم‌فکری نیروهای خوش ذوق و خوش فکر هنگام بروز مشکلات خاص و خارق‌العاده مخصوصاً مسائل پدافندی نام برد؛ مواردی مانند: مأمور شدن گردان یا گردان‌های لشگری به لشکر دیگر برای تقویت نیروهای آن لشکر جهت آفند یا پدافند؛ از جمله مأمور شدن گردان مالک از لشکر حضرت رسول الله ﷺ به لشکر سیدالشهدا علیه السلام در عملیات خیبر و جزیره شمالی مجنون. «(جمعی از نویسندگان، ۱۰۷۰۱: ۱/۸۱۲ و ۸۱۳)

از این رو نیز مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) در توصیف این روحیه رزمندگان و شهدا

می‌فرمایند:

«قدرت برگذشت، یک چیز عظیمی است که همه کس این قدرت را ندارند و بعضی هم کمی از آن را دارند. این کسانی که قدرت در آن‌ها به حدی می‌رسد که جان خودشان را حاضرند در راه خدا قربانی کنند؛ یعنی شهداء، این‌ها پرواز می‌کنند. یک جوان شانزده هفده ساله مجاهد فی سبیل‌الله در آن سال‌های استثنائی جنگ واقعاً یک برقی بود که در تاریخ زد و تمام شد و آن آثار عظیمی داشت. یک جوان می‌نشست یک وصیت می‌نوشت که وقتی من این وصیت‌نامه‌ها را می‌دیدم مثل اینکه یک عارف بزرگ آن را نوشته، گاهی که ما این کتاب‌ها و این نوشته‌های بزرگ عرفا را نگاه می‌کردیم رنگ و بوی

سخن این شهداء رنگ و بوی سخن آن عرفای واصل را داشت؛ در حالی که من یقین دارم این‌ها اسم آن کتاب‌ها را هم نشنیده‌اند و آن مطالب را از زبان هیچ‌کس نشنیدند؛ بلکه جوشش درون خود اوست و شکوفایی آن گل وجود بنی آدم و آن حقیقت انسانیت است که با ایثار تحقق پیدا می‌کند. من وقتی به این خاطرات نگاه می‌کردم، می‌دیدم از روزی که مثلاً از تهران رفته و شروع به نوشتن خاطرات کرده، اول یک آدم عادی است، منتها احساسات او را کشیده به طرف جبهه و از خاطره‌اش می‌شود فهمید ده، بیست روز به شب عملیات مانده ناگهان عوض شده و اصلاً در لحن کلام و نوشتن یک نوری و یک تپشی وجود دارد که این همان ایثار است؛ یعنی خودش را آماده کرده و دارد می‌رود جلو و می‌درخشد.» (امام خامنه ای، بیانات در جلسه نهم تفسیر سوره بقره، ۱۳۷۰/۸/۱، ۱۷۱۷۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17172>)

هم‌چنین در بیاناتی دیگر از ایشان در این زمینه آمده است:

«شهید در قبال خدا، گذشت و ایثار کرده است. ایثار، یعنی ندیدن و به حساب نیاوردن خود. این، اولین موضع‌گیری شهید است. اگر او خود را به حساب می‌آورد و در معرض نابودی و خطر قرار نمی‌داد، به این مقام نمی‌رسید. این جوانانی که در جبهه‌های جنگ، در گرمای خوزستان، در زیر آفتاب شصت و پنج درجه حرارت و یا در سرمای کردستان، بر روی کوه‌های پر از برف، رفتند و جان را فدا کردند، همه‌شان خانه داشتند، زندگی داشتند، پدر و مادر مهربان داشتند، بعضی همسر عزیز و نازنین داشتند، بعضی فرزندان و جگرگوشگان داشتند، آسایش داشتند، آرزو داشتند؛ اما همه را گذاشتند و رفتند.» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا، ۱۳۷۶/۲/۱۷، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2838>)

اما با توجه به منابع دینی ما منتظرین واقعی و جامعه‌ای که متصف به ویژگی‌های منتظرین هستند، با روحیه ایثار و فداکاری زمینه ظهور امام زمان را هموارتر می‌نمایند، رزمندگان اسلام از صدر اسلام تا رزمندگان دفاع مقدس خود را ملزم به اتصاف به این روحیه‌ها می‌نمودند و به همین خاطر با عزمی راسخ در مقابل هر مانعی چه موانع درونی و چه بیرونی، می‌ایستادند.

هم چنین در دربیانات دیگر مقام معظم رهبری (حفظه الله) وارد شده است که می فرماید: «اگر کشوری مورد تهدید قرار گرفت، برای این که هدف سیلی ماجراجویانه آمریکا و استکبار قرار نگیرد، باید چه کار کند؟ یک راه بیشتر ندارد و آن این است که وضع خود را طوری سازماندهی کند که دشمن یقین کند یا احتمال زیاد بدهد که اگر وارد شد، پیروز بیرون نخواهد آمد. این تنها راه جلوگیری از حمله دشمن است. یعنی چه کار کند؟ وحدتش را حفظ کند؛ مردمش را راضی نگه دارد؛ وضع معیشت مردم را روبه راه کند و ارزش هایی را که موجب می شود مردم در مقابل متجاوز بایستند، تقویت کند. خرمشهر و فتح عملیات بیت المقدس و فتح عملیات فتح المبین و فاو و بقیه فتوحات بزرگ را رزمندگان ما به ضرب سلاح به دست نیاوردند. ما تا آخر جنگ از لحاظ سلاح، یک چندم عراق بودیم. به ضرب شهادت طلبی، فداکاری و مزد و عوض نخواستن از فداکاری به دست آوردند. این ها را باید در مردم تقویت کرد.» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت چهاردهمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی علیه السلام -
<https://farsi.khamenei.ir/speech?nt=2 &year=1382,۱۳۸۲/۳/۳>,

در نتیجه اینکه شهدا و رزمندگان دفاع مقدس با توجه به تأثیرگذاری آموزه ها و مبانی مهدویت به این اعتقاد رسیده بودند و این ارزش برای آن ها تثبیت شده بود که منتظرین واقعی که باید زمینه ساز ظهور باشند، باید اهل تعاون و همکاری، ایثار و از خودگذشتگی باشند، نه به دنبال مصالح و منافع شخصی خویش تا شایستگی زمینه سازی برای ظهور را پیدا کنند، لذا مقام معظم رهبری (حفظه الله) در توصیه های خود در متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در ضمن معنویت و اخلاق، این صفت ایثار و فداکاری را متذکر می شوند و جزو اهداف این بیانیه، ترویج این صفت پسندیده در جامعه و نهادینه شدن آن را بیان می نمایند. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲ -
[https://farsi.khamenei.ir/message-\(content?id=41673](https://farsi.khamenei.ir/message-(content?id=41673)

گفتار دوم: خودسازی فردی و اجتماعی از راه التزام به ویژگی های یاران امام مهدی علیه السلام

یکی دیگر از عواملی که در خودسازی فردی و اجتماعی موثر است، التزام به ویژگی های

یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است. این ویژگی‌ها می‌توانند در حوزه اخلاق و تربیت، ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و رفتارهای متناسب با آن را به وجود آورند و زمینه را برای ظهور مصلح جهانی آماده نمایند. این ویژگی‌ها را می‌توان از تحلیل و بررسی روایات مرتبط با ویژگی‌های عبادی، معنوی، اخلاقی و تربیتی یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه به دست آورد. خصوصیتی چون صبر و پایداری در راه حق و حق‌یاری، عبادت و معنویت، علم و بصیرت و آگاهی، اقتدار در راه صلابت در راه حق و... از این ویژگی‌ها می‌توان نتیجه گرفت که لازم است جامعه منتظر از نظر تربیت دینی به حدی از کمال برسد که ظرفیت و استعداد پرورش یارانی این چنین را در خود به وجود آورده باشد؛ زیرا با توجه به اینکه ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه امر غیبی و به تعبیر روایات اسلامی ناگهانی خواهد بود، پس لازم است جامعه دینی همواره آمادگی خود را در این زمینه حفظ نماید.

۱. صبر و پایداری

یکی از ویژگی‌های یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، صبر و پایداری در راه حق و برای حق است. این امر هم به این علت است که صبر و پایداری آنان ناشی از یقین آن‌ها به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌باشد و همین یقین آن‌ها به ظهور موجب می‌گردد که صبر و استقامت در این راه برای آن‌ها دارای ارزشی والا باشد، به جهت رسیدن به هدفی والا یعنی همراهی ولی خدا و اشاعه حق در عالم و همین اعتقاد آن‌ها موجب می‌شود که در این راه متحمل سختی‌هایی هم چون ایستادگی و پایداری در مقابل دشمنان و مخالفان این راه، شوند؛ همان‌طور که خداوند در قرآن می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات) استقامت کنید! و در برابر دشمنان (نیز)، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید! (آل عمران: ۲۰۰)

و هم چنین در روایتی از امام باقر عجل الله تعالی فرجه در تفسیر این آیه شریفه آمده است:

«بر انجام واجبات صبر کنید و در مقابل دشمنانتان پایدار باشید و از امام منتظر عجل الله تعالی فرجه

دفاع کنید.» (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۱/۱۹۹)

و روایات دیگری از اهل بیت علیهم السلام که در تأیید همین مضمون است، در ذیل آیه شریفه آمده است.

همان طور که عیار وجودی انسان‌ها در سختی‌ها و نامالیمات مشخص می‌گردد و همان طور که هر قیامی نیاز به یارانی دارد که دارای استحکام باشند تا به عنوان ستون‌های این قیام باشند، یاران امام زمان علیه السلام انسان‌هایی خودساخته و مقاوم و صبور در مقابل حوادث و مشکلات عصر ظهور هستند. یاران امام مهدی علیه السلام هم در راه تحقق آرمان جهانی امام مهدی علیه السلام در مقابل مشکلات و سختی‌ها می‌ایستند و استقامت و صبر پیشه می‌کنند؛ از این رو نیز حضرت علی علیه السلام نیز در توصیف یاران امام مهدی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید:

«لَمْ يَمُنُّوا عَلَى اللَّهِ بِالصَّبْرِ وَلَمْ يَسْتَعِظُوا بِذَلِّ أَنْفُسِهِمْ فِي الْحَقِّ حَتَّى إِذَا وَاقَّ وَارِدُ الْقَضَاءِ انْقِطَاعَ مُدَّةِ الْبَلَاءِ حَمَلُوا بَصَائِرَهُمْ عَلَى أَسْيَافِهِمْ؛ {یاران مهدی گروهی هستند که به خاطر صبر و بردباری در راه خدا، بر او منت نمی‌گذارند و از این که جان خود را تقدیم حضرت حق می‌کنند، به خود نمی‌بالند و تکبر نمی‌کنند...}» (امامی، آشتیانی، ۱۳۸۷: ۳۱۶/۱)

اما شهدا و رزمندگان دفاع مقدس هم به جهت اینکه باوری عمیق به مبانی دینی و مهدویت داشتند، خود را ملزم می‌نمودند تا صفاتی هم‌چون صفات یاران حضرت مهدی علیه السلام را در خود نهادینه نمایند تا جزو مقدمه‌سازان ظهور باشند. به همین خاطر هم سختی‌ها و مشکلات دوران دفاع مقدس را تحمل می‌نمودند و صبر و استقامت از خود نشان می‌دادند تا در این راه سربلند و پیروز گردند، لذا با بررسی اسناد دفاع مقدس متوجه این امر می‌شویم، بدین جهت چند نمونه از این موارد را یادآور می‌شویم:

شهید مهدی باکری پاسدار را این‌گونه تعریف می‌کنند:

«پاسدار، یعنی کسی که کار کند و بجنگد؛ اما خسته نشود.» (بهزاد دانشگر، ۱۳۸۲: ۱/۱۶۱)

(۱۶۱)

همان‌گونه که در بیانات شهید باکری که در تعریف پاسدار بیان نمودند، یکی از

ویژگی‌های رزمنده پاسدار این خصیصه یعنی استقامت و خسته نشدن و صبرکردن در برابر نامالیقات جنگ بیان شده است که حاکی از وجود چنین ویژگی در فرد رزمنده است. اما ظهور و بروز این دو ویژگی صبر و استقامت را در نوع نبرد نابرابری که بین ایران و عراق رخ داد، می‌توان مشاهده نمود؛ نبردی که از لحاظ نظامی، کمیت و ... کاملاً نابرابرانه بود، اما با صبر و استقامتی که شهدا و رزمندگان در دوران دفاع مقدس از خود نشان دادند، نهایتاً منجر به پیروزی حق بر باطل شد و این پیروزی هم مرهون اعتقاد به باورهای دینی آنان بود، لذا با نهادینه سازی این اوصاف در اجتماع، گام دوم انقلاب در جهت زمینه سازی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه برداشته خواهد شد. اما مصادیقی از این نابرابری در اسناد دفاع مقدس ثبت و ضبط شده است:

پیرامون کمک‌های تسلیحاتی شوروی به عراق: «در نوامبر ۱۹۸۲، تعداد ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ مستشار نظامی شوروی به عراق مراجعت کردند و ۴۰۰ تانک "تی ۵۵" و ۲۵۰ تانک "تی ۷۲" به عراق تحویل شد و مقدار زیادی موشک و تعدادی جنگنده‌های میگ ۲۵، شناسایی و هلی کوپترهای توپ دارد به عراق ارسال گردید. ارسال تانک‌های "تی ۷۲" به عراق، توان دفاعی عراق را برای مقابله به تهاجمات ایران به نحوی چشمگیر تقویت کرد، به گونه‌ای که برخی از ناظران، تجهیزات ارسالی به عراق را صرف نظر از ابعاد سیاسی آن، به لحاظ نظامی دارای اهمیت استراتژیکی ذکر کرده‌اند.» (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۶: ۷۴/۱)

هم چنین فرانسه هم جزو کشورهایی بود که در این امر دخیل بود: «فرانسه نخستین جنگنده بمب افکن میراژ را بلافاصله پس از آزادی گروگان‌های آمریکایی از ایران به عراق تحویل داد. دقیقاً ده روز پس از آنکه گروگان‌های آمریکایی ایران را تحریک کردند، چهار فروند میراژ فرانسوی، وارد قبرس شد و از آنجا توسط خلبانان عراقی به عراق منتقل گردید. پس از آن هم، به تدریج میراژهای فرانسوی در پی سفارش عراق به این کشور تحویل شد. همچنین فرانسوی‌ها با تحویل موشک اندازهای "رولاند"، شبکه دفاع هوایی عراق را تقویت کردند.

هم چنین سیزده دستگاه موشک انداز متحرک، علاوه بر سکوهای ثابت به عراق تحویل شد. «(مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۶: ۷۶/۱)»
 و اسناد دیگری که همگی حاکی از نابرابری این نبرد بودند؛ اما در نتیجه، عاملی که موجب شده بود با این عدم توازن در نبرد، رزمندگان پیروز گردند، التزام به این ویژگی از یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه یعنی "صبر و استقامت" بود.

۲. بصیرت و آگاهی

یکی از ویژگی های یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، بصیرت و آگاهی نسبت به اجزای مختلف دین در حوزه های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... است؛ زیرا که یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه، افرادی هستند که از درجه بالایی از بصیرت و آگاهی جمعی برخوردارند؛ اما آنچه که در بحث این نوشتار بیشتر نمود دارد، بصیرت سیاسی آن ها می باشد؛ زیرا بصیرت سیاسی آن ها از زمان و مکان و مسائل جهانی و منطقه ای، عنصر مهمی برای شناخت جبهه حق از باطل می باشد و این بصیرت فردی آنان یقیناً در جامعه تأثیرگذار خواهد بود و زمینه بصیرت عمومی را فراهم می آورد که در نتیجه موجب زمینه سازی در امر ظهور می گردد.

همان طور که در برخی روایات این ویژگی آنان را این گونه بیان می نماید:

«... کالمصابیح کأن قلوبهم القنادیل: {یاران مهدی} همانند مشعل های فروزانی هستند که دل های آنان همانند قندیل هایی {نورانی} در سینه آنان آویخته شده است.» (محمدباقر مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۷/۵۲)

دل های یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه علاوه بر اینکه نوری راهگشا دارند، به جامعه نیز نور می بخشند.

حضرت علی علیه السلام نیز در توصیف یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه می فرماید:

«... حَمَلُوا بَصَائِرَهُمْ عَلَى أَشْيَافِهِمْ وَ دَانُوا لِرَبِّهِمْ بِأَمْرِ وَعَظِهِمْ: آنان بصیرت ها و اندیشه های روشن و حساب شده خود را بر شمشیرهای خود حمل می کنند و طاعت پروردگارشان را پذیرفتند به سبب فرمان و اعطای خود.» (محمدباقر مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۷/۵۲)

اما با بررسی اسناد مکتوب و شفاهی دفاع مقدس به این امر پی می‌بریم که رزمندگان و شهدای دفاع مقدس از بصیرت بالایی برخوردار بودند و همین بصیرت و آگاهی بالای آن‌ها موجب شده بود که فتنه‌های داخلی و خارجی را به خوبی تشخیص داده و عکس‌العملی مناسب از خود نشان دهند؛ همان‌گونه که امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«العالمُ بزمانه لا تهجمُ عليه اللّوایس؛ کسی که به زمان خودش آگاهی داشته باشد،

شبهات به او هجوم نمی‌آورند.» (محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱/۲۷)

و این امر نیز ناشی از بینش صحیحی بود که از پابندی به دین و منابع دینی کسب نموده بودند و برای آنان دارای ارزش شده بود؛ بدین ترتیب بصیرت خود را با اعتقاد به مبانی مهدوی و التزام به ویژگی یاران امام زمان علیه السلام به منصفه ظهور گذاشتند.

هم‌چنین در وصیت‌نامه سردار شهید «مهدی زین‌الدین» آمده است: «... اگر امروز ما در صحنه‌های پیکار می‌رزمیم و اگر امروز ما پاسدار انقلابمان هستیم و اگر امروز پاسدار خون شهدا هستیم و اگر مشیت الهی بر این قرار گرفته که به دست شما رزمندگان و ملت ایران، اسلام در جهان پیاده شود و زمینه ظهور حضرت امام زمان علیه السلام فراهم گردد، به واسطه عشق، علاقه و محبت به امام حسین علیه السلام است. من تکلیف می‌کنم شما «رزمندگان» را به وظیفه عمل کردن و حسین‌وار زندگی کردن. در زمان غیبت کبری به کسی «منتظر» گفته می‌شود و کسی می‌تواند زندگی کند که منتظر باشد، منتظر شهادت، منتظر ظهور امام زمان علیه السلام. خداوند امروز از ما همت، اراده و شهادت‌طلبی می‌خواهد.»

(<https://hawzah.net/fa/goharenab/View/11651>)

با نگاه به وصیت‌نامه شهید زین‌الدین به این نکته پی می‌بریم که گفتار این شهید بیانگر پیوند مهدویت و عاشورا و اعتقاد به اینکه این مسیری که خودشان و رزمندگان ادامه می‌دهند، منتهی به ظهور امام زمان علیه السلام می‌گردد که این ناشی از بصیرت دینی این شهید بود.

شهید «محمد سنجرى» نیز در وصیت نامه خود می نویسد:

«قدرت اسلام در حال نمایش است. ابرقدرت‌ها دست به دست یکدیگر داده تا اسلام را نابود کنند، زهی خیال باطل! اسلامی که چنین ملتی و چنان شجاعان و این‌گونه رهبری دارد و تنها یاورش امام زمان عجل الله تعالی فرجه است، هیچ‌گاه شکست نخواهد داشت.» (یعقوب توکلی، ۱۳۸۲: ۱/۳۳۱)

با اینکه وصیت نامه هر شخصی، آخرین جملات و مهم‌ترین کلمات او است، ملاحظه می‌شود که این شهید عزیز با تکیه بر مبانی مهدوی و بصیرتی سیاسی، آخرین جملات خود را به مسائل اسلام و پیروی از حق اختصاص می‌دهد.

هم‌چنین شهید «جواد جامی خراسانی» در وصیت نامه‌اش چنین آمده است:

«برادران و خواهران! امروز اسلام در لحظه خاصی از تاریخ قرار گرفته است. تمامی اسلام در مقابل تمامی کفر است و خداوند متعال حجتش را بر ما تمام کرده است. خون شهیدان، دیگر نقطه ابهام و تردیدی برای ما باقی نگذاشته است. اگر خدای ناکرده، در انجام مسئولیت‌هایمان که ادامه دادن راه شهدا، که حفظ اسلام و دادن آن به صاحب اصلی‌اش، امام زمان عجل الله تعالی فرجه است کوتاهی کنیم، در قیامت جلوی ما را خواهند گرفت.» (یعقوب توکلی، ۱۳۸۲: ۱/۱۹۴)

تشخیص جبهه حق از باطل در زمانی که غبار فتنه‌ها همه فضا را آلوده نموده است، ممکن نمی‌باشد؛ مگر به وسیله بصیرتی است که منشأ آن دین و مبانی دینی باشد؛ همان‌طور که در روایتی که گذشت، اشاره شد که یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه صاحب بصیرتی هستند که هم راهنما و چراغ راه خود آن‌هاست و هم جامعه و افراد جامعه؛ از این‌رو رزمندگان و شهدای دفاع مقدس با تکیه و التزام به این مبانی صاحب بصیرتی شده بودند که در رویارویی جبهه حق و باطل، راه را گم نکرده و پیروی از جبهه حق می‌نمودند و این پیروی فقط در حیطه فردی آن‌ها نبود، بلکه دیگران را نیز راهنمایی و راهگشایی می‌نمودند.

همین‌طور در احوالات «شهید بروجردی» پس از آزادسازی سنندج، نقل شده است که: «سری به زندانی‌های کومله، دمکرات و چریک فدایی می‌زد و به بحث‌های اعتقادی با آنان

می‌پرداخت.» (عباس اسماعیلی، ۱۳۷۶: ۱/۱۲۲)

این‌گونه رفتارهای شهدا (چه شهدای شاخص و چه شهدایی که هرچند در پیشگاه خداوند دارای اجر و قرب هستند اما نام آن‌ها کمتر مطرح می‌گردد) و رزمندگان از جمله شهید بروجردی اثبات‌کننده این مدعا است که فرهنگ دفاع مقدس کاملاً تأثیر پذیرفته از اعتقاد به مهدویت است؛ زیرا اعتقاد به دین و مبانی دینی به خصوص مهدویت موجب شده بود که آنان بصیرتی دینی در حوزه سیاست، اعتقادات و... به دست آورند و ظهور این اعتقادات و این ارزش‌ها در رفتار آن‌ها مشاهده گردد، لذا یکی از برکات بزرگ انقلاب اسلامی که مقام معظم رهبری (حفظه الله) در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مطرح می‌فرمایند: «ارتقاء شگفت آور بینش سیاسی آحاد مردم است.» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) که با شکل‌گیری و به ثمر نشستن انقلاب اسلامی، بذر باورها و مبانی دینی که در جانهای مردم وجود داشت، مجدد جوانه زد و بعد نیز به ثمر نشست.

۳. عبادت و معنویت

یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه با توجه به اعتقادی که به امام و پیشوایشان دارند سعی می‌کنند باورها، ارزش‌ها و در نتیجه رفتار خود را منطبق با امام خود بگردانند و در زندگی فردی و اجتماعی خود، به امام خود اقتدا نمایند و موجبات رضایت ایشان را فراهم آورند و به تعبیر روایات، مایه زینت برای ایشان باشند، نه مایه سرافکنندگی؛ همان‌طور که در روایتی از امام صادق ع منقول است: «... كُونُوا لَنَا زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا...» ای گروه شیعیان، زینت ما باشید و سبب ننگ ما نشوید.» (محمد بن حسن حرعاملی، ۱۴۱۲ق: ۱۲/۱۹۳)

و به همین جهت که خود را منتسب به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌دانند، هم از امام خود تأثیر می‌پذیرند و هم بر دیگران تأثیر می‌گذارند. از همین رو بود که رزمندگان و شهدا در دوران دفاع مقدس سعی می‌نمودند تا خود را ملتزم به ویژگی‌های یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه بنمایند. همان‌طور که در بیان ویژگی‌های یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بیان شده است:

«لَهُمْ فِي اللَّيْلِ أَصْوَاتٌ كَأَصْوَاتِ الثَّوَاكِلِ حُزْناً مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، قُوَّامٌ بِاللَّيْلِ صُومًا بِالنَّهَارِ كَأَنَّمَا دَاءُ بَعْهَمُ دَاءُ بٌ وَاحِدٌ؛ أَنَانِ دَرْدَلِ شَبِّ، نَالِهَائِي مِنْ خَشْيَةِ خَدَا دَارِنْدِ چُونِ نَالِه مَادَرَانِ دَاغِ پَسْرَدِيدِه. أَنَا هَا شَبِّ زِنْدِه دَارَانِ دَرْدَلِ شَبِّ وَ رُوزِه دَارَانِ دَر طُولِ رُوزِ هَسْتَنْدِ گویی دَاب و روش همه آنان یکی است.» (کامل سلیمان، ۱۴۲۷ق: ۱/۲۱۴)

امام صادق علیه السلام نیز یاران امام مهدی علیه السلام را این گونه توصیف می فرماید:

«رِجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ، لَهُمْ دَوِيُّ فِي صَلَوَاتِهِمْ كَدَوِيِّ النَّحْلِ، يَبِيْتُونَ قِيَامًا عَلَى أَطْرَافِهِمْ؛ أَنَانِ مَرْدَانِي هَسْتَنْدِ كِه شَبِّ هَا نَمِي خُوابِنْدِ وَ زَمَزَمَةُ نَمَازِشَانِ چُونِ نِغْمِه زَنبُورَانِ از کَنْدُو بِه گُوشِ مِي رَسَد. شَبِّ هَا رَا بَا شَبِّ زِنْدِه دَارِي سِپَرِي مِي کَنْنَد.» (محمد باقر مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲/۳۰۸)

شهدا و رزمندگان در طول دفاع مقدس نیز با الگوگیری و پیروی از حضرت مهدی علیه السلام و التزام به یارانشان، در طول دفاع مقدس عبادات و اعمال عبادی و توجه به معنویات برایشان ارزش زیادی پیدا کرده بود؛ به گونه ای که در بحبوحه نبرد هم در امورات عبادی خود و تکالیف خود کوتاهی نمی کردند.

همان طور که «شهید همت» در وصف عبادت و تهجد شهید «محمد بروجردی» بیان می کنند:

«حد اقل تا آن جا که من با حاج آقا بودم، نماز شب و دعای کمیل شان ترک نمی شد، البته با حالت خاص خودش ... این اواخر که شنیده بود وقت مناسب دعای کمیل نیمه شب است، دیگر دعای کمیل را در اوقات عادی اوایل شب نمی خواند و در نیمه های شب بلند می شد.» (عباس اسماعیلی، ۱۳۷۶: ۱/۲۵۸)

هم چنین شهید «سید حسن محمدی کیا» در وصیت نامه خود این چنین توصیه می کند:

«مناجات سحرگاه و نماز شب را فراموش نکنید و در مناجات و راز و نیازتان با پروردگار، دعا به رزمندگان را به خاطر داشته باشید و برای پیروزی رزمندگان و فرج امام زمان علیه السلام دعا کنید.» (یعقوب توکلی، ۱۳۸۲: ۱/۴۱)

همان طور که اهتمام به عبادات یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه در نماز و نماز شب خلاصه نمی شد، رزمندگان و شهدا نیز در طول دفاع مقدس عباداتشان خلاصه در نماز شب و نمازهای یومیه نمی شد بلکه جنبه های دیگر عبادی را هم مورد توجه قرار می دادند.

از این رو در احوالات فرمانده شهید «محمد بروجردی» نیز نقل شده است:

«شب عملیات بود. بچه ها داشتند خود را آماده می کردند. قرار بود در سه راهی کامیاران عملیات شود. در این حال و هوا، صدای تلاوت قرآن گریه های آشنایی توجه مرا به خود جلب کرد. در تاریکی به دنبال صدا گشتم. دیدم حاجی است، با خدای خودش خلوت کرده و در حالت عرفانی عجیبی به سرمی برد.» (عباس اسماعیلی، ۱۳۷۶: ۱۰۸/۱)

هم چنین در وصیت نامه شهید «سید مجتبی علمدار» نیز این گونه آمده است:

«به همه شما وصیت می کنم قرآن را بیشتر بخوانید. بیشتر قرآن را بشناسید، بیشتر عشق بورزید، بیشتر معرفت به قرآن داشته باشید و دردهایتان را با قرآن درمان کنید. سعی کنید قرآن انیس و مونس‌تان باشد، نه زینت دکورها و طاقچه های منزلتان. بهتر است قرآن را زینت قلبتان کنید.» (گروه فرهنگی هنری شهید ابراهیم هادی، ۱۳۹۱: ۲۲۲/۱)

بدینگونه وقتی بررسی می کنیم، می بینیم که رزمندگان و شهدا با اعتقاد به مهدویت و التزام به ویژگی های یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه، فرهنگ عبادت و معنویت در عمق وجود آنها رسوخ نموده و بالتبع، موجب خودسازی آنها گردید و بدین جهت یکی از توصیه های مقام معظم رهبری علیه السلام در متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به معنویت و اخلاق پرداخته و آنرا جزو نیازهای جامعه امروز می دانند که باید در تمام شئون زندگی، گسترش پیدا کند و در نتیجه موجب برکات زیادی می گردد، همانگونه که این امر در دفاع مقدس بطور کامل ظهور و بروز نمود.

گفتار سوم: خودسازی فردی و اجتماعی از راه التزام به نظارت دائمی امام علیه السلام بر اعمال

از جمله اعتقادات شیعیان، باور به عرضه شدن اعمال مردم به پیامبر و ائمه علیهم السلام در زمان های مختلف است و این مطلب در روایت های مختلفی ذکر گردیده و بدان تصریح شده

است.

در این زمینه امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «تمام اعمال مردم هر روز صبح به پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه می‌شود، اعمال نیکان و بدان، بنابراین مراقب باشید و این مفهوم گفتار خداوند است که می‌فرماید: (خدا و پیامبرش و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند). امام به این آیه اشاره نمود و سکوت کرد.» (محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۱۹/۱)

در روایت دیگری از امام رضا علیه السلام نقل شده است: «شخصی به ایشان گفت برای من و خانواده‌ام دعا کنید، آن حضرت در پاسخ فرمودند: مگر من دعا نمی‌کنم؟ به خدا سوگند! اعمال شما هر شب و روز بر من عرضه می‌شود. آن شخص می‌گوید این سخن بر من گران آمد، امام متوجه شد و به من فرمودند: آیا کتاب خداوند عزوجل را نخوانده‌ای که می‌گوید: عمل کنید، خدا و پیامبرش و مؤمنان، عمل شما را می‌بینند. به خدا سوگند منظور از مؤمنان علی بن ابی طالب (وامامان دیگر از فرزندان او) می‌باشد.» (همان)

بنابراین، پذیرفتن عرضه شدن اعمال بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌تواند یکی از عوامل مهم تهذیب نفس و خودسازی به شمار آید و اما اگر این امر به عنوان یک نگاه در جامعه منتظر حاکم شده و مورد توجه قرار گیرد و هم‌چنین به عنوان یک ارزش محسوب گردد، علاوه بر اینکه می‌تواند آثار مهمی داشته باشد، در تحول اخلاقی آن جامعه هم می‌تواند مؤثر واقع شود و موجب تقویت نظم اجتماعی در میان مردم گردد که به تبع آن، نظام اجتماعی تحکیم پیدا خواهد کرد. همان‌طور که در دفاع مقدس این اعتقاد و این نگاه در بین رزمندگان و شهدا دارای ارزش بسیار مهمی شده بود؛ به گونه‌ای که در رفتار فردی خود یا رفتار با رزمندگان دیگر و هم‌چنین در نوع مبارزه آن‌ها با دشمن، تأثیر بسزایی گذاشته بود و همین امر سبب شده بود که نظم اجتماعی‌ای که در فرهنگ دفاع مقدس حاکم شد بود، بسیار متأثر از این امر شود.

رزمندگان و شهدا در حیطه رفتار فردیشان، با اعتقاد به اینکه پیوسته در محضر امام خود هستند و امامشان نظاره‌گر رفتار آن‌هاست، بیش از پیش سعی می‌کردند رفتار خود را خالصانه انجام دهند.

همان طور که امام جواد علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه ۱۴۸ سوره بقره به عبدالعظیم حسنی می‌فرمایند:

«فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّةُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ أَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَهُ؛ پس هرگاه جمع شوند برای او (مهدی علیه السلام) از اهل اخلاص، خدا امرش را ظاهر خواهد گرداند.» (محمد بن علی ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲/۳۷۸)

رزمندگان و شهدا به جهت همین احساس حضور و نظاره‌گر بودن دائمی امام سعی می‌نمودند اعمال و وظایف خود را به بهترین و خالصانه‌ترین وجه انجام دهند و دوست داشتند که خود را در زمره یاران ایشان قرار بدهند.

از همین رو در احوالات ثبت شده شهید «حسین نادری» بیان شده است:

«در جریان عملیات والفجره زخمی شد و خون از تمام بدنش جاری بود. یکی از رزمندگان می‌خواست از او عکسی بگیرد؛ اما او با روحیه بااخلاص خود از این کار جلوگیری می‌کرد و با همان حالت زخمی، سوار ماشین شد و خودش رانندگی کرد و به پشت جبهه حرکت کرد. همیشه توکلش به خدا بود و به خاطر شهادت و تجربه‌ای که داشت، همواره موفق بود. وقتی که رزمندگان می‌گفتند: دشمن، توپ و تانک و هواپیما دارد، می‌گفت: ما خدا، ائمه و صاحب‌الزمان داریم. ما صاحبی مافوق همه مسائل داریم.» (یعقوب توکلی، ۱۳۸۲: ۱/۶۵۸)

و همین اخلاصی که ناشی از اعتقاد به در محضر خدا بودن و در محضر ولی خدا بودن بود، سبب گشته بود که رزمندگان و شهدا مصداق این کلام امام سجاد علیه السلام بشوند که در توصیف یاران حضرت مهدی علیه السلام می‌فرمایند: «... أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا» (محمد بن علی ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲/۳۲۰)

هم‌چنین در وصیت‌نامه شهید «رحیم ترکان» نیز در این زمینه آمده است:

«... [ایشان می‌گویند] هرکاری می‌کنید فقط برای رضای خدا باشد. اخلاص در عمل

پیشه کنید....» (<https://hawzah.net/fa/Article/View/94856>)

اما این باور و این ارزش هم علاوه بر رفتار فردی بر روابط بین رزمندگان هم تأثیرگذار بود؛

به گونه‌ای که درجه و رتبه در بین آن‌ها معنا نداشت؛ زیرا آن‌ها خود را سرباز امام زمان عجل الله تعالی فرجه له دانسته و خود را در محضر امام می‌دیدند و فرمانده حقیقی را امام زمان عجل الله تعالی فرجه له می‌دانستند.

از همین رو در سخنرانی شهید باکری، قبل از عملیات بدر این‌طور بیان شده است:

«اگر فرمانده شما شهید شد، نگویید فرمانده نداریم و نجنگید که این وسوسه شیطان است، فرمانده اصلی ما خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه له است، اصل آن‌ها هستند و ما موقت هستیم.» (سید حسن منتظرین، ۱۳۹۱: ۴۰۱/۱)

همچنین شهید «علی‌اکبر حاجی‌پور» قبل از عملیات والفجر ۴ در صحبتی که با رزمندگان داشتند، این‌طور نقل شده است:

«اگر احياناً در عملیات، فرماندهان شما مجروح یا شهید شدند، از دشمن لحظه‌ای غافل نباشید و اندکی هراس به دل راه ندهید، چون فرمانده واقعی شما امام زمان عجل الله تعالی فرجه له است.» (عین الله کاوندی، ۱۳۸۴: ۱۲۴/۱)

و در احوالات «شهید برونسی» بعد از پیروزی در عملیاتی که توانسته بودند تانک‌های (تی ۷۲) زیادی را منهدم کرده و موجب تعجب فرماندهان و ... شوند و در پاسخ به سؤالات آن‌ها و خبرنگاران این‌طور بیان می‌کنند:

«{بیان علت پیروزی با کمترین تلفات} بروید از بسیجی‌ها و فرمانده اصلی آن‌ها، امام زمان عجل الله تعالی فرجه له سوال کنید.» (سعید عاکف، ۱۳۸۷: ۱۲۳/۱)

تمام مستنداتی که در این زمینه در آرشیو دفاع مقدس ثبت و ضبط گردیده است حاکی از این است که اعتقاد به حاضر بودن در محضر امام و شاهد بودن امام، اعمال آن‌ها را به صورت باوری عمیق در وجود آن‌ها نهادینه کرده و به ارزشی والاتبدیل شده بود.

حتی این باور و ارزش سبب شده بود که در کیفیت مبارزه و نبرد آن‌ها با دشمن هم تأثیرگذار باشد؛ همان‌گونه که در زیارت "آل یس" بیان شده است: «... بریئ من عدوِّک»؛ زیرا آن‌ها دشمنان مقابل‌شان را دشمنان اسلام و دشمنان امامشان می‌دانستند؛ به همین خاطر از آنان براءت می‌جستند و با تمام توان خود در مقابل آنان ایستادگی می‌نمودند. (همان‌طور که در مباحث پیشین در بحث استقامت بدان اشاره گردید)

لذا در جهت پیشبرد اهداف گام دوم انقلاب اسلامی، همانگونه که باور به مهدویت در فرهنگ دفاع مقدس اثر گذار بوده است و موجب برکات زیادی گشته است، باید این باور ها نیز در جامعه امروزی تقویت گردد تا جامعه امروزی نیز شاهد برکات آن بوده و در نهایت موجب زمینه سازی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه گردد.

نتیجه :

اندیشه مهدویت در فرهنگ اسلامی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در حیطه‌های فردی و اجتماعی آثار و پیامدهای ارزشی بسیاری داشته است که در پویایی و توانمندی فرهنگ دفاع مقدس و در پیشبرد اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، نیز نقش مهمی را ایفا نموده است و کارکرد های ارزشی در این حوزه، یکی از ارزشمندترین کارکردهای این اندیشه به حساب می‌آید. از مهم‌ترین کارکردهای ارزشی اندیشه مهدویت در ساحت ارتقاء و پیشرفت فرهنگ دفاع مقدس و پیشبرد اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی عبارتند از:

الف) خودسازی فردی و اجتماعی از راه التزام به ویژگی‌های منتظران؛ معرفت و شناخت خدا و ایثار و فداکاری (ب) خودسازی فردی و اجتماعی از راه التزام به ویژگی‌های یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه؛ صبر و پایداری، بصیرت و آگاهی و عبادت و معنویت (ج) خودسازی فردی و اجتماعی از راه التزام به نظارت دائمی امام عجل الله تعالی فرجه بر اعمال.

منابع:

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۲. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبه للنعمانی، چاپ اول، نشر صدوق، تهران: ۱۳۹۷ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، نشر الاسلامیه. تهران، ۱۳۹۵ش.
۴. اسماعیلی، عباس، مسیح کردستان، انتشارات لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب علیه السلام، قم ۱۳۷۶ش.
۵. امامی، محمدجعفر / آشتیانی، محمدرضا، نهج البلاغه با ترجمه فارسی روان، چاپ پنجم، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، ۱۳۸۷ش.
۶. بیرو، آلن؛ فرهنگ علوم اجتماعی؛ ترجمه باقر ساروخانی؛ چ ۳، نشر کیهان، تهران: ۱۳۷۵.
۷. توکلی، یعقوب، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ، نشر شاهد، تهران، ۱۳۸۲ش.
۸. جمعی از نویسندگان، دانشنامه دفاع مقدس و انقلاب اسلامی، پایگاه تخصصی عاشورا، جلد اول، شماره دیجیتالی: ۱۰۷۰۱.
۹. چلبی، مسعود؛ جامعه شناسی نظم؛ چ ۲، نشر نی، تهران: ۱۳۸۲ش.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، جلد ۱۲، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، قم: ۱۴۱۲ق.
۱۱. حیدری کاشانی، محمدباقر، نسل طوفان، چاپ اول، زلال کوثر، قم ۱۳۸۵ش.
۱۲. دانشگر، بهزاد، خدمت از ماست، چاپ اول، بوستان فدک، اصفهان، ۱۳۸۲ش.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳ش.
۱۴. رهنمایی، احمد؛ درآمدی بر مبانی ارزش ها؛ چ ۲، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، قم: ۱۳۸۵.
۱۵. سلیمان، کامل، يوم الخلاص في ظل القائم المهدي علیه السلام، الطبعة: اولی، مؤسسه دارالمجتبی للمطبوعات، قم ۱۴۲۷ق.
۱۶. عاکف، سعید، خاک های نرم کوشک، چاپ شصت و هفتم: نشر مولف، مشهد ۱۳۸۷ش.
۱۷. کاوندی، عین الله، بی کرانه ها، چاپ اول: سبط النبی علیه السلام، قم، ۱۳۸۴ش.
۱۸. کاوه، محمد؛ آسیب شناسی بیماری های اجتماعی؛ چ ۱، جامعه شناسان، تهران: ۱۳۹۱.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.

۲۰. گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، مصطفی، چاپ اول، نشر امینیان، تهران، ۱۳۹۱ ش.
۲۱. گلابی، سیاوش؛ اصول و مبانی جامعه‌شناسی؛ ج ۳، فردوس و مجید، تهران: ۱۳۷۲.
۲۲. گی‌روشه؛ مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی؛ ترجمه هما زنجانی‌زاده؛ ج ۵، انتشارات سمت، تهران: ۱۳۸۹.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۲۴. محمود، ملکی‌راد، کارکردهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت، چاپ اول، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم ۱۳۹۷ ش.
۲۵. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، آغاز تا پایان، چاپ اول، ستاد مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تهران، ۱۳۸۶ ش.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد چهارم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ طهران: ش.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی امام مهدی، چ ۴ نسل جوان، قم: ۱۳۸۶ ش.
۲۸. منتظرین، سید حسن، هنراهل بیت (علیهم‌السلام)، نشر سهروردی، تهران ۱۳۹۱ ش.
۲۹. بنیاد حفظ و نشر آثار شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی، سایت: www.soleimany.ir
۳۰. پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: khamenei.ir
۳۱. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، سایت: www.hawzeh.net

ایمان به وعده های الهی و مهدویت و تاثیر آن در رهبری انقلاب اسلامی

عبدالمحمود جهانگیری^۱ (نویسنده مسئول)
کلثوم برادران^۲

چکیده

یکی از مباحث مهم، پربسامد و کاربردی مطرح شده در وعده های الهی، ایمان و اعتماد به این وعده ها است، و با توجه به اینکه وعده های الهی برخواسته از اعتقاد درونی به خداوند است، ایمان و اعتماد به آنها تنها منحصر به حوزه ذهن نیست، بلکه در صحنه عمل و عینیت جامعه نیز باید این اعتماد و ایمان متجلی گردد تا دیگران نیز آثار مبارک آن را ببینند؛ چنانکه امامین انقلاب در عصر حاضر با توجه به جایگاهشان، ضمن تجلی این وعده های حقیقی در خود، توانسته اند آن را در دل های مردم نیز نهادینه کنند که در سایه آن، پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی را رقم زدند. و امروز مقام معظم رهبری با ادامه آن رویه، در حال خلق صحنه های پیروزی اجتماعی متعددی در جهان اسلام شده که ناشی از تجلی این

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، معاون آموزش دانشکده علوم قرآنی بندر عباس، مدیر حوزه

علمیه خواهران استان هرمزگان hamraz32@gmail.com

۲. طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه حضرت زینب کبری (ع.ا.س)، شهرستان بشاگرد. hamraz32@gmail.com

گونه وعده ها در زندگی فردی و اجتماعی ایشان است. و از آنجا که گونه های این وعده ها متعدد است، پژوهش حاضر با شیوه توصیفی - تحلیلی به بررسی و کارکرد چندی از مهمترین آنها در دنیای امروز مانند وعده نصرت مومنان، حکومت مستضعفین، هلاکت ظالمان و ... که در بیانات، تقریرات و عمل امامین انقلاب تجلی یافته، پرداخته است.

کلید واژگان : ایمان، وعده الهی؛ مهدویت، امام خمینی ره؛ رهبر معظم انقلاب دام ظلّه؛

انقلاب اسلامی

مقدمه

ایمان به وعده های الهی در قرآن و همچنین اعتقاد به تخلف ناپذیری آنها یکی از مهمترین بحث های قرآنی می باشد. ایمان به این وعده ها صد درصد می تواند در تصمیمات و روحیات یک شخص و جامعه تاثیرات شگرفی داشته باشد. حال جای دارد تا در نوشتار پیش رو ایمان امام خمینی علیه السلام به وعده های الهی را مورد بررسی قرار داده و تجلی ایمان به وعده های الهی در بیانات و تقریرات شخص بزرگی همچون امام خمینی علیه السلام و تاثیرات آن در زندگی شخصی و اجتماعی ایشان را مورد تحقیق قرار دهیم تا بیش از پیش به حقانیت وعده های الهی پی ببریم. تاثیر ابعاد معنوی امام خمینی (ره) به خصوص «ایمان به وعده های الهی» در مسیر زندگی شخصی، اجتماعی و مبارزات ایشان کاملاً واضح و روشن است. این در حالی است که همه ساله چندین کتاب و مقاله و نشریه منتشر می شود تا حقایق نهضت امام را وارونه جلوه دهند. قیام امام و انقلاب اسلامی نه تنها در کشور ایران بلکه در تمامی کشورهای مسلمان باعث بیداری اسلامی شد؛ و همچنین ترسی در دل دشمنان اسلام انداخت. پس ضروری است تمام ابعاد معنوی امام یک به یک در همه مقاطع زندگی ایشان مورد بررسی قرار گیرد تا تمامی عقیده و ایمان و عملش در همه ادوار زندگی را شناخت و بر جهانیان عرضه داشت. و آن را سرلوحه زندگی خویش قرار داد. زیرا که با نگاه به زندگی اشخاص بزرگی همچون امام خمینی است که انسان میتواند به سعادت و آرامش برسد.

با توجه به جستجویی که در پیشینه تحقیق مورد نظر انجام گرفت؛ دریافتیم که کتاب ها و مقالات زیادی در معرفی امام خمینی علیه السلام و ابعاد معنوی ایشان به چاپ رسیده است همچون کتاب بیست و یک جلدی صحیفه امام که مجموعه سخنرانی های ایشان در آن جمع شده است. و همچنین کتاب حدیث بیداری که به زندگینامه آرمانی، علمی، سیاسی امام راحل پرداخته است. همه ساله رهبر انقلاب آیت الله سید علی خامنه ای نیز در مراسمات مختلف از ابعاد شخصیتی امام سخن میگویند. و مقالاتی همچون «نقش امام خمینی در شکل گیری جمهوری اسلامی ایران» نوشته رحمان سیلمانی بیله سوارو... لکن با

مطالعه و بررسی های صورت گرفته، مقاله یا کتاب مستقلی که به بیان تجلی ایمان به وعده های حق الهی در بیانات و تقریرات امام خمینی علیه السلام پرداخته باشد، یافت نشد و از این نظر بحث پیش رواز مباحث نو و بدیع به شمار می رود.

۱- مفهوم شناسی

برای جلوگیری از التقاط معنایی مخاطب که باعث کج فهمی و نارسایی مفهوم حقیقی نوشته می شود، در این بخش ذیل عنوان مفهوم شناسی لغوی و اصطلاحی به تبیین و توضیح واژگان، تجلی، ایمان، وعده پرداخته می شود تا مخاطب زیر سایه فهم صحیح لغوی و اصطلاحی واژگان فوق، فهمی متناسب با غرض نوشته داشته باشد.

۱-۱. تجلی

تجلی از ماده جلو و در لغت به معنای کشف کردن و نمایان ساختن و روشن ساختن می باشد. (ابن منظور، بی تا، ج ۱۴، ص ۱۵۰؛ راغب، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص ۴۰۷) تجلی اظهار شیء است و از همین باب است؛ «جَلَّتِ الماشطة العروس جلوة» آرایشگریایی های عروس را نمایان ساخت و تعبیر قرآن که «... لاَیَجْلِيهَا لَوْفَتِهَا إِلاَّ هُوَ...» (اعراف، ۷، ۱۸۷) اینگونه تفسیر شده است: «(لایعرفکم وقتها سواهُ) هنگام قیامت را جز خدای متعال به شما معرفی نخواهد فرمود. (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹ ش، ج ۱، ص ۹۷) پس تجلی به آشکار شدن چیزی پس از ناپیدایی گویند؛ و در این آیه آمده است: «وَالتَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى»؛ (لیل ۲) یعنی پس از پنهان بودن در پشت شب، واضح و روشن و آشکار گردید. همچنین آیه وَالتَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا؛ یعنی آن را آشکار و روشن نمود که هیچ پنهانی در آن جا وجود نداشت. (عضیمه، صالح، معناشناسی واژگان قرآن، آستان قدس رضوی ص ۱۳۱). پس می توان نتیجه گرفت که تجلی ایمان به وعده های الهی در شخصی، به این معنی میباشد که اعتقاد راسخ به وعده های حق الهی در تمام بیانات، تقریرات، رفتارها و خلیات وی نمود پیدا کرده و آشکار باشد.

۲-۱. ایمان

واژه ایمان از ریشه «أ م ن» و در صورت ثلاثی مجرد بودن به معنای آرامش، اطمینان قلب و نبود ترس است. (ابن فارس، احمد، معجم مقایس اللغة، مکتب الاعلام السلامی، ج ۱، ص ۱۳۳؛ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، مرتضوی، ج ۱، ص ۲۰۵). الأَمْنُ: نقيض الخوف. «واژه «أمن» در مقابل ترس است.» (ابن سیده، المحکم و المحيط الأعظم، دارالکتب العلمیة، ج ۱۰، ص ۴۹۲). ولی در صورت داخل شدن به باب افعال «أَمَّنَ»، «يُؤمِّنُ»، «إيمان» به معنای تصدیق در مقابل تکذیب می باشد. (ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارالصادر، ج ۱۳ ص ۲۱). ایمان در معنای اصطلاحی بر روش مدح و ستایش بکار می رود که مراد پذیرفتن و گردن نهادن نفس به حقیق است با تصدیق به آن و این موضوع یعنی ایمان در این وجه با جمع شدن سه حالت حاصل می شود: معرفت و شناخت قلبی، اقرار با زبان و عمل با اعضاء و جوارح است. که این سه معنا از سمت معصومین مورد توجه قرار گرفته است. (صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، صدوق، ج ۱، ص ۴۶۵؛ شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، بی جا، ص: ۵۰۸). بنابراین انسان در صورتی که علاقه داشته باشد از نظر ایمان مؤمنی کامل و مقبول حق گردد، و به پاداش اعمالی که در فضای پر برکت ایمان کامل انجام می دهد برسد، باید از نظر قلبی به تمام حقایق مربوط به ایمان یعنی خدا، قیامت، فرشتگان، پیامبران، کتاب های الهی اعتقاد جزمی و یقینی داشته باشد، و از نظر نفسی به حسنات اخلاقی آراسته، و از نظر ظاهر مزین به اعمال صالحه دیده شود. (انصاریان، تفسیر حکیم، دارالعرفان، ج ۳، ص ۳۱۶).

شخصی که در بیاناتش از وعده های الهی سخن به میان می آورد باید به تخلف ناپذیری وعده های الهی ایمان راسخ داشته باشد و در تصمیمات مهم و رسیدن به اهداف و الایش این اصل را سرلوحه زندگی شخصی و اجتماعی خویش قرار دهد. همان طور که امام خمینی (ره) در بیاناتش برای روحیه دادن به انقلابیون و رزمندگان هشت سال دفاع مقدس، و

رسیدن به اهداف اصلی حکومت اسلامی سخن از حق بودن وعده های الهی به میان می آوردند.

۳-۱. وعده

واژه وعده از ریشه « وعد » و در لغت به معنای مژده دادن و امید دادن به چیزی می باشد. (ابن فارس، احمد، معجم مقایس اللغة، مکتب الاعلام الاسلامی، ج ۶، ص ۱۲۵). که در طراز اول نیز وعده به معنای بشارت می باشد خواه خیر باشد خواه شر باشد. (مدنی، علی خان، الطراز الاول، موسسه آل بیت علیهم الاحیاء التراث، ج ۶، ص ۳۲۶؛ فیروزآبادی، محمد بن یعقوب القاموس المحيط، دارالکتب العلمیه، ج ۱، ص ۴۸۰؛ مصطفوی، سید حسن، تفسیر روشن، مرکز نشر کتاب، ج ۳، ص ۲۱۹). وعده با وعید نیز قرابتی دارد و درست به نظر می آید که تفاوت آن دو نیز بیان شود. اولین و مهمترین تفاوتی که بین این دو کلمه وجود دارد، تفاوت از جهت استعمال آنهاست؛ که کلمه « وعد » هم در وعده خیر و هم در وعده شر به کار می رود ولی واژه « وعید » فقط در وعده شر استعمال می شود. (ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارالصادر، ج ۳ ص ۴۶۳). تفاوت دیگری که بین « وعد » و « وعید » وجود دارد این است که خُلف وعد، قبیح است و صدور آن از خداوند محال است. ولی خُلف وعید در مواردی، نه تنها قبیح نیست بلکه حُسن هم دارد چون این کار او اظهار کرم است. (طیب، سید عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلام، ج ۱۰، ص ۳۶۰).

۲. ایمان به وعده های الهی

یکی از ملاک های ایمان در روایات، اعتماد و یقین به وعده های الهی شمرده شده است، چنانکه امام علی علیه السلام در حکمت ۳۰۲ می فرماید:

لَا يَصْدُقُ إِيمَانُ عَبْدٍ حَتَّى يَكُونَ بِمَا فِي يَدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَوْثَقَ مِنْهُ بِمَا فِي يَدِهِ؛

ایمان بنده راست نیست مگر آنکه اعتماد او به آنچه در اختیار پروردگار است از اعتماد

وی به آنچه در دست خودش می باشد بیشتر باشد.

براساس برخی روایات دیگر، مهم ترین ابزار و سرمایه برای نجات و پیروزی، اعتماد به وعده های الهی شمرده شده است. (مجلسی، ۱۳۷۲، ج ۷۸، ص ۱۵۶) حضرت امام راحل نیز با الهام از این روایات، با ایمان کامل و اعتمادی که به وعده های الهی داشت، توانست هم به هدف خود برسد هم به دیگران نمایان کند که وعده های الهی برای مومنان حق است و باطلی در آنها راه ندارد.

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

«سه باور در امام بزرگوار ما وجود داشت، که همین سه باور به او قاطعیت می داد، شجاعت می داد و استقامت می داد: باور به خدا، باور به مردم و باور به خود. این سه باور، در وجود امام، در تصمیم امام و در همه ی حرکت های امام، خود را به معنای واقعی کلمه نشان داد. در باور به خدا، امام مصداق این آیه ی شریفه بود: ﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ (آل عمران/۱۷۳) همان کسانی که (برخی از) مردم به ایشان گفتند مردمان برای (جنگ با) شما گرد آمده اند پس از آن بترسید ولی (این سخن) برایمانشان افزود و گفتند خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است.» ﴿حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ را امام با همه ی وجود ادا می کرد و از بن دندان به آن معتقد بود. امام به خدای متعال اعتماد داشت، به وعده ی الهی یقین داشت، برای خدا حرکت کرد و کار کرد و حرف زد و اقدام کرد و میدانست که ﴿ان تنصروا الله ينصركم﴾ (محمد/۷) «وعده الهی است و حتمی تخلف ناپذیر است.» (خامنه ای، سید علی، بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۲/۰۳/۱۴.

وبه همه ی ملت این بود که به نیروی خودتان ایمان داشته باشید و به خدای متعال و وعده ی الهی اطمینان داشته باشید.» (خامنه ای، سید علی، بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10302>، ۱۳۸۹/۰۷/۲۷

در مورد خود مقام معظم رهبری نیز اعتماد به وعده های الهی نمایان است، هم در

سخنرانی و بیاناتشان وهم در عملشان.

در بیاناتشان نسبت به اعتماد به وعده های الهی می فرمایند:

«یک مسئله ی دیگر، اعتماد به وعده ی الهی است. خداوند متعال در چند جای قرآن بروشنی و باصراحت وعده داده است که اگر کسی در راه خدا و در راه دین تلاش کند، او را نصرت خواهد داد؛ این وعده ی الهی است. در یک جا میفرماید: وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ. (۱) در این تعبیر «لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ» چند علامت تأکید هست، که یعنی مؤکداً، مؤکداً خدای متعال نصرت میکند کسانی را که دین خدا را و او را نصرت کنند. خب این یک وعده است، وعده ی الهی است، به این وعده باید اعتماد کرد.» (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش)

بنابراین ایشان تمام حرکت هایی را که در جهان اسلام منجر به پیروزی می شود، و به رشد اسلامی و نابودی دشمنان منتهی شده است از مصادیق اعتماد به وعده های الهی می داند.

۲-۳. ایمان به وعده یاری الهی

خداوند متعال در آیه ای از قرآن کریم درباره وعده یاری رساندن به مؤمنان اینگونه فرموده: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ﴾ (محمد/۷) « ای کسانی که ایمان آورده اید اگر خدا را یاری کنید یاریتان می کند و گام هایتان را استوار می دارد...» این آیه مؤمنین را تحریک می کند به جهاد، و وعده نصرتشان می دهد، در صورتی که خدا را نصرت دهند. و منظور از «نصرت دادن به خدا» جهاد در راه خدا و تنها به منظور تأیید دین او و اعلا ی کلمه حق است، نه اینکه جهاد کنند تا در زمین سروری نمایند، و یا غنیمت به چنگ آرند، و یا شجاعت و هنر خود را نشان دهند. همچنین مراد از اینکه فرمود: «خدا هم شما را یاری می کند» این است که اسباب غلبه بر دشمن را برایتان فراهم می سازد، مثل ترسی از شما در دل کفار می اندازد، و امور را علیه کفار و به نفع شما جاری می کند و دل های شما را محکم و شجاع می سازد. (طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱۸، ص ۳۴۷).

بنابر گفته رهبرانقلاب هر جا ملت ها حرکت کنند، ایستادگی کنند، صبر و مقاومت نشان بدهند، پیروزی قطعی است؛ همه جا همین جور است. اشکال کار مبارزاتی که به شکست می‌انجامد، این است که یا ملتها طاقت ندارند و ایستادگی نمی‌کنند، یا رهبرانی که بتوانند اینها را درست اداره کنند ندارند. (بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۴/۰۸/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31309>)

امام خمینی رهبری بود که توانست انقلاب ایران را درست اداره کند؛ و تنها حکومت اسلامی را به کمک مردم و به یاری خداوند تاسیس نماید. و این توانایی امام به اعتقاد و ایمان ایشان به خداوند برمیگردد. رهبری که به خداوند و یاری او یقین نداشته باشد نمیتواند به مردم خویش وعده پیروزی دهد. امام به وعده (إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ) ایمان راسخ داشت و این وعده حق الهی را در وجود مردم ایران و سربازانش نهادینه کرد؛ تا در رسیدن به هدفشان که همان پیروزی بر رژیم طاغوتی پهلوی و رژیم بعثی صدام بود قدمشان استوار گردد.

ملت ایران راه را درست رفت، حرکت را درست انجام داد؛ رهبری مقتدر، آگاه، مصمم و دارای توکل به خدا، اتکاء به خدا، اتکاء به وعده‌ی الهی که (إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ) موجب شد که این ملت بتواند به پیروزی برسد و حکومت تحمیلی وابسته‌ی سیاه‌خاندان پهلوی و حکومت پادشاهی مشئوم و ننگ‌آلود - که برای هرکشوری حکومت پادشاهی مایه‌ی ننگ است در منطق صحیح انسانی - در ایران از بین رفت و تمام شد؛ و مردم شدند صاحب اختیار. (همان.)

تحقق وعده‌های امام خمینی و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران حادثه‌ای داخلی برای تغییر یک رژیم سیاسی نبود، بلکه همان گونه که بسیاری از دولتمردان امریکایی و اسرائیلی و اروپایی در خاطرات خویش از آن روزها تعبیر کرده‌اند، انقلاب از دیدگاه آنان زلزله‌ای ویرانگر برای جهان غرب بود. گذشته از آنکه امریکا مطلوبترین شرایط جغرافیایی، اقتصادی و نظامی را در یکی از حساسترین مناطق جهان که مرزهایی طولانی با رقیب (دولت شوروی) داشت، از

دست می داد، امواج این انفجار بزرگ رژیمهای وابسته غربی را در ممالک اسلامی و بلاد عربی سخت متزلزل و بیمناک کرده بود. پیام اصلی انقلاب اسلامی ماهیتی فرهنگی داشت و مبتنی بر اندیشه دینی و ارزشهای معنوی بود. پیروزی انقلاب به معنای صدور پیام و ارزشهای آن و به حرکت درآمدن موجی از خیزشهای رهایی بخش در کشورهای اسلامی و جهان سوم بود. همزمان با ایران، رژیم وابسته به امریکا در نیکاراگوئه نیز سرنگون شد. در افغانستان دولت شوروی ناگزیر از کودتایی خونین و سپس لشکرکشی و اشغال این کشور شد تا حرکت اسلامی را مهار کند. مردم لبنان و فلسطین پیروزی انقلاب ایران را جشن گرفتند و جهاد خویش را در شکلی نوین و ملهم از انقلاب اسلامی آغاز کردند. جنبشهای اسلامی در مصر، تونس، الجزایر، سودان، عربستان و ترکیه احیا شدند. (انصاری، حدیث بیداری، موسسه چاپ و نشر عروج، ص ۱۱۲).

امام خمینی نه تنها ایران بلکه بر سایر کشورهای اسلامی نیز این باور را تحقق داد که وعده نصرت خداوند حق است فقط کافست با ایمانی راسخ به این وعده ها بپا خیزند و جنبشهای اسلامی را تشکیل دهند.

امام خمینی در مورد عملیات شوم طبرس چنین گفتند که نشان از اعتقاد ایشان به وعده نصرت خداوند دارد: «این چه بود که این ملت ضعیف بدون تجهیز، بدون تدریب نظامی را بر این همه قدرتها غلبه داد؟ این جز این بود که رعبی را که خدا در دلهاى این سران انداخت، ما را به رعب، به رعبی که خدا در قلب اینها انداخت پیروز کرد؟ این جز همان است که در صدر اسلام هم يك عده قلیل را بر عده های کثیر پیروز کرد، و همچو رعبی در قلبها انداخت که نتوانستند مقاومت در مقابل سی هزار جمعیت عرب، که هر چند تایشان يك شمشیر داشت، و هر چند تایشان يك شتر داشت، و آنها هفتصد هزار جمعیت بودند که شصت هزارشان طلیعه بود و غلبه کردند اینها بر آنها، چه بود؟ این جز این بود که يك دست غیبی در کار است؟! نباید بیدار بشوند آنهايي که توجه به معنویات ندارند و به این غیب ایمان نیاورده اند؟ نباید بیدار بشوند؟ کی این هلیکوپترهای آقای کارتر را که می خواستند به ایران

بیایند ساقط کرد؟ ما ساقط کردیم؟ شنها ساقط کردند، شنها مأمور خدا بودند، باد مأمور خداست، قوم عاد را باد از بین برد. این باد مأمور خداست، این شنها همه مأمورند. تجربه بکنند باز.» (خمینی رحمته الله علیه، روح الله، صحیفه نور، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۲، ص ۱۳۹-۱۴۰).

در روز ۲۱ بهمن، پس از آن که فرمانداری نظامی تهران ساعت حکومت نظامی و منع آمد و شد را ۴ بعد از ظهر تعیین کرد مرحوم آیت الله طالقانی اطلاعیه ای صادر کرد و هشدار داد می خواهند حمام خون برپا کنند. تصور طالقانی که تنها سه ماه قبل از زندان آزاد شده بود این بود که کودتایی تدارک دیده شده است. این اطلاعیه چاپ هم شده و آماده توزیع بود. اما رهبری انقلاب موضع متفاوتی گرفت و به عکس از مردم خواست بیرون بیایند. امام خمینی اعلام داشت که توطئه ای در کار است و مردم نه فقط نباید دستور فرمانداری نظامی را مراعات کنند، بلکه باید به خیابانها ریخته و تظاهرات را گسترش دهند. همزمان با گسترش تظاهرات در شهر... بسیاری از کلانتریها بدون مقاومتی تسلیم شدند. (طباطبایی، صادق، خاطرات سیاسی - اجتماعی، موسسه چاپ و نشر عروج، ج ۳ ص ۲۳۲).

حضرت امام خمینی (ره) می فرمایند: «آن تحولی که در ملت پیدا شد که از حال خوف برگشت به حال قدرت، از حال ضعف برگشت به حال قدرت، این تحول، تحول الهی بود. دست بشر امکان ندارد برایش که بتواند در یک ملتی این طور تحول ایجاد کند، هیچ امکان ندارد.» (خمینی رحمته الله علیه، روح الله، صحیفه نور، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۱، ص ۱۷۶).

۳-۳. ایمان به وعده حکومت و جانشینی مستضعفین و مومنان در زمین

ایمان به وعده حکومت الهی از جمله مسائلی است که به روشنی در آیات کلام الله مجید آمده است:

﴿ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا

يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٥٥﴾ «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین (خود) قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین (خود) قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند (تا) مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هرکس پس از آن به کفرگراید آنانند که نافرمانند.»

آیه فوق وعده زیبایی است برای مؤمنین که عمل صالح هم دارند و به آنان وعده داده که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می‌کند و زمین را در اختیارشان می‌گذارد و دینشان را در زمین متمکن می‌سازد، و امنیت را جایگزین ترسی که داشتند می‌کند، امنیتی که دیگر از منافقین و کید آنان، و از کفار و جلوگیری هایشان بی‌نی نداشتند باشند، خدای را آزادانه عبادت کنند، و چیزی را شریک او قرار ندهند. (طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱۵، ص ۲۱۰).

از مجموع آیه چنین بر می‌آید که خداوند به گروهی از مسلمانان که دارای این دو صفت هستند؛ «ایمان» و «عمل صالح» سه نوید داده است:

- ۱- استخلاف و حکومت روی زمین.
- ۲- نشر آئین حق به طور اساسی و ریشه‌دار در همه جا (که از کلمه "تمکین" استفاده می‌شود).

۳- از میان رفتن تمام اسباب خوف و ترس و وحشت و ناامنی.
و نتیجه این امور آن خواهد شد که با نهایت آزادی خدا را بپرستند و فرمانهای او را گردن نهند و هیچ شریک و شبیهی برای او قائل نشوند و توحید خالص را در همه جا بگسترانند. (مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۴، ص ۵۲۸).
در تفسیر آیه ۵ سوره مبارکه قصص امام علی (ع) چنین می‌فرمایند که: «دنیای پس از

سرکشی به ما روی می کند ، چونان شتر ماده بدخوکه به بچه خود مهربان گردد. (سپس این آیه را خواندند. ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ ...﴾ (شریف الرضی ، محمد بن حسین، نهج البلاغه ، ترجمه : دشتی، محمد، قم، مشهور، حکمت ۲۰۹).

در حدیث دیگری از همان امام بزرگوار در تفسیر این آیه می خوانیم : « این گروه آل محمد ﷺ هستند. خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می شود برمی انگیزد و به آنها عزت می دهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می کند. » (عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، انتشارات اسلامیان، ج ۴، ص ۱۱۰. به نقل از غیبه شیخ طوسی.)

امام ﷺ روز ۱۲ فروردین، ۱۳۵۸ (روز جمهوری اسلامی) در خطاب به مردم ایران بعد از قرائت آیه ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ ...﴾ چنین فرمودند: « خداوند تعالی بر ما منت نهاد و رژیم استکبار را با دست توانای خود که قدرت مستضعفین است در هم پیچید و ملت عظیم ما را ائمه و پیشوای ملت‌های مستضعف نمود، و با برقراری جمهوری اسلامی، وراثت حقه را بدانان ارزانی داشت. من در این روز مبارک، روز امامت امت و روز فتح و ظفر ملت، جمهوری اسلامی ایران را اعلام می‌کنم. به دنیا اعلام می‌کنم که در تاریخ ایران چنین فراندمی سابقه ندارد، که سرتاسر مملکت با شوق و شغف و عشق و علاقه به صندوقها هجوم آورده و رأی مثبت خود را در آن ریخته و رژیم طاغوتی را برای همیشه در زباله دان تاریخ دفن کنند. » (خمینی ﷺ، روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ﷺ، ج ۶، ص ۴۵۳).

صبحگاه ۱۲ فروردین- که روز نخستین حکومت الله است- از بزرگترین اعیاد مذهبی و ملی ماست. ملت ما باید این روز را عید بگیرند و زنده نگه دارند. امام ﷺ این روز را سالروز رسمیت یافتن حکومت مستضعفین بر مستکبرین در ایران و تحقق وعده حق تعالی معرفی کردند. (همان ، ج ۱۲، ص ۲۱۹)

خدای متعال این را فرموده است که آینده متعلق است به مؤمنین، متعلق است به صالحین، متعلق است به مجاهدین فی سبیل الله؛ در این هیچ تردیدی نیست؛ این یک

وعده‌ی الهی است. اما اگر کسی دچار وسوسه و تردید هم بشود، وعده‌ی الهی هم دل او را آرام نکند، تجربه‌ها باید دل او را آرام کند. بنده مکرر این را عرض میکنم و با همه‌ی وجود اعتقاد به این معنا دارم. اگرچنانچه هیچ وعده‌ای هم به ما داده نشده بود، با این تجربه‌هایی که ملت ایران از سی و چهار سال پیش به این طرف دارد، باید یقین میکرد که آینده متعلق به او است؛ باید یقین میکرد که پیروزی متعلق به او است. (خامنه‌ای، سید علی، بیانات آیت الله خامنه‌ای در محفل انس با قرآن کریم، ۱۳۹۶/۰۳/۰۶، [https://farsi.khamenei.ir/speech-\(content?id=36663](https://farsi.khamenei.ir/speech-(content?id=36663)

امام خمینی علیه السلام، نخستین کسی است که پس از قرن‌ها موفق به تشکیل حکومت دینی بر اساس رهبری مجتهد واجد شرایط گردید که از جمله شرایط آن: تهذیب و صیانت نفس، تدبیر و مدیریت و کاردانی در اداره جامعه، شجاعت و عدالت و کارشناس و مجتهد بودن در احکام الهی می‌باشد. (انصاری، حمید، حدیث بیداری، موسسه چاپ و نشر عروج، ص ۱۸۵).

از بیانات امام راحل و همچنین رهبر عظیم‌الشان انقلاب این دریافت میشود که امام خمینی وعده الهی حکومت مستضعفین و جانشینی مومنان در زمین را یک اصل میدانستند؛ و آن را سرلوحه قیام خویش قرار دادند و به مردم ایران نیز ابلاغ کردند؛ که نتیجه آن ایجاد امید، شجاعت، آرامش و اطمینان در قلب مردم با ایمان ایران و ایجاد رعب و وحشت و ناامیدی در قلب طاغوتیان بود.

حکومت واقعی مستضعفین و جانشینی مومنان در زمین بلاشک توسط حضرت موعود (عج) و بعد ظهور ایشان واقع خواهد شد. اما حکومت اسلامی ایران که به رهبری امام خمینی (ره) تشکیل شد نمونه و مصداقی از آن حکومتی است که خداوند وعده داده است؛ همان طور که در خود آیات شریفه نیز از حکومت‌های پیشین پیامبران سخن گفته است. انقلاب ایران مثالی است برای حکومتی که امام زمان (عج) قرار است در عالم پیاده کند. جنبش و انقلابی که مردم ایران به رهبری امام راحل به راه انداختند و به پیروزی رساندند؛ نه تنها تأثیرات شگرفی در خود مردم ایران داشت بلکه حامل پیامی جهانی شد. باعث شد قلوب

تمام مسلمین و مومنان جهان آرامش یابد، بیش از پیش به وعده های حق الهی ایمان یابند، قامهایشان در راه خدا استوار گردد. باعث بیداری و بصیرت اسلامی بین تمام مسلمین شد، زمینه ظهور حضرت مهدی (عج) را فراهم ساخت.

۳-۴. ایمان به وعده هلاکت ظالمان

خداوند متعال در قرآن کریم، وعده هلاکت ظالمان را بیان نموده است:

﴿ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَنَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَعْتَهُ أَوْ جَهَنَّمَ هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ ﴾ (انعام/۴۷) « بگو به نظر شما اگر عذاب خدا ناگهان یا آشکارا به شما برسد آیا جز گروه ستمگران (کسی) هلاک خواهد شد. »

این آیه شریفه متضمن حجتی است که علیه عموم ستمکاران اعلام خطر نموده، بیان می کند که عذاب خداوند آنان را از قلم نخواهد انداخت، چون عذاب خدا هرگز هدف را اشتباه نمی کند، و نیز بیان می کند که همین مشرکین ستمکارانند، برای اینکه ایشانند که از دعوت الهی سرباز زده و آیات خدایی را تکذیب کرده اند. (طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۷، ص ۱۳۳). علامه آیه را متضمن عموم ستمکاران میداند؛ پس تمامی کسانی که در مقابل حق بایستند و راه باطل را پیش بگیرند نیز شامل عذاب میشوند.

در دیدگاه امام خمینی ره استقرار صلح واقعی در جهان با وجود قدرتهای سلطه گر مستکبر و پذیرش موجودیت و سلطه آنان خیالی خام بیش تلقی نمی شد. او می فرمود: « سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است؛ و تا این سلطه طلبان بی فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده است نمی رسند. » (خمینی ره، روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، ج ۱۲، ص ۱۴۴).

آن روز مبارك است بر ما که سلطه جهانخواران بر ملت مظلوم ما و بر سایر ملت های مستضعف شکسته شود؛ و تمام ملت ها سرنوشت خودشان را به دست خودشان بگیرند.

همان، ج ۱۴، ص ۲۲۶

۳-۵. ایمان به وعده بازگشت همگی به سوی خدا

خداوند متعال می فرماید: ﴿ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا ... ﴾ (یونس/۴)»

بازگشت همه شما به سوی اوست وعده خدا حق است. «

امام خمینی (ره) در وصیتنامه اش نوشته است: « با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص، و به سوی جایگاه ابدی سفر می کنم. و به دعای خیر شما احتیاج مبرم دارم. و از خدای رحمان و رحیم می خواهم که عذرم را در کوتاهی خدمت و قصور و تقصیر بپذیرد. « (خمینی رحمته، روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته، ج ۲۱، ص ۴۵۰).

شگفت آنکه امام خمینی (ره) در یکی از غزلیاتش که چند سال قبل از رحلت سروده

است می گوید:

از غم دوست در این میکده فریاد کشم* * دادرس نیست که در هجر رخس داد کشم
سالها میگردد حادثه ها می آید* * انتظار فرج از نیمه خرداد کشم

ساعت ۲۰ / ۲۲ بعد از ظهر روز شنبه سیزدهم خرداد ماه سال ۱۳۶۸ لحظه وصال بود.

قلبی از کار ایستاد که میلیون ها قلب را به نور خدا و معنویت احیاء کرده بود. (انصاری،

حمید، حدیث بیداری، موسسه چاپ و نشر عروج، ص ۲۰۲).

امام راحل نه تنها یقین به این وعده خداوند داشتند بلکه در این غزل زیبایشان زمان

رسیدن و برگشتن خویش به سوی خداوند را پیش بینی کردند؛ و با نگاهی عرفانی به این

وعده در آرزوی وصال دوست غم ها کشیده اند.

و بدینسان رحلت امام خمینی نیز همچون حیاتش منشأ بیداری و نهضتی دوباره شد و

راه و یادش جاودانه گردید؛ چراکه او حقیقت بود؛ و حقیقت همیشه زنده است و فنا ناپذیر. او

جلوه ای از جلوه های «کوثر» بود و کوثر ولایت، همیشه در زمین و زمانه ها جاری است. و

حکایت آن عبد صالح خدا همچنان باقی است ...

نتیجه گیری

امام خمینی (ره) احیاگر دین خداوند در عصر ظلم و طاغوت بودند. امام در تمامی مقاطع زندگیشان ایمان به خداوند را سرلوحه زندگی خویش قرار داده اند؛ و در تمامی تصمیمات مهم برای نایل شدن به پیروزی در انقلاب و همچنین دفاع مقدس ایمان به خداوند را یک اصل می دانستند؛ و این فریضه اخلاقی را بارها به مردم ایران گوش زد کرده اند. یکی از این اعتقادات «ایمان به وعده های الهی» بود که برای مسلمانان و مومنان جهان در قرآن داده شده است. به خصوص وعده نصرت مومنان از طرف خداوند، وعده جانشینی مومنان و حکومت مستضعفین در زمین، وعده هلاکت ظالمان و وعده بازگشت به سوی خداوند. امام علیه السلام، نه تنها خودشان به وعده های الهی ایمان و اعتقاد راسخ داشتن، بلکه این اعتقاد را در قلوب مردم ایران نهادینه کردند. و نتیجه این شد که مردم ایران با توجه به این وعده ها و ایمان به آنها قلوبشان آرام گشت، شجاعت و شهامت مضاعف پیدا کردند و امید در دلشان زنده شد. و در نهایت انقلاب به ثمر نشست، رژیم طاغوت شاهنشاهی از بین رفت، و همچنین در هشت سال دفاع مقدس یک وجب از خاک مملکت زیبایمان ایران به دست بعضیان ظالم نرسید. و این طور شد که امام ایمان مردم به خداوند و قرآن را مضاعف کردند. پیام انقلاب ایران نه تنها در میان خود مردم ایران بلکه در تمامی کشورهای اسلامی پخش شد. موجی از بیداری اسلامی در جهان مسلمین شروع به خروشیدن کرد. و مسلمانان جهان و حتی مخالفان اسلام به این عقیده رسیدند که وعده های خداوند در قرآن حق است و باطلی در آنها راه ندارد. و همچنین این پیروزی باعث شد مردم جهان بیش از پیش به برپایی حکومت امام زمان (عج) که حکومت واقعی مستضعفین است اعتقاد پیدا کنند.

رحلت امام علیه السلام نیز همچون حیاتشان منشا بیداری مردم مومن و انقلابی شد. نگاه زیبای امام راحل به وعده «بازگشت به سوی خداوند» با آن غزل زیبایشان (انتظار فرج از نیمه خرداد کشم)، جلوه ای دیگر از اعتقاد ایشان به خداوند و وعده هایش را نمایانگر ساخت. و بدینسان یادش در خاطر مردم جاودانه ماند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۲. نهج البلاغه، شریف رضی، تحقیق صبحی صالح، ۱۴۱۴ ق، دارالهجره، قم.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقایس اللغة، به کوشش: هارون، عبدالاسلام محمد، قم: مکتب الاعلام الاسلامی. ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الأعظم / محقق و مصحح: هنداوی، عبدالحمید، بیروت؛ دارالکتب العلمیه، بی تا.
۵. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، متشابه القرآن و مختلفه، قم: داربیدار للنشر، ۱۳۶۹ هـ. ش.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالصادر، چاپ سوم، بی تا.
۷. انصاریان، حسین، تفسیر حکیم، دارالعرفان، قم: چاپ اول، بی تا.
۸. انصاری، حمید، حدیث بیداری موسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۳ هـ. ش.
۹. بستانی، فواد الفرام، فرهنگ ابجدی، تهران، ناشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ هـ. ش.
۱۰. خامنه ای، سید علی، بیانات آیت الله سید علی خامنه ای در مراسمات و رویداد های مختلف. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار: khamenei.ir
۱۱. خمینی رحمته الله علیه، روح الله، صحیفه نور، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، بی تا.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ناشر: مرتضوی، چاپ دوم. ۱۳۷۴ هـ. ش.
۱۳. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه: دشتی، محمد، قم، مشهور، ۱۳۷۹ هـ. ش.
۱۴. _____، نهج البلاغه (للسبھی صالح)، قم، ۱۴۱۴ ق.
۱۵. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام / مترجم: مستفید، حمید رضا، غفاری، علی اکبر، تهران؛ صدوق، چاپ اول، ۱۳۷۲ هـ. ش.
۱۶. طیب، سید عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم. ۱۳۷۸ هـ. ش.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، مترجم: موسوی همدانی، سید محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم. ۱۳۷۴ هـ. ش.

۱۸. طباطبایی، صادق، خاطرات سیاسی - اجتماعی، موسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۸ ه. ش.
۱۹. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم، انتشارات اسلامیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.
۲۰. عضیمه، صالح، معناشناسی واژگان قرآن، آستان قدس رضوی، مشهد مقدس، ۱۳۸۰ ه. ش.
۲۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب القاموس المحيط، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
۲۲. مدنی، علی خان، الطراز الاول، مشهد مقدس، موسسه آل بیت علیهم الاحیاء التراث، ۱۳۸۴ ه. ش.
۲۳. مصطفوی، سید حسن، تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰ ه. ش.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، محل نشر تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ه. ش.

تحلیل قرآنی روایی گام های اجتماعی تمدن ساز عصر ظهور از منظر امام خامنه ای (دام ظلّه)

معصومه کاشفی زاده^۱ (نویسنده: مسئول)

خدیدجه حسین زاده^۲

چکیده

دومین مرحله از مراحل تمدن سازی در بیانیه گام دوم از منظر آیت الله خامنه ای، نگاه خوش بینانه به آینده است. امید به آینده در دیدگاه ادیان مختلف، از توجه خاصی برخوردار است. در راستای ترسیم دیدگاه آیت الله خامنه ای به عنوان اندیشمند دینی در سه عرصه فردی، اجتماعی و بین المللی، به دنبال مقاله قبل در بُعد فردی، مقاله پیش رو؛ با روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه ای در صدد است به تحلیل قرآنی - روایی گام های اجتماعی تمدن ساز عصر ظهور از منظر ایشان بپردازد. یافته های پژوهش حاضر، حاکی از آن است مهم ترین گام های اجتماعی تمدن ساز در دو بُعد «بینشی» و «رفتاری» قابل تقسیم است. شناخت جامعه مهدوی و شناخت دشمن در بُعد بینشی؛ اتکا به نیروی

۱. haramm@chmail.ir دانش آموخته سطح چهار تفسیر تطبیقی و مدرس جامعه الزهرا علیها السلام

۲. پژوهشگر رشته ی تفسیر و علوم قرآنی پژوهشگاه مطالعات اسلامی زنان جامعه الزهرا علیها السلام و مدرس مؤسسه

آموزشی بنت الهدی، Hosinzadeh110@gmail.com

داخلی، عمل به هنگام و حضور مردم در صحنه، در بُعد عملی، از مهم‌ترین گام‌های اجتماعی، از منظر آیت‌الله خامنه‌ای شمرده شده‌است که همگی دارای مؤیدات قرآنی و روایی است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، گام‌های تمدن‌ساز، گام‌های اجتماعی، بیانیه گام دوم انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای، شناخت جامعه، حضور مردم.

مقدمه

سیر در دیدگاه حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی در طول زعامت بعد از حضرت امام علیه السلام از سال ۶۸ تا کنون به سمت رهبری انقلاب اسلامی این نکته را در بر دارد که ایشان به عنوان اندیشمند دینی «چکیده منظومه فکری» خود را که برگرفته از «قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام» (متن دین و قرآن کریم) است در بیانیه گام دوم مرقوم نمودند. حضرت آیت الله خامنه ای با صدور این بیانیه که دارای زوایای مختلفی است برای ادامه راه روشن انقلاب، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته پرداخته و توصیه های اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده اند. بیانیه گام دوم خطاب به ملت ایران و به ویژه جوانان به منزله منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی» است. این گام، «انقلاب» را «به آرمان بزرگش» که «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی» هست، نزدیک خواهد کرد. بنابراین می توان دیدگاه ایشان در تمدن سازی عصر ظهور را از ابعاد سه گانه فردی، اجتماعی و بین المللی بررسی کرد؛ از این رو مقاله پیش رو با روش توصیفی و تحلیلی به این سوال می پردازد که گام های اجتماعی تمدن سازی عصر ظهور از منظر مقام معظم رهبری دارای چه مستندات روایی و قرآنی است؟

پیشینه

با جستجوی انجام گرفته نوشتاری با عنوان «تحلیل قرآنی-روایی گام های اجتماعی تمدن ساز عصر ظهور از دیدگاه آیت الله خامنه ای» یافت نشد اما آثاری وجود دارد که در ضمن آن به این موضوع پرداخته شده است. کتاب «منظومه فکری آیت الله العظمی خامنه ای» نام برد که آقای عبدالحسین خسروپناه به همراهی جمعی از پژوهشگران در دو جلد، به چهار رکن اساسی منظومه فکری معظم له در قالب: جهان بینی و مسائل بینشی؛ نظام منشی شامل اخلاقیات و معنویات؛ نظامات اجتماعی شامل مباحث فرهنگی، علمی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و ...؛ اهداف اجتماعی اسلام مشتمل بر آزادی،

استقلال، عدالت، پیشرفت و تمدن است؛ پرداخته‌اند. اخیراً نیز کتاب «گام تمدن ساز» اثر جمعی از نویسندگان نشر معارف، در چهار فصل، شامل: سرگذشت انقلاب، برکات بزرگ انقلاب، چالش‌ها و ظرفیت‌ها، و توصیه‌ها؛ به تبیین بیانیه گام دوم پرداخته است. مقاله «مبانی حاکم بر مهندسی تمدن نوین اسلامی - ایرانی» نوشته مصطفی زمانی، در مجله مطالعات روابط فرهنگی بین الملل، بررسی مبانی را عهده دار است. هر یک از نوشته‌های فوق از نظر محتوایی با نوشتار مقاله حاضر متفاوت است؛ چرا که در آن آثار، ادغام صبغه قرآنی-روایی، با توجه به بحث گام‌های اجتماعی تمدن‌ساز عصر ظهور مشاهده نشد؛ از این رو به نظر می‌رسد نوشتار حاضر کاری جدید باشد.

۱) مفهوم شناسی

قبل از شروع بحث، به تبیین مفهومی دو کلمه کلیدی «تمدن» و «عصر ظهور» در پرداخته می‌شود:

۱-۱) تمدن

واژه «تمدن» کلمه‌ای عربی از ریشه «م د ن» به معنای «تخلّق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت» (ر.ک: دهخدا، ۱۳۴۳: ۱۴/۹۴۲) و به عبارت دیگر به معنای «شهرنشینی» است و به صورت مجازی در معنای «تربیت» و «ادب» (ر.ک: همان؛ یادداشت به خط مرحوم دهخدا) به کار رفته است. کلمه «تمدن داشتن» نیز مصدر مرکب به معنای «دارای تربیت بودن» (ر.ک: همان) است و ناظم الاطباء آن را به معنای «شهرنشینی بودن و در مرحله کامل تربیت اجتماعی قرار داشتن» (ر.ک: همان) آورده است. همچنین کلمه «تمدن tamaddon» در دو حالت: ۱. به صورت مصدر به معنای «شهرنشینی شدن، به اخلاق و آداب شهریان خوگرفتن»؛ ۲. به صورت اسم به معنای «همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و...» به کار رفته است (ر.ک: معین، ۱۳۸۶: ۴۶۳).

تمدن در اصطلاح تعابیر گوناگونی دارد، در یک دسته بندی، به تعاریف «انسان محور، فرهنگ محور، جامعه محور، و تاریخ محور» تعریف شده اند (رک: حسینی، ۱۳۹۳: ۲۱-۴۵). در یکی از تعابیر، عبارت «تشکل هماهنگ انسان‌ها، در حیات معقول، با روابط عادلانه، و اشتراک همه افراد و گروه های جامعه، در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها، در همه ابعاد مثبت» (جعفری، ۱۳۷۹: ۷) آمده است. تعابیر دیگر تمدن چنین است؛ تمدن به همه تغییرات کمی و کیفی اطلاق می‌شود که در عرصه داد و ستد اجتماعی و حیات مشترک انسان‌ها مجال بروز یافته و ماندگار شده است. در واقع تمدن، تجلی آثار و نشانه دستاوردهای مادی و معنوی تاریخ مردم یک سرزمین در زمان و مکان معین است (شایان مهر، ۱۳۸۴: ۱۷۳). تمدن که در مفهوم نوع ویژه‌ای از توسعه مادی و معنوی به کار می‌رود ارتباط و نزدیکی با فرهنگ دارد تا آن جا که هر دو در یک معنی و مفهوم به کار برده می‌شوند. ۱- تمدن حوزه گسترده‌تری از فرهنگ را شامل می‌شود. ۲- تمدن وجود شهر یا شهرهایی را ایجاب می‌کند. ۳- در تمدن وجود مجموعه‌ای هماهنگ از دانش‌ها، صفت‌ها جهت تسلط روزافزون بر طبیعت و سازمان دهی پیشرفته حیات اجتماعی اجتناب ناپذیر است (شایان مهر، ۱۳۹۰: ۴۶۸).

حضرت آیت الله خامنه‌ای مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت همه جانبه با مفهوم اسلامی را «ایجاد تمدن نوین اسلامی» می‌دانند که خود دارای دو بخش «ابزاری» (ارزش‌هایی مانند علم، اختراع) و بخش «متنی» (سبک زندگی) است و به عبارتی، بخش اول، بخش «سخت افزاری» و بخش دوم، بخش «نرم افزاری» تمدن به حساب می‌آیند؛ معتقدند اگر در بخش دوم پیشرفت نکنیم، پیشرفت های بخش اول نمی‌تواند ما را رستگار کند. هدف آن نیز تکامل مادی و معنوی انسان، رسیدن به حیات طیبه، تحقق عبودیت و قرب الهی است (رک: بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۲۳ / ۰۷ / ۱۳۹۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>) ایشان هدف از جامعه تمدنی را با «حیات طیبه» قرین دانسته، در مورد حیات طیبه فرمودند: حیات طیبه یعنی

زندگی در رویه مادی و نیازهای جسمانی و همچنین در لایه نیازهای معنوی (علمی، عملی، و روحی) پاسخگو باشد (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان، ۱۹ / ۰۲ / ۱۳۸۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3290>); بنابراین «تمدن» در دیدگاه ایشان همه جانبه بوده، دارای دو بخش ابزاری و اصلی، به هدف تکامل مادی و معنوی انسان، رسیدن به حیات طیبه، تحقق عبودیت و قرب الهی است.

۱-۲) عصر ظهور

کلمه «عصر» در کتب لغت در چند معنا به کار رفته؛ «زمان، روزگار، دوره» و «فشردن» برخی از معانی آن است (ر.ک: معین، ۱۳۸۶: ۱۰۰۵)؛ همچنین در کتب لغت کلمه «ظهور» نیز دارای چند معناست که «آشکار شدن، نمایان شدن» یک معنای آن است (ر.ک: معین، ۱۳۸۶: ۹۸۷). در تفسیر کلمه «العصر» (عصر: ۱) حویزی در تفسیر نور الثقلین، حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که منظور، عصر خروج حضرت مهدی علیه السلام است (حویزی، ۱۴۱۵: ۵ / ۶۶۶، ح ۵). علامه طباطبایی مراد از عصر را «عصر ظهور حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم» می داند و بعد از ذکر اقوال مختلف در مورد این کلمه، به این نکته اشاره دارد که طبق بعض روایات، مراد «عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام» است که در آن عصر حق بر باطل به طور کامل غلبه کند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰ / ۳۵۵-۳۵۶).

حضرت آیت الله خامنه ای شروع زندگی واقعی بشر را از زمان حضرت حجت علیه السلام دانسته، تصریح دارند عصر ظهور در انتهای وضع کنونی زندگی بشر است. ایشان در فروردین سال ۹۹، در سخنرانی تلویزیونی خود چند نکته مهم را در مورد حضرت حجت علیه السلام یادآور شدند از جمله اینکه تصریح کردند که «زندگی واقعی بشر از زمان حضرت ولی عصر شروع می شود» لیکن این امر در انتهای وضع کنونی زندگی بشر است و همه چنین عاقبتی را وعده داده اند. در انتظار فرج، «امید»، «تحریک» و «اقدام» وجود دارد و «انتظار فرج حضرت ولی عصر» یک مصداق از انتظار فرج است. انتظار به این معناست که انسان احساس کند «عاقبت دست یافتی» وجود دارد. ما که انتظار ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را داریم،

در راه ایجاد جامعه مهدوی باید تلاش کنیم؛ هم خودسازی کنیم، هم به قدر توان و امکان خود، دگرسازی کنیم و بتوانیم محیط پیرامونی خود را به جامعه مهدوی نزدیک کنیم. ایشان خصوصیات جامعه مهدوی را در «قسط»، «معنویت»، «معرفت»، «برادری»، «علم» و «عزت» برشمردند (ر.ک: سخنرانی تلویزیونی به مناسبت ولادت حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۲۱/۰۱/۱۳۹۹).

حضرت آیت الله خامنه ای برای تمدن سازی اسلامی، امید می دهند که «کانون آن در ایران اسلامی» است، می فرمایند: «ما هیچ کاری در مقابل خودمان نداریم که از اصل پیروزی انقلاب، بزرگتر و از تشکیل نظام جمهوری اسلامی، سخت تر باشد. این ملت توانست سخت ترین کارها را انجام بدهد؛ یعنی یک نظام اسلامی و یک جزیره امن و امان الهی در وسط این اقیانوس متلاطم مادّیگری، کفر و طغیان به وجود بیاورد. قدرتمندان عالم بدانند، کانون همان نیروی عظیم اسلامی که امروز در همه جای عالم، تخت استکبار و قدرت استکباری را به لرزه درآورده، در همین منطقه اسلامی و در ایران اسلامی است. این کانون اجازه نخواهد داد که آنها در این منطقه، حکمرانی و قدرت نمایی بکنند و سیاست این منطقه را به دست بگیرند. این منطقه، منطقه اسلامی و متعلق به مسلمانان است. دشمن در مقابل ملتی که ایمان راسخ و امید به آینده دارد و آماده فداکاری است و وحدت را در میان خود، مثل گوهر گرانبهایی حفظ می کند، چه کار می تواند بکند (ر.ک: بیانات در دیدار مردم قم ۱۹/۱۰/۱۳۶۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45317>).

در نوشتار پیش رو برای تبیین گام های اجتماعی تمدن ساز عصر ظهور پس از تبیین مفاهیم کلیدی، به مهم ترین گام های اجتماعی تمدن ساز عصر ظهور در منویات حضرت آیت الله خامنه ای پرداخته می شود. گام اول در راستای «گام بینشی» و گام دوم در جهت «عملی (رفتاری)» باید انجام گیرد که در ذیل به تفصیل، به آن پرداخته می شود.

۲) گام های بینشی

مهم ترین گام اجتماعی در راستای تمدن سازی در کلام رهبری «گام بینشی» است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در مورد حضرت حجت علیه السلام چنین می‌فرمایند: همه مسلمانان حقیقت مهدی موعود را قبول داشته و خصوصیات کلی ظهور را می‌دانند (ر.ک: سخنرانی در خجسته سالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۲۲ / ۱۲ / ۱۳۶۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2276>) اما بین شیعیان با دیگر مسلمانان تفاوت در خصوصیات شخصی آن حضرت است (ر.ک: بیانات در دیدار مردم قم ۳۰ / ۱۱ / ۱۳۷۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2587>). ایشان در بیاناتی به امتیاز شیعه در بحث مهدویت پرداخته، فرمودند امتیاز در این است که شیعه این شخصیت نجات بخش بشریت را با نام و نشان و خصوصیات می‌شناسد و معتقد است او همواره برای دریافت دستور الهی، آماده است (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلاهی تهران ۳۰ / ۰۷ / ۱۳۸۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3149>) و در دیدار جمعی از بسیجیان فرمودند: ملت ایران، امروز این امتیاز بزرگ را دارد که فضای کشور، فضای امام زمان است. نه فقط شیعه در همه عالم، بلکه همه مسلمانان در انتظار مهدی موعودند؛ امتیاز شیعه این است که این موعود الهی و قطعی همه طوایف مسلمین بلکه همه ادیان الهی را با اسم و رسم و خصوصیات و تاریخ ولادت می‌شناسند (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان، ۱۳۷۸ / ۰۹ / ۰۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2983>)؛ از این رو تا جامعه دینی به این بینش نرسد در عصر غیبت نخواهد توانست تمدن سازی کند. حضرت آیت الله خامنه‌ای در بحث امید به آینده یک ملت، به جهانی بودن شعارهای ملت ایران اشاره کرده، می‌فرمایند: شعارهای ما «شعار جهانی»، ناظر به بشریت و ناظر به قطع دست مستکبران به طور کامل از کشور ما و ملت ماست (ر.ک: بیانات در دیدار جمعی از مردم استان گیلان ۱۳۸۹ / ۱۰ / ۰۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10782>).

خدای متعال در آیاتی از کلام خود با عبارت «لِيُظْهِرَهُ» (توبه: ۳۳؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۹)؛ تا

آن را غالب [پیروزا] گرداند» وعده داده که دین حق جهانی می‌شود. وعده جهانی شدن دین خدا با وجود توطئه‌ها و تلاش دشمن برای براندازی نظام توحیدی، جز با جنگ، دفاع و حضور مردم در صحنه تحقق نمی‌یابد چرا که خدای متعال فرمود: «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ ... (بقره: ۱۹۳)؛ و با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد، و طاعت، خاص خدا گردد». سنت الهی دفاع، برای آزمایش مردم است و نقش رزمندگان بیش از وسیله بودن نیست؛ کار نهایی را خدای متعال انجام می‌دهد ولی انسان نیز باید در صحنه نبرد باشد؛ زیرا بر اساس آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَ يَثْبِتْ أَقْدَامَكُمْ (محمد: ۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خدا را یاری کنید، او [نیز] شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد» در این آیه با خطاب به مومنان می‌فرماید اگر خدا را یاری کنند خدای متعال آنها را یاری کرده، آنها را ثابت قدم می‌دارد (رک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲ / ۶۰-۶۶ / ۱۸ / ۲۲۹)؛ پس باید یاری مومنان باشد اما بدانند از آن جایی که عبد خدا تحت ولایت اوست و از خود استقلال ندارد کار نهایی با خدای متعال است و مقاومت آنها در طول اراده الهی است (رک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶ / ۱۲). از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مؤلفه‌های «شناخت جامعه مهدوی» (رک: بیانات در دیدار افشار مختلف مردم ۱۷ / ۱۰ / ۱۳۷۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2780>) «شناخت دشمن و برنامه او» (رک: بیانات در دیدار مردم قم ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۹۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=35367>) از جمله مهم‌ترین گام‌های بینشی (شناختی) اجتماعی برای تمدن‌سازی عصر ظهور است که در ذیل به آن دو مؤلفه پرداخته می‌شود:

الف: شناخت جامعه مهدوی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای طی سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سالروز ولادت امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه، جامعه مهدوی را جامعه‌ای با خصوصیات «قسط»، «معنویت»، «معرفت»، «اخوت»، «علم» و «عزت» معرفی کردند (امام‌خامنه‌ای، سخنرانی تلویزیونی به

مناسبت ولادت حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه / ۲۱ / ۵۱
 ۱۳۹۹، ۴۵۳۱۷، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45317>. ایشان معتقدند که جامعه مد نظر اسلام جامعه‌ای است که از لحاظ «مادی» و «معنوی» باید با هم پیشرفت کند در این صورت است که آن خصوصیات استثنائی جامعه و تمدن اسلامی خود را با ترکیبی از دنیا و آخرت نشان می‌دهد (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم شاهرود ۲۰ / ۵۸ / ۱۳۸۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3367>) می‌فرمایند: «ما می‌توانیم تمدن نوین اسلامی را برپا کنیم و دنیایی بسازیم که سرشار از معنویت باشد و با کمک معنویت و هدایت معنویت راه برود؛ این کارها را می‌توانیم انجام بدهیم، که به توفیق الهی هم، می‌کنیم» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۹ / ۵۹ / ۱۳۹۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24721>). ایشان در باره تأثیر شگرف عقیده به امام زمان عجل الله تعالی فرجه در باطن فرد و حرکت اجتماع، در حال و آینده، می‌فرمایند: عقیده به امام زمان به شرطی که درست فهمیده شود این تأثیر را دارد که نمی‌گذارد مردم تسلیم شوند. ملت معتقد، مؤمن، امیدوار به آینده و مرتبط با پرده نشینان غیب، هرگز تسلیم و مرعوب نمی‌شود (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۷ / ۱۰ / ۱۳۷۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2780>). همچنین می‌فرمایند: اعتقاد به وجود مقدس مهدی موعود ارواحنا فداه امید را در دل‌ها زنده می‌کند و انسان معتقد به این اصل، ناامید نمی‌شود زیرا می‌داند پایان روشن حتمی، وجود دارد و سعی می‌کند خودش را به آن برساند (ر.ک: بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۲۵ / ۵۹ / ۱۳۷۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2865>). البته در امید به آینده داشتن، باید به «وجود مشکلات سر راه» و «بیشتر بودن فرصت‌ها و امیدها نسبت به مشکلات» توجه داشت که با توکل بر خدا می‌توان این مشکلات را بر خود آسان کرد (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۶ / ۵۶ / ۱۳۸۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8019>). ایمان و امید دو عامل

اصلی پیروزی است که همت همه دشمنان اسلام و انقلاب، در گرفتن آن از مردم است چون از آن می ترسند (ر.ک: بیانات در دیدار مردم قم ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۶۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2409>). امروز عامل پیشبرد ملت در امید به آینده و ایستادگی در مقابل مشکلات است که امام بزرگوار چگونگی استقامت در مقابل باطل و امید به حق را به دنیا یاد دادند و این برای ما درس آموز است که این دو عامل امروز هم می تواند ملت ما را به پیش ببرد (ر.ک: بیانات پس از بازدید از منزل حضرت امام خمینی رحمته الله علیه ۱۲ / ۰۱ / ۱۳۷۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2592>).

آیات متعددی در قرآن به حکومت اهل تقوا و صالحان روی زمین، تصریح دارد، عباراتی مانند «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ (توبه: ۳۳؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۹)؛ تا آن را بر همه ادیان غالب [پیروز] گرداند»، «... أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (انبیاء: ۱۰۵)؛ زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد»، «الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (اعراف: ۱۲۸؛ هود: ۴۹؛ قصص: ۸۳)؛ عاقبت [نیک] برای تقواییان است»، «الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى (طه: ۱۳۲)؛ عاقبت [نیکو] برای [اهل] تقواست» بر این نوع حکومت اذعان دارند. آیاتی همچون آیه «وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا (نساء: ۱۲۲)؛ وعده حق خداست» و آیه «وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ (روم: ۶)؛ خدا [این را] وعده داده است، و خدا وعده اش را خلاف نمی کند» بیانگر آن است که خلف وعده الهی، ممکن نیست. طبق تصریح قرآن که می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ... (مائده: ۵۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، هرکس از شما از دین خود برگردد، [زیانی به خدا نمی رسد، زیرا] به زودی خدا مردمی را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنان نیز او را دوست می دارند. در برابر مؤمنان فروتن اند و در برابر کافران سرسخت. در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ سرزنشگری بیم ندارند» چنانچه قومی به وظیفه خود عمل نکند خدای متعال گروه دیگری را می آورد که پنج ویژگی ممتاز (محبوب خدا بودن؛ حب آنها نسبت به خدا؛ فروتن نسبت به مؤمنان در عین اقتدار در مقابل کافران؛

مجاهد در راه خدا؛ نه‌راسیدن از ملامت ملامت گران) را دارند.

در معارف دینی آمده که مؤمنان نباید تنها منتظر تحقق وعده خدای متعال بمانند (انتظار مذموم) بلکه در عصر غیبت وظیفه دارند برای عصر ظهور، زمینه‌سازی نمایند. پس یکی از مهم‌ترین گام‌های بینشی تمدن‌ساز عصر ظهور، شناخت خصوصیات جامعه مهدوی در اجتماع ایمانی است؛ بعد از آن، شناخت دشمن و برنامه او گام مهم دیگر در بینش اجتماعی است.

ب: شناخت دشمن و برنامه او

مسئولیت شناسی در قبال دشمن در مطالب بیانیه گام دوم، در پنج محور «مرزبندی با دشمن»، «دفاع در برابر تهاجم دشمن»، «جهاد علمی جوانان»، «اصلاح مشکل درونی» و «تسلیم نشدن در برابر دشمن»، قابل تنظیم است (ر.ک: بیانیه گام دوم انقلاب). با عنایت به پنج محور فوق، در این مجال به شناخت دشمن و برنامه او اکتفا می‌شود.

برای شناخت دشمن اگر با دقت نگاه شود، دشمن دو دسته است: دشمن بیرونی و دشمن درونی. دشمن اصلی، همان دشمنان بیرونی‌اند ولی از دشمنان درونی که شامل ناامیدی و بی‌انگیزگی است نیز نباید غفلت نمود. حضرت آیت الله خامنه‌ای به هر دو دسته توجه دارند و در یکی از بیانات خود این‌گونه فرمودند: دشمن، امروز مشخصاً آمریکا، انگلیس، زرسالاران بین‌المللی، صهیونیست‌ها و دنباله‌هایشان است؛ همه با جمهوری اسلامی، با ایران مستقل و پیش‌رونده، دشمن هستند؛ اینها دشمن‌های اصلی هستند، علاوه بر اینها دشمن دیگری وجود دارد که درون خود ما است. آن دشمن درونی، بی‌انگیزگی، ناامیدی، بی‌حالی، بی‌نشاطی، سیاست‌های غلط و بد، رفتارهای بد، اختلافات گوناگون بی‌وجه، تنبلی کردن، اقدام نکردن، تنگ‌نظری، همه اینها دشمنان ما است که شعار نیست بلکه متکی به واقعیات است (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم قم ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۹۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=35367>).

در متون دینی، برخی امور به عنوان دشمنان درونی شمرده شده و در ادعیه منقول از

ائمه علیهم السلام از این موارد به خدای متعال پناه برده شده، مانند روایتی که کلینی در بخش دعاهای موجز برای حوایج دنیا و آخرت، از امام صادق علیه السلام چنین نقل کرده: «... اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْهَرَمِ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ وَالْفُتْرَةِ وَالْمَسْكَنَةِ وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَمِنْ صَلَاةٍ لَا تَنْفَعُ...» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲ / ۵۸۶، ح ۲۴)؛ حضرت آیت الله خامنه ای به عنوان یک اندیشمند دینی در تبیین روایت فوق چنین فرمودند: آن حضرت موارد کسالت، ترسویی، بخل، غفلت، و ... را به عنوان دشمنان درونی نامیده و از آنها به خدای متعال پناه می برد. ایشان در ادامه در قالب توصیه فرمودند: باید توجه داشت اگر از دشمن، چه درونی و چه بیرونی غافل شویم یا جای دوست و دشمن را عوض کنیم، ضربه خواهیم خورد (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم قم ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۹۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=35367>).

همچنین مقام معظم رهبری در یکی از بیانات خود اظهار داشتند که دشمن بیرونی، چند خواسته دارد ولی در هر کدام نیز ناکام مانده است: ۱. ناامید شدن مردم ایران؛ اما ملت ایران امیدوار است؛ ۲. پشت کردن مردم به اسلام؛ اما ملت ایران با همه وجود به اسلام و قرآن متمسک است؛ ۳. ایجاد شکاف و فاصله میان ملت و مسئولین؛ اما علقه و رابطه عاطفی میان مردم و مسئولین دلسوز کشور، روزافزون است؛ ۴. پشت کردن به کار و تلاش؛ اما روحیه کار و تلاش، روز به روز در میان مردم ما بیشتر می شود (رک: بیانات در دیدار مردم یاسوج ۱۷ / ۰۳ / ۱۳۷۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=11612>)؛ ایشان در ادامه می فرمایند: «این وضع کشور ماست و این کشور امام زمان و مورد توجه ولی عصر ارواحنا فداه است، و این نیست مگر توجهات آن بزرگوار» (همان).

حضرت آیت الله خامنه ای ترفند دشمنان بیرونی را در تضعیف و از بین بردن «ایمان، امید و روح فداکاری» دانسته و چنین تشریح می کنند: چون عامل پیروزی اسلام و ملت ایران، اجتماع مردم مؤمن و فداکار بوده است، پس دشمنان اسلام و ملت ایران سعی می کنند که این عامل را از بین ببرند. مردم را که نمی شود از بین برد؛ سعی می کنند ایمان و

روح فداکاری را در مردم ضعیف کنند و از بین ببرند. روح فداکاری و ایمان و امید مردم را به وسیله تبلیغات سوء، با دروغ‌پراکنی، نسبت‌های غلط و خباثت‌آمیز به جمهوری اسلامی، ملت ایران، مسؤولان، دولت، خدمتگزاران، متدینان، با مأیوس کردن مردم و بزرگ کردن مشکلات، با ندیده گرفتن پیشرفت‌ها و موفقیت‌ها، می‌خواهند ضعیف کنند؛ دشمنان این کار را می‌کنند (ر.ک: بیانات در دیدار مردم قم ۱۹ / ۱۰/ ۱۳۶۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2409>).

ایشان در متن بیانیه گام دوم انقلاب، برنامه همیشگی دشمنان ملت ایران از اول انقلاب تا کنون را «مأیوس سازی ملت ایران از آینده» دانسته، می‌فرمایند: در طول این چهل سال، سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مأیوس سازی مردم و حتی مسؤولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیتها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه همیشگی هزاران رسانه صوتی، تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) کار دشمن، تضعیف روحیه، نشاط، تحرک و امید مردم، از اول انقلاب تا کنون بوده و اکنون وسعت پیدا کرده است (امام خامنه‌ای، بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید قربان ۱۰ / ۰۵ / ۱۳۹۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46146>)؛ همچنین در بیانی دیگر گویند: عمده موانع بیرونی پیشرفت حرکت انقلاب، تزریق نومیدی و القای ناتوانی و مانند اینها است. اینکه «نمی‌شود، فایده ندارد، نمی‌توانید»، یعنی به‌طور دائم احساس ناامیدی و ناتوانی تزریق می‌شود. تبیین‌های دروغ، تحریف حقایق تاریخی، ایجاد موانع عملی برای حرکت به سمت آرمان‌ها؛ مثل تحریم، کارهایی است که دشمن ایجاد می‌کند؛ اینها کارهای دشمن است، حال باید هدف آنها را دید که چه چیز است.

مقام معظم رهبری هدف دشمن را در اینگونه کارها، ناامید کردن جوانها دانسته،

می فرمایند: آنها می خواهند جوانهای ما را ناامید کنند، نشاط و تحرّک را از آنها بگیرند به گونه ای که جوان ها، تحرّک، پیشتازی و پیشگامی خودشان را نداشته باشند. این هدف اینها است و البته در بعضی ها اثر هم می کند، در داخل هم کسانی همین حرف های آنها را تکرار می کنند (امام خامنه ای، بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید قربان ۱۰ / ۱۰۵ / ۱۳۹۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46146>)؛ برای مقابله با هدف دشمنان باید «روحیه به آینده»، «تقویت» شود. ایشان در این زمینه، امید می دهند، می فرمایند: به فضل پروردگار، روحیه ایمان، شور، شوق، ارادت به جمهوری اسلامی و امید به آینده، عزم و تصمیم جدی بر ادامه راه انقلاب و امام، سرتاسر کشور عظیم و پهناور ما را فراگرفته است. دشمن می خواهد مردم ایران ناامید شوند؛ اما ملت ایران امیدوار است، دشمن می خواهد مردم ایران به اسلام پشت کند؛ اما ملت ایران با همه وجود به اسلام و قرآن متمسک است (ر.ک: بیانات در دیدار مردم یاسوج ۱۷ / ۱۰۳ / ۱۳۷۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=11612>).

حضرت آیت الله خامنه ای در تبیین موجبات پیشرفت می فرمایند: آنچه که مایه پیشرفت است، «رسوخ ایمان، امید و اطمینان» است؛ دشمن می خواهد این را متزلزل کند. همگان بخصوص شما خواص، مراقب باشید. وظیفه شما این است که آن را مستحکم کنید؛ بقیه کار را خود این دین با آن قدرت و این ایمان اسلامی با آن توانایی، انجام می دهد. ما دنباله جریان دین حرکت می کنیم؛ نه این که ما بخواهیم این جریان را راه ببریم (بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۰ / ۱۰۴ / ۱۳۷۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2958>).

در آیات قرآنی تصریح شده که بدخواهان دین، همیشه در فکر خاموش کردن نور خدا برآمدند غافل از آن که به اراده الهی هر روز بر جلوه حق افزوده می شود (ر.ک: توبه: ۳۲؛ صف: ۸) با این وجود نباید از دشمن انتظار خیر داشت؛ دشمن از هیچ گونه تضعیف رهبر، مکتب، امت فروگذار نکرده ولی پیروان حق همیشه در تاریخ پیروز بوده اند (قرائتی،

اردیبهشت ۹۸: ۹). در زمینه غلبه پیروان حق، آیات متعددی در قرآن آمده از جمله عبارت «كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي ... (مجادله: ۲۱)؛ خدا مقرر کرده است که: حتما من و پیامبرانم غالب خواهیم شد» و «إِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ (صافات: ۱۷۳)؛ سپاه ما بی شک پیروز خواهند گردید». در این مجال به جریان کشتی سازی حضرت نوح در خشکی اشاره می شود. آیات قرآن کار تبلیغی حضرت نوح را در چند مرحله بیان کرده است. در آیات ۳۷-۴۰ سوره هود، خدای متعال به آن حضرت فرمان می دهد که در منظر او کشتی بسازد و چون ساخت کشتی روی زمین خشک بود برخی افراد به جای این که متنبه شوند، هر گاه از کنار او رد می شدند او را مسخره می کردند تا این که فرمان الهی رسید و هر کس که خارج کشتی بود غرق شد.

با دقت در این گونه آیات به این نکته پی برده می شود که برای تمدن سازی عصر ظهور لازم است بینش اجتماعی را «طبق خواسته الهی» تنظیم کرد نه طبق آن چه دشمن برای مؤمنان طراحی کرده اند؛ این امر یک گام اساسی به شمار می رود. در بحث گام های اجتماعی علاوه بر ایجاد بینش اجتماعی مد نظر دین، کارهای عملی نیز لازم است که انجام گیرد که زمینه سازی آن به عهده حاکمان و مسئولین است و مردم نیز به تبعیت از آنان، حضور در صحنه را در اولویت قرار می دهند. البته همگان تحت ولایت ولی امر مسلمین کار می کنند، ولی امر نیز با اِعمال ولایت، اجتماع را راهنمایی می نماید؛ هر چه ولایت پذیری مردم بالاتر رود ثمرات بیشتری را به دنبال دارد و موجبات تمدن سازی عصر ظهور، بیشتر فراهم خواهد شد.

۳- گام های عملی (رفتاری)

بعد از گام بینشی، یکی از گام های تمدن ساز عصر ظهور، رفتار اجتماعی است که با تدبیر حاکمان و مسئولین در پرتو اهتمام همگانی می توان به آن دست یافت. مقام عظمای ولایت در بحثی بر غلبه رویش ها نسبت ریزش ها، تأکید دارند و مسئله رویش های نوبه نو در نظام جمهوری اسلامی را یکی از اساسی ترین و مهم ترین مسائل می دانند. ایشان در بیانیه

گام دوم نیز به صراحت آورده اند که رویش های انقلاب بسی فراتر از ریزش ها است و دست و دل های امین و خدمتگزار، به مراتب بیشتر از مفسدان، خائنان و کیسه دوختگان است. دنیا در بسیاری از عرصه ها به جوان ایرانی، پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، با چشم تکریم و احترام می نگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) بعد از بیان مقدمه، در این مجال سه گام «اتکا به نیروی داخلی»، «عمل به هنگام» و «حضور مردم در صحنه» از جمله مهم ترین گام های رفتاری آمادگی اجتماعی برای تمدن سازی عصر ظهور از منظر حضرت آیت الله خامنه ای محسوب می شود که در ذیل بدان پرداخته می شود:

الف: اتکا به نیروی داخلی

یکی از تأکیدات حضرت آیت الله خامنه ای تکیه اصلی به نیروهای خودی و روی پای خود بودن است، چنین گویند: جمهوری اسلامی ایران، آنچه را که امروز دارد، با همت فرزندان خود به دست آورده است. ما گردنمان زیر بار منت هیچ کس در دنیا خم نیست. ما با عزت از تجهیزات مدرن جهانی استفاده کرده ایم و باز هم با عزت استفاده خواهیم کرد؛ در عین حال، بیشترین امید، اعتماد و تکیه ما به نیروهای ذاتی و درونی ایران اسلامی و نیروهای خودی است، امروز ما روی پای خودمان هستیم (ر.ک: بیانات در بازدید از پایگاه هوایی شهید بابایی اصفهان ۱۸ / ۰۷ / ۱۳۷۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2639>). ایشان رمز پیشرفت نظامی ایران را در اتکا به توان داخلی می دانند. روزی که ناوشکن جماران با حضور فرمانده کل قوا بر کرانه خلیج فارس، رسماً به ناوگان نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران پیوست، حضرت آیت الله خامنه ای در دیدار با دست اندرکاران ساخت آن، اقدام کارکنان و دانشمندان ایرانی را نتیجه امید، اعتماد و توکل دانستند و فرمودند: اساس کار این است که نیروی انسانی ما، خود و توانائی های خود را بشناسد و قدر بداند (امام خامنه ای، سالروز افتتاح ناوشکن جماران ۳۰ / ۱۱ / ۱۳۸۸،

https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8906) همچنین از ادبیات انقلابی امام خمینی رحمه الله علیه «تکیه بر روی ساخت درونی ملت» نام برده؛ احیای روح عزت را، نه با تفاخر، غرور و به خودبستن، بلکه با استحکام ساخت درونی می‌دانند (امام خامنه ای، بیانات در مراسم بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه الله)، ۱۴/۰۳/۱۳۹۱، https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19996). ایشان در باره عوامل پیشرفت ملت چنین فرمودند: وقتی ملّتی سررشته کار در دست خودش بود و توانست آینده خودش را رقم بزند و تعیین کند؛ وقتی گوشش به دهان امریکا و شرق و غرب نبود و باور کرد که می‌تواند زندگی خود را به کمک الهی درست کند، دیگر عقب ماندگی نخواهد داشت، آن ملّت پیش خواهد رفت (ر.ک: بیانات در دیدار مردم قم ۱۹/۱۰/۱۳۷۲، https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31877).

در آموزه‌های قرآن نیز بحث از ایستادگی روی پای خود آمده، به عنوان نمونه، فراز اول آیه «مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ وَ الَّذِيْنَ مَعَهُ اَشِدَّاءُ عَلٰى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُوْنَ فَضْلًا مِّنَ اللهِ وَ رِضْوَانًا سِيْمَاهُمْ فِي وُجُوْهِهِمْ مِّنْ اَثْرِ السُّجُوْدِ (فتح: ۲۹)؛ محمد پیامبر خداست، و کسانی که با اویند بر کافران سختگیر و با یکدیگر مهربانند. آنان را می‌بینی که در رکوع و سجده‌اند و فضل و خشنودی خدا را طلب می‌کنند. علامت آنان بر اثر سجده در چهره‌هایشان پیداست». چهار مؤلفه جامعه اسلامی را ترسیم می‌کند: ۱. همراهی با رسول ﷺ؛ ۲. قوی و شدید در مقابل بیگانگان، مهربان در ارتباط با خودی‌ها؛ ۳. عبودیت افراد جامعه؛ ۴. تلاش با امید به فضل خدا؛ تصریح دارد؛ در فراز دوم به ایستادگی روی پای خود و خودکفایی همه جانبه پرداخته، می‌فرماید: «ذٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ مَثَلُهُمْ فِي الْاِنْجِيْلِ كَزَرْعٍ اَخْرَجَ شَطَاةً فَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلٰى سُوْقِهِ يُعْجِبُ الزَّرَّاعَ لِيَغِيْظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ ...» این است وصف آنان در تورات، و وصفشان در انجیل همچون کشته‌ای است که جوانه‌های فرعی خود را از بن ریشه برآورده و آنها را تقویت کرده است تا جایی که آنها استوار شده و بر ساقه‌های خود ایستاده‌اند، [به گونه‌ای] که برزگران را به وجد می‌آورد» (همان).

قسمت اول این آیه، همراهی عبادی و همگانی سیاسی و نظامی یاران و همراهان رسول اکرم ﷺ را بیان کرده، می‌فرماید: همراهان رسول خدا ﷺ افزون بر عبادت (رکوع، سجود، شب زنده داری) نسبت به یکدیگر، رحیم و مهربان و در برابر بیگانگان، شدید و با صلابت‌اند؛ ذیل آیه نیز هماهنگی و همراهی اقتصادی آنان را بیان کرده، آنان را به زرعی تشبیه می‌کند که جوانه، ریشه، ساقه، شاخه و محصولش را خود برآورده، در همه شئون، خودکفاست (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۱/ ۵۳۹-۵۴۰)، یکی از ثمرات اتکا به نیروی داخلی، خودکفایی همه جانبه است. به عنوان نمونه در نماز عبارت «بحول الله و قوته اقوم و اقعده» می‌آموزد باید با تکیه بر قیام و قعود خود، در سایه حول و قوه الهی کار کرد (ر.ک: قرآنی، اردیبهشت ۹۸: ۸). در روایات نیز به مسأله قطع امید از غیر خدا تصریح شده، در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمودند: «... أَلْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ عَزَّ لِلْمُؤْمِنِ فِي دِينِهِ...» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲/ ۱۴۸-۱۴۹، ح ۴)؛ قطع امید کردن از آنچه مردم دارند، مایه عزت دینی مؤمن است؛ از جمله نتایج قطع امید کردن از آنچه مردم دارند این است که این کار مایه عزت دینی مؤمن و به تبع آن عزت دینی جامعه ایمانی خواهد شد. پس حاکمیت جامعه منتظر می‌کوشد با اتکا به نیروی داخلی، در تمدن سازی عصر ظهور قدمی بردارد؛ این یک وظیفه دینی او به حساب می‌یابد و لازم است که به موقع خود (نه با تأخیر) این وظیفه را انجام دهد.

ب: عمل بهنگام

دومین گام عملی از دید حضرت آیت الله خامنه‌ای «عمل بهنگام» است. ایشان در مورد عمل به وظیفه و به موقع خود، فرمودند: اگر بخواهیم کار را در وقت انجام بدهیم، بایستی فریضه را بشناسیم، بدانیم چه کاری باید انجام داد؛ تا آن را در وقت خود انجام بدهیم. این انقلاب یک حرکت عظیمی بود برای اینکه دو ذلت بزرگ «وابستگی» و «عقب ماندگی» را به برکت اسلام و با راهنمایی و رهبری اسلام، از این ملت بزداید؛ وقتی که یک حرکتی برای این مقصود به وجود آمده و موفق هم شده، پیشرفت هم کرده، آن کسانی که عقب ماندگی و

وابستگی به نفع آنها بود، در مقابل این حرکت انقلاب و نظام می ایستند؛ این طبیعی است. او با شما دشمنی می کند؛ تا وقتی که امید داشته باشد که بتواند بر شما غلبه پیدا کند، به شما ضربه می زند. شرط از بین رفتن دشمنی این است که او ناامید بشود یا اصلاح بشود؛ البته اصلاح شدن ابرقدرت‌ها بعید است؛ پس این دشمنی، هست. آن درسی که ما باید بگیریم که بهنگام عمل بکنیم، آن مبنی بر این است که دشمن را بشناسیم، سمت و سوی کار دشمن را بدانیم، آن قدر بصیرت پیدا کنیم که هر حرکتی که دشمن انجام می دهد، بفهمیم که هدفش چیست (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مردم قم ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۹۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=35367>) ایشان در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها آورده اند: راز ایستادگی و امید به آینده این است که هر جا و در هر زمانی نیاز هست، آن جا حاضر باشیم. هیچ نقطه کوری در چشم انداز مقابل ما وجود ندارد (امام خامنه ای، بیانات ۳۱ / ۰۲ / ۱۳۸۶، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3385)).

قرآن کریم در آیاتی مانند آیه «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (نجم: ۳۹)؛ و این که برای انسان جز آنچه تلاش کرده است چیزی نیست» و آیه «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ (مدثر: ۳۸)؛ هر کسی در گرو چیزی است که به دست آورده است» تصریح دارد که سرنوشت انسان، در گرو تلاش اوست و آنچه خارج از قدرت انسان است به دست تقدیر الهی رقم می خورد، پس فرد مؤمن و جامعه ایمانی طبق وظیفه خود عمل می کند و نتیجه را به خدای متعال واگذار می نماید. در عبارت «إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ (توبه: ۵۲)؛ یکی از دو خوبی (پیروزی یا شهادت)» مقصود از «حُسینین»، «حسنه و سیئه» است با این توضیح که از نظر دینی حسنه و سیئه، هر دو حسنه اند، زیرا حسنه بودن حسنه برای این است که پیروزی و غنیمت در دنیا و اجر عظیم در آخرت است و حسنه بودن سیئه، برای این است که شکست خوردن و کشته شدن و هر رنج و محنت دیگری که به انسان برسد مورد رضای خدا و باعث اجری ابدی و سرمدی است، پس هر دو حسنه اند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹ / ۳۰۷).

بیشتر مفسران ذیل آیه چنین آورده‌اند: مؤمنان در هر حال، چه دشمن را بکشند یا کشته شوند، پیروزی نهایی از آن آنان است؛ با این عبارت، مفهوم شکست و ناکامی را به کلی از روح آنها زدوده است (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲: ۱۰ / ۱۰۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۵۸؛ مکارم و همکاران، ۱۳۷۱: ۷ / ۴۴۴). عباراتی از آیات دیگر نیز سرعت عمل و بهنگام بودن آن را می‌رساند مانند عبارت «فَأَسْرِبْ بِأَهْلِكَ بِقِطْعِ مِنَ اللَّيْلِ (هود: ۸۱)؛ پس، پاسی از شب گذشته خانواده‌ات را کوچ بده» و عبارت «... أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ (نمل: ۴۰)؛ من آن را پیش از آن که چشم برهم زنی نزد تو می‌آورم [و چنین کرد]» که توضیح آن به مجال دیگری موکول می‌شود. بنابراین اتکا به نیروی داخلی و عمل بهنگام، دو مؤلفه از گام‌های عملی حاکمان و مسئولان در تمدن‌سازی عصر ظهور شمره شد البته وقتی با حضور مردم در صحنه توأم شود ثمرات بهتری را به دنبال خواهد داشت.

ج: حضور مردم در صحنه

یکی از نشانه‌های عمل بهنگام، «حضور مردم در صحنه» است که خود، از نشانه‌های امید اجتماعی به حساب می‌آید. حضرت آیت الله خامنه‌ای به این امر اشعار داشته، در موارد مختلف متذکر آن شده‌اند از جمله در پیام نوروزی سال ۷۴ چنین آورده‌اند: ملت با حضور عظیم خود یک منش عظیم انقلابی و اسلامی را در معرض دید همه مردم جهان قرار داد. حضور میلیونی مردم در حوادث گوناگون، چهار مفهوم را به همه نشان داد: ۱. موضع‌گیری سیاسی ملت؛ ۲. عواطف سرشار و وفای فراوان مردم به اسلام، انقلاب، رهبر عظیم‌الشان، دلسوزان و خدمتگزاران این ملت؛ ۳. نشاط روحی ملت؛ ۴. امید اجتماعی، این که این ملت یک ملت امیدوار و خوش‌بین به آینده است. این حضور پر عظمت شما در صحنه‌هایی که حضورتان لازم و ضروری است، نمایشگر «قدرت و تصرف الهی» است (پیام نوروزی ۰۱ / ۰۱ / ۱۳۷۴، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2743>).

اهمیت این حضور در صحنه، در معارف قرآن، مشهود است؛ نمونه آن رعایت دستورات دینی است که موجب زنده نگه داشتن ارزش‌ها است؛ به عنوان مثال نماز

جماعت ارزش مردمی بودن، همراهی به امام جماعت (جلو و عقب نیفتادن)، عقب نماندن از جامعه، دوری از تفرقه و گرایش‌های نژادی، اقلیمی، سیاسی، و به طور کلی حضور مردم در صحنه را به همراه دارد (ر.ک: قرائتی، ۱۳۸۸: ۷ / ۱۵۲) نمونه دیگر، امر به معروف است که نشانه عشق به مکتب، مردم، و نشانه فطرت بیدار، نظارت عمومی و حضور در صحنه است (ر.ک: قرائتی، ۱۳۸۸: ۷ / ۲۶۴) آنچه نشانه مؤمن حتی در رژیم کفر شمرده می‌شود تلاش و حضور در صحنه است، نه انزوا و گوشه‌گیری؛ این مطلب از عبارت «... یَكْتُمُ اِیْمَانَهُ... یا قَوْمِ (غافر: ۲۸-۲۹)؛ مردی مؤمن از خاندان فرعون که ایمان خود را کتمان می‌کرد ... گفت: ... ای قوم من ...» استفاده می‌شود (ر.ک: قرائتی، ۱۳۸۸: ۸ / ۲۴۵)؛ همچنین عبارت «... یَسْتَلُونَ عَنْ اَنْبِیَائِكُمْ (احزاب: ۲۰)؛ آرزو می‌کنند که کاش خود بادیه‌نشینانی در میان اعراب بودند و از اخبارتان می‌پرسیدند» به این مطلب گوشزد دارد که افراد سست ایمان به جای حضور در صحنه جامعه، به خواندن روزنامه‌ها و شنیدن اخبار رادیوها سرگرمند (ر.ک: قرائتی، ۱۳۸۸: ۷ / ۳۴۴). با این توضیحات به دست آمد که در یک نگاه کلی به دیدگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای سه گام «اتکا به نیروی داخلی؛ عمل بهنگام و حضور مردم در صحنه» از مهم‌ترین گام‌های تمدن‌ساز عصر ظهور شمرده می‌شود.

نتیجه

حضرت آیت الله خامنه‌ای، خط کلی نظام اسلامی را «رسیدن به تمدن اسلامی» دانسته و تحقق تمدن اسلامی به طور کامل را در دوران ظهور حضرت حجت علیه السلام می‌دانند. ایشان در بیانیه گام دوم که به منزله منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» است این گام را زمینه ساز «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی» دانستند. تمدن‌سازی عصر ظهور نیازمند برداشتن سه گام فردی، اجتماعی و بین‌المللی است. در گام اجتماعی دو مؤلفه شناخت جامعه مهدوی و شناخت دشمن در بُعد بینشی؛ و سه عنصر اتکا به نیروی داخلی، عمل بهنگام و حضور مردم در صحنه، در بُعد عملی، از مهم‌ترین گام‌های اجتماعی، از منظر آیت الله خامنه‌ای

شمرده شده است که همگی دارای مؤیدات قرآنی و روایی است.

پیشنهادها

۱. تحلیل قرآنی - روایی گام های بین المللی تمدن ساز عصر ظهور از منظر آیت الله خامنه ای
۲. تحلیل قرآنی ارائه راهکارهای عملی تمدن ساز عصر ظهور در دولت عدالت (در بُعد اجتماعی)
۳. تحلیل قرآنی ارائه راهکارهای عملی تمدن ساز عصر ظهور در دولت عدالت (در بُعد بین المللی)

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۵ش، قم، ج: ۱، بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
۲. جعفری، محمد تقی، ۱۳۷۹ش، تمدن ها، مبانی و ارتباطات، تنظیم: محمدرضا جوادی، بی جا، ج: ۱، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱ش، تسنیم، تفسیر قرآن کریم، تحقیق: علی اسلامی، قم، ج: ۱، ج: ۱، مرکز نشر اسراء.
۴. حسینی، حسین، روش تحلیل مؤلفه های مفهومی تمدن، حکمت معاصر، سال پنجم، ش: ۲، تابستان ۱۳۹۳.
۵. حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، تفسیر نور الثقلین، مصحح: رسولی، هاشم، قم، ج: ۵، ج: ۴، اسماعیلیان.
۶. خامنه ای، سید علی، ۱۳۹۷ش، بیانیه گام دوم انقلاب.
۷. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۳ش، لغت نامه دهخدا، زیر نظر: محمد معین، تهران، ج: ۱۴، بی نا.
۸. شایان مهر، علیرضا، ۱۳۸۴ش، دایرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران، ج: ۴، ج: ۱، کیهان.
۹. _____، ۱۳۹۰ش، دایرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران، ج: ۷، ج: ۱، کیهان.
۱۰. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، ج: ۶، ۹، ۱۵، ۲۰، ج: ۲، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: یزدی طباطبایی، فضل الله و رسولی، هاشم، تهران، ج: ۵، ج: ۳، : ناصر خسرو.
۱۲. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت، ج: ۱۰، ج: ۱، دار المعرفة.
۱۳. قرائتی، محسن، (اردیبهشت ۹۸)، «مبانی قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مقام معظم رهبری».
۱۴. _____، ۱۳۸۸ش، تفسیر نور، تهران، ج: ۷، ۸، ج: ۱، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.

۱۵. کلینی، ۱۳۶۵ش، *الکافی*، تهران، ج: ۲، چ: ۴، دارالکتب الاسلامیه.

۱۶. معین، محمد، ۱۳۸۶ش، *فرهنگ معین*، تهران، چ: ۲، زرین.

۱۷. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱ش، *تفسیر نمونه*، تهران، ج: ۷، چ: ۱۰، دارالکتب الاسلامیه.

پایگاه اطلاع رسانی

۱۸. پایگاه اطلاع رسانی حفظ و نشر حضرت آیت الله خامنه ای، <https://farsi.khamenei.ir/index>.

تاریخ دانلود: ۹۹/۰۷/۱۰.

تحلیل قرآنی روایی گام‌های بین‌المللی تمدن‌ساز عصر ظهور از منظر آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌ظله)

معصومه کاشفی زاده^۱ (نویسنده مسئول)

خدیدجه حسین زاده^۲

چکیده

ایجاد دنیای اسلام (تمدن بین‌المللی اسلامی) به عنوان پنجمین مرحله از فرآیند تحقق هدف‌های اسلامی در بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای آمده و بیانیه گام دوم این نوید را داد که آرمان بزرگ انقلاب «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای ظهور» است. امید به آینده در دیدگاه ادیان مختلف، از توجه خاصی برخوردار است. در راستای ترسیم دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان اندیشمند دینی در سه عرصه فردی، اجتماعی و بین‌المللی، مقاله پیش‌رو؛ با روش توصیفی و تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای در صدد است به تحلیل قرآنی-روایی گام‌های بین‌المللی تمدن‌ساز عصر ظهور از منظر ایشان بپردازد. یافته‌های پژوهش حاضر، حاکی از آن است مهم‌ترین گام‌های بین‌المللی تمدن‌ساز دارای

۱. دانش‌آموخته سطح چهارتفسیر تطبیقی و مدرس جامعه الزهراء علیها السلام haramm@chmail.ir

۲. پژوهشگر رشته‌ی تفسیر و علوم قرآنی پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهراء علیها السلام و مدرس مؤسسه

آموزشی بنت الهدی، Hosinzadeh110@gmail.com.

دو بُعد «سلوک بینشی» و «سلوک عملی» است. ایمان به خدا و باور به وعده‌های الهی در بُعد بینشی؛ قدرتمندی، عبودیت و تبری، در بُعد عملی، از مهم‌ترین گام‌های بین‌المللی، از منظر آیت‌الله خامنه‌ای در این عرصه شمرده شده که هر دو بُعد نیز دارای مؤیدات قرآنی و روایی است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، گام‌های تمدن‌ساز، گام‌های بین‌المللی، بیانیه گام دوم انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای، عبودیت.

مقدمه

هدف از خلقت بشر، خدایی شدن است؛ برای دستیابی به آن مؤمنان و جامعه ایمانی وظایفی به عهده دارند؛ از جمله وظائف آنان طی کردن گام‌هایی جهت زمینه‌سازی «تمدن بین‌المللی اسلامی» است البته تحقق کامل آن در زمان ظهور حضرت حجت علیه السلام خواهد بود. حضرت آیت الله خامنه‌ای فرآیند تحقق هدف‌های اسلامی را در پنج مرحله: «ایجاد انقلاب اسلامی»، «ایجاد نظام اسلامی»، «ایجاد دولت اسلامی»، «ایجاد کشور اسلامی» و «ایجاد دنیای اسلام (تمدن بین‌المللی اسلامی)» می‌داند. ایشان به عنوان اندیشمند دینی «چکیده منظومه فکری» خود را که برگرفته از «قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام» (متن دین و قرآن کریم) است در بیانیه گام دوم مرقوم نمودند. بیانیه گام دوم خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان به منزله منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» است و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. این گام، «انقلاب» را «به آرمان بزرگش» که «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی» هست، نزدیک خواهد کرد. ایشان تصریح دارند: جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود ارواح‌نفاذ باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، و الّا مثل انبیاء و اولیای طول تاریخ می‌شود (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۷۶ / ۲۵ / ۰۹ / ۱۳۷۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2865>)؛ بنابراین می‌توان دیدگاه ایشان در تمدن‌سازی عصر ظهور را از ابعاد سه‌گانه فردی، اجتماعی و بین‌المللی بررسی کرد؛ از این رو مقاله پیش‌رو با روش توصیفی و تحلیلی به این سوال می‌پردازد که گام‌های بین‌المللی تمدن‌سازی عصر ظهور از منظر آیت الله خامنه‌ای دارای چه مستندات قرآنی و روایی است؟

پیشینه

با جستجوی انجام گرفته نوشتاری با عنوان «تحلیل قرآنی-روایی گام‌های بین‌المللی تمدن‌سازی عصر ظهور از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای» یافت نشد اما آثار مرتبطی در این زمینه

وجود دارد؛ به عنوان نمونه پایان نامه ارشد رشته تفسیر و علوم قرآن در دانشکده علوم و فنون قرآن کریم تهران با عنوان «مبانی قرآنی و روایی دیدگاه مقام معظم رهبری در باره تمدن‌سازی نوین اسلامی» نگارش حامد خدایاری به راهنمایی محمد فراهانی در بهمن سال ۹۷، نام برد که نگارنده در آن به مراحل و مؤلفه‌های تمدن‌سازی نوین اسلامی، همچنین به موانع تشکیل تمدن نوین اسلامی و راه حل‌های قرآنی و روایی آن از دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته و در نهایت نیز مبانی قرآنی و روایی بیانیه گام دوم انقلاب را آورده است. پایان نامه مذکور به مبانی پرداخته ولی نوشتار حاضر گام‌ها را مد نظر دارد. اسماعیل عارفی گوروان در مقاله «زمینه‌های تحقق تمدن نوین اسلامی در جامعه اسلامی از منظر مقام معظم رهبری» با بررسی نظام فکری معظم له، به برخی عوامل بیرونی و درونی‌کننده حرکت تمدن اسلامی اشاره و ذکر نموده که ایشان بروز انقلاب را اسلامی ایران را نقطه خیزش جدید برای تمدن اسلامی به شمار آورده‌اند، سپس به مراحل تکوین تمدن نوین اسلامی از منظر ایشان پرداخته است؛ از این رو به نظر می‌رسد نوشتار حاضر که بُعد سوم از گام‌های تمدن‌سازی را دنبال می‌کند، کاری جدید باشد.

مفهوم‌شناسی

قبل از شروع بحث، به تبیین مفهومی دو کلمه کلیدی «تمدن» و «عصر ظهور» در پرداخته می‌شود:

الف: تمدن

واژه «تمدن» کلمه‌ای عربی از ریشه (م د ن) به معنای «تخلق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت» (ر.ک: دهخدا، ۱۳۴۳: ۱۴/۹۴۲) و به عبارت دیگر به معنای «شهرنشینی» است و به صورت مجازی در معنای «تربیت» و «ادب» (ر.ک: همان؛ یادداشت به خط مرحوم دهخدا) به کار رفته است. کلمه «تمدن داشتن» نیز مصدر مرکب به معنای «دارای تربیت بودن» (ر.ک: همان) است و ناظم الاطباء آن را به

معنای «شهرنشین بودن و در مرحله کامل تربیت اجتماعی قرار داشتن» (ر.ک: همان) آورده است. همچنین کلمه «تمدن (tamaddon) در دو حالت «مصدری» به معنای «شهرنشین شدن، به اخلاق و آداب شهریان خوگرفتن»؛ و «اسمی» به معنای «همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و ...» به کار رفته است (ر.ک: معین، ۱۳۸۶: ۴۶۳).

تمدن در اصطلاح تعابیر گوناگونی دارد، در یک دسته بندی، به تعاریف «انسان محور، فرهنگ محور، جامعه محور، و تاریخ محور» تعریف شده اند (ر.ک: حسینی، ۱۳۹۳: ۲۱-۴۵). در یکی از تعابیر، عبارت «تشکل هماهنگ انسان‌ها، در حیات معقول، با روابط عادلانه، و اشتراک همه افراد و گروه های جامعه، در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها، در همه ابعاد مثبت» (جعفری، ۱۳۷۹: ۷) آمده است. در تعبیر دیگر تمدن به همه تغییرات کمی و کیفی اطلاق می‌شود که در عرصه داد و ستد اجتماعی و حیات مشترک انسان‌ها مجال بروز یافته و ماندگار شده است. در واقع تمدن، تجلی آثار و نشانه دستاوردهای مادی و معنوی تاریخ مردم یک سرزمین در زمان و مکان معین است (شایان مهر، ۱۳۸۴: ۱۷۳).

حضرت آیت الله خامنه‌ای مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت همه جانبه با مفهوم اسلامی را «ایجاد تمدن نوین اسلامی» می‌دانند که خود دارای دو بخش «ابزاری» (ارزش‌هایی مانند علم، اختراع) و بخش «متنی» (سبک زندگی) است و به عبارتی، بخش اول، بخش «سخت افزاری» و بخش دوم، بخش «نرم افزاری» تمدن به حساب می‌آیند؛ معتقدند اگر در بخش دوم پیشرفت نکنیم، پیشرفت های بخش اول نمی‌تواند ما را رستگار کند. هدف آن نیز تکامل مادی و معنوی انسان، رسیدن به حیات طیبه، تحقق عبودیت و قرب الهی است (ر.ک: بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۲۳ / ۰۷ / ۱۳۹۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>) ایشان هدف از جامعه تمدنی را با «حیات طیبه» قرین دانسته، در مورد حیات طیبه فرمودند: حیات طیبه یعنی زندگی در

رُویه مادی و نیازهای جسمانی، همچنین در لایه نیازهای معنوی (علمی، عملی، و روحی) پاسخگو باشد (امام خامنه ای، ب بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان، ۱۹/۰۲/۱۳۸۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3290>)؛ در جای دیگر سخن را فراتر برده و درباره تمدن نوین اسلامی چنین فرمودند: تمدن نوین اسلامی یعنی رساندن این نسل‌ها به آفاق جدید؛ شاد کردن دل‌های آنان؛ کرامت بخشیدن به انسان، کرامتی متناسب انسان (ر.ک: بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام، ۳۱/۰۲/۱۳۹۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26468>) و معتقدند که اسلام می‌تواند این امور را به انجام برساند. بنابراین «تمدن» در دیدگاه ایشان همه جانبه بوده، دارای دو بخش ابزاری و اصلی، به هدف تکامل مادی و معنوی انسان، رسیدن به حیات طیبه، تحقق عبودیت و قرب الهی است.

ب: عصر ظهور

کلمه «عصر» در کتب لغت در چند معنا به کار رفته؛ «زمان، روزگار، دوره» و «فشردن» برخی از معانی آن است (ر.ک: معین، ۱۳۸۶: ۱۰۰۵)؛ همچنین در کتب لغت کلمه «ظهور» نیز دارای چند معناست که «آشکار شدن، نمایان شدن» یک معنای آن است (ر.ک: معین، ۱۳۸۶: ۹۸۷). در تفسیر کلمه «العصر» (عصر: ۱) حویزی در تفسیر نور الثقلین، حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که منظور، عصر خروج حضرت مهدی علیه السلام است (حویزی، ۱۴۱۵: ۱۵/۶۶۶، ح ۵). علامه طباطبایی مراد از عصر را «عصر ظهور حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم» می‌داند و بعد از ذکر اقوال مختلف در مورد این کلمه، به این نکته اشاره دارد که طبق بعضی روایات، مراد «عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام» است که در آن عصر حق بر باطل به طور کامل غلبه کند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰/۳۵۵-۳۵۶).

حضرت آیت الله خامنه‌ای شروع زندگی واقعی بشر را از زمان حضرت حجت علیه السلام دانسته، تصریح دارند عصر ظهور در انتهای وضع کنونی زندگی بشر است. ایشان در فروردین سال ۹۹، در سخنرانی تلویزیونی خود چند نکته مهم را در مورد حضرت حجت علیه السلام

یادآور شدند از جمله اینکه تصریح کردند که «زندگی واقعی بشر از زمان حضرت ولی عصر شروع می شود». (ر.ک: سخنرانی تلویزیونی به مناسبت ولادت حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه، ۲۱/۰۱/۹۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45317>).

همچنین در پیام به کنگره حج، با عنایت به آیه وعد (نور: ۵۵) نوید به وعده الهی دادند و فرمودند: «تحقق کامل وعده الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است» (پیام به کنگره عظیم حج، ۱۷/۰۹/۱۳۸۷، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=4821>) ایشان نشانه این وعده تخلف ناپذیر را در دو امر «پیروزی انقلاب اسلامی» و «بنای بلندآوازه نظام اسلامی» دانسته، معتقدند این دو امر ایران را به «پایگاه مستحکم برای اندیشه حاکمیت و تمدن اسلامی» تبدیل کرد (ر.ک: همان). حضرت آیت الله خامنه‌ای برای تمدن‌سازی اسلامی، امید می‌دهند که «کانون آن در ایران اسلامی» است، می‌فرمایند: «ما هیچ کاری در مقابل خودمان نداریم که از اصل پیروزی انقلاب، بزرگتر و از تشکیل نظام جمهوری اسلامی، سخت‌تر باشد. این ملت توانست سخت‌ترین کارها را انجام بدهد؛ یعنی یک نظام اسلامی و یک جزیره امن و امان الهی در وسط این اقیانوس متلاطم مادّیگری، کفر و طغیان به وجود بیاورد. قدرتمندان عالم بدانند، کانون همان نیروی عظیم اسلامی که امروز در همه جای عالم، تخت استکبار و قدرت استکباری را به لرزه درآورده، در همین منطقه اسلامی و در ایران اسلامی است. این کانون اجازه نخواهد داد که آنها در این منطقه، حکمرانی و قدرت‌نمایی بکنند و سیاست این منطقه را به دست بگیرند. این منطقه، منطقه اسلامی و متعلق به مسلمانان است (ر.ک: بیانات در دیدار مردم قم ۱۹/۱۰/۱۳۶۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2409>).

حضرت آیت الله خامنه‌ای فرآیند تحقق هدف‌های اسلامی را در پنج مرحله: «ایجاد انقلاب اسلامی»، «ایجاد نظام اسلامی»، «ایجاد دولت اسلامی»، «ایجاد کشور اسلامی» و «ایجاد دنیای اسلام (تمدن بین‌المللی اسلامی)» می‌دانند (ر.ک: بیانات در خطبه‌های نماز

جمعه، ۲۸/۰۵/۱۳۸۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3302>) و در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی نیز فرمودند: «هدف نهائی را باید امت واحده اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه دین، عقلانیت، علم و اخلاق، قرار داد» (امام خامنه‌ای، ۲۶/۰۶/۱۳۹۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17269>). ایشان در پیام به مناسبت حلول سال ۱۳۷۳ شمسی، به این نکته اشاره کردند که حرکت تاریخی ملت ایران در حال بنا نهادن یک تمدن است. معظم‌له، پایه اصلی تمدن را بر فرهنگ، بینش، معرفت و کمال فکری انسانی دانستند که در پرتو آن همه چیز از جمله علم را به ارمغان می‌آورد (ر.ک: پیام به مناسبت حلول سال ۱۳۷۳ شمسی: ۱۳۷۳/۰۱/۰۱، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2707>) در جای دیگر می‌فرمایند: امروز هم بشریت بیش از بسیاری از دوران‌های تاریخ، دچار ظلم و جور است، هم پیشرفتی که امروز بشریت کرده است، معرفت پیشرفته تر است و به خاطر پیشرفت معرفت‌هاست که ما به زمان ظهور امام زمان ارواحنا فداه نزدیک شده ایم (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۰۳/۰۹/۱۳۷۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2983>). ایشان «ایمان» را درجه اول نیاز «تمدن‌سازی نوین اسلامی» دانسته، خواسته‌های اسلام از انسان را در چهار امر «انسان بودن»، «قدرتمند بودن»، «شاکر خدا بودن» و «بنده خدا بودن» و جنبه عبودیت بر خاک ساییدن» دانسته و گویند که این بخش «سلوک عملی» است؛ همچنین معتقدند که اسلام به این‌ها و موارد دیگر به صورت عام یا خاص پرداخته و همه در اسلام وجود دارد منتها دستیابی به آن به عهده اهل استنباط و اهل نظر است (ر.ک: بیانات، ۲۳/۰۷/۱۳۹۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>). بعد از شناخت دو مفهوم کلیدی، در مقاله حاضر گام‌های بین‌المللی آن از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دو گام سلوک بینشی و سلوک عملی، همراه تحلیل قرآنی-روایی، بررسی می‌شود.

۱- گام‌های سلوک بینشی

خدای متعال در آیات متعددی مؤمنین را از قرار گرفتن زیر سلطه کفار منع کرده است مانند آیه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱)؛ خدا هیچ راهی برای (تسلط) کافران بر مؤمنان قرار نداده است. برای تمرکز در آیه لازم است مفهوم دو کلمه سبیل و مؤمنین ذکر شود. کلمه «سبیل» در لغت به معنای «طریق» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ص ۱۳۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ص ۳۱۹) و راهی نرم که هموار باشد (رک: راغب، همان، ص ۳۹۵-۳۹۶) آمده است و در این آیه به این معناست که «خدای متعال هرگز کفار را مافوق مؤمنین و مسلط بر آنان قرار نمی‌دهد»؛ بیشتر مفسران نیز برای آن، دو معنای «غلبه» (رک: طوسی، بی تا، ج ۳: ص ۳۶۴؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۴: ص ۲۸۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۵: ص ۱۱۶) و «حجت» (رک: طوسی، همان؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱: ص ۲۴۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ص ۵۱۳) را استعمال و بر هر کدام وجوهی ذکر کرده‌اند که ذکر تفصیلی آنها جای دیگر را می‌طلبد. در زمان نزول آیه دو کلمه «اسلام» و «ایمان» به یک معنا بوده و در موارد بسیاری از قرآن کریم نیز آن دو کلمه به یک معنا استعمال شده؛ پس «مؤمن» در این آیه در مقابل کافر و شامل همه فرق مسلمین (خاصه و عامه) است (رک: موسوی بجنوردی، همان، ص ۲۰۲). ظاهر عبارت «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» چنین است که خدای متعال در این آیه می‌فرماید در عالم تشریح هیچ گونه حکمی (در باب عبادات، معاملات و سیاسات) که موجب سبیل و سلطنت کافران بر مؤمنان باشد وجود ندارد (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶ق، ج ۱: ص ۱۹۶-۱۹۵). در آیه دیگر می‌فرماید: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ...» (آل عمران: ۲۸)؛ مؤمنان نباید، کافران را- به جای مؤمنان- سرپرست [و دوست خود] گیرند؛ و هر کس چنین کند، پس در هیچ چیز از [رابطه با] خدا [او را بهره‌ای] نیست؛ طبق آیه افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد. «اولیا» جمع «ولی» به معنای عهده‌دار شدن تدبیر

امور مربوط به شیء است. کلمه «... مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ...» بیان می‌کند که محبت کافران را بر مؤمنان ترجیح می‌دهد و آنان را به جای مؤمنان بر می‌گزیند (طباطبایی، همان، ج ۳: ص ۱۶۲). نهی خداوند متعال از ولایت کافران بر مؤمنان به این معناست که آنها نباید عهده‌دار امور مربوط به مؤمنان باشند و بر آنان سلطه یابند. همین معنا از آیه ۱۴۴ سوره نساء نیز استفاده می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! غیر از مؤمنان، کافران را دوست (و سرپرست) مگیرید؛ آیا می‌خواهید، علیه خود دلیلی روشن، برای خدا قرار دهید؟»

بنابراین در آیاتی از قرآن به حرمت پذیرش حکومت کافر، از ناحیه مؤمنان همچنان به نامشروع بودن هرگونه حکومت و سلطه کفار بر مسلمانان می‌پردازد: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء: ۱۴۱)»، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا» (نساء: ۱۴۴) و در آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵) هر نوع حکومت بر مؤمنان را در ولایت الهی و کسانی می‌داند که خدا اذن داده است و به نامشروع بودن هر نوع حکومتی بر مؤمنان، جز ولایت موارد مذکور تصریح دارد. نتیجه این که مؤمنان به مقتضای ایمان خود، این استحقاق را می‌یابند که خدای متعال به حکم جعل تشریحی، آنها را از زیر سلطه کفار خارج کند. مؤمنین در سایه ایمان خود باید در برابر هرگونه اعمالی که موجب تسلط کفار بر آنان شود، مقاومت کنند تا وعده الهی مبنی بر جهانی شدن دین حق را تحقق بخشند. با این مقدمه، بحث «ایمان به خدا» و «باور به وعده‌های الهی»، مهم‌ترین گام سلوک بینشی در زمره گام‌های بین‌المللی تمدن‌ساز عصر ظهور است که در اینجا تحلیل آن ارائه می‌شود.

الف: ایمان به خدا

درجه اول نیاز «تمدن‌سازی نوین اسلامی» از منظر آیت‌الله خامنه‌ای «ایمان به خدا»

است (ر.ک: بیانات ۲۳ / ۰۷ / ۱۳۹۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>) در بیان دیگر فرمودند: حکومت آینده حضرت مهدی موعود ارواحنفاذاه یک حکومت مردمی به تمام معناست یعنی متکی به ایمان‌ها، اراده‌ها و بازوان مردم است؛ امام زمان از آحاد مؤمن مردم و با تکیه به آنهاست که بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار می‌بخشد و یک حکومت صد درصد مردمی تشکیل می‌دهد آن حضرت با اقتدار و قدرت و تکیه بر توانایی‌ای که ایمان والای خود او و ایمان پیروان و دوستانش، او را مجهز به آن قدرت کرده، گریبان ستمگران عالم را گرفته و کاختهای ستم را ویران می‌کند (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصالای تهران ۳۰ / ۰۷ / ۱۳۸۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3149>).

حضرت آیت الله خامنه‌ای معتقدند که همه امت اسلامی در قالب ملت‌ها و کشورها، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد. ایشان شاخصه‌های تمدن اسلامی را «ایمان»، «علم»، «اخلاق» و «مجاهدت مداوم» برمی‌شمارند که تمدن اسلامی می‌تواند با این موارد، اندیشه پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه بشریت هدیه دهد و در مقابل ارکان تمدن امروزی غرب که شامل جهان بینی مادی، ظالمانه و اخلاقی ناپسند است، نقطه‌رهایی باشد (ر.ک: بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۰۹ / ۰۲ / ۱۳۹۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22405>). ایشان معتقدند جامعه مد نظر اسلام جامعه‌ای است که از لحاظ «مادی» و «معنوی» باید با هم پیشرفت کند در این صورت است که آن خصوصیات استثنائی جامعه و تمدن اسلامی خود را با ترکیبی از دنیا و آخرت نشان می‌دهد (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم شاهرود، ۲۰ / ۰۸ / ۱۳۸۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3366>) و می‌فرمایند: «ما می‌توانیم تمدن نوین اسلامی را برپا کنیم و دنیایی بسازیم که سرشار از معنویت باشد و با کمک معنویت و هدایت معنویت راه برود؛ این کارها را می‌توانیم انجام بدهیم، که به توفیق الهی هم، می‌کنیم» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۹ / ۰۹ / ۱۳۹۲).

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24721>.

علامه طباطبایی ذیل آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ... (نور: ۵۵)؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد ساخت، چنان که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین قرار داد، و حتماً دینشان را که برایشان پسندیده است به سودشان استقرار خواهد بخشید، و قطعاً بیمشان را به ایمنی مبدل خواهد کرد. این در حالی است که مرا می پرستند و چیزی را شریک من نمی سازند» می نویسند: خدای متعال به کسانی که دارای دو ویژگی «ایمان» و «عمل صالح» هستند وعده داده که به زودی برای آنان جامعه ای پدید می آورد که به تمام معنا صالح بوده و در عقاید و اعمال افراد آن جامعه، جز دین حق، چیزی حاکم نباشد. از خصوصیات چنین جامعه ای، «عبادت خالصانه» است. چنین مجتمعی تا کنون در دنیا منعقد نشده و تنها مصداق آن نیز در عصر ظهور حضرت حجت علیه السلام خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵ / ۱۵۵).

در این آیه خدای متعال به مؤمنان درست کردار برای تشکیل حکومت دینی و حاکمیت آنان در آینده، وعده مؤکد داده همچنین به حاکمیت یکتاپرستی، بر جامعه و پیدایش حکومت صالحان، در آخر الزمان وعده داده و به حکومت امام مهدی علیه السلام بشارت داده است؛ از سوی دیگر حاکمیت دین و فرامین الهی بر اجتماع، از اهداف حکومت مؤمنان می باشد. از عبارت «كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» در این آیه به دست می آید که در طول تاریخ، حکومت ها پی در پی تشکیل یافته و بعد از مدتی سقوط پیدا کردند و در نهایت به دست مؤمنان قرار می گیرد. در آیه «لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا هُمْ بِتَائِبِينَ» (نور: ۵۷) سخن از ناتوانی کافران، در جلوگیری از تحقق وعده الهی، به منظور حاکمیت فراگیر مؤمنان صالح است. غیر از آیه وعد (نور: ۵۵) در آیاتی دیگر نیز مانند آیه «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵) خدای متعال به تشکیل حکومت واحد

جهانی، به دست بندگان صالح وعده داده است همچنین همه کتب آسمانی، نسبت به حاکمیت صالحان بر زمین نوید داده اند و این پیشگویی در قرآن و کتب آسمانی، از پیروزی و حاکمیت انسانهای صالح، در آخرالزمان می‌باشد. از ضمیمه کردن این آیه (انبیاء: ۱۰۵) به آیه «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء: ۱۰۷) به دست می‌آید که تحقق حکومت جهانی صالحان، در پرتو اسلام و رسالت پیامبر اکرم ﷺ خواهد بود. عبارت «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» (اعراف: ۱۲۸) نشانگر حاکمیت مؤمنان بر زمین، در گرو استعانت آنان از خدا و صبر ایشان در طریق ایمان است.

ب: باور به وعده های الهی

دومین گام سلوک بینشی در دیدگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای «باور به وعده‌های الهی» است. ایشان وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه را به عنوان مصداق وعده الهی نام برده، می‌فرمایند: این بازمانده خاندان وحی و رسالت، علم سرافراز خدا در زمین است (امام خامنه‌ای، سخنرانی در سالروز میلاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه ۱۱ / ۱۲ / ۱۳۶۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2430>). معظم له به عنوان اندیشمند دینی، در مورد قطعیت غلبه صلاح بر فساد در جهان، بینش اسلامی را این گونه تبیین می‌نمایند: از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و صلاح است؛ رسالت همه انبیاء و اولیاء سوق دادن انسان به آن بزرگراه اصلی است که وقتی وارد آن شد بدون هیچ گونه مانعی تمام استعدادهایش می‌تواند بروز کند. هنوز بشریت به نقطه شروع آن صراط مستقیم نرسیده است؛ آن در زمان ولی عصر ارواحنا فداه محقق خواهد شد و در نهایت، صلاح بر فساد و قوای خیر بر قوای شر غلبه می‌کنند. این یک نقطه از نقاط جهان بینی اسلامی است که در آن هیچ گونه تردیدی نیست (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۲ / ۰۹ / ۱۳۷۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3039>).

دیدگاه ایشان متکی به آیات قرآن کریم است. آیات متعددی به حکومت اهل تقوا و صالحان روی زمین، تصریح کرده، عباراتی مانند «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ (توبه: ۳۳؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۹)؛ تا آن را بر همه ادیان غالب [پیروزا] گرداند»، «... أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (انبیاء: ۱۰۵)؛ زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد»، «الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (اعراف: ۱۲۸؛ هود: ۴۹؛ قصص: ۸۳)؛ عاقبت [نیک] برای تقوایبندگان است»، «الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» (طه: ۱۳۲)؛ عاقبت [نیکو] برای [اهل] تقواستبر این نوع از حکومت اذعان دارند. آیاتی همچون آیه «وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا؛ (نساء: ۱۲۲) وعده حقّ خداست» و آیه «وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ (روم: ۶)؛ خدا [این را] وعده داده است، و خدا وعده اش را خلاف نمی کند» بیانگر آن است که خلف وعده الهی، ممکن نیست. یکی از وعده های الهی در قرآن «غلبه اسلام» است که در سه آیه با عبارت «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ (توبه: ۳۳؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۹)؛ اوست آن که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب گرداند» به آن تصریح کرده است. محتوای دعوت رسول، «هدایت» و آیین او «حق» است؛ حقانیت دین، از آیات قرآن و احکام فردی و اجتماعی، اعم از اخلاقی، قضایی، سیاسی و ... فهمیده می شود مگر اینکه کسی جلوی فهم خود را گرفته باشد. در مورد اینکه مراد از این «غلبه» چه چیز است، مفسران نظرات مختلف ارائه کرده اند که در اینجا دو نظر عمده مطرح می شود: ۱. «پیروزی منطقی و استدلالی»؛ برخی معتقدند این امر، حاصل شده است، چرا که اسلام از نظر قدرت منطقی و استدلال بر تمامی آئین های موجود برتری دارد (ر.ک: قرطبی، ۱۳۶۴: ۸ / ۱۲۱؛ ۲۹۲ / ۱۶) قرطبی ذیل آیه ۹ سوره صف، آورده که از موارد ظهور، غلبه با «ید» در قتال است (ر.ک: همان: ۱۸ / ۸۶)؛ ۲. «غلبه ظاهری و غلبه قدرت»؛ عده ای گویند موارد استعمال کلمه «يُظْهِرُ» دلیل بر غلبه خارجی است، به همین دلیل می توان گفت علاوه بر مناطق بسیار وسیعی که امروز در قلمرو اسلام قرار گرفته، زمانی فرا خواهد رسید که همه جهان به طور رسمی در زیر این پرچم قرار می گیرد، و این امر به وسیله قیام مهدی ارواحنا فداه تکمیل می گردد (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۳۸؛ ۱۹۱ / ۹-)

۱۹۲، وه ۴۲؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۰/ ۸۲؛ ۲۶/ ۶۹؛ مکارم، ۱۳۷۱: ۷/ ۳۷۱-۳۷۲؛ ۲۲/ ۱۰۱-۱۱۱؛ ۲۴/ ۸۴-۸۵). در حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده که فرمودند: «لا یبقی علی ظهر الارض بیت مدر ولا وبر الا ادخله الله کلمة الاسلام...؛ در روی زمین خانه‌ای از گِل یا کُرک، باقی نمی‌ماند، مگر اینکه خدای متعال اسلام را در آن وارد می‌کند» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵/ ۳۸). علامه طباطبایی ذیل آیه ۹ سوره صف فرمودند: «إظهارُ شیءٍ علی غیره نُصْرَتُهُ وتغلیبه علیه (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۹/ ۲۵۵)؛ اظهار چیزی در مقابل چیز دیگری به معنای نصرت و غلبه بر آن است». وعده‌های الهی در قرآن بسیار است که در این جا تنها نمونه‌ای از آن آمد. معارف دینی بر این نکته تکیه دارد که مؤمنان نباید تنها منتظر تحقق وعده خدای متعال بمانند (انتظار مذموم) بلکه در عصر غیبت وظیفه دارند برای عصر ظهور، زمینه‌سازی نمایند. از جمله این زمینه‌سازی‌ها، فراهم کردن موقعیتی برای تحقق عبادت خالصانه است که یکی از وظایف مؤمنان به شمار می‌رود. هرچند خدای متعال اراده کرده است که عبادت خالصانه را در آن زمان محقق نماید؛ اما باید دانست که زمینه‌های آن، باید از قبل فراهم گردد؛ یکی از آن زمینه‌ها برای تحقق عبادت خالصانه، «ایمان واقعی» است. با دقت در آیات مذکور به این نکته پی برده می‌شود که برای تمدن‌سازی عصر ظهور لازم است بینش دینی را «طبق خواسته الهی» تنظیم کرد نه طبق آن چه دشمن برای مؤمنان طراحی کرده‌اند؛ این امر یک گام اساسی به شمار می‌رود. بعد از توضیح در «ایمان به خدا» و «باور به وعده های الهی» به عنوان دو گام مهم سلوک بینشی در تمدن‌سازی نوین اسلامی، ضروری است که مؤمنان در بُعد رفتاری نیز گام‌های سلوک عملی را بپیمایند؛ در ذیل، تحلیل سه گام از آن، خواهد آمد:

۲- گام های سلوک عملی

حضرت آیت الله خامنه ای در «تمدن‌سازی نوین اسلامی» خواسته‌های اسلام از انسان را در چهار امر «انسان بودن»، «قدرتمند بودن»، «شاکر خدا بودن» و «بنده خدا بودن و جبهه عبودیت بر خاک ساییدن» دانسته و گویند این بخش «سلوک عملی» است (ر.ک: بیانات

در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳،
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>). مقام عظمای ولایت در بحثی بر
غلبه رویش ها نسبت ریزش ها، تأکید دارند و مسئله رویش های نوبه نو در نظام جمهوری
اسلامی را یکی از اساسی ترین و مهم ترین مسائل دانسته و می فرمایند: اکنون باید نگاه به
آینده ای روشن و دور داشت، آینده دور همان «ایجاد تمدن اسلامی» است (رک: بیانات در
دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام، ۱۳۹۳/۰۲/۳۱،
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26468>). ایشان در بیانیه گام دوم نیز به
صراحت آورده اند که «رویش های انقلاب بسی فراتر از ریزش ها است و دست و دل های امین
و خدمتگزار، به مراتب بیشتر از مفسدان، خائنان و کیسه دوختگان است» (بیانیه گام دوم
انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>). در این
مجال به سه گام «قدرتمندی»، «عبودیت» و «تبری» به عنوان مهم ترین گام های تمدن ساز
نوین اسلامی از منظر ولیّ امر مسلمین پرداخته می شود:

الف: قدرتمندی

حضرت آیت الله خامنه ای، دو اصل «ایمان به خدا» و «فداکاری» را از عوامل پیروزی بر
هر قدرتی برشمرده، قائلند که ملت ایران در دو عرصه دوران انقلاب و جنگ، با آن دو
توانست به موفقیت دست پیدا کند. در این خصوص می فرمایند: اگر یک مجموعه عظیم
مردمی، به خدا ایمان داشت و دل او با نور ایمان روشن و آماده فداکاری بود، می تواند بر هر
قدرتی که بزرگتر از آن نباشد، پیروز شود. این، یک اصل است. ملت ایران، این اصل را
تجربه کرده است. ایشان دو نمونه از تجربه پیروزی در سایه ایمان و آمادگی برای فداکاری را
شامل دوران انقلاب و جنگ نام می برند (رک: بیانات در دیدار مردم قم؛
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2409>، ۱۳۶۹/۱۰/۱۹)؛ در بیانی دیگر
فرمودند: ملت ایران با همت جوانان و استعدادش، توانسته است بخشی از مسائل را طی
کند. افق هم روشن، و آینده در چشم مردم ایران آینده امیدبخشی است؛ این پیشرفت ملت

ایران است (ر.ک: بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3424>، ۱۳۸۷/۰۱/۰۱).

مقام عظمای ولایت قائلند عدالت حضرت مهدی علیه السلام که جهانی است با موعظه به دست نمی‌آید بلکه استقرار عدالت در سطح جهان، نیاز دارد که مردمان عادل و انسان‌های صالح و عدالت طلب، «قدرت» را در دست داشته باشند و با زبان قدرت با زورگویان حرف بزنند؛ با کسانی که سرمست قدرت ظالمانه هستند باید با زبان اقتدار صحبت کرد (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلاهی تهران ۳۰ / ۰۷ / ۱۳۸۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3149>، ایشان در چهارمین توصیه در بیانیه گام دوم که درباره عدالت و مبارزه با فساد است چنین مرقوم داشته‌اند: عدالت در صدر هدف‌های اولیّه همه بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدّس در همه زمان‌ها و سرزمین‌ها است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) آیتی از قرآن کریم به مؤمنان دستور می‌دهد به مقدار توانایی خود در مقابل کفار، تجهیزات جنگی که به آن احتیاج پیدا می‌کنند تهیه کنند. یکی از این آیات آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ... (انفال: ۶۰)؛ و برای [رویارویی با] آنان هرچه توانستید نیرو و اسب‌های بسته آماده کنید...» است. علامه طباطبایی در ذیل آیه به بحث حکومت اسلامی پرداخته آن را حکومت انسانی (یعنی حکومتی که حقوق همه افراد را رعایت نماید) می‌داند و از سوی دیگر ایشان دشمن منافع یک جامعه اسلامی را دشمن منافع تمامی افراد بر می‌شمارد و نتیجه می‌گیرد که بر همه افراد لازم است که با قیام خود دشمن را از خود و منافع خود دفع نمایند و تاکید دارد که باید برای چنین زمانی، نیرو و اسلحه را آماده داشته باشند و برخی از آمادگی‌های دفاعی را کسب

نمایند. از این رو تکلیف در «أَعِدُّوا» را به عهده همگان می دانند نه این که فقط به عهده حکومت باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹/ ۱۱۴-۱۱۵).

ب: عبودیت

دومین گام سلوک عملی از دید مقام عظمای ولایت، «بنده خدا بودن و جبهه عبودیت بر خاک ساییدن» است. ایشان جوهر اصلی جامعه اسلامی را در عنصر تعبد، ایمان و عمل صالح آحاد مردم دانسته می فرمایند: اولین وظیفه، ایجاد ارتباط و اتصال محکم تر با خدای متعال و بندگی خالص تر و بهتر است (بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۰۶ / ۰۳ / ۱۳۹۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29853>) و مهم ترین مسئولیت جامعه اسلامی را کمال معنوی و الهی انسان ها برشمرده و فرمودند: جامعه ای که به عبودیت خدا (معرفت کامل خدا) می رسد، تخلق به اخلاق الله پیدا می کند؛ این نهایت کمال انسانی است (امام خامنه ای، بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۲۴ / ۰۷ / ۱۳۹۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17597>) معنای روح توحید این است که انسان از غیرخدا عبودیت نکند و در مقابل غیرخدا، جبهه بندگی به زمین نساید. این معنای عبودیت کامل و خالص است (امام خامنه ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۰ / ۱۰ / ۱۳۷۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2735>) در دیدار با جمعی از روحانیون، هدف از تبلیغ را دعوت به عبودیت فردی و اجتماعی نام برده خاطر نشان کردند هدف تمام پیامبران، سوق دادن مردم به صراط مستقیم یعنی عبودیت است؛ و باید مردم را به عبودیت الهی سوق دهید. عبودیت در زمینه اخلاق، عمل فردی و اجتماعی کاربرد دارد و وقتی عمل اجتماعی پیش آمد، آن وقت بحث های سیاسی هم در حوزه کار شما قرار می گیرد بنابراین عبودیت منطقه وسیعی در زندگی انسان دارد و به عمل شخصی، عمل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... گسترش می یابد (امام خامنه ای، بیانات ۰۳ / ۱۰ / ۱۳۷۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2867>).

در آموزه های قرآن بحث از جبهه عبودیت آمده، به عنوان نمونه، آیه «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ

الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ (فتح: ۲۹)؛ محمد پیامبر خداست، و کسانی که با اویند بر کافران سختگیر و با یکدیگر مهربانند. آنان را می‌بینی که در رکوع و سجده‌اند و فضل و خشنودی خدا را طلب می‌کنند. علامت آنان بر اثر سجده در چهره‌هایشان پیداست»، چهار مؤلفه جامعه اسلامی را ترسیم می‌کند: ۱. همراهی با رسول ﷺ؛ ۲. قوی و شدید در مقابل بیگانگان، مهربان در ارتباط با خودی‌ها؛ ۳. عبودیت افراد جامعه؛ ۴. تلاش با امید به فضل خدا. در این قسمت از آیه، همراهی عبادی و سیاسی یاران رسول اکرم ﷺ را بیان کرده، می‌فرماید: همراهان رسول خدا ﷺ افزون بر رحیم و مهربان بودن نسبت به یکدیگر و در برابر بیگانگان، شدید و با صلابت‌اند؛ عبادت (رکوع، سجود، شب زنده داری) را دارند و جبهه عبودیت بر خاک می‌سایند.

ج: تبری

«تبری» نیز یکی دیگر از گام‌های سلوک معنوی در کلام مقام عظمای ولایت است. حضرت آیت الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از روحانیون در باره لزوم بیان تحلیل سیاسی در کنار اخلاق و معنویت، به نکات مهمی در امر تبلیغ پرداختند از جمله فرمودند سه دشمن را معرفی کنید: دشمن درونی (نفس اماره یا شیطان رحیم)، دشمن اجتماعی (شیطان بزرگ یا شیطان‌های گوناگون) و ایادی و اذنان شیطان (شیطان‌های قدرتمند عرصه سیاسی). در ادامه فرمودند: عبودیت الهی یعنی اجتناب از «انداد الله» (ر.ک: بقره: ۱۶۵؛ ابراهیم: ۳۰؛ سبأ: ۳۳) و تبری جستن از همه آشکال آن؛ دعوت به عبودیت، نفی همه اینها را می‌طلبد. در کنار عبودیت فردی باید صحنه زندگی اجتماعی و سیاسی انسان هم میدان عبودیت الهی باشد و در آن جا باید طاغوت‌ها از زوال شده، افشا گردند؛ هر چه ما به سمت توحید و عبودیت لله پیش برویم، شر طواغیت و اندادالله از سر ما بیشتر کم خواهد شد (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۰/۰۳/۱۳۷۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2867>). بر اساس اعتقاد به بینش اسلامی

یکی از وظایف انسان معتقد به این مبانی، عبودیت و اطاعت از خدای متعال؛ عبودیت با آن معنای وسیع و کامل آن، است. توحید، شامل اعتقاد به وجود خدا و نفی الوهیت هر آنچه غیر اوست از این رو در عمل دو وظیفه وجود دارد: اول، عبودیت و اطاعت از خدای متعال و دوم، تبری از اطاعت «انداد الله» (مربوط به: بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۲/۰۹/۱۳۷۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3039>).

مقام معظم رهبری در جای دیگر از بیانات خود، خط کلی نظام اسلامی را «رسیدن به تمدن اسلامی» دانسته و تحقق تمدن اسلامی به طور کامل را در دوران ظهور حضرت حجت می دانند که آن زمان، شروع حرکت انسان در صراط مستقیم الهی است، می فرمایند: تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه است؛ در دوران ظهور تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد. دوران ظهور حضرت بقیة الله، اول شروع حرکت انسان در صراط مستقیم الهی؛ با مانع کمتر یا بدون مانع؛ با سرعت بیشتر و با فراهم بودن همه امکانات برای این حرکت است. خطی که نظام اسلامی ترسیم می کند، خط رسیدن به تمدن اسلامی است، این خط اگر با جدیت، پشتکار، شناخت آنچه که لازم است و عمل به آنچه که وظیفه است، ادامه پیدا کند سرنوشت حتمی آن این است که تمدن اسلامی يك بار دیگر بر مجموعه عظیمی از دنیا، پرتو خود را بگستراند و این امری «شدنی» و کاری است که باید گام به گام باشد، هر گامی محکم تر از گام قبل، با نگاه دقیق نسبت به هر قدمی که برمی داریم و با دید نافذ نسبت به مسیری که طی می کنیم، همراه باشد (بیانات: ۱۴/۰۷/۱۳۷۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3028>).

در قرآن کریم سه مانع پیشرفت انسان را «نفس»، «شیطان» و «طاغوت» معرفی شده اند. نفس در لغت به معنای جان و روح (دهخدا، ج ۱۳، ص ۲۰۰۰۸) است. قرآن از سه قسم نفس، نفس اماره، نفس لوامه و نفس مطمئنه نام برده است. نفس اماره دارای دو نقش اساسی ۱. امر کننده انسان به بدی؛ «وَمَا أُبْرِيْ نَفْسِيْ اِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ (یوسف: ۵۳)؛

و من خود را تبرئه نمی‌کنم، زیرا نفس سرکش بسیار به بدی وامی‌دارد»، ۲. زیبا جلوه دادن کارهای زشت؛ «بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً (یوسف: ۱۸)؛ بلکه نفس شما کاری [ناشایسته] را برایتان جلوه داده است» است. انسان توسط نفس لواحه ملامت می‌شود «وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ (قیامت: ۲)؛ و سوگند می‌خورم به نفس ملامتگر [که شما برانگیخته خواهید شد]». نفس مطمئنه برخوردار از خشنودی و رضایت خدای متعال است و عنایت خاص الهی شامل حال او می‌شود «يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّاتِي (فجر: ۲۷-۳۰)؛ ای نفس آرام و مطمئن، خشنود و مورد رضایت [خدا] به سوی پروردگارت بازگرد، و در میان بندگان من در آی و در بهشت من داخل شو». نفسی که مانع از اتصال به خدا است همان نفس اماره است.

کلمه شیطان در مورد هر موجود سرکش (جن، انسان، حیوان) اطلاق می‌شود (راغب،). شیطان با ابزارهای مختلف مانند دشمنی و کینه توزی میان انسان‌ها «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ (مائده: ۹۱)؛ شیطان فقط می‌خواهد به وسیله شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه پدید آورد» و مراجعه به طاغوت برای داوری «... يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَ يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا (نساء: ۶۰)؛ می‌خواهند داوری میان خود را نزد طاغوت ببرند، درحالی‌که قطعاً فرمان یافته‌اند که به آن کفر بورزند؟ و شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی دوری بیفکند» در صدد گمراه کردن انسان است. بازداشتن مؤمنان از یاد خدا و نماز، دو مورد از خواسته‌های شیطان است «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ ... وَ يَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ (مائده: ۹۱)؛ شیطان فقط می‌خواهد به وسیله شراب و قمار ... و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد». آیات متعدد قرآن کریم با گوشزد کردن دشمنی شیطان، انسان را از او تحذیر نموده و همچون دشمن، دستور به مقابله با او را داده است مانند: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا (فاطر: ۶)؛ بی‌شک، شیطان دشمن شماست، پس شما هم او را دشمن خود بگیرید»، و او را دشمن آشکار نامیده «يَا أَيُّهَا النَّاسُ ... الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (بقره: ۱۶۸)؛ ای مردم، از آنچه در زمین است و [برای شما]

حلال و دلپذیر، بهره‌بردار، و از گام‌های شیطان پیروی نکنید، که او دشمنی آشکار برای شماست»، در بعضی آیات انسان را از اطاعت و پیروی شیطان نهی کرده مانند: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛» (یس: ۶۰)، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (بقره: ۲۰۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی به اطاعت [خدا] درآید، و از گام‌های شیطان پیروی نکنید. همانا او برای شما دشمنی آشکار است».

کسی که طغیان و تجاوز او از حق، شدید و مظهري برای دنیا و باطل است «طاغوت» نامیده می‌شود و در مقابل الله حق می‌باشد (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۷، ذیل ماده ط غ ی). آیات قرآن کریم در مورد طاغوت و راه آنها، این مطلب را به مؤمنان تذکر می‌دهد که راه خدا با راه طاغوت و شیطان در تضاد است «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ (نساء: ۷۶)؛ آنان که ایمان آورده‌اند، در راه خدا می‌جنگند، و آنان که کفر ورزیده‌اند، در راه طاغوت می‌جنگند» همچنین می‌فرماید طاغوت‌ها ابزار کار شیاطین و هر دو (طاغوت‌ها و شیاطین) عناصری در برابر حکومت پیامبران الهی هستند «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا (نساء: ۶۰)؛ آیا نظر نیفکنده‌ای به کسانی که می‌پندارند به آنچه به سوی تو و آنچه پیش از تو نازل شده است ایمان آورده‌اند، ولی می‌خواهند داوری میان خود را نزد طاغوت ببرند، درحالی‌که قطعاً فرمان یافته‌اند که به آن کفر بورزند؟ و شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی دوری بیفکند» در این آیه، کفر به طاغوت را راه مقابله و مخالفت با شیطان می‌داند. قرآن، پیامد حاکمیت و ولایت طاغوت را در دنیا انحراف جامعه از نور به ظلمات و در آخرت، جاودانگی در جهنم را بر شمرده، می‌فرماید: «... وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (بقره: ۲۵۷)؛ و کسانی که کفر ورزیده‌اند، سرپرستانشان طاغوت‌ها هستند که آنان را از نور به سوی تاریکی‌ها بیرون می‌برند. اینان اهل

آتش‌اند و در آن جاودان خواهند بود» این آیه، خدا را سرپرست کسانی می‌داند که ایمان آورده‌اند که آنان را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون می‌برد اما کسانی که با کفر خود، طاغوت‌ها را سرپرست خود قرار داده‌اند آنها را از نور به ظلمات می‌کشاند و پیامد آن نیز خلود در جهنم است.

بنا بر این طاغوت‌ها بزرگترین مانع تحقق حاکمیت الهی در عالم ملک هستند آن هم به خاطر تفکر طاغوت است که دنبال تمدن مادی هستند؛ از این رو برای ایجاد حاکمیت جهانی لازم است با تفکر طاغوتی (تمدن مادی) مبارزه کرد. دلیل این مطلب را می‌توان از عبارت «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ (صافات: ۳۵؛ محمد: ۱۹)؛ معبودی جز خدا نیست» و «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ (بقره: ۲۵۶)؛ پس هرکس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد» به دست آورد که ابتدا نفی تمام طاغوت‌ها را آورده و بعد از ایمان به خدا سخن رانده است.

خلاصه کلام این که اراده الهی در مورد انسان، مقام خلیفه الهی و اتصال به خدا است و اراده حضرت حق در باره جهان، ایجاد تمدن الهی توسط صالحان (ر.ک: انبیاء: ۱۰۵) برای رساند همه انسان‌ها به خود است. آیه «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ ... (نحل: ۳۶)؛ و همانا در میان هر امتی پیامبری برانگیختیم که [بگوید]: خدا را بپرستید و از [پرستش] طاغوت بپرهیزید. پس، از آنان کسانی بودند که خدا هدایتشان کرد، و از آنان کسانی بودند که گمراهی برایشان مقرر شد» مهم‌ترین رسالت انبیاء بعد از دعوت به توحید را مبارزه با طاغوت‌ها معرفی کرده است؛ البته مردم در قبال این رسالت به دو دسته تقسیم شدند؛ در ادامه آیه مردم را به سیر در زمین فرمان می‌دهد تا به عاقبت تکذیب‌کنندگان بنگرند. در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه، مؤمنان برای زمینه‌سازی تمدن جهانی در مقابله با طاغوت‌ها چند وظیفه مهم را به عهده دارند که باید تحت نظر نائب امام زمان عجل الله تعالی فرجه، انجام دهند؛ شناخت افکار طاغوت‌ها؛ بیزاری از تفکر آنها، برائت از مجریان تفکر آنها و دوری از پیروان آنها، از جمله موارد مقابله با طاغوت‌ها می‌باشد. با این توضیحات به دست آمد که در یک

نگاه کلی به دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای سه گام «قدرتمندی، عبودیت و تبری» از مهم‌ترین گام‌های تمدن‌ساز عصر ظهور در بُعد سلوک عملی شمرده می‌شود.

نتیجه

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ایجاد دنیای اسلام (تمدن بین‌المللی اسلامی) را آخرین مرحله از فرایند خط کلی نظام اسلامی دانسته و تحقق کامل تمدن اسلامی را در دوران ظهور حضرت حجت علیه السلام می‌دانند که آن زمان، شروع حرکت انسان در صراط مستقیم الهی است. ایشان در بیانیه گام دوم که به منزله منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» است این گام را زمینه ساز «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی» دانستند. تمدن‌سازی عصر ظهور نیازمند برداشتن سه گام فردی، اجتماعی و بین‌المللی است. دو مقاله قبل، عهده دار گام فردی و اجتماعی و این مقاله متکفل تحلیل گام بین‌المللی بود. مهم‌ترین گام‌های بین‌المللی تمدن‌ساز، دارای دو بُعد «سلوک بینشی» و «سلوک عملی» است. ایمان به خدا و باور به وعده‌های الهی در بُعد بینشی؛ قدرتمندی، عبودیت و تبری، در بُعد عملی، از مهم‌ترین گام‌های بین‌المللی، از منظر آیت‌الله خامنه‌ای در این عرصه شمرده شده که هر دو بُعد نیز دارای مؤیدات قرآنی و روایی است.

پیشنهادها

۴. تحلیل قرآنی ارائه راهکارهای عملی تمدن‌ساز عصر ظهور در دولت عدالت (در بُعد اجتماعی)

۵. تحلیل قرآنی ارائه راهکارهای عملی تمدن‌ساز عصر ظهور در دولت عدالت (در بُعد بین‌المللی)

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۵ ش، قم، ج: ۱، بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
۲. ابن عاشور محمد بن طاهر، بی تا، *التحریر والتنویر*، بی جا، بی نا.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴ ق، *معجم مقاییس اللغة*، مصحح: هارون، عبدالسلام محمد، قم، ج: ۳، چ: ۱، مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، *لسان العرب*، بیروت، ج: ۱۱، چ: ۳، دارصادر.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶ ش، *غرر الحکم*، قم، چ: ۱، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۶. جعفری، محمد تقی، ۱۳۷۹ ش، *تمدن ها، مبانی و ارتباطات*، تنظیم: محمدرضا جوادی، بی جا، چ: ۱، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. جمعی از پژوهشگران زیر نظر هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۴۲۶ ق، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)*، قم، ج: ۱، چ: ۱، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).
۸. حسینی، حسین، *روش تحلیل مؤلفه های مفهومی تمدن*، حکمت معاصر، سال پنجم، ش: ۲، تابستان ۱۳۹۳.
۹. حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر نور الثقلین*، مصحح: رسولی، هاشم، قم، ج: ۵، چ: ۴، اسماعیلیان.
۱۰. خامنه ای، سید علی، ۱۳۹۷ ش، *بیانیه گام دوم انقلاب*.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۳ ش، *لغت نامه دهخدا*، زیر نظر: محمد معین، تهران، ج: ۱۴، بی نا.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد ۱۴۱۲ ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، چ: ۱، دار القلم.
۱۳. شایان مهر، علیرضا، ۱۳۸۴ ش، *دایرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، تهران، ج: ۴، چ: ۱، کیهان.
۱۴. _____، ۱۳۹۰ ش، *دایرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، تهران، ج: ۷، چ: ۱، کیهان.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۰ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، ج: ۶، ۹، ۱۵، ۲۰، چ: ۲، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: یزدی طباطبایی، فضل الله و رسولی، هاشم، تهران، ج: ۵، چ: ۳، ناصر خسرو.
۱۷. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت، ج: ۱۰، چ: ۱، دار المعرفة.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، ج: ۳، چ: ۱، دار احیاء التراث العربی.
۱۹. فخررازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، ج: ۱۱، چ: ۳، دار احیاء التراث العربی.
۲۰. فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۴۱۵ق، تفسیر الصافی، تحقیق: حسین اعلمی، تهران، ج: ۱، چ: ۲، تهران، انتشارات الصدر.
۲۱. قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴ش، الجامع لأحكام القرآن، تهران، چ: ۱، ناصر خسرو.
۲۲. مصطفوی، حسن، ۱۳۸۵ش، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، طهران، چ: ۱، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۲۳. معین، محمد، ۱۳۸۶ش، فرهنگ معین، تهران، چ: ۲، زرین.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱ش، تفسیر نمونه، تهران، ج: ۷، چ: ۱۰، دار الکتب الإسلامیة.
۲۵. موسوی بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ، ۱۴۱۹ق، القواعد الفقھیة، قم، چ: ۱، نشر الهادی.
۲۶. پایگاه اطلاع رسانی حفظ و نشر حضرت آیت الله خامنه ای: <https://farsi.khamenei.ir/index>، تاریخ دانلود: ۹۹/۰۷/۱۰.

جامعه المصطفی ﷺ العالمیه و آینده پژوهی راهبردها با تأکید بر بیانیه

گام دوم

حسن بشارتی راد^۱

چکیده

انقلاب اسلامی ایران به واسطه‌ی گستره‌ی تأثیرات فکری و اجتماعی در دیگر ملت‌ها از زوایای گونه‌گون تجلی جهانی یافته است؛ به گونه‌ای که از طریق گفتمان‌سازی اهداف و آرمان‌ها در سطح بین‌الملل، زمینه‌ی ماندگاری و توسعه‌ی ارزش‌های اساسی خود در سطح منطقه و جهان را فراهم ساخته و با وجود مانع‌تراشی‌ها و دشمنی‌های بی‌شمار، چله‌ی نخست را پشت سر نهاده و وارد گام دوم انقلاب شده است. امروزه بعد از گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، واکاوی ابعاد و زوایای تجلی جهانی آن و بازمطالعه گفتمان‌سازی‌های گذشته، فرصت مناسبی را فراهم می‌سازد تا با رویکرد آینده‌پژوهی بر الزامات، بایسته‌ها و چالش‌های پیش‌رو در مسیر گام دوم پرداخته شود.

جامعه المصطفی به عنوان نهاد حوزوی بر خاسته از انقلاب اسلامی در راستای تحکیم راهبردی انقلاب اسلامی در سطح بین‌الملل، از ظرفیت بی‌بدیل و منحصر به فردی برخوردار می‌باشد که با قرار گرفتن در نقطه کانونی فعالیت‌های دینی علمی از طریق جریان‌سازی

۱. دانشجوی دکتری مجتمع عالی قرآن و حدیث و پژوهشگر همکار پژوهشگاه المصطفی ﷺ

گفتمان‌های انقلاب اسلامی به فراخور مخاطبان جهانی نقش آفرینی می‌کند. نوشتار حاضر با روش توصیفی تحلیلی به واکاوی راهبردهای جامعه المصطفی در گام دوم انقلاب اسلامی ایران پرداخته و بر ضرورت کاربست رویکرد آینده‌پژوهی تأکید دارد. یکی از دستاوردهای بزرگ جامعه المصطفی گسترش آموزش زبان فارسی در دنیا است.

واژگان کلیدی: بیانیه گام دوم؛ جامعه المصطفی العالمیه؛ انقلاب اسلامی ایران؛ آینده‌پژوهی

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران، هر چند در مرزهای جغرافیایی ایران شکل گرفت ولی از آنجایی که منشأ الهی، دغدغه‌ی دینی و رویکرد مردمی داشت، بازتاب فرا مرزی و تجلی فرا ملی یافت و در عرصه‌های گوناگون دینی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... در سه مقیاس ایران، جهان اسلام و سطح بین‌الملل، آثار و برکات فراوانی نمایان ساخت و دیگر الگوهای موجود را به رقابت فرا خواند، لذا انقلاب اسلامی ایران یکی از بزرگ‌ترین رخداد‌های سیاسی اجتماعی نیمه دوم قرن بیستم به حساب می‌آید که آثار شگرفی در ابعاد گوناگون برجای گذاشته است. عقلانیت، معنویت‌گرایی، عدالت‌طلبی، ظلم‌ستیزی، حکمرانی دینی و... منظومه‌ای از گفتمان‌های انقلاب اسلامی است که توجه جامعه‌ی نخبگانی و توده مردم در نقاط مختلف دنیا را به خود جلب کرد و در دل ملت‌ها بذر امید کاشت و زمینه‌انگیزش و حرکت را برای آنها فراهم ساخت. بر همین اساس، پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شکل‌گیری نظام اسلامی و حاکمیت ارزش‌های دینی، نقطه‌ی عطفی در تاریخ معاصر بود.

امروزه بعد از چهار دهه، انقلاب اسلامی ایران بر خلاف پیش‌بینی‌های آمریکایی‌ها، جشن چهل سالگی خود را برپا کرده تا بار دیگر تحلیل‌ها و پیشگویی‌های غربی‌ها از آینده نظام جمهوری اسلامی غلط از آب درآمده و خواب آنان تعبیر نشود. دشمنان جمهوری اسلامی ایران در خصوص جمهوری اسلامی طی چهل سال اخیر پیش‌بینی‌های زیادی کرده‌اند که علیرغم فشارهای بسیاری که برای تحقق آن آورده‌اند تا کنون هیچ یک از آنها محقق نشده و همچنان جمهوری اسلامی ایران بر خلاف خواست و نظر آنها راه خود را ادامه می‌دهد؛ «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ يَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنِيرَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (التوبه/۳۲) آنها می‌خواهند نور خدا را (دین و کتاب او را) به سخنانشان خاموش نمایند در حالی که خداوند نمی‌خواهد جز آنکه نور خود را (و لو به گذشت زمان و تکامل عقول و آمدن مصلح کل) کامل نماید هر چند کافران خوش ندارند. (ترجمه مشکینی)

آنان مبتنی بر نظریات کارشناسان و به دنبال وضعیت دشواری که از لحاظ اقتصادی

پیش روی ملت ایران نهاده‌اند، پیش‌بینی کرده بودند که انقلاب اسلامی ایران به چهل سالگی نرسد، ولی این رویا تعبیر نشد. استکبار جهانی و دولت‌های وابسته به آن، چه بخواهند و چه نخواهند، انقلاب اسلامی ایران به موازات بیداری و آگاهی ملت‌های مظلوم، همچنان راه خود را در میان آنان باز خواهد کرد و این شجره طیبه روز به روز گسترش خواهد یافت؛ «... قُلْ مُؤْتُوا بِعَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (آل عمران/۱۱۹) بگو: از خشم‌تان بمیرید، به یقین خدا به آنچه در سینه‌هاست داناست^۱. مقام معظم رهبری^۲ نیز با اشاره به پیش‌بینی متوهمانه مقامات آمریکایی مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی «چهل سالگی» خود را نخواهد دید، فرمود: «این حرف‌ها مرا یاد شعر عامیانه می‌اندازد که شتر در خواب بیند پنبه دانه، گهی لپ لپ خورد گه دانه دانه.» (امام خامنه‌ای، بیانات مقام معظم رهبری در بیانات در همایش ده‌ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی ۱۳۹۷/۰۷/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40645>)

رجز خوانی استکبار جهانی در مواجهه با انقلاب اسلامی ایران، یادآور رجز خوانی یزید بن معاویه در سال ۶۱ هجری قمری است که در مجلس کاروان اسرای کربلا با غرور و تکبر این اشعار را خواند:

لَيْتَ أَشْيَاخِي يَبْدُرُ شَهْدُوا *** جَزَعُ الْحَزْرَجِ مِنْ وَقَعِ الْأَسَلِ
فَأَهْلُوا وَ اسْتَهْلُوا فَرَحًا *** ثُمَّ قَالُوا يَا يَزِيدُ لَا تَسْتَلْ^۲

کاش بزرگان خاندان من که در جنگ بدر بودند، امروز می‌دیدند که قبیله خزرج چگونه

۱. هَا أَنْتُمْ أَوْلَاءِ تُجِبُّونَهُمْ وَ لَا يُجِبُّونَكُمْ وَ تُوْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَ إِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَ إِذَا خَلَوْا عَصَوْا عَلَيْكُمْ الْأَنْمَالَ مِنَ الْعَيْظِ قُلْ مُؤْتُوا بِعَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (آل عمران/۱۱۹) هان این شماست که آنها را دوست دارید و آنها شما را دوست ندارند، با آنکه شما به همه کتاب‌ها (ی آسمانی حتی کتاب آنها) ایمان دارید (و آنها به کتاب شما ایمان ندارند)، و چون با شما ملاقات کنند گویند: ایمان آوردیم؛ و هنگامی که با یکدیگر خلوت کنند از شدت خشم بر شما سر انگشتان خود را می‌گزینند. بگو: از خشمستان بمیرید، به یقین خدا به آنچه در سینه‌هاست داناست. (ترجمه مشکینی)

۲. اصل این اشعار را ابن زبیری پس از غزوه احد سروده است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۵/۱۳۲)

از ضربات نیزه به زاری آمده است. در آن حال، از شادی فریاد می‌زدند و می‌گفتند: ای یزید! دستت درد نکند!

پس از خواندن این اشعار بود که زینب کبری 3 برخاست و خطبه‌ای خواند (ابن طائوس، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۱۴) و در مقابل یزید بن معاویه با شجاعت کامل و با صدای رسا چنین گفت: «... كَيْدُ كَيْدِكَ وَ اجْهَدُ جُهْدَكَ فَوَ اللهُ الَّذِي شَرَفَنَا بِالْوَحْيِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبُوَّةِ وَ الْإِنْتِخَابِ، لَا تُدْرِكُ أَمَدَنَا وَ لَا تَبْلُغُ غَايَتَنَا وَ لَا تَمْحُو ذِكْرَنَا وَ لَا يُرْحِضُ عَنْكَ عَارُنَا وَ هَلْ رَأَيْكَ إِلَّا فَنَدًا وَ أَيَّامًا إِلَّا عَدَدًا وَ جَمْعًا إِلَّا بَدَدًا يَوْمَ يُنَادِي الْمُنَادِي أَلَا لَعَنَ اللهُ الظَّالِمَ الْعَادِي...» (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ۳۰۹/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۱۶۰/۴۵؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ ق، ۹۷۳/۱۱) ای یزید! هر کید و مکر، و هر سعی و تلاش که داری به کار بند، سوگند به خدای که هرگز نمی‌توانی، یاد و نام ما را محو و وحی ما را بمیرانی، این عار و ننگ از تو زوده نگردد. آیا جز این است که رأی تو سست و باطل و روزگارت محدود و اندک است و جمعیت تو پراکنده گردد. آری، آن روز که منادی حق ندا کند که لعنت خدا بر ستمکاران باد.

در این مقاله با تکیه بر مبانی فکری و جهت‌گیری یاد شده و با تأکید بر آموزه‌های بیانیه گام دوم و دیگر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری > با روش توصیفی تحلیلی به بازخوانی راهبردهای جامعه المصطفی‌العالمیه پرداخته شده و به ضرورت کاربست رویکرد آینده پژوهی در این مسیر تأکید شده است.

تحلیل مفهومی

گرچه مفاهیم کلیدی نوشتار حاضر؛ یعنی، «انقلاب اسلامی ایران»، «جامعه المصطفی‌العالمیه»، «گفتمان سازی»، «فرا ملی»، «گام دوم انقلاب» و «آینده پژوهی»، چندان نیازی به مفهوم‌شناسی ندارد ولی شایسته است چند نکته به صورت کوتاه و مختصر در باره برخی از مفاهیم یاد شده مورد تأکید قرار گیرد.

الف: انقلاب اسلامی

انقلاب (Revolution)، حرکتی مردمی، در جهت تغییر سریع و بنیانی ارزش‌ها و باورهای مسلط، نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری، روش‌ها و فعالیت‌های حکومتی یک جامعه است. انقلاب به معنای تحول اساسی و دگرگونی بنیادی است. انقلاب، عصیان علیه وضعیت موجود نامطلوب در راستای دستیابی به وضعیت مطلوب است. (ر.ک: مطهری، مجموعه آثار، ۱۴۰/۲۴) انقلاب هنجارهای گذشته را به هم می‌ریزد، هنجارهای جدیدی را به وجود می‌آورد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه استان تهران، ۱۳۹۶/۰۶/۰۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=37528>) این دگرگونی بنیادی در اغلب موارد بدون چالش‌های دشوار و بدون زورآزمایی، امکان‌پذیر نیست؛ اما معنایش این نیست که در انقلاب حتماً بایستی اغتشاش و شورش باشد، ولی هر شورش و هر اغتشاشی هم انقلاب نیست؛ انقلاب آن جایی است که پایه‌های غلطی برچیده می‌شود و پایه‌های درستی به جای آن گذاشته می‌شود. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۹/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3039>) چنان‌که شکل‌گیری جامعه اسلامی در صدر اسلام یک انقلاب و تحول همه‌جانبه بر علیه ساختار موجود قبل از اسلام و ارزش‌های جاهلی آن دوران بود، انقلاب اسلامی ایران نیز یک تحول فراگیر علیه ارزش‌های غلط دوران معاصر بود؛ تحول صدر اسلام که يك انقلاب اسلامی و مذهبی بود در همان حال که انقلاب معنوی بود انقلاب سیاسی بود، در همان حال که انقلاب معنوی و سیاسی بود، انقلاب مادی و اقتصادی هم بود؛ یعنی آزادی، عدالت، نبودن تبعیض‌های اجتماعی و شکاف‌های طبقاتی که شالوده‌ی آموزه‌های متون اصلی اسلام است، (مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۴۱) انقلاب اسلامی ایران نیز يك انقلاب همه‌جانبه اسلامی است، یعنی روح این انقلاب را چه از جنبه مادی چه از جنبه آزادی‌خواهانه و چه از جنبه‌های دیگر، اسلام تشکیل می‌دهد. (ر.ک: مطهری، مجموعه آثار، ۳۰/۳۱۵؛ همو، انقلاب اسلامی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۱۵۰ و ۱۵۴)

انقلاب اسلامی ایران یکی از بزرگ‌ترین رخداد‌های سیاسی اجتماعی نیمه دوم قرن بیستم به حساب می‌آید و به عنوان نقطه عطفی در انقلاب‌های جهان مطرح است و از بهترین انقلاب‌هایی است که در دنیای کنونی رخ داده است. (رک: امام خمینی، صحیفه نور، ۴۹/۱۰ و ۶۸) انقلاب اسلامی، انقلابی الهی (همو، ۷۶/۱۵)، منحصر به فرد (همو، ۱۱۸/۱۵) و پدیده‌ای کم‌نظیر یا بی‌نظیر است (همو، ۸۵/۱۵) برجستگی‌های خاصی دارد؛ هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام، از همه انقلاب‌ها ممتاز است (رک: همو، ۷/۸) این انقلاب آثار شگرفی در ابعاد گوناگون برجای گذاشته است که در طول تاریخ بی‌نظیر است. این انقلاب نه تنها نظام استبدادی در ایران را برانداخت، بلکه سبب تغییرات بسیاری در عرصه‌ی بین‌المللی شد و به اعتراف محققان و پژوهشگران، بزرگ‌ترین حادثه نیمه دوم قرن بیستم می‌باشد، گفتمان جدیدی را ایجاد کرد که در ادبیات سیاسی انقلابیون جهان مؤثر واقع شد و به ویژه مسلمانان جهان را سخت تحت تأثیر قرار داد. (ایوبی، ۱۳۸۰ ش.).

ب: جامعه المصطفی العالمیه

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، حضور طلاب غیرایرانی در حوزه علمیه قم، به صورت اندک و از طریق دارالتبلیغ اسلامی انجام می‌شد (جعفریان، ۱۳۹۳ ش.، ص ۳۲۸) با پیروزی انقلاب و استقبال از تحصیل علوم دینی در ایران، در شهریور سال ۱۳۵۸ ه. ش. «شورای سرپرستی طلاب غیرایرانی» در حوزه علمیه ایجاد شد. این شورا در سال ۱۳۶۵ ه. ش. با تحول در ساختار به «مرکز جهانی علوم اسلامی» تغییر نام یافت. (تاریخچه مرکز جهانی علوم اسلامی، سایت رحماء) از سوی دیگر، به منظور سامان‌دهی مدارس علمیه همسو با انقلاب اسلامی در خارج از کشور، در سال ۱۳۷۰ «سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور» تاسیس شد و به مرور در بیش از ۴۵ کشور جهان نمایندگی ایجاد کرد. (جزوه آشنایی با سازمان حوزه‌ها و...، ۱۳۸۵، ص ۴-۵) دو این نهادها سال‌ها فعالیت داشتند و خدمت می‌کردند و به تدریج از نظر کمی و کیفی رشد و توسعه پیدا کردند؛ مرکز جهانی

علوم اسلامی در قم توسعه بسیار خوبی پیدا کرد و جمعیت زیادی از کشورهای مختلف در این مرکز اسلامی جمع شدند. سازمان مدارس هم به تدریج در کشورهای مختلف حضور پیدا کرد؛ به خصوص در کشورهای قاره آسیا و آفریقا حضور چشم‌گیری داشت. در سال ۱۳۸۶ ه.ش. با تلفیق «سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور» و «مرکز جهانی علوم اسلامی» نهادی جدید با نام «جامعه المصطفی العالمیه» شکل گرفت. (اساسنامه جامعه المصطفی العالمیه) (مصوب جلسه ۶۳۵ مورخ ۲۱/۸/۱۳۸۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی)

«جامعه المصطفی ﷺ العالمیه» به عنوان نهادی حوزوی در سطح بین‌الملل از جمله‌ی ثمرات فاخر انقلاب اسلامی می‌باشد که در طول سالیان متمادی از تأسیس آن، منشأ برکات فراوان در اقصی نقاط جهان شده است. این نهاد از مهم‌ترین تحولات حوزه‌های علمیه در عرصه‌ی بین‌المللی به شمار می‌رود که به اعتراف کارشناسان و رقبا، در قالب یک نهاد گفتمان‌ساز و جریان‌ساز نمایان شده و قرائتی پویا از اسلام و آموزه‌های الهی را در دنیا منعکس می‌کند. امروزه جامعه المصطفی ﷺ با مدیریت علمی و پشتیبانی فکری ده‌ها هزار دانش‌پژوه از یکصدوسی ملیت از نقاط مختلف جهان، از سرمایه و ظرفیت بی‌بدیلی برخوردار گشته است تا آرزوی سده‌های طولانی شیعه مبنی بر جهانی‌سازی معارف مکتب اهل بیت: تحقق یافته و جامه عمل بپوشد. جامعه المصطفی ﷺ امروز در جهان به عنوان یک نهاد علمی شناخته شده مطرح است و بسیاری از مراکز علمی کنفرانس‌هایی برای شناسایی آن تشکیل داده‌اند.

ج: گفتمان‌سازی

تعبیر «گفتمان»، بی‌گمان یکی از پربسامدترین واژگان و مفاهیم در سالیان اخیر است که در حوزه‌های گونه‌گون دانشی و شاخه‌های مختلف معرفتی کاربرد داشته است. کاربرد این واژه در زبان فارسی از دیرینه زیادی برخوردار نمی‌باشد و با مفاهیمی چون گفتار، گفتگو، مباحثه، مکالمه، عمل، نماد، قدرت، استعداد تفکر و... جانشین و هم‌نشین است. شاید

بتوان گفت واحد اصلی گفتمان، گفتار است، لذا در تعریف گفتمان گفته می‌شود که گفتمان «مجموعه‌ای از گفتارها» می‌باشد. گفتمان معادل واژه‌ی «discourse» از ریشه فعل یونانی «discurrere» به معنای حرکت سریع در جهات مختلف است (عضدانلو، ۱۳۷۵ ش.). لذا در معنایابی آن، نمی‌توان فقط به مفاهیم گفتار و گفتگو اکتفا کرد، بلکه می‌بایست به شرایط زمانی، مکانی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... نیز توجه کافی مبذول داشت که به صورت پنهان در شبکه‌ی مفهومی گفتمان جای می‌گیرند؛ زیرا کلمات و مفاهیم که اجزای تشکیل دهنده‌ی ساختار زبان هستند، ثابت و پایدار نبوده و در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت، ارتباطات آنها دگرگون شده و معانی مختلفی را بیان می‌کنند؛ (مک‌دانل، ۱۳۷۷: ۴۱) از این رو، ساختار زبان نیز همواره تغییرپذیر بوده است. با این دید، می‌توان گفتمان را به عنوان «نمایانگر تبیین زبان در ویرای جمله و کلمات و عبارات» دانست و آن را در علایم و کنش‌های غیرکلامی و کلیه‌ی ارتباطات میان افراد، جست‌وجو کرد. (سلیمی، ۱۳۸۳: ۵۵). اگر گفتمان را منظومه‌ای معنایی تصور کنیم که حول یک دال مرکزی سامان یافته و تحت تأثیر زمان و مکان قرار دارد، الزاماً می‌بایست در تحلیل مفهومی گفتمان، مجموعه‌ی شرایط اجتماعی، زمینه نوشتار و گفتار، ارتباطات فرا کلامی و رابطه ساختار و ... را در نظر بگیریم. بنابراین، گفتمان مفهومی چندوجهی و اصطلاحاً به آن اندیشه و دیدگاهی اطلاق می‌شود که توانسته است در بین مخاطبان فهم مشترک ایجاد کند و به دلیل وجود زمینه‌های مساعد، به جریانی فکری تبدیل گردد. پس روشن است که گفتمان‌سازی فقط کار نظری نیست، بلکه مهم‌تر از آن ایجاد فهم مشترک بین مخاطبان و سپس همسو کردن همه یا اکثریت با آن است.

باید به این نکته اذعان داشت که گفتمان‌ها با توجه به انواع نهادها و کاربست‌های اجتماعی متفاوتی که در آنها شکل می‌گیرند و نیز با توجه به موقعیت، جایگاه و شأن افرادی که صحبت می‌کنند یا می‌نویسند و کسانی که مخاطب آنان هستند، فرق می‌کنند. (فیلیپ، ۱۳۸۱: ۱۶۱) بنابراین، زمینه و بستر گفتمان، جریانی همگن، واحد و یک دست

نیست، لذا باید گفت گفتمان‌ها، مجسم‌کننده‌ی معنا، ارتباطات اجتماعی و تعامل در موقعیت‌های اجتماعی هستند (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۸ و ۹) که بستر زمانی، مکانی، موارد استفاده و سوژه‌های استفاده‌کننده‌ی هر مطلب یا گزاره و قضیه تعیین‌کننده‌ی شکل، نوع و محتوای هر گفتمان به شمار می‌روند.

د. آینده‌پژوهی

از دیرباز، بشر همواره به دنبال راه‌هایی بوده است تا بتواند از آینده اطلاعاتی بدست آورد. کف‌بینی، ستاره‌خوانی و ... نمونه‌هایی از این تلاش به‌شمار می‌رود. در دهه‌های اخیر، خصوصاً بعد از جنگ جهانی دوم، محققان و دانشمندان، به منظور پیش‌بینی عقلانی و روش‌مند آینده، اقدام به پایه‌ریزی و گسترش روش‌های کمی و کیفی کردند که امروزه با نام «آینده‌پژوهی» شناخته می‌شود. آینده‌پژوهی، حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است که در راستای به دست آوردن تصویری از وضعیت‌های احتمالی در باره آینده است. آینده‌پژوهی، جست‌وجوی نظام‌مند و کنکاش عالمانه درباره وضعیت آینده و دست‌یابی به نظم‌ها و الگوهای است که بتوان براساس آن‌ها، آینده را پیش‌بینی علمی کرد. آینده‌پژوهی با تکیه بر گذشته در صدد دستیابی به آینده‌ی مطلوب است. (اسلاتر، ۱۳۸۶، ۱۱۸) آینده‌پژوهی در پی شناسایی و ارزیابی آینده‌های ممکن و محتمل است تا بر پایه ارزش‌های جامعه، آینده‌های مرجح را ابداع و انتخاب کرده و برای ساخت مطلوب‌ترین آینده کمک کند. (بل، ۱۳۹۲، ۱۶۰) بنابراین، آینده‌پژوهی دانشی است که ما را نسبت به رویدادها، فرصت‌ها و مخاطرات احتمالی آینده هشیار نگه می‌دارد، ابهام‌ها، تردیدها و دغدغه‌های فرساینده را تاحدی می‌کاهد، توانایی انتخاب‌های هوشمندانه را افزایش می‌دهد. به دیگر عبارت، آینده‌پژوهی در حقیقت، دانش و معرفت «شکل بخشیدن به آینده» به گونه‌ای آگاهانه، فعالانه و پیش‌دستانه است. (ملکی‌فر، ۱۳۸۵ ش، ۷). آنچه که در آینده‌پژوهی اهمیت دارد «روش‌مند کردن پژوهش درباره آینده» و نشان دادن تصویری جامع و نزدیک به واقع از آینده است. آینده‌پژوهی، «پیش‌گویی»، «غیب‌گویی» و ... نیست (ر.ک: هاموند، ۱۳۹۴، ۳۶).

آنچه که آینده پژوهی را از مفاهیم یاد شده متمایز می‌سازد، تعمیم‌پذیری، روشمندی و قابل ارزیابی بودن آن است؛ زیرا خروجی فرآیند آینده پژوهی با اصول و معیارهای عقلی و منطقی بشر قابل بررسی و داوری است. البته برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

در حوزه‌ی مطالعات آینده، واژگان و مفاهیم متعددی مورد استفاده قرار می‌گیرد که عدم رعایت مرزبندی مفهومی بین آن‌ها، موجب خلط بین مفاهیم و در نتیجه در برخی موارد زمینه‌ساز کاربرد غیر دقیق و یا ناصحیح آنها و نیز برداشت نادرست می‌شود که این نکته، یکی از مهم‌ترین نقاط آسیب‌پذیر این مباحث است. واژگان و مفاهیمی چون «آینده‌شناسی»، «آینده‌نگری»، «پیش‌بینی»، «دوران‌دیشی»، «آینده‌نگاری»، «مطالعه آینده»، و... از واژگان جانشین و هم‌نشین «آینده‌پژوهی» است که کم‌وبیش در نوشته‌ها و مباحث علمی و پژوهشی کاربرد دارند^۱.

باید اذعان داشت که آینده‌نگری در آموزه‌های اسلامی از جایگاه والایی برخوردار بوده و با گفتمان و روش‌های گوناگون همگان را به این امر دعوت نموده است. مفاهیم یاد شده در آموزه‌های قرآنی و گزاره‌های حدیثی مورد تأکید قرار گرفته است؛ چنان‌که حضرت علی ۷ می‌فرماید: «... مَنْ تَوَرَّطَ فِي الْأُمُورِ بِغَيْرِ نَظَرٍ فِي الْعَوَاقِبِ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلتَّوَابِ التَّدْبِيرُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ النَّدَمَ...» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ۹۰ و حلوانی، ۱۴۰۸ق، ۶۲) آن کس که بدون نگرستن در عاقبت کار و بدون آینده‌نگری دست به اقدام زند، خود را گرفتار پیشآمدهای ناگوار سازد، آینده‌نگری قبل از اقدام کردن، سبب ایمنی از لغزش‌ها است.

امروزه رویکرد آینده‌پژوهی کارآمدی خود را در حوزه‌های مختلف دانشی و عرصه‌های

۱. باید توجه داشت که مفهوم آینده‌پژوهی با مفاهیمی چون: «پیش‌گویی»، «غیب‌گویی»، «فال‌بینی»، «طالع‌بینی» و... متفاوت است.

گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و... به اثبات رسانده است، به طوری که امروزه این رویکرد به یک رویه‌ی پذیرفته شده و نتیجه‌بخش تبدیل شده و علی‌رغم پیشینه‌ی اندک، از جایگاه ممتاز و برجسته‌ای در میان علوم برخوردار گشته است؛ چرا که آینده‌پژوهی، در مهندسی هوشمندانه برای تأمین نیازها و دستیابی به اهداف، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند.

۱- تعمیق آرمان‌های انقلاب اسلامی از طریق گفتمان‌سازی فرا ملی

گفتمان‌سازی آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی در سطح بین‌الملل به معنای تبدیل شدن آن‌ها به دغدغه‌ی عمومی در فکر و اندیشه‌ی مخاطب جهانی است، به طوری که بتواند در سبک زیست انسانی آنها تبلور یافته و در زیرساخت‌های اجتماعی آنها نفوذ کرده و در سراسر حیات اجتماعی آنها جریان یابد. آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی می‌بایست از طریق گفتمان‌سازی با تبیین لازم، منطقی، عالمانه و دور از زیاده‌روی‌های گوناگون و استفاده از ابزارهای گفتمان‌ساز در میان مخاطبان بین‌المللی به گفتمان‌های عمومی تبدیل بشود. گفتمان‌سازی نسبت به انقلاب‌ها، هم نقش علت موجه دارد و هم نقش علت مبقیه؛ هم چنان‌که گفتمان‌سازی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری انقلاب‌ها یا جنبش‌های اجتماعی دارد و پیدایش انقلاب‌ها به یک گفتمان عمومی وابسته است، حفظ، تثبیت و توسعه انقلاب‌ها نیز نیاز به گفتمان‌سازی دارد، بنابراین، یکی از رسالت‌های بسیار مهم و مأموریت استراتژیک رهبران و نهادهای مرجع راه‌اندازی و جریان‌سازی گفتمانی است که این ظرفیت به عنوان شاخص قدرت نرم و سنجه انعطاف‌پذیری در مواجهه با معضلات کلان اجتماعی نقش ایفا می‌کند لذا یکی از ویژگی‌های مهم نهادهای مرجع در انقلاب‌ها و جنبش‌های اجتماعی، توانایی به وجود آوردن گفتمان توسط آنهاست. چنان‌که مقام معظم رهبری > در بیانیه گام دوم می‌فرماید:

«انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آمادگی

تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد.» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

اگر با رویکرد تحلیل محتوایی مروری بر بیانات چند ساله‌ی اخیر مقام معظم رهبری > داشته باشیم، متوجه می‌شویم که از منظر ایشان، آرمان‌های انقلاب اسلامی و اهداف کلان جمهوری اسلامی تنها از راه تبدیل شدن به «گفتمان» محقق می‌شود. در همین راستا می‌بایست با استفاده از روش‌های مختلف و شیوه‌های مناسب آن قدر کار شود و تکرار شود تا به عنوان واضحات فکری و بینات اجتماعی نهادینه شود. این نشدنی نیست، دور از دسترس هم نیست، خیال نکنند که حالا این کارها را اگر بخواهیم بکنیم، صد سال طول می‌کشد؛ نه، اگر اهل دل و اهل دین همت بکنند، این کارها خیلی زود تحقق پیدا می‌کند. (ر.ک: بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن، ۱۳۹۶/۰۲/۰۷، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36331>) آرمان‌ها و اهداف اساسی انقلاب اسلامی می‌بایست از طریق تبدیل شدن به گفتمان‌های متناسب با تنوع مخاطبان در سطح ملی و فراملی به عنوان دغدغه و فکر رایج بین توده مردم شناخته شود، وقتی چنین شود به‌طور طبیعی به عمل نزدیک خواهد شد. باید این قدر این گفته بشود، استدلال بشود، تبیین بشود، تکرار بشود که به‌صورت یک گفتمان قطعی دربیاید. (ر.ک: بیانات مقام معظم رهبری در بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۶/۰۶/۳۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=37721>)

از آنجایی که گفتمان‌سازی کارکرد روشی و ابزاری دارد، لذا از کارکردهای دوسویه برخوردار می‌باشد؛ یعنی همانطور که شما در صدد بهره‌برداری از گفتمان‌سازی برای پیش برد اهداف خود هستید، در همان حال رقیبان و دشمنان نیز به فکر استفاده از این روش در مقابل شما هستند. گفتمان‌سازی، بهترین و مناسب‌ترین شیوه برای خنثی‌سازی

گفتمان سازی رقیب است. امروزه گفتمان سازی به عنوان یکی از کارکردهای رایج در سطح بین الملل است که هم برای مشروعیت سازی و هم در راستای مشروعیت زدایی از آن استفاده می کنند (ر.ک: شیلتون، ۱۳۷۷، ص ۶۷) یعنی در عین حال که خیلی از دولت ها و گروه ها برای بقای خویش و مشروعیت نظام خود از گفتمان سازی سود می جویند و با توسعه و تعمیق ارزش های خود به دنبال تدوام و ماندگاری خود هستند، در عین حال مخالفان آنها نیز در راستای مشروعیت زدائی از همین روش بهره می برند. این همان قدرت اقتناعی است که اهمیتی بیش از قدرت برهنه دارد، هرچه پیچیدگی جامعه بیشتر شود، قدر و اهمیت اقتناع بالاتر می رود و کامیابی در اقتناع به گستردگی و مدت تبلیغ و مهارت در القای افکار و... بستگی دارد. شك نیست که گفتمان سازی و اقتناع برای اعمال قدرت و توسعه ارزش ها، نه فقط کارآمدتر بلکه ارزان تر و راحت تر از روش های جایگزین است. (ر.ک: نویمان، ۱۳۷۳، ص ۴۹) از آنجایی که استکبار می کوشد ملت ها را با «ایران هراسی»، «اسلام هراسی» و «شیعه هراسی» گمراه کند، ولی ملت ها ذاتا با ایران اسلامی دشمنی ندارند و هر جا حقیقت روشن شود، از آن پشتیبانی می کنند؛ (بیانات مقام معظم رهبری) چراکه عرصه جهانی عرصه تنوع گفتمانی است و برای آن که حرفی برای گفتن داشته باشیم باید گفتمان های دیگر را هم بشناسیم و کنشگر فعال باشیم، پس بهترین روش و کارآمدترین و کم هزینه ترین شیوه برای خنثی سازی ایران هراسی در سطح بین الملل، گفتمان سازی ارزش های فرا ملی انقلاب اسلامی ایران متناسب با مخاطب بین الملل است.

۲- جامعه المصطفی ﷺ و راهبردهای فراملی انقلاب اسلامی

بیداری قلب ها و خیزش فکری و بصیرتی انسان های آزادی خواه در عالم، بزرگ ترین دستاورد انقلاب اسلامی است و از سوی دیگر، جامعه المصطفی ﷺ از برکات فخر انقلاب اسلامی به شمار می رود، بنابراین، اگر بخواهیم در ارتباط با رسالت جامعه المصطفی ﷺ در گفتمان سازی فرا ملی انقلاب اسلامی سخن بگوییم، باید بر تدوام بیداری بخشی و بصیرت افزایی تأکید شود که در حقیقت این همان گفتمان انقلاب اسلامی است. مسئله گفتمان

انقلاب اسلامی و رهنمودهای حضرت امام 1 و مقام معظم رهبری > جزو امور اساسی مبنایی فعالیت‌های این مرکز علمی است، لذا همه فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، تربیتی، تبلیغی و ... با محوریت گفتمان انقلاب اسلامی بوده و حول این نقطه‌ی کانونی جریان دارد. طبیعی است که میزان موفقیت جامعه المصطفی ع‌ل‌ه‌س‌ل‌م در دستیابی به این هدف، مرهون تلاش‌های خالصانه و حمایت دیگر مراجع فکری و مراکز پشتیبانی است.

۳- ظرفیت بی‌بدیل جامعه المصطفی ع‌ل‌ه‌س‌ل‌م در سطح بین‌الملل

جامعه المصطفی ع‌ل‌ه‌س‌ل‌م العالمیه به عنوان یک نهاد علمی و آموزشی حوزوی با هدف نشر حقایق اسلام ناب محمدی و گسترش فرهنگ و مکتب اهل بیت: در سطح بین‌الملل شکل گرفته است تا آموزه‌های قرآن کریم و سنت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت: را به اذهان تشنه جوانان و مردم دیگرکشورها برساند. این نهاد حوزوی از زمانی که تاسیس شده است تا کنون منشا خدمات فراوانی بوده و در طول این مدت در بیش از یکصد کشور شعبه دایر کرده است که تمامی مراکز و نمایندگی‌های آن در خارج از کشور طبق مجوز قانونی کشورهای هدف به فعالیت می‌پردازند.

شکل‌گیری جامعه المصطفی ع‌ل‌ه‌س‌ل‌م در زیرمجموعه‌ی ساختار حوزه‌های علمیه و کسب تجربه‌های ارزشمند ناشی از چند دهه فعالیت بین‌المللی، این نهاد را از ظرفیت‌های فراوان بی‌بدیلی برخوردار کرده است بود و امروز علی‌رغم اینکه جامعه المصطفی ع‌ل‌ه‌س‌ل‌م یک نهاد نوپا و تازه تأسیس است، از موقعیت شایسته‌ای در دنیا برخوردار است و جایگاه برجسته‌ای دارد و به‌عنوان یک دانشگاه بین‌المللی اسلامی در دنیا شناخته می‌شود. توجه به ریشه‌های حوزوی جامعه المصطفی ع‌ل‌ه‌س‌ل‌م و اقتضائات آن در کنار توجه به نیازهای مخاطب جهانی و الزامات آن، این نهاد را به کانون فرآیندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در موضوعات دینی در سطح بین‌الملل تبدیل کرده است. جامعه المصطفی ع‌ل‌ه‌س‌ل‌م با بسیاری از مراکز علمی و آکادمیک تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای مشترک همکاری دارد. با مراکز دینی در کشورهای مختلف گفت‌وگوها و نشست‌های مشترک برگزار می‌کند. مجموعه این شرایط به برکت نگاه

فرا ملی امام خمینی 1 و مقام معظم رهبری > به وجود آمده است و زمینه مساعد برای تاثیر گذاری حوزه علمیه در بعد بین الملل را فراهم ساخته است.

جامعه المصطفیٰ ﷺ در راستای تربیت نیروی انسانی کارآمد، دستاوردهای ارزشمند و قابل توجهی به دست آورده است، آمار چند ده هزاری دانش‌آموختگان و فارغ‌التحصیلان جامعه المصطفیٰ ﷺ، بیانگر رشد بی نظیر در این زمینه است. جامعه المصطفیٰ ﷺ دانش‌آموختگان فراوانی در اقصی نقاط عالم دارد که بسیاری از آنان از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های بالایی برخوردار شده‌اند که این امر، فرصت طلائی و امکان استثنایی در اختیار جامعه المصطفیٰ ﷺ قرار داده است تا از این طریق بتواند گام‌های بلندی را در تعمیق راهبردی انقلاب اسلامی و نهادینه‌سازی جهانی ارزش‌های آن بردارد. امروزه، کمتر کشور پرجمعیتی در دنیا وجود دارد که دانش‌آموختگان و دانش‌پژوهان جامعه المصطفیٰ ﷺ در آن حضور نداشته باشند، بسیاری از آنان انسان‌های مؤثری در چرخه علمی و فرهنگی کشور خودشان هستند و تأثیر مثبت اجتماعی شایسته‌ای برای جامعه خودشان دارند و در خدمت پیشبرد علم و فرهنگ و معنویت جوامع خودشان هستند، به طوری که مسئولین آن کشورها اذعان می‌کنند دانش‌آموختگان جامعه المصطفیٰ ﷺ شخصیت‌های معتدل و متین و سازگار با فضای اجتماعی کشورشان هستند. درصد بالایی از فارغ‌التحصیلان جامعه المصطفیٰ ﷺ در عرصه‌های فرهنگی و تربیتی درخسیده‌اند و در کشور خودشان به عنوان پناهگاه فکری و عاطفی مردم قرار گرفته‌اند و این مرجعیت فکری و عاطفی، هم بیانگر موفقیت جامعه المصطفیٰ ﷺ است و هم سرمایه عظیم و ظرفیت گرانقیمتی برای پیشبرد آرمان و اهداف می‌باشد.

۴. رسالت جامعه المصطفیٰ در تحکیم راهبردی انقلاب اسلامی در سطح بین الملل

«انقلاب اسلامی» و «جامعه المصطفیٰ ﷺ» نقاط مشترک فراوانی دارند؛ خاستگاه مشترک، اهداف مشترک، تهدیدهای مشترک و... آن دو را به همسویی هرچه بیشتر، ارتباط

نزدیک‌تر، تعامل کاربردی‌تر و... وا می‌دارد^۱. گرچه «جامعه المصطفی» ماهیتی علمی آموزشی دارد و می‌بایست ملاحظات و الزامات آموزشی در اهداف، سیاست‌ها، رویکردها و... متناسب با استانداردهای لازم رعایت شود، ولی روشن است که «جامعه المصطفی» یک نهاد حوزوی برخاسته از انقلاب اسلامی است و این ارتباط تنگاتنگ، آن دورا به تعامل دو سویه ملزم می‌سازد؛ به همان میزان که انقلاب اسلامی در شکل‌گیری جامعه المصطفی نقش ایفا کرده است، در بقا و تداوم آن نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و در راستای آن، جامعه المصطفی نیز رسالت تحکیم و تعمیق گفتمان‌سازی فرا ملی انقلاب اسلامی در سطح بین‌الملل را بر خود وظیفه می‌داند و همچون گذشته بر این رویه اصرار می‌ورزد. گرچه هدف از حضور در عرصه‌ی بین‌المللی، مداخله در امور دیگر ملت‌ها و کشورها نیست ولی همواره باید برای نشر آموزه‌های اسلام ناب محمدی و معارف مکتب اهل بیت: در سراسر جهان برنامه‌ریزی داشته و اقدام کرد.

امروزه اقتدار هر ملتی تابعی از توان و میزان حضور در خارج از مرزهای خود است. جایگاه دین در نشر پیام معنویت، عقلانیت و عدالت در گره‌گشایی از معضلات معاصر بشریت، ضرورت آمادگی این نهاد برای تشریک مساعی بیشتر در جهت دستیابی به ارزش‌های انسانی و آموزه‌های دینی را دوچندان کرده است. جامعه المصطفی به عنوان نهاد علمی آموزشی، همواره خود را خدمت‌گزار فعالان دینی عرصه بین‌الملل می‌داند و به اعتراف جهانیان، جامعه المصطفی به عنوان فکر، گفتمان و جریان مطرح است و قرائتی پویا از اسلام و آموزه‌های الهی را در دنیا منعکس می‌کند. بنابراین، توسعه و تعمیق ارزش‌های انقلاب اسلامی در میان ملت‌های مختلف و تحکیم راهبردی نظام اسلامی در سطح بین‌الملل از مأموریت‌های اساسی و کلیدی جامعه المصطفی می‌باشد.

۱. روشن است که ترسیم دوئیت (اثنینیت) بین «انقلاب اسلامی» و «جامعه المصطفی»، در راستای تصویرسازی برای تبیین مسأله است و گرنه انقلاب اسلامی و جامعه المصطفی به حدی در هم تنیده‌اند که جدا انگاری آنها دشوار می‌نماید.

الف: گفتمان سازی با رویکرد تقریب

از آنجایی که آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی، دامنه‌ی گسترده و ماهیتی فرا ملی داشته و جامعه المصطفیٰ ﷺ نیز در قلمرو جهانی فعالیت می‌کند، پس گفتمان سازی آن نیز می‌بایست در مقیاس بین‌الملل دیده شود؛ یعنی هم اهداف و کارکردهای آن، هم جامعه مخاطب و هم روش‌ها و ابزار آن، متناسب با موضوعات کلان در سطح بین‌المللی باشد. دستیابی به این اهداف در صورتی میسر خواهد بود که از رویکردهای لازم بهره برده شود. رویکرد تقریب از رویکردهای اساسی انقلاب اسلامی است، انقلاب اسلامی به دنبال تثبیت انسجام اسلامی است لذا باید زمینه‌ساز همگرایی مسلمین شود نه واگرایی جهان اسلام. انقلاب اسلامی به دنبال آن نیست که در اعتقادات اهل سنت تغییر ایجاد کند بلکه به دنبال ایجاد فضای علمی در مباحث دینی و تعمیق پایه‌های اتحاد اسلامی است. حقیقت اتحاد بین نحله‌های فکری و مذاهب اسلامی آن است که با حفظ عقاید قطعی و مسلم خود، در مقابل دشمن مشترک موضع واحدی داشته و از او غافل نباشیم و این بدان معنا نیست که از بحث و گفتگوی علمی و پژوهش در موضوعات اساسی پرهیز کنیم. امروزه جامعه المصطفیٰ ﷺ منادی وحدت بوده و این رویکرد در جامعه المصطفیٰ ﷺ به صورت عملیاتی تحقق یافته و جریان دارد؛ بخشی از دانش‌پژوهان آن از اهل سنت هستند و بر اساس مذهب خودشان تحصیل می‌کنند و بر اساس مذهب خودشان هم فارغ‌التحصیل می‌شوند و در جامعه المصطفیٰ ﷺ هیچ اجباری برای تغییر مذهب وجود ندارد. جامعه المصطفیٰ ﷺ فراتر از تقریب بین المذاهب، تقریب بین الادیانی را هم عملیاتی کرده است؛ امروزه در برخی از مراکز خارج از کشور جامعه المصطفیٰ، مسیحیان نیز حضور دارند. در بسیاری از کشورها خانواده‌های مسیحی به مدارس و مراکز علمی جامعه المصطفیٰ ﷺ را مراجعه کرده و علاقه خود مبنی بر تحصیل فرزندان شان در مدارس جامعه المصطفیٰ ﷺ را ابراز می‌کنند؛ چون در این دانشگاه‌ها امنیت روحی و روانی و جسمی برای فرزندان ما بیشتر فراهم است.

گفتمان سازی در فرآیند پیش برد اهداف انقلاب اسلامی و تحکیم راهبردی ارزش های آن، ملاحظات و الزامات خاص خود را می طلبد؛ می بایست اهداف کارکردی آن را به تناسب مخاطب معاصر سازی و بومی سازی کرد، باید از طریق استناد به منابع معتبر اهل سنت دامنه ی استنادی و گستره ی پذیرش آن را توسعه داد، از شیوه ها و ابزار و امکانات مناسب و به روز بهره برد، از ظرفیت های رسانه ای و تکنولوژی های ارتباطی بهره برداری شایسته داشت و

آنچه که باید از آن پرهیز شود، نگرش های افراطی با رویکردهای متعصبانه است، نفی تعصّب به معنای عدول از حقایق نیست، بلکه به معنای پایه ریزی مبانی اعتقادی بر موازین علمی و کارشناسانه است - چه در زمینه پژوهش و تحقیق، و چه در زمینه گفت و گو و بحث - تا در نتیجه ی این نظام فکری، سلوک و تعامل اهل مذاهب با یکدیگر بر پایه ی مدارا و عدم خشونت، شکل گیرد، بنابراین نمی توان در پوشش شعار «تمسک به ولایت اهل بیت:»، آثار و لوازم فقهی اقرار به «شهادتین» را نفی کرد، همان طور که نمی توان تحت عنوان «وحدت اسلامی» و با شعار براندازی تعصبات، از جهات اختلاف در اصول ایمانی و آثار و لوازم آن چشم پوشی نمود. چنان که شیخ محمد عاشور در بیان نظریه تقریب بین مذاهب می گوید: «مقصود از اندیشه تقریب بین مذاهب اسلامی، یکی کردن همه مذاهب و روی گردانی از مذهبی و روی آوردن به مذهبی دیگر نیست، که این به بیراهه کشاندن اندیشه تقریب است. تقریب باید بر پایه بحث و پذیرش علمی باشد تا بتوان با این اسلحه علمی به نبرد با خرافات رفت و باید دانشمندان هر مذهبی در گفت و گوی علمی خود، دانش خود را مبادله کنند، تا در یک محیط آرام بدانند، بشناسند، بگویند و نتیجه بگیرند.» (اسکندری، ۱۳۸۱ش، ۳۲)

ب: گفتمان سازی ارزش های انقلاب اسلامی در بستر گسترش زبان فارسی

یکی از دستاوردهای بزرگ جامعه المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گسترش آموزش زبان فارسی در دنیا است. در بیش از هزار سال، زبان فارسی با معارف دینی و اسلامی عجین و به محفلی برای

ارائه آموزه‌های دینی تبدیل شده است. زبان و ادب فارسی، بی شک، دومین زبان جهان اسلام برای ارائه معارف و مفاهیم علمی و دینی به شمار می‌رود. پس از انقلاب اسلامی، زبان فارسی به زبان انقلاب اسلامی و زبان انتقال معنویت و عدالت تبدیل شده است. جامعه المصطفی ﷺ بر اساس رسالت اصلی خود زبان فارسی را پیش نیاز رسیدن به اهدافش قرارداده است. جامعه المصطفی ﷺ تجربه‌های ارزشمندی در حوزه ارائه فرهنگ و ادب فارسی دارد و افتخار می‌کند در اختیار دیگر فعالان این حوزه قرار دهد.

جامعه المصطفی ﷺ از مهم‌ترین تحولات حوزه‌های علمیه در بعد بین‌المللی به شمار می‌رود که بیش از سیصد هزار نفر از غیر ایرانیان را با فرهنگ و ادب فارسی آشنا نموده است. امروزه مراکزی هستند که داعیه تولید و ترویج زبان و ادبیات فارسی را دارند؛ ولی هیچ کدام از آن‌ها کارنامه قابل ارائه به اندازه جامعه المصطفی ﷺ در بسط و نشر زبان و ادبیات فارسی ندارند. صدها هزار نفر در دنیا امروز زبان فارسی را از مسیر و از طریق جامعه المصطفی ﷺ آموخته‌اند؛ زبان و ادبیات فارسی علاوه بر اینکه زبان دوم دنیای اسلام است و بخش زیادی از معارف اسلامی در این زبان تولید شده، در این دهه‌های اخیر، زبان گفتمان انقلاب اسلامی است. بسیاری از پیام‌ها و مضمون‌های انقلاب اسلامی به این زبان تعلق دارد. بسیاری از افراد با توجه به علاقه و محبتی که به گفتمان انقلاب اسلامی دارند، در پی یادگیری زبان و ادبیات فارسی هستند تا مستقیماً به کانون این پیام‌ها ارتباط پیدا کنند. امروزه این زبان در سطح دنیا در حال احیا شدن است و این مسئله در واقع حوزه تمدنی اسلامی ایرانی ما را در دنیا گسترش می‌دهد و چنین دستاوردی بسیار حائز اهمیت است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱. انقلاب اسلامی ایران علی‌رغم دشمنی‌های بی‌حد و مرز استکبار جهانی، چله‌ی اول حیات با برکت خود را پشت سر نهاده و وارد گام دوم مسیر رشد و تعالی شده است. پیشبرد اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی در گام دوم، اقتضائات، بایسته‌ها و چالش‌هایی را به همراه دارد که مجموعه‌ی شخصیت‌های فکری و نهادهای مرجع نیز می‌بایست نسبت به

- جریان سازی گفتمانی متناسب با شرایط گام دوم هدف گذاری و برنامه ریزی داشته باشند.
۲. ضرورت گفتمان سازی فرا ملی پیرامون ارزش های انقلاب اسلامی از یک سو، و رسالت جامعه المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عنوان نهاد مرجع در جریان سازی فکری در سطح بین الملل، از دیگر سو، ایجاب می کند که جامعه المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هماهنگ با اصول و بایسته های گام دوم انقلاب اسلامی، نسبت به گسترش و تعمیق گفتمان سازی ها متناسب با مأموریت خود اقدام کند.
۳. جامعه المصطفی نهادی دینی علمی است که علی رغم نوپا بودن، تجربیات ارزشمندی در عرصه ی بین الملل کسب کرده است، ویژگی های یاد شده، این نهاد را به کانون فعالیت های علمی در موضوعات دینی در سطح بین الملل تبدیل کرده است. این ظرفیت بی بدیل، سرمایه بالقوه و فرصت بی نظیری است که تعمیق ارزش های فرا ملی انقلاب اسلامی را به میزان بسیار بالایی ارتقا می بخشد.
۴. تحکیم راهبردی نظام اسلامی در سطح بین الملل و تعمیق ارزش های انقلاب اسلامی در میان ملت های مختلف از مأموریت های اساسی جامعه المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می باشد که پایدارترین روش برای دستیابی به آن، گفتمان سازی و دیپلماسی عمومی است. گفتمان سازی، الزامات و بایسته های ضروری فراوانی دارد که هر یک از آنها نقش تعیین کننده ای در نتیجه بخشی دارند؛ گفتمان سازی با رویکرد تقریبی یکی از این بایسته ها می باشد که زاویه باز کردن از آن می تواند مجموعه فعالیت ها را با آسیب مواجه سازد.
۵. کارآمدی رویکرد آینده پژوهی در حوزه های دانشی و عرصه های فرهنگی و مدیریتی در دهه های اخیر، کاربست آینده پژوهی در تحکیم راهبردی آرمان های انقلاب اسلامی در سطح بین الملل را از ضرورت مضاعفی برخوردار کرده است که کارکرد آن در مواجهه با چالش ها و ترسیم چشم انداز، اهمیت چندگانه ای آن را نمایان می سازد.
۶. موقعیت زبان فارسی به عنوان زبان دوم جهان اسلام و زبان اول انقلاب اسلامی و نیز تجربه موفق جامعه المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در گسترش زبان فارسی، ظرفیت بی بدیلی برای توسعه گفتمانی انقلاب اسلامی فراهم ساخته است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ ق.) تحف العقول، قم، دوم.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۷۸ ش.) اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران، دارالاسوه، چاپ دوم.
۴. ارسطو، (۱۳۶۴ ش.)، سیاست، ترجمه حمید عنایت، تهران، جیبی، چاپ چهارم.
۵. اسکندری، مصطفی، (۱۳۸۱ ش.) بازخوانی اندیشه تقریب، قم، دار الغدیر، چاپ اول.
۶. اسلاتر، ریچارد و همکاران، (۱۳۸۶ ش.) دانش واژه آینده پژوهی، ترجمه: عبدالمجید کرامت زاده و همکاران، تهران، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، چاپ اول.
۷. ایوبی حجت الله، (۱۳۸۰ ش.)، مؤلفه های گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی، فصلنامه پژوهشی انقلاب اسلامی، پیش شماره، بهار ۱۳۸۰.
۸. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نور الله، (۱۴۱۳ ق.)، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء الی الإمام الجواد، قم، چاپ اول.
۹. بشیری، حسین، (۱۳۷۲ ش.) انقلاب و بسیج سیاسی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول.
۱۰. بل، وندل، (۱۳۹۲) مبانی آینده پژوهی، ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق. تهران. مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی
۱۱. جعفریان، رسول، (۱۳۹۳ ش.) جریان ها و سازمان های مذهبی - سیاسی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)، تهران، نشر علم، چاپ دوم.
۱۲. حلوانی، حسین بن محمد، (۱۴۰۸ ق) نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، قم، اول.
۱۳. خامنه ای، سیدعلی، (۱۳۹۷ ش.)، بیانات در اجتماع جهادگران بسیجی در استادیوم آزادی، ۱۳۹۷۰۷۱۲
۱۴. -----، (۱۳۸۹ ش.)، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۹/۱۲/۱۳۸۹
۱۵. -----، (۱۳۹۶ ش.)، بیانات در دیدار با جمعی از طلاب حوزه های علمیه استان تهران؛ ۱۳۹۶/۰۶/۰۶.

۱۶. -----، (۱۳۹۶ش.)، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن،
۰۷/۰۲/۱۳۹۶
۱۷. -----، (۱۳۹۷ش.)، بیانیه در چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۹۷۱۱۲۲
۱۸. -----، (۱۳۹۷ش.)، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در کنگره «نقش شیعه در
پیدایش و گسترش علوم اسلامی، ۱۳۹۷۰۲۲۲
۱۹. خمینی، سیدروح‌الله، (۱۳۷۸ش.) صحیفه امام، مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران،
چاپ اول.
۲۰. -----، (۱۳۶۲ش.) صحیفه نور، وزارت ارشاد، تهران، چاپ اول.
۲۱. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۸۳ش.)، امثال و حکم دهخدا، تهران، امیرکبیر.
۲۲. سازمان مدارس خارج از کشور، (۱۳۸۵ش.)، جزوه آشنایی با سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه
خارج از کشور، قم، سازمان مدارس خارج از کشور.
۲۳. سلیمی، اصغر (۱۳۸۳ش.)، گفتمان در کنديشه فوکو، کیهان فرهنگی، ش ۲۱۹، تهران:
مؤسسه ی کیهان
۲۴. شیلتون، پاول و کریستینا شفتنو، (۱۳۷۷ش.)، «گفتمان و سیاست»، ترجمه مصطفی یونسی،
گفتمان شماره ۲، پاییز ۷۷.
۲۵. شورای عالی انقلاب فرهنگی، (۱۳۸۷ش.) اساسنامه «نهاد علمی و آموزشی جامعه المصطفی
العالمية» (مصوب جلسه ۶۳۵ مورخ ۲۱/۸/۱۳۸۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی).
۲۶. طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ق.)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، چاپ اول.
۲۷. عضدانلو، حمید، (۱۳۷۵ش.)، درآمدی بر گفتمان یا گفتمانی درباره گفتمان، اطلاعات
سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۰۳-۱۰۴
۲۸. فیلیپ، مارک، میشل فوکو، (۱۳۸۱ش.)، ترجمه یعقوب موسوی، فصلنامه سیاسی - اجتماعي
گفتمان، شماره ۵
۲۹. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق.)، بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت، چاپ دوم،
۳۰. مشکینی اردبیلی، علی، (۱۳۸۱ش.)، ترجمه قرآن، قم، نشر الهادی، چاپ دوم.
۳۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۶ش.)، مجموعه آثار، ج ۲۴، تهران، صدرا.

۳۲. -----، (۱۳۹۴ ش.)، مجموعه آثار، ج ۳۰، تهران، صدرا، چاپ اول.
۳۳. -----، (۱۳۷۸ ش.)، پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، تهران.
۳۴. -----، انقلاب اسلامی از دیدگاه فلسفه تاریخ، تهران، صدرا،
۳۵. -----، (۱۳۸۷ ش.)، قیام و انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه از دیدگاه فلسفه تاریخ، تهران، انتشارات صدرا.
۳۶. مک دائل، دایان، (۱۳۷۷ ش.)، مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان تا پایان ۱۹۶۰، ترجمه حسین علی نودری، فصلنامه سیاسی اجتماعی گفتمان، شماره ۲
۳۷. ملکی فر، عقیل و همکاران (۱۳۸۵ ش.)، الفبای آینده پژوهی (علم و هنرکشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا)، تهران، انتشارات کرانه علم.
۳۸. میرفخرایی، تژا، (۱۳۸۳ ش.)، فرایند تحلیل گفتمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها
۳۹. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نرم افزار جامع الاحادیث.
۴۰. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نرم افزار جامع التفاسیر.
۴۱. نویمان، فرانتس، (۱۳۷۳ ش.)، آزادی و قدرت و قانون، گردآوری و پیشگفتار از هربرت مارکوزه، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران، خوارزمی، چاپ اول.
۴۲. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه ای: khamenei.ir